



مجله سیاست دفاعی

نشریه مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)

(شماره استاندارد بین‌المللی ۵۰۸۷-۱۰۲۵)

سال بیست و یکم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۱، شماره پیاپی ۸۱

نشانی: دانشگاه جامع امام حسین (ع) - مرکز مطالعات
دفاعی و امنیت ملی

شماره تماس مستقیم: ۷۷۱۰۵۷۶۵

دورنگار: ۷۷۱۰۵۷۴۷

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۳۴۵۹-۱۶۷۶۵

مرکز فروش: تهران - بزرگراه شهید بابایی - بعد از پل
لشکرک - دانشگاه جامع امام حسین (ع) ساختمان
شهید پروجردی - طبقه دوم - مرکز مطالعات دفاعی
و امنیت ملی

شماره تماس: ۲ - ۷۷۱۰۵۷۴۱

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین (ع)،
مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی

مدیر مسئول: علیرضا فرشچی

سر دبیر: دکتر سید یحیی صفوی

دبیر تحریریه و مدیر داخلی: علی قنبرزاده

حروف چینی و صفحه‌آرایی: محمد حسین سعادت

ناظر چاپ: اندیشه‌گاه علم و صنعت جهان معاصر

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: انتشارات شکیب

قیمت: ۵۰,۰۰۰ ریال

قیمت لوح فشرده: ۲۵,۰۰۰

درجه علمی مجله سیاست دفاعی، طبق نامه شماره ۳/۴۴۲۸۶ و مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۳۰

کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، به عنوان نشریه علمی - پژوهشی،

مورد تأیید قرار گرفته است.

هیأت تحریریه، مشاوران علمی و داوران مجله سیاست دفاعی

(به ترتیب حروف الفبا)

هیأت تحریریه

دکتر سیدیحیی صفوی
(استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

دکتر جهانگیر کرمی
(دانشیار روابط بین الملل، دانشگاه تهران)

دکتر منوچهر محمدی
(دانشیار مطالعات بین الملل، دانشگاه تهران)

دکتر سید باقر میرعباسی
(دانشیار حقوق، دانشگاه تهران)

دکتر سیدجلال دهقانی
(استاد روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر حسین علایی
(دانشیار مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

دکتر علی اکبر احمدیان
(استادیار مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

دکتر محمدحسین افشردی
(دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

دکتر همایون الهی
(استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران)

دکتر حسین حسینی
(استادیار علوم سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

دکتر حسین دهقان
(استادیار مدیریت، دانشگاه مالک اشتر)

دکتر ابراهیم متقی
(استاد روابط بین الملل، دانشگاه تهران)

دکتر محمد ابراهیم سنجقی
(دانشیار مدیریت استراتژیک، دانشگاه مالک اشتر)

هیأت داوران

علیرضا فرشچی
(رییس مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی)

دکتر اصغر قائدان
(استادیار تاریخ، دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

غلامرضا محرابی
(عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

سیدحسین محمدی نجم
(پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

دکتر قدیر نظامی
(استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی)

دکتر حسین اردستانی
(استادیار علوم سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

دکتر سیدعلی حسینی تاش
(استادیار دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

دکتر محسن رضایی
(استادیار اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

اکبر رمضان زاده
(رئیس پژوهشکده عالی جنگ)

دکتر الله مراد سیف
(استادیار اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

دکتر حسین ظریف منش
(فرمانده دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

مشاوران علمی

محمدحسین قنبری چهرمی
(عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

احمد محمدزاده
(مشاور مرکز راهبردی سپاه)

مهدی نطق پور
(عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

دکتر هادی مراد پیری
(عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

سیدکمال الدین محمد رفیعی
(پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

دکتر محمدعلی سبحانی
(عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

احمد غلامپور
(عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع))

شرایط تدوین و ارسال مقاله‌های علمی - پژوهشی برای چاپ در مجله سیاست دفاعی

پژوهشگران گرامی لطفاً هنگام ارسال مقالات به نکات زیر توجه فرمایید:

الف) ملاحظات کلی

- ۱ - مقالات فقط مربوط به حوزه‌های دفاعی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی و در سطوح راهبردی و عملیاتی باشند.
- ۲ - مقاله باید تحقیقی و حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسندگان باشد. مقالات مروری از نویسندگان صاحب‌نظر و حائز اثرات و مقالات پژوهشی در زمینه مورد بحث، به شرطی پذیرفته می‌شود که منابع معتبر و متناهی، مستند تحقیق قرار گرفته باشد.
- ۳ - مقاله ارسالی نباید قبلاً یا هم‌زمان برای چاپ یا ارائه به نشریات دیگر و یا همایش‌ها ارسال شده باشد.
- ۴ - نام نویسنده یا نویسندگان همراه با رتبه علمی، محل اشتغال و نشانی کامل و تلفن تماس همراه مقاله باشد.
- ۵ - نشانی کامل نویسنده عهده‌دار مکاتبات: شامل نشانی پستی، شماره تلفن، شماره دورنگار و نشانی پیام‌نگار (E-Mail) به فارسی و انگلیسی.
- ۷ - چنانچه مخارج مالی تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین شده باشد باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.

ب) ساختار و شکل ارائه مقاله

- ۱ - رعایت ساختار پیشنهادی الزامی است: عنوان، چکیده (حداکثر ۸ سطر)، کلید واژه (حداکثر ۵ واژه)، مقدمه (دربرگیرنده بیان مسأله و ضرورت، سؤال یا فرضیه و روش تحقیق)، چارچوب نظری (تحلیلی)، داده‌ها و مباحث تفصیلی تحقیق، نتیجه‌گیری، چکیده انگلیسی (حداکثر ۲۵۰ کلمه)، کلید واژه انگلیسی (حداکثر ۵ کلمه)، فهرست منابع (منابع لزوماً باید در متن مقاله استفاده شده باشد).
- ۲ - تیترهای اول، دوم و سوم به ترتیب با فونت‌های B Zar Bold ۱۱، ۱۰، ۹ مشخص شده باشد.
- ۳ - متن مقاله حداکثر در ۲۵ صفحه با نرم‌افزار Word 2003 به بالا و قلم B Lotus و فونت ۱۲ و متن انگلیسی با Calibri 10 آماده و ارسال گردد.
- ۴ - مقاله باید سلیس و روان و بدون هیچ‌گونه غلط‌املائی نگارش یابد و از آوردن اصطلاحات خارجی که معادل دقیق و ابلاغ شده فارسی دارد، خودداری گردد. معادل خارجی اسامی و اصطلاحات خارجی در پانویس به صورت اتوماتیک آورده شود و در هر صفحه به‌طور مستقل شماره‌گذاری گردد.
- ۵ - نمودارها، جداول و اشکال با یکی از نرم‌افزارهای Office به زبان فارسی و در اندازه‌های ۸×۱۲ یا ۱۶×۱۲ طراحی شود و اختصارات آنها در پانویس توضیح داده شود. نمودارها، جداول و اشکال باید دارای شماره‌های متوالی باشند و بدون نیاز به مراجعه به توضیحات متن گویا باشند.
- ۶ - تیتر عنوان و نوع قلم مربوط مطابق جدول شماره ۱ که در انتهای این راهنما خواهد آمد، می‌باشد.

ج) روش ارجاع به منابع

۱ - در متن

- ۱-۱ - مأخذ در متن مقاله داخل کمان به صورت (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه)؛ مانند (متقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۵)؛ (Smith, 1990: 23)

۲-۱ - اشاره به منابع دارای چند نویسنده به صورت (نویسنده و همکاران، سال انتشار، شماره صفحه) مانند (متقی زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸)؛ (Smith, et al, 2004: 8)

۳-۱ - اشاره به آدرس‌های اینترنتی به صورت (نام خانوادگی نویسنده / نام مرجع تدوین کننده، سال)
۴-۱ - در تمامی منابع اگر نویسنده دارای دو یا چند منبع در یک سال باشد، پس از ذکر سال لازم است فصل یا ماه نشر اثر آورده شود، مانند (احمدی، پاییز ۱۳۸۸) و (احمدی، بهار ۱۳۸۸)؛ (Digman, Apr 1999) و (Digman, Jan 1999)

۲ - در پایان مقاله

فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا به صورت زیر آورده شود:
۱-۲ - کتاب تألیفی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب، محل نشر، نام ناشر.
۲-۲ - کتاب ترجمه‌ای: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم، محل نشر، نام ناشر.
۳-۲ - مقاله: نام خانوادگی، نام، «عنوان مقاله»، نام مجله، دوره، شماره، شماره صفحات (ابتدا و انتهای مقاله)، سال نشر.
۴-۲ - آدرس اینترنتی: نام خانوادگی، نام و نویسنده و نویسندگان / مرجع تدوین کننده، عنوان مطلب، آدرس صفحه اینترنتی، تاریخ بارگذاری، تاریخ مشاهده.

د) تذکرات

- ۱ - آرا و دیدگاه‌های ارائه شده در مقالات الزاماً بیانگر نظر و دیدگاه مجله نیست.
- ۲ - مسئولیت ناشی از صحت علمی یا دیدگاه‌ها و ارجاعات مندرج در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است.
- ۳ - مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و از بازگرداندن مقالات رد شده معذور است.
- ۴ - دریافت مقاله از سوی مجله الزاماً به معنای پذیرش قطعی آن برای چاپ نیست.

جدول شماره ۱

نوع قلم	عنوان	نوع قلم	عنوان
B Lotus 10 Italic	متن چکیده و کلیدواژگان	B Zar 11 Bold	عنوان مقاله با تیتراژ ۱
B Lotus 9	متن پانویس فارسی	B Zar 10 Bold	عنوان چکیده، کلیدواژگان، مقدمه و ... نتیجه گیری (تیتراژ ۲)
Calibri 8	متن پانویس انگلیسی مانند:	B Zar 9 Bold	عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیتراژ ۲ با تیتراژ ۳
B Lotus 12	متن مقاله	B Lotus 11 Bold	عناوین فرعی زیرمجموعه تیتراژ ۳ با تیتراژ ۴
B Lotus 10	ارجاعات منابع داخل متن به فارسی مانند: (متقی زاده، ۱۳۸۱: ۲۵)	B Lotus 10 Bold	تیتراژ جدول‌ها، نمودارها و عکس‌ها (تیتراژ جدول‌ها و نمودارها باید بالای آنها و تیتراژ شکل‌ها پایین آنها و در وسط ذکر شود).
Calibri 9	ارجاعات منابع داخل متن به انگلیسی مانند: (Smith, 1990: 23)		

کلیه حقوق برای مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه جامع امام حسین (ع) محفوظ است.
نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ آزاد است.

فهرست مطالب

مجله سیاست دفاعی، سال بیست و یکم، شماره ۸۱، زمستان ۱۳۹۱

صفحه

عنوان

مقاله‌ها

- ۹..... گفتمان مبارزه با تروریسم در راهبرد ناتو
/ ابراهیم متقی
/ مرجان کوه خیل
- ۳۳..... سبک فرماندهی در فرهنگ علوی
/ محمدباقر بابایی
- ۶۹..... بررسی نقش رهبری و فرماندهی نظامی در دفاع مقدس و جنگ آینده از منظر فرماندهان عالی جنگ
/ مصطفی خودسیانی
/ هادی مراد پیری
/ اسماعیل خان احمدی
- ۱۰۹..... طراحی الگوی توسعه‌ی آموزش عالی ایران در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور با تمرکز بر نگرش امنیتی - سیاسی
/ محمدرضا مردانی
- ۱۴۳..... تحلیل سازه‌انگاره‌ی سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی
/ محمدنبی آفاتقی
- تبیین اولویت‌های تهدید هوایماهای شکاری بمب‌افکن آمریکا در جنگ آینده مبتنی بر تکنیک رجحان ترتیبی و نظریه‌ی فلج‌سازی جان بوید
/ سعید کافی
- ۱۷۹..... به‌کارگیری مدلی ریاضی برای انتخاب راهبرد بهینه‌ی نظامی
/ میلاد آفایی

چکیده انگلیسی

/ سید سعادت حسینی دمایی

سخن سردبیر

بسیار مایه‌ی شکر و امتنان است که توانسته‌ایم به حول و قوه‌ی الهی و با همکاری بسیاری از متخصصین و نخبگان کشور طی سالیان گذشته نشریه‌ای صاحب نام و مورد رجوع به دانش پژوهان و صاحب‌نظران در حوزه‌ی دفاع و امنیت ملی ارائه نماییم و با تعامل مؤثر و همیشگی این بزرگواران گام‌هایی بلند در پیمایش راه طولانی و بسیار مهم و حساس حوزه‌ی دفاع و امنیت برداریم.

رویکرد مجله‌ی سیاست دفاعی همواره بر استناد علمی و غنای محتوایی مقالات و تکرر مشارکت همه‌ی صاحب‌نظران بوده است. حوزه‌ی دفاعی - امنیتی اخیر در ابعاد منطقه‌ای و جهانی دچار تغییرات عمیق و در عین حال پرشتابی گردیده است و این امر صاحب‌نظران این حوزه را با پدیده‌های متفاوت و بعضاً جدیدی روبه‌رو ساخته است. تغییر نوع جنگ با افزایش سطح کیفی سلاح‌های هوشمند و پرهیز از تحمیل و تحمل افزایش تلفات جانی و خسارات مالی، تمرکز بر حمله به مراکز فرماندهی و تغییر ماهیت و فضای جنگ‌ها از جنگ خطی به غیرخطی و نقش بارز لجستیک و رهبری در جابه‌جایی نیرو و تجهیزات، تعیین و تبیین راهبرد بهینه‌ی نظامی با ابتنای بر روش‌های علم ریاضی، از الزامات اساسی در حوزه‌ی مطالعات دفاعی است. در این رابطه باید توجه داشت که سرعت سیر تحولات منطقه‌ای و جهانی در مقوله دفاعی امنیتی، اندیشمندان این حوزه را با دو رویکرد: الف: ژرف‌نگری؛ ب: تحلیل و پاسخگویی به موقع روبه‌رو ساخته است، که این دو ماهیتاً با هم نسبت معکوس دارند. بنابراین، به‌منظور حصول دستاوردهای دقیق منطقی و منطبق با واقعیت در گام اول ناگزیر از اولویت‌دهی به موضوعات مهم‌تر از بین مجموعه رویدادهای متکثر و متنوع می‌باشیم. در مرحله‌ی بعد نیز، ضروری است بر موضوعات منتخب متمرکز شویم، در این شماره مبارزه با تروریسم در گفتمان ناتو، تحلیل سازه‌انگاران‌هی سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم

صهیونیستی و تبیین اولویت‌های تهدید هواپیماهای شکاری بمب‌افکن در جنگ آینده بخشی از موضوعات و پدیده‌های روز می‌باشند که مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بررسی نظری مولفه‌های حوزه‌ی دفاع و امنیت بخش دیگری از مسئولیت مجله‌ی سیاست دفاعی است که در این ارتباط الگوی توسعه‌ی آموزش عالی با تمرکز بر نگرش امنیتی سیاسی، سبک فرماندهی در فرهنگ علوی، به‌کارگیری مدلی ریاضی برای انتخاب راهبرد بهینه‌ی نظامی و نقش فرماندهی در دفاع مقدس و جنگ آینده مورد بررسی و مذاقّه قرار گرفته‌اند. با تشکر از همه‌ی دست‌اندرکاران و همکاران، عمیقاً بر این باوریم که تعامل اندیشمندان هم‌چون گذشته از مهم‌ترین و کارآمدترین سرمایه‌های مجله‌ی سیاست دفاعی در ایصال به اهداف فوق می‌باشد.

دکتر سیدیحیی صفوی

زمستان ۱۳۹۱

دانشگاه جامع امام حسین^(ع)

گفتمان مبارزه با تروریسم در راهبرد ناتو

ابراهیم متقی^۱

مرجان کوهخیل^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۷/۲۴

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۱۵

صفحات مقاله: ۹ - ۳۲

چکیده:

در دوران بعد از جنگ سرد، شکل جدیدی از الگوهای تعامل و کنش امنیتی بین بازیگران شکل گرفته است. ایالات متحده به همراه کشورهای اروپای غربی بعد از ناکارآمدسازی تهدید کمونیسم و اتحاد شوروی، تلاش دارند تا جلوه‌های دیگری از تهدید را در قالب گفتمان‌سازی مقابله با تروریسم تولید نموده و زمینه‌های مقابله با چنین تهدیداتی را فراهم آورند. برخی از بازیگرانی که در دوران جنگ سرد در ائتلاف با ایالات متحده و تعارض با اهداف راهبردی اتحاد شوروی بودند، در دوران جدید به اتخاذ رویکردهای انتقادی نسبت به اهداف راهبردی و منطقه‌ای ایالات متحده مبادرت نمودند.

چنین فرآیندی نشان می‌دهد که در سیاست بین‌الملل، تهدیدات و همکاری‌ها ماهیت مرحله‌ای و تغییرپذیر دارند. متحدان امریکا در دوران جنگ سرد که به‌عنوان مجاهدین آزادی تلقی می‌شدند، در دوران جدید با مفاهیمی از جمله تروریسم مورد خطاب قرار گرفتند. تهدیدات دیگری نیز مورد توجه ایالات متحده قرار گرفت. گروه‌های ناسیونالیستی، گروه‌های رادیکال در خاورمیانه و برخی از کشورهای اقتدارگرا در زمره‌ی تهدیدات امنیتی امریکا و ناتو در قالب گفتمان تروریسم واقع شدند.

به این ترتیب گفتمان مبارزه با تروریسم بخشی از راهبرد امنیتی امریکا تلقی شده، زیربنای ایدئولوژیک و گفتمانی ناتو برای انجام عملیات نظامی در حوزه‌های مختلف جغرافیایی را به‌وجود آورد. در این مقاله فرآیند برگزاری اجلاس‌های سالیانه‌ی ناتو که در ارتباط با تولید گفتمان و ضرورت‌های مقابله با تروریسم بوده مورد بررسی قرار گرفته و به موازات آن چگونگی به‌کارگیری قدرت نظامی ناتو در مناطق بحرانی و براساس گفتمان مبارزه با تروریسم تبیین می‌شود.

* * * * *

۱ - استاد دانشگاه تهران.

۲ - کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران.

واژگان کلیدی

گفتمان تروریسم، چندجانبه گرایی، گسترش دموکراسی، کاربرد نیروی نظامی، ایساف، اجلاس‌های بن، اجلاس‌های

پراگ، اجلاس‌های مادرید.

مقدمه

نظریه پردازان امنیت در ایالات متحده و کشورهای اروپایی در دهه‌ی ۱۹۹۰ از انگیزه‌ی قابل توجهی برای طرح موضوعات جدید در برنامه‌ریزی امنیتی ایالات متحده برخوردار بودند. تبیین رهیافت‌های مکتب انتقادی را می‌توان تلاشی برای پاسخگویی به ضرورت‌های امنیت راهبردی امریکا در دوران بعد از جنگ سرد دانست. به عبارت دیگر، نظریه‌پردازی در ایالات متحده واکنشی نسبت به شرایط بحرانی در محیط امنیت ملی، منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شود. هدف نظریه‌پردازان آن است که شکل جدیدی از ضرورت‌های امنیت بین‌الملل را سازماندهی نمایند. در این مقاله، گفتمان رویارویی با تروریسم را می‌توان به عنوان محور اصلی نظریه‌پردازی در امریکا دانست. این رویکرد به عنوان کنش عملیاتی ناتو در حوزه‌های مختلف جغرافیایی محسوب می‌شود.

بیان مسأله

مبارزه با تروریسم بر اساس ضرورت‌های ژئوپلیتیکی ایالات متحده و پیمان آتلانتیک شمالی در دوران بعد از جنگ سرد تبیین گردیده است. به کارگیری نیروی نظامی در چارچوب ناتو را می‌توان در سه مرحله از یکدیگر تفکیک نمود. در مرحله‌ی اول، راهبرد عملیاتی ناتو در مقابله با ناسیونالیست‌های افراطی در بالکان و در قالب مداخلات به اصطلاح انسان‌دوستانه انجام گرفته است. در مرحله دوم، چنین اقداماتی در چارچوب مقابله با تروریسم سازماندهی شده است. اجلاس‌های بن و پراگ را می‌توان سرآغاز اجرای راهبرد عملیاتی جدید دانست. در مرحله سوم، مقابله با کشورهای اقتدارگرا در دستور کار فرماندهی نظامی و امنیتی ناتو قرار گرفته است.

ایالات متحده تلاش داشت تا نیروهای خود را برای مقابله با تهدیدات عصر جدید مورد استفاده قرار دهد. نیروهای نظامی امریکا در سال ۱۹۹۴ وارد سومالی شدند. انجام این گونه اقدامات براساس مفاهیم مربوط به مداخلات بشردوستانه مورد استفاده قرار گرفت. در این مقطع زمانی نشانه‌هایی از بحران، جنگ منطقه‌ای، رویارویی‌های قومی و بحران امنیتی در کشورهای گرجستان، ارمنستان، آذربایجان و منطقه بالکان در حال شکل‌گیری بود. مناقشات خونین در کرواسی، بوسنی و کوزوو نمادی از بحران‌های منطقه‌ای محسوب می‌شد که اگر کنترل نمی‌شد، مخاطرات امنیتی قابل توجهی را برای کشورهای مختلف به وجود می‌آورد.

سؤالات پژوهش

سؤالات متفاوتی در ارتباط با علل تبیین گفتمان تروریسم در راهبرد امنیتی ناتو وجود دارد. لازم است تا در این مقاله چرایی و چگونگی تبیین گفتمان تروریسم و کاربرد آن در سیاست امنیتی ناتو مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، سؤال اصلی مقاله آن است که گفتمان تروریسم در راهبرد ناتو به چه دلایلی شکل گرفته و در چه فرایندی به مرحله اجرا درآمده است؟

فرضیه‌ی پژوهش

ضرورت‌های ژئوپلیتیکی را می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین دلیل تولید گفتمان تروریسم در راهبرد امنیتی امریکا و ناتو دانست. به‌عبارت دیگر، مقابله با تهدیدات کم‌شدت در مناطق پیرامونی زمینه‌های لازم برای تبیین و کاربرد گفتمان تروریسم در راهبرد عملیاتی و امنیتی ناتو را به‌وجود آورده است.

چارچوب نظری پژوهش

تحولات سال‌های بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، نشان می‌داد که خوش‌بینی راهبردی نسبت به ایده‌ی نظم نوین جهانی به‌گونه‌ای تدریجی کارکرد خود را از دست داده است. در این شرایط، تعبیر و تفاسیر بدبینانه جایگزین رویکرد خوش‌بینانه نظم نوین جهانی شده است. در این رابطه، برژینسکی ایده‌ی «جهانی در آشفتگی دایم»^۱ را مطرح ساخت. لوکاس نیز

1 - A World in Penpetual Turmoil

پیش‌بینی نمود که نظام بین‌الملل تحت حاکمیت «ملی‌گرایی ناسازگار و پرتنش»^۱ قرار خواهد گرفت. علاوه بر آن ساموئل هانتینگتون نیز آینده‌ای از کشمکش‌های خونبار جهانی میان تمدن‌ها و فرهنگ‌های تاریخی بزرگ را در چارچوب نظریه‌ی «برخورد تمدن‌ها»^۲ تبیین نمود. رابرت کاپلان نیز موضوع «آشوب جهانی»^۳ را مورد پردازش قرار داد.

نشانه‌های جدیدی از ناامنی، بی‌ثباتی، بحران و درگیری‌های خشونت‌آمیز در حوزه‌های مختلف جغرافیایی مشاهده می‌شد. هر یک از نظریه‌پردازان امریکایی مبانی تحلیل خود را براساس این رویکرد تنظیم می‌کنند که فرایندهای بحرانی چه تأثیری بر شکل‌بندی‌های قدرت و امنیت در ایالات متحده خواهد داشت. سائول کوهن ویژگی‌های ژئوپلیتیکی نظام جهانی را که زمینه‌ساز شکل‌گیری تروریسم و بحران بین‌المللی می‌شود، براساس نتایج ناشی از آشفته‌گی‌های سیاسی و جنگ‌های منطقه‌ای تبیین می‌کند. در این مقاله از رهیافت ژئوپلیتیک نظام جهانی سائول کوهن در تبیین علل سازماندهی گفتمان مبارزه با تروریسم استفاده می‌شود. کوهن در تبیین شکل‌بندی‌های ژئوپلیتیکی سیاست بین‌الملل بعد از جنگ سرد، به این موضوع اشاره می‌کند که: «تحولات دهه‌ی ۹۰ نشان می‌دهد که هیچ‌یک از برداشت‌های خوش‌بینانه و بدبینانه از نقشه‌ی ژئوپلیتیکی جهان در دست نبوده است، در واقع، آشفته‌گی‌هایی در نتیجه‌ی تغییرات عمیق در نظام بین‌الملل وجود داشته است. این آشفته‌گی‌ها به استثنای جنگ خلیج فارس و تروریسم جهانی، محدود به مناطقی بوده‌اند که در ابتدا تهدیدی برای ثبات جهانی محسوب نمی‌شدند. جهانی شدن و منطقه‌ای شدن از جمله عناصر مهم تغییر ژئوپلیتیکی جهان پس از جنگ سرد محسوب می‌شوند... انقلاب اطلاعات، افق‌های فردی را گسترش داده و مقابله با ساختار را آسان‌تر ساخته است. برخی از همین عوامل جنبه‌های منفی نیز داشته‌اند. نظام باز، کنترل قاچاق تسلیحات، مواد مخدر و اشاعه‌ی تروریسم بین‌المللی را دشوار ساخته بود... جهانی شدن سریع فرهنگ، شکاف‌ها در جوامع سنتی را تعمیق نموده و

1 - Intransigent Nationalism

2 - Clash of Civilization

3 - Global Chaos

گسترش بنیادگرایی اسلامی در کشورهای نظیر ترکیه، مصر، افغانستان، پاکستان، کشورهای آسیای مرکزی، نیجریه، فیلیپین و اندونزی را به‌وجود آورده است» (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۸۲).

فرایند اهمیت‌یابی مبارزه با تروریسم در راهبرد امنیتی ناتو

حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر نقطه‌ی عطفی در کاربرد رویکرد امنیتی بدبینانه در ارتباط با موضوعات تروریستی محسوب می‌شود. سودمندی وجود آب‌های اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام که آمریکا را احاطه کرده بود، بعد از اقدامات مربوط به حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر کارکرد امنیتی خود را از دست داد. اگرچه انگلیس در سال ۱۸۱۲ اولین کشوری بود که به جغرافیای سرزمینی آمریکا حمله‌ی نظامی نمود، اما در حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، تأسیسات امریکایی از درون مورد تهدید قرار گرفت. در چنین شرایطی است که پیمان آتلانتیک شمالی از سال ۲۰۰۱ به بعد در صدد برآمد تا موضوع تروریسم را در ارتباط با رهیافت‌های امنیتی خود مورد توجه قرار دهد (قائدی، ۱۳۸۲: ۲۱۱).

لازم به توضیح است که قانون ضد تروریسم در سال ۱۹۹۶ در ایالات متحده به تصویب رسید. بر اساس قانون ضد تروریسم، مقرر گردید تا وزارت امور خارجه‌ی آمریکا در هر سال کشورهای حامی الگوهای کنش تروریستی در جهان را معرفی نماید. در سال ۲۰۰۰، بیست و نه سازمان تروریستی توسط وزارت امور خارجه آمریکا شناسایی شدند. در این گزارش تأکید شده بود که القاعده مرگبارترین سازمان تروریستی است که در سطح جهان دارای شبکه‌ی عملیاتی می‌باشد. سازمانی که توسط عربستان سعودی سازماندهی شده و برای اهداف راهبردی آن کشور در خاورمیانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مقابله با تروریسم به‌عنوان یکی از ضرورت‌های راهبردی پیمان آتلانتیک شمالی مورد توجه قرار گرفت. درباره‌ی مبارزه با تروریسم در اندیشه‌ی سازمانی و تحلیل‌گران امنیتی کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی، رویکردهای مختلفی وجود دارد. کشورهای عضو ناتو از سال ۲۰۰۱، ضرورت جنگ با تروریسم را در دستور کار سازمانی خود قرار دادند. چنین

رویکردی را می‌توان در اجلاس‌های مختلف سازمان پیمان آتلانتیک شمالی مورد توجه قرار داد (Master, 2001: 73).

در چنین شرایطی، زمینه برای انجام تغییرات بنیادین در روابط کشورهای ایجاد شد که در زمره‌ی رقبای راهبردی دوران جنگ سرد بودند. متحدان سیاست خارجی و امنیتی آمریکا در دهه‌ی ۱۹۸۰ به گونه‌ای تدریجی تبدیل به نیروهای معارض گردیدند. نیروهایی که از آنان به عنوان تروریسم نام برده می‌شد. در نتیجه‌ی چنین فرایندی تلاش آمریکا برای متقاعدسازی اعضای ناتو در تشکیل ائتلاف مبارزه با تروریسم در سال‌های اخیر نه تنها موجب کاهش اختلافات میان اعضا در درون این سازمان شده است، بلکه سایر قدرت‌های بزرگ - نظیر چین و روسیه - را نیز به همراهی با این پیمان واداشته است. همکاری‌های امنیتی می‌بایست در راستای قالب‌های گفتمانی مشترک انجام پذیرد. تروریسم به عنوان نماد تهدید راهبردی آمریکا و سایر کشورهای شرکت‌کننده در پیمان آتلانتیک شمالی محسوب می‌شد.

مبارزه با تروریسم محور اصلی تلاش برای سازماندهی شکل جدیدی از رقابت‌های بین‌المللی محسوب می‌شد. رقابت‌های بین‌المللی در دوران بعد از جنگ سرد معطوف به انتقاد از هژمونی ایالات متحده بود. از آنجایی که کشورهای اروپایی، روسیه و چین با مفاهیم مربوط به عقلانیت راهبردی آشنایی داشتند، تلاش چندانی برای مقابله با ایالات متحده و رویکرد هژمونیک آن کشور در حوزه‌های مختلف بین‌المللی به انجام نمی‌رساندند (رحمانی، ۱۳۷۸: ۶۱).

راهبردهای اجرایی مبارزه با تروریسم در اجلاس‌های سالیانه‌ی ناتو

اهمیت‌یابی مبارزه با تروریسم در راهبرد امنیتی آمریکا مربوط به رویکرد رهبران ایالات متحده به خصوص جورج بوش، دیک چنی و دونالد رامسفلد در ضرورت مقابله با تروریسم است. در این دوران تاریخی ادبیات جدیدی در قالب «پادتروریسم»^۱ ارائه شد. این گونه مفاهیم و ادبیات به معنای به‌کارگیری اقدامات دفاعی - امنیتی مؤثر برای مقابله با نشانه‌های تهدید

می‌باشد. ضرورت مقابله با تروریسم در راهبرد امنیتی امریکا و پیمان آتلانتیک شمالی در قالب «جنگ پیش‌دستانه»^۱ تبیین گردید.

جنگ پیش‌دستانه به مفهوم مقابله با نشانه‌های تهدید امنیتی برای حفاظت از امنیت ساختمان‌های اداری، پایگاه‌های نظامی، سفارتخانه‌ها، تأسیسات راهبردی و محیط زندگی اجتماعی شهروندان امریکا و متحدان آن محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، نظریه‌پردازان جنگ پیش‌دستانه تلاش داشتند تا فرایندی را مورد پیگیری قرار دهند که زمینه‌های لازم برای مقابله با تهدیدات از طریق اقداماتی از جمله بازرسی‌های چندلایه را فراهم آورند (Brady, 2009: 13).

راهبرد مقابله با تروریسم در افغانستان

واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و اقدامات ناتو در افغانستان برای مقابله با تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی، مرحله‌ی جدیدی از اجرای مأموریت‌های جدید ناتو و توسعه‌ی اختیارات این سازمان است و این پیمان تدافعی را تبدیل به پیمان واکنش سریع کرده است. ناتو با توسل به سلسله اقدامات تهاجمی در افغانستان با عنوان «مقابله با تروریسم»، به ظاهر براساس ماده‌ی ۵ اساسنامه‌ی خود عمل کرده است.

در این راستا، هنگامی که در هفتم اکتبر سال ۲۰۰۱ حمله‌ی امریکا و انگلیس به افغانستان در قالب مبارزه با گروه تروریستی القاعده آغاز شد، اعضای ناتو حمایت کامل خود را از این اقدام ابراز داشتند. همچنین هواپیماهای آواکس و موشک‌های کروز این سازمان به منظور مشارکت در عملیات ضدتروریستی در افغانستان، در اختیار ایالات متحده قرار گرفت (Leo, 2006: 92).

اجلاس‌های بین و اجماع ناتو در عملیات افغانستان (سازماندهی ایساف)

به دنبال خاتمه‌ی جنگ در افغانستان، نیروی بین‌المللی برقرارکننده‌ی ثبات در افغانستان^۲ (متشکل از نیروهای کشورهای مختلف عضو این سازمان) با هدف کنترل اوضاع و حفظ امنیت، در آن کشور مستقر شدند.

وظایف اصلی و اعلام شده نیروهای ایساف در ۸ بند خلاصه می‌شد:

1 - Pre-emptive War

2- International Stabilization Force In Afghanistan (ISAF)

- ۱) کمک به دولت افغانستان به منظور اعمال حاکمیت خود در سراسر سرزمین افغانستان؛
- ۲) انجام عملیات برقراری ثبات و امنیت از طریق همکاری با نیروهای امنیت ملی افغانستان؛
- ۳) کمک به دولت افغان در انجام فرایند اصلاحات در بخش امنیتی؛
- ۴) آموزش و تقویت ارتش ملی افغانستان؛
- ۵) کمک به دولت افغانستان برای اجرای برنامه خلع سلاح گروه‌های غیرقانونی مسلح؛
- ۶) کمک به دولت افغانستان برای کنترل تولید و قاچاق مواد مخدر؛
- ۷) ارسال کمک‌های بشردوستانه برای مردم افغان؛
- ۸) تشکیل و تقویت پلیس افغانستان.

([http://www.nato.int/docu/basicxt/b56\(213a.htm\)](http://www.nato.int/docu/basicxt/b56(213a.htm)))

باید توجه داشت که ایساف نخستین عملیات خارج از حوزه‌ی جغرافیایی اروپا-آتلانتیک پیمان آتلانتیک شمالی بود و برای نخستین بار در طول حیات ۵۴ ساله‌ی خود در چنین عملیاتی شرکت می‌جست. نظر به اهمیت اجرای این عملیات، در می ۲۰۰۳ برای نخستین بار، ۱۹ کشور عضو ناتو به مسکو رفته و در شورای روسیه - ناتو برای بررسی وضعیت افغانستان شرکت کردند. لرد رابرتسون دبیر کل وقت ناتو نیز به روشنی اعلام داشت: «در صورتی که مأموریت ما در افغانستان شکست بخورد، آشوب گسترده‌ای منطقه را فرا می‌گیرد، لذا ما مجبور به پیروزی هستیم» (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۸۷).

ایساف همچنین توافق‌نامه‌ای با تاجیکستان در زمینه‌ی حمایت این کشور از عملیات ایساف در مبارزه با مواد مخدر و نیز برقراری امنیت در افغانستان به امضا رسانید. این نهاد در اواخر سال ۲۰۰۴ رسماً اعلام کرد که تا سال ۲۰۰۷ همچنان به حضور خود در افغانستان ادامه خواهد داد. به این ترتیب، از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ چند تحول عمده در مأموریت ایساف به وقوع پیوست؛ نخست آن که مدت زمان حضور ایساف در افغانستان افزایش یافت. دوم آن که، حوزه‌ی عملیات آن از کابل شروع شده و بیش از ۷۰ درصد خاک افغانستان را در بر گرفته است و سوم آن که، تعداد نیروهای ایساف از ۵۵۳۷ نفر در سال ۲۰۰۳ به نزدیک ۳۰ هزار نفر در ابتدای سال ۲۰۰۷ رسید که مرکب از نفراتی از ۳۷ کشور عضو و غیر عضو ناتو بودند.

ایساف همچنین توانسته موافقت سازمان ملل متحد، اتحادیه‌ی اروپایی و گروه هشت کشور صنعتی جهان (GB) را برای همکاری باخود جلب نماید (Afrasiabi, 2004: 74).

مقابله با شبکه‌های تروریستی (اجلاس‌یه‌ی پراگ ۲۰۰۲)

اجلاس‌یه‌ی پراگ بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر شکل گرفت. به عبارت دیگر، اجلاس‌یه‌ی پراگ را می‌توان اولین گردهمایی رهبران عضو پیمان آتلانتیک شمالی دانست که برای مقابله با شبکه‌های تروریستی در جمهوری چک تشکیل گردید. اصلی‌ترین موضوع اجلاس‌یه‌ی پراگ را می‌توان تبیین الگوهای کنش امنیتی - دفاعی دانست که حفاظت از کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی را در برابر تهدیدات کم‌شدت و فراگیر به انجام می‌رساند. به این ترتیب، موضوعاتی در اجلاس‌یه‌ی پراگ مورد بررسی و تصمیم‌گیری امنیتی قرار گرفت که ماهیت فراگیر و به هم پیوسته امنیت اعضای ناتو در سال‌های بعد از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر را منعکس می‌ساخت. در اجلاس‌یه‌ی پراگ، کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی در صدد برآمدند تا از گزینه‌های تهاجمی برای مقابله با تهدیدات احتمالی استفاده نمایند. رهبران عضو ناتو در اجلاس‌یه‌ی پراگ بر این موضوع تأکید داشتند که موضع‌گیری تهاجمی بدین معناست که ابتکار عمل را در اختیار گروه‌های تروریستی قرار ندهیم. آنان بر این اعتقاد بودند که عقلانیت راهبردی ایجاب می‌کند که مقابله با تروریسم در چارچوب فرایندهای چندجانبه سازماندهی شود. این امر به مفهوم آن است که در نگرش شبکه‌ای به اقدامات آفندی در قالب گفتمان تروریسم، لازم بود تا همکاری‌های چندجانبه بین کشورهای عضو برای تبادل اطلاعات از اقدامات تروریستی شبکه‌های مختلف انجام پذیرد (Biddle, 2002: 92).

دو موضوع دیگر در اجلاس‌یه‌ی پراگ مورد توجه رهبران کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی قرار گرفت. مقابله با دسترسی شبکه‌های تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی به‌عنوان اولین ضرورت امنیتی تمامی کشورها مورد توجه قرار گرفت. نکته‌ی دوم را باید در کنترل تأسیسات انرژی و آبراه‌های بین‌المللی دانست. حفاظت از انرژی به‌عنوان ضرورت نظام سرمایه‌داری تلقی می‌شود. به همین دلیل است که رهبران ناتو در اجلاس‌یه‌ی پراگ بر ضرورت برنامه‌ریزی جهت کنترل تأسیسات انرژی تأکید نمودند.

تأثیر نشست استانبول ۲۰۰۴ بر چندجانبه‌گرایی ناتو در مقابله با تروریسم

روند گسترش ناتو به شرق در سال‌های قرن ۲۱ به حوزه‌ی مدیترانه شرقی نیز گسترش یافت. مدیترانه‌ی شرقی مرز منطقه‌ای اروپا - خاورمیانه محسوب می‌شود. اجلاس‌های استانبول از این جهت اهمیت دارد که زمینه برای مشارکت کشورهای خاورمیانه برای مقابله با تروریسم در دستور کار قرار گرفت. از سوی دیگر، در اجلاس‌های استانبول موضوع مربوط به پیوند سطوح مختلف امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شد. این نگرش براساس ذهنیت کل‌گرا نسبت به فرایندهای امنیتی شکل گرفته است (www.hillnoonan.htm).

در واقع، شکل‌گیری نقش ناتو در «طرح خاورمیانه‌ی بزرگ» با واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و متعاقب آن حمله به عراق آغاز گردید و در سال ۲۰۰۴ در قالب ابتکار همکاری استانبول (ICI) شکل رسمی‌تری به خود گرفت. ابتکار همکاری استانبول که در مارس ۲۰۰۴ در نشست ناتو در استانبول ارائه گردید، کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه‌ی بزرگ، به‌ویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را به همکاری عملی با ناتو دعوت می‌کند.

وظیفه‌ی جدید ناتو در چارچوب ابتکار استانبول معنا پیدا می‌کند. به‌عبارت دیگر اگر خاورمیانه در نگرش امریکا و کشورهای اروپایی به‌عنوان محور اصلی تروریسم محسوب می‌شود، بنابراین برای مقابله با شکل‌بندی‌های کنش تروریستی لازم است تا کشورهای منطقه‌ای نیز درگیر شکل‌بندی‌های مبارزه با تروریسم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی گردد. به همین دلیل است که در اجلاس‌های استانبول، ساز و کارهای مقابله با تروریسم در خاورمیانه مورد توجه اعضای ناتو قرار گرفت. این امر زمینه‌ی کنش فراگیر ناتو در خاورمیانه را به‌وجود آورد (www.wmdcommission.org).

رویکرد کشورهای شرکت‌کننده در ابتکار استانبول ۲۰۰۴ از این جهت اهمیت دارد که همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در راستای اهداف راهبردی امریکا و پیمان آتلانتیک شمالی پیوند می‌دهد. در یکی از بندهای بیانی‌های استانبول در این زمینه آمده است: «ما امروز همچنین تصمیم داریم پیشنهاد همکاری بیشتر با منطقه‌ی خاورمیانه‌ی بزرگ‌تری را در قالب «ابتکار همکاری استانبول» مطرح کنیم. این ابتکار برای افزایش همکاری با کشورهای منطقه،

به‌ویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و افزایش امنیت و ثبات منطقه‌ای، از سوی ناتو پیشنهاد شده است. این ابتکار بر همکاری عملی ناتو برای انجام اصلاحات در بخش‌های دفاعی و امنیتی تمرکز دارد. این ابتکار تمایز ویژه‌ای از سایر ابتکارات با حضور سایر بازیگران بین‌المللی دارد» (Bot, 2006: 42).

از جمله اهدافی که رهبران کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی در ابتکار همکاری استانبول ۲۰۰۴ مورد تأکید قرار دادند، می‌توان به اقداماتی اشاره داشت که معطوف به شناسایی و مقابله با خطرهایی باشد که کشورهای مورد نظر در منطقه‌ی خاورمیانه بزرگ را تهدید می‌کند. برای مقابله با چنین تهدیداتی، ساز و کارهایی از اهمیتی بیشتری برخوردار شدند که ماهیت چندجانبه، فراگیر، منطقه‌ای - بین‌المللی و دسته‌جمعی داشته باشند. از جمله‌ی این سازوکارها می‌توان به انجام اقداماتی از جمله گزینه‌های محدودکننده، بازدارنده و مقابله‌جویانه ذیل اشاره داشت:

- مقابله با تروریسم؛
- مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی؛
- همکاری در امور امنیت مرزی به منظور مبارزه با قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و انسان؛
- تهیه برنامه‌های مشترک جهت مقابله با مصائب بزرگ و شرایط اضطراری؛
- آموزش‌های نظامی و امنیتی؛
- شرکت در تمرین‌های ناتو؛
- ارائه‌ی خدمات و کمک‌های فنی برای انجام اصلاحات در سیستم‌های نظامی و مناسبات نظامی مدنی؛
- هماهنگ‌سازی سیستم‌ها و تجهیزات نظامی به منظور حذف ناسازگاری‌ها و تسهیل اقدامات مشترک (Kujat, 2003: 17).

اجلاس‌های منطقه‌ای ناتو در توجیه گفتمان تروریسم

اجلاس‌های ابتکار مشارکت استانبول، زمینه‌های لازم برای برگزاری اجلاس‌های فرعی در سطح منطقه‌ای را به‌وجود آورد. در راستای تحقق چنین اهدافی، در مارس ۲۰۰۵ کنفرانس ناتو

و خاورمیانه‌ی بزرگ تشکیل شد. کنفرانس ناتو - خاورمیانه برای نخستین بار، بر لزوم نزدیکی ناتو با کشورهای همکاری خلیج فارس تأکید داشت. در این نشست، از نمایندگان کشورهای کویت، بحرین و قطر نیز جهت حضور و اعلام نظر دعوت به عمل آمده بود.

برگزاری اجلاس‌های منطقه‌ای همانند اجلاس‌های ناتو - خاورمیانه نشان می‌دهد که روند گسترش ناتو معطوف به حوزه‌های جغرافیایی است که زمینه‌های مقابله با تهدیدات هویتی و راهبردی را امکان‌پذیر می‌سازد. در واقع، ناتو تلاش‌های خود را برای تکرار برنامه‌ای مشابه طرح «گفتگوهای مدیترانه‌ای» در نقطه‌ای دیگر از جهان آغاز کرده بود. چندی بعد، امارات متحده‌ی عربی نیز در ژوئن ۲۰۰۵ آمادگی خود را برای آغاز گفتگوها با ناتو که از طرح «ابتکار همکاری استانبول» در سال ۲۰۰۴ سرچشمه گرفته بود، اعلام کرد (Rynning, 2007: 14).

یکی دیگر از دستاوردهای نشست استانبول در سال ۲۰۰۴، تأکید کشورهای عضو بر لزوم تمرکز هر چه بیشتر بر مسائل منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز بود. به همین دلیل، در سپتامبر ۲۰۰۴ رابرت سیمونز به‌عنوان نماینده‌ی ویژه دبیرکل ناتو در امور آسیای مرکزی و قفقاز معرفی شد. همان‌طور که گفته شد، مهم‌ترین موضوعات مورد علاقه‌ی این پیمان در مذاکره با مقامات کشورهای مذکور، گفتگو در زمینه‌ی مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر، حل و فصل بحران افغانستان و اصلاح ساختار دفاعی در این کشورها بوده است (تائب، ۱۳۸۱).

در این زمان ناتو با تأکید بر شعار «تهدید، مرز نمی‌شناسد» بر لزوم افزایش همکاری‌های بین‌المللی بین منطقه‌ای میان کشورهای مختلف برای تأمین امنیت کشوری و جهانی تأکید داشته است. این سازمان همچنین از کشورهای منطقه دعوت کرد تا در قالب «طرح مشارکت برای صلح» و یا نیروهای ایساف، به همکاری با اعضای پیمان آتلانتیک شمالی برای برقراری ثبات و امنیت در افغانستان بپردازند. در بندی از بیانیه‌ی نشست استانبول در زمینه‌ی ارتباط ناتو با منطقه‌ی اوراسیا آمده است:

«با افزایش میزان مشارکت اروپا - آتلانتیک، ما تمرکز ویژه‌ی خود را بر روی منطقه راهبردی و پر اهمیت آسیای مرکزی و قفقاز قرار می‌دهیم. در این راستا، اعضای ناتو توافق نموده‌اند که ترتیبات نظامی خود شامل دو گروه افسران و نیز تعداد نفرات بین‌المللی از دو

حوزه‌ی اروپا - آتلانتیک را در این منطقه افزایش دهند. ما از تصمیم گرجستان، آذربایجان و ازبکستان برای گسترش طرح مشارکت مردمی آنان با ناتو استقبال می‌کنیم. این امر گامی مهم توسط این کشورها برای افزایش روابط همکاری‌جویانه نزدیک‌تر با این سازمان قلمداد می‌شود. ما از تعهد دولت جدید گرجستان برای انجام اصلاحات استقبال می‌کنیم» (موسوی، ۱۳۸۴: ۱۷)

مقابله با تروریسم از طریق گسترش دموکراسی (اجلاس‌هی مادرید مارس ۲۰۰۵)

اجلاس‌هی مادرید در تفکر نظریه‌پردازان امنیتی از این جهت اهمیت دارد که یادآور خاطرات مذاکرات صلح اعراب - رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۲ می‌باشد. در این مقطع زمانی زمینه برای شناسایی دو فاکتوی رژیم صهیونیستی توسط کشورهای عربی فراهم شد. بعد از اجلاس‌هی مادرید، زمینه برای شکل‌گیری مذاکرات اسلو فراهم شد. مذاکراتی که اسحاق رابین با شکل‌گیری دولت خودگردان فلسطین موافقت به‌عمل آورد. در اجلاس‌هی مادرید ۲۰۰۵، موضوع مبارزه با تروریسم و گسترش دموکراسی به‌خاورمیانه مورد توجه قرار گرفت.

در اجلاس‌هی مادرید می‌توان نشانه‌هایی از مبارزه با تروریسم از طریق گسترش دموکراسی را مورد توجه قرار داد. اولین بار کالین پاول در سال ۲۰۰۳ موضوع خاورمیانه بزرگ را مطرح نمود. بعد از آن کاندولیزا رایس خاورمیانه‌ی بزرگ‌تر را جایگزین نمود. الگویی که بر ضرورت مبارزه با تروریسم از طریق گسترش دموکراسی تأکید دارد. چنین رویکردی، منجر به انتقال نگرشی گردید که کشورهای خاورمیانه به‌عنوان سوژه‌ی امنیتی جدید تلقی می‌شدند. (Daalder & Goldgeier, 2006: 109)

مبارزه با تروریسم از طریق گسترش دموکراسی در پیمان آتلانتیک شمالی در اجلاس‌هی مادرید مارس ۲۰۰۵ مورد توجه قرار گرفت. روند مقابله با گروه‌های تروریستی را می‌توان در فرایندی مورد توجه قرار داد که از اجلاس‌هی پراگ ۲۰۰۲ شروع می‌شود، اجلاس‌هی بن ۲۰۰۲ آن را عملیاتی می‌سازد، در اجلاس‌هی ابتکار مشارکت استانبول ۲۰۰۴ به حوزه‌ی خاورمیانه منتقل می‌شود. چنین روندی در اجلاس‌هی مادرید ۲۰۰۵ نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در این اجلاس‌هی راه‌کارهای بازدارنده جمعی در قالب گفتمان تروریسم نقش محوری پیدا می‌کند. جدول ذیل فرایندهای مبارزه با تروریسم در اجلاس‌هی‌های سران پیمان آتلانتیک شمالی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- تبیین فرایند و ساز و کارهای مقابله با تروریسم در اجلاسهای ناتو

ردیف	اجلاسها	سال برگزاری	محورها
۱	اجلاسیه‌ی پراگ	۲۰۰۲	- تروریسم - دسترسی شبکه‌های تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی - احتمال حمله تروریست‌ها به تأسیسات انرژی
۲	اجلاسیه‌ی بن	۲۰۰۲	شکل‌گیری ایساف به منزله‌ی ایجاد ثبات در افغانستان
۳	اجلاسیه‌ی مشارکت استانبول	۲۰۰۴	- پیوند امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی - چندجانبه‌گرایی امنیتی در خاورمیانه - پیوند مبارزه با تروریسم و مقابله با اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی - مقابله با تهدیدات از طریق شکل‌گیری نیروی واکنش سریع - گسترش همکاری‌های امنیتی با کشورهای شمال آفریقا، خاورمیانه و خلیج فارس
۴	اجلاسیه‌ی مادرید	۲۰۰۵	مبارزه با تروریسم از طریق گسترش و اشاعه‌ی دموکراسی

حمایت‌های آموزشی - لجستیکی ناتو از پاکستان در چارچوب برنامه‌ی مبارزه با تروریسم

در اجلاسهای ناتو موضوع مربوط به حمایت از دولت‌ها و گروه‌های ضد تروریستی مورد تأکید قرار گرفته است. چنین رویکردی به‌عنوان اراده‌ی عمومی تمامی کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی محسوب می‌شوند. حمایت‌های آموزشی و لجستیکی ناتو از پاکستان در چارچوب برنامه‌ی مبارزه با تروریسم شکل گرفته است. به‌طور کلی، می‌توان تروریسم را به‌عنوان دغدغه‌ی گفتمانی دولت‌هایی دانست که سیاست امنیتی خود را با ایالات متحده هماهنگ می‌سازند.

به موازات کمک‌های اقتصادی کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی به دولت‌هایی همانند مصر، پاکستان و اردن، زمینه برای کنترل فرایندهای ضد تروریستی توسط سرویس‌های اطلاعاتی به‌وجود آمد. سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای یاد شده بخشی از مجموعه‌ی راهبردی محسوب می‌شوند که زمینه‌های لازم برای ارتقای همکاری‌های چندجانبه‌ی امنیتی را به‌وجود می‌آورند. به همین دلیل است که در ازای حمایت‌های اقتصادی امریکا و اعضای پیمان

آتلانتیک شمالی، دولت پاکستان نیز اعلام کرده که مایل است تا در جنگ علیه تروریسم، نقش فعال‌تری بر عهده بگیرد.

بر اساس توافق انجام شده، زمینه برای همکاری‌های مشترک کشورهای همانند پاکستان با ایالات متحده در جنگ علیه تروریسم به وجود آمده است. شاید بتوان حمله‌ی جنگنده‌های بدون سرنشین ایالات متحده به حوزه‌های سرزمینی پاکستان را بر اساس چنین توافقی توجیه نمود. هرکشوری که در سیاست بین‌الملل از حمایت‌های اقتصادی و سیاسی بهره می‌گیرد، می‌بایست خود را با نیازهای راهبردی کشور هدف هماهنگ نماید. به همین دلیل است که آمریکا و سایر کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی ضمن ارسال یک کمک ۱۰۰ میلیون دلاری جهت بازسازی افغانستان، از نیروهای ایساف مستقر در افغانستان نیز حمایت لجستیکی به عمل می‌آورند (Korski, 2008: 27).

از مارس ۲۰۰۵ تا می ۲۰۰۷، همکاری‌های ناتو با پاکستان در زمینه‌ی آموزش نیروهای نظامی و ایجاد «مرکز عملیات اطلاعاتی مشترک» و توافق همکاری امنیتی در افغانستان ادامه داشته است. چنین روندی از همکاری‌ها تا سال ۲۰۱۲ تداوم پیدا کرده است. قرارداد امنیتی آمریکا - پاکستان را می‌توان بخشی از ضرورت‌های راهبردی دانست که زمینه‌های لازم برای همکاری‌های چندجانبه‌ی کشورهای مختلف را به وجود می‌آورد. کشورهایی که از انگیزه‌ی لازم برای همکاری و مشارکت با ایالات متحده برخوردارند (Deni, 2007: 48).

یکی دیگر از الگوهای همکاری کشورهای منطقه را می‌توان ارتقای قابلیت‌های عملیات مشترک علیه طالبان و گروه‌هایی دانست که در مدار فعالیت‌های ضد تروریستی فعالیت دارند. تاکنون توافقی‌هایی میان طرفین در زمینه‌ی نحوه‌ی کنترل جنوب افغانستان و مرز میان دو کشور - گفته می‌شود محل اصلی استقرار بازماندگان طالبان و برخی اعضای گروه القاعده است - صورت گرفته و قرار است، ارتش ۸۰ هزار نفری پاکستان که در این جبهه مستقر است، با نیروهای ایساف همکاری لازم را برای برقراری امنیت بنماید. اگر چه امریکایی‌ها بر این اعتقادند که ارتش پاکستان هیچ‌گونه تمایلی برای مشارکت با اعضای ناتو برای مقابله با طالبان نشان نمی‌دهد.

به این ترتیب، هرچند ناتو اعلام کرده همکاری این کشور با پاکستان نباید تهدید علیه هیچ کشوری تلقی شود و این همکاری‌ها تنها در چارچوب کمک به افغانستان است، با این همه، رهبران پاکستان به خوبی می‌دانند گسترش و تعمیق این روابط می‌تواند چه امتیازاتی برای هریک از طرفین به دنبال داشته باشد. همکاری‌های راهبردی امریکا و پاکستان عموماً با واکنش همه‌جانبه‌ی جامعه‌ی پاکستان روبه‌رو گردیده است. بر اساس چنین رویکردی است که می‌توان نشانه‌هایی از همکاری و مشارکت راهبردی بین کشورهای مختلف را مورد ملاحظه قرار داد. حضور امریکا در مرزهای پاکستان - افغانستان همواره با تراژدی‌های امنیتی گسترده‌ای روبه‌رو بوده است. (Timothy, 2003: 33)

اهداف ناتو در مبارزه با تروریسم در آسیای مرکزی و قفقاز

آسیای مرکزی و قفقاز به‌عنوان دو حوزه‌ی جغرافیایی ویژه محسوب می‌شوند که از آمادگی اجتماعی لازم برای مقاومت در برابر راهبردهای امنیتی برخوردارند. به‌عبارت دیگر، می‌توان فرایندی را مورد ملاحظه قرار داد که آسیای مرکزی نیز در آستانه‌ی جدال‌های ملی‌گرایانه، ژئوپلیتیکی و هویتی قرار گیرد. شکل‌بندی‌های جغرافیایی آسیای مرکزی را می‌توان به‌عنوان زمینه‌های مربوط به جغرافیای طبیعی منطقه برای گسترش نیروهای ضد امریکایی و ضد حکومتی دانست. طبعاً چنین نیروهایی به‌عنوان سوژه‌های امنیتی در ارتباط با امریکا تلقی می‌شوند (محمدی، ۱۳۸۸: ۴۵).

اهمیت روزافزون انرژی، لزوم برقراری امنیت، مبارزه علیه تروریسم، قاچاق مواد مخدر و بنیادگرایی، همگی انگیزه‌ی لازم را به اعضای پیمان آتلانتیک شمالی برای پیشبرد حضور خود در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز خواهد داد و در صورت بروز جنگ در این منطقه، کشورهای این حوزه پایگاه‌های نظامی خوبی برای ناتو خواهند بود. در سال‌های بعد از جنگ سرد نقش دولت‌ها در شکل‌بندی‌های ساختاری و کنش راهبردی کاهش یافته است. به‌عبارت دیگر، گروه‌های فراملی از نقش سیاسی مؤثری برای حمایت از نهادهای بین‌المللی بهره می‌گیرند. چنین رویکردی را می‌توان بخشی از واقعیت سیاست بین‌الملل دانست.

به این ترتیب، در هر منطقه‌ای که جلوه‌هایی از ناآرامی، بی‌ثباتی و تهدید امنیتی شکل گیرد، می‌توان جلوه‌هایی از رویارویی راهبردی را نیز مورد ملاحظه قرار داد. به عبارت دیگر، هرگونه شکل‌بندی‌های امنیتی می‌تواند در سطوح ملی، فروملی و فراملی ایفای نقش نماید. به همین دلیل است که گروه‌های توزیع‌کننده‌ی مواد مخدر و یا گروه‌هایی که در قاچاق کالا مشارکت دارند، از نقش مؤثری در شکل‌بندی‌های امنیتی برخوردار می‌باشند. چنین فرایندی نشان می‌دهد که هرگونه کنش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه‌ی آسیای مرکزی می‌تواند دارای ابعاد امنیتی باشد.

اگرچه هنوز کشورهای یاد شده در زمره‌ی اعضای پیمان آتلانتیک شمالی قرار نگرفته‌اند، اما برخی از پایگاه‌های نظامی و همچنین پایگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی چنین مجموعه‌هایی در حال نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری بر شکل‌بندی‌های امنیتی هستند. این طور به نظر می‌رسد که مرحله‌ی نوین گسترش ناتو ابتدا حوزه‌ی قفقاز و پس از آن با تأخیری بیشتر، احتمالاً حوزه‌ی آسیای مرکزی را دربرگیرد. این امر می‌تواند زنگ خطر را برای قدرت‌های منطقه‌ای نظیر روسیه، چین و ایران به صدا درآورد و موجب شکل‌گیری توازن قوایی برخلاف منافع این سه کشور شود (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

به این ترتیب، اهداف کلی ناتو برای حضور در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز را می‌توان بخشی از برنامه راهبردی پیمان آتلانتیک شمالی در آینده دانست. اگرچه ناتو در ابتدا ماهیت تدافعی داشت، اما به‌گونه مرحله‌ای کارکرد خود را از دست داده و در زمره‌ی بازیگرانی محسوب می‌شود که از انگیزه‌ی لازم برای انجام کنش اقتصادی برخوردار است. چنین روندی نشان می‌دهد که مأموریت‌های پیمان آتلانتیک شمالی در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز بر اساس شکل‌بندی‌های فرهنگی، اقتصادی و راهبردی در این منطقه سازماندهی خواهد شد (Saghafi Ameri, 2006: 17).

آسیای مرکزی و قفقاز در زمره‌ی مناطقی محسوب می‌شوند که در هم‌جواری حوزه‌ی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران قرار دارد. تنوع فرهنگی و تضادهای هویتی در این منطقه همانند خاورمیانه مشاهده می‌شود. در هر منطقه‌ای که تفاوت‌های هویتی وجود داشته باشد، زمینه برای شکل‌گیری تضادهای امنیتی فراهم می‌شود. برخی از نظریه‌پردازان بر این اعتقادند که

تفاوت‌های هویتی و تضادهای امنیتی عامل اصلی شکل‌گیری و گسترش تروریسم محسوب می‌شود. سازماندهی پایگاه‌های نظامی پیمان آتلانتیک شمالی در حوزه‌ی جغرافیای آسیای مرکزی و قفقاز را می‌توان ناشی از جغرافیای فرهنگی و امنیتی این منطقه دانست.

از سوی دیگر، بخشی از مرزهای سیاسی، فرهنگی و امنیتی جمهوری فدراتیو روسیه در این حوزه‌ی جغرافیایی قرار دارد. موافقت دو فاکتور روسیه با تحرک نیروهای ناتو در چارچوب مبارزه با تروریسم شکل گرفته است. به عبارت دیگر، روسیه نگران کنش عملیاتی گروه‌هایی محسوب می‌شود که همبستگی ژئوکالچریک چندانی با آنان ندارد. در گفتمان مبارزه با تروریسم، جمهوری فدراتیو روسیه نیز دارای رویکرد نسبتاً مشابهی با ایالات متحده است. عضویت روسیه در شورای همکاری آتلانتیک شمالی یکی از عوامل همکاری آن کشور با واحدهای سیاسی ناتو در روند پیگیری اجرایی گفتمان تروریسم در مناطقی از جمله آسیای مرکزی و قفقاز محسوب می‌شود (Adomeit, 2007: 32).

باتوجه به اهمیت منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز در مقابله با تروریسم، مطلوبیت و اهداف راهبردی ناتو و شورای همکاری آتلانتیک شمالی در این منطقه را می‌توان به شرح ذیل مورد توجه قرار داد:

۱) دستیابی به وجود منابع غنی انرژی، خطوط انتقال انرژی و نیز بازار مصرف گسترده و نسبتاً جدید برای تولیدات غرب زمینه‌ی گسترش پایگاه‌های عملیاتی ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز را فراهم می‌سازد.

۲) کمک به امریکا برای تکمیل ضلع سوم محاصره‌ی ایران از سمت شمال (پس از اشغال افغانستان در شرق و عراق در غرب). اتصال این محاصره به ترکیه به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین اعضای ناتو، بر اهمیت آن می‌افزاید. نقش ترکیه بعد از تحولات سوریه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ارتش ترکیه برای استقرار نیروهای نظامی مخالف دولت سوریه در مناطق مرزی با آنان همکاری نموده است. این رویکرد، در نقطه‌ی مقابل رهیافت امنیتی ایران محسوب می‌شود.

۳) جذب کشورهای شمالی ایران به سوی ناتو، به طور طبیعی گسترش فرهنگ غرب در منطقه‌ی محدودسازی نفوذ سیاسی و تأثیر فرهنگی انقلاب اسلامی در این منطقه (که دارای پیوندهای تاریخی فرهنگی با ایران است) را در پی خواهد داشت؛

۴) تسهیل در حرکت غرب به سوی خاورمیانه و حضور ناتو در آنجا و در اختیار گرفتن مدیریت بحران در کشورهای اسلامی به منظور گسترش امکان تحرک نظامی بیشتر و نمایش قدرت غرب به کشورهای منطقه تلقی می‌شود.

هریک از مؤلفه‌های یاد شده را می‌توان بخشی از ضرورت‌های ژئوپلیتیکی و راهبردی ایالات متحده و ناتو برای اجرای گفتمان مقابله با تروریسم در حوزه‌های مختلف جغرافیایی دانست. اگر در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی، جلوه‌هایی از مقابله با اتحاد شوروی در دستور کار پیمان آتلانتیک شمالی قرار گرفته بود، چنین روندی در سال‌های بعد از جنگ سرد معطوف به مقابله با نیروهایی می‌باشد که از اهمیت ویژه‌ای در معادله‌ی سیاست قدرت با رویکردهای فرهنگی و هویتی برخوردارند.

نتیجه‌گیری

در سال‌های بعد از جنگ سرد، موضوع مقابله با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی بخشی از راهبرد کلان سیاست امنیتی ایالات متحده محسوب می‌شود. هر بازیگری که در برابر سیاست جهانی دارای رویکرد تدافعی باشد و یا این‌که در جبهه‌ی مقاومت قرار گیرد، با مفاهیم گفتمانی مشابه تروریسم در وضعیت حاشیه‌ای قرار می‌گیرد. در این دوران به‌جای گسترش یگان‌های عملیاتی نیروهای نظامی امریکا و ناتو، شاهد افزایش تحرک بخش‌ها و سازمان‌های اطلاعاتی می‌باشیم.

در سال‌های بعد از خروج نیروهای نظامی امریکا از عراق، ۱۵ هزار نیروی اطلاعاتی و امنیتی عهده‌دار انجام وظایفی می‌باشند که قبلاً در حوزه‌ی فعالیت نیروهای نظامی قرار داشته‌اند. نیروهای نظامی ناتو، نقش تاکتیکی خود را حفظ کرده‌اند، در حالی که نیروهای اطلاعاتی و امنیتی عهده‌دار وظایف راهبردی در منطقه می‌باشند. آنچه به‌عنوان دفاع هوشمند

در اجلاس هی شیکاگو مورد توجه قرار می‌گیرد را می‌توان براساس نشانه‌هایی از گفتمان مقابله با تروریسم در چارچوب الگوهای امنیتی دانست. دفاع هوشمند به منزله‌ی بهره‌گیری از ابزارهای اطلاعاتی، امنیتی و نظامی برای تحقق راهبرد ناتو در سال‌های ۲۰۲۰ - ۲۰۱۲ محسوب می‌شود. چرایی، چگونگی و نشانه‌های مربوط به کاربرد گفتمان تروریسم در راهبرد امنیتی ناتو را می‌توان به شرح ذیل مورد توجه قرار داد:

(۱) گفتمان مبارزه با تروریسم در راهبرد امنیتی ناتو مربوط به سال‌های دهه‌ی ۱۹۹۰ می‌باشد. این گفتمان به موازات راهبردهای دیگری در سال‌های بعد از جنگ سرد مورد توجه ایالات متحده و ناتو قرار گرفته است. مداخله در مناطق بحرانی، مقابله با ناسیونالیسم صرب در بالکان، انجام اقدامات نظامی در پوشش مداخلات بشردوستانه را می‌توان در زمره‌ی راهبردهای ناتو بعد از جنگ سرد دانست.

(۲) ضرورت مقابله با شبکه‌های تروریستی توسط کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی در اجلاس هی پراگ ۲۰۰۲ مورد توجه و تأکید ناتو قرار گرفت. لازم به توضیح است که اجلاس هی پراگ تحت تأثیر رویدادهای بعد از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر برگزار گردید. در این اجلاس هی محورهایی از جمله: مقابله با تروریسم، محدودسازی توان گروه‌های تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی و همچنین کنترل منابع و تأسیسات انرژی مورد تأکید واقع شد.

(۳) در اجلاس هی بن ۲۰۰۲، زمینه برای سازماندهی ایساف به وجود آمد. کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی موافقت خود را با سازماندهی ایساف اعلام نمودند. در اجلاس هی بن مقرر گردید که طیف گسترده‌ای از نیروهای نظامی کشورهای ناتو برای مبارزه با تروریسم در افغانستان مشارکت نمایند. اجلاس هی بن از این جهت اهمیت دارد که زمینه‌ی حضور فراگیر کشورهای ناتو در افغانستان را در قالب گفتمان مبارزه با تروریسم به وجود آورد.

(۴) نشست استانبول در سال ۲۰۰۴ انجام گرفت. اجلاس هی استانبول بر اساس ضرورت چندجانبه‌گرایی ناتو در مقابله با تروریسم سازماندهی گردیده است. به‌طور کلی،

می‌توان این موضوع را مورد توجه قرار داد که ابتکار مشارکت استانبول در راستای تأمین امنیت منطقه‌ای و جهانی در یک دوره‌ی طولانی مدت در پروسه‌ی همکاری‌های امنیتی دو جانبه و چندجانبه انجام گرفته است.

(۵) در اجلاس‌های مادرید، ضرورت مبارزه با تروریسم بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. اجلاس‌های مادرید در مارس ۲۰۰۵ برگزار شد. مقابله با تروریسم از طریق گسترش دموکراسی مورد تأکید اعضا قرار گرفت. اجلاس‌های مادرید دو ماه بعد از آغاز دوره‌ی دوم ریاست جمهوری جورج بوش برگزار گردید. در این مقطع زمانی رهیافت گسترش دموکراسی در قالب خاورمیانه‌ی بزرگ و خاورمیانه‌ی بزرگ‌تر به‌عنوان محور اصلی سیاست خارجی کاندولیزا رایس محسوب می‌شد. رایس نظریه‌ی گسترش دموکراسی را از حوزه‌ی سیاست خارجی امریکا به عرصه‌ی راهبردی پیمان آتلانتیک شمالی منتقل نمود. این راهبرد با واکنش ضمنی و غیرمستقیم برخی از کشورهای اروپایی همراه گردیده است.

(۶) کاربرد نیروهای نظامی، اطلاعاتی و امنیتی ناتو در چارچوب گفتمان تروریسم در حوزه‌ی خاورمیانه، خلیج فارس، آسیای جنوب غربی، آسیای مرکزی و قفقاز مورد توجه قرار گرفته است. لازم به توضیح است که منطقه‌ی یاد شده بخشی از حوزه‌ی ژئوپلیتیکی خاورمیانه‌ی بزرگ محسوب می‌شود. به این ترتیب اجلاس‌های مادرید ۲۰۰۵ را باید حلقه‌ی تکمیلی گفتمان مبارزه با تروریسم دانست.

(۷) در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، گفتمان مبارزه با تروریسم تحت تأثیر رویکرد امنیتی امریکا در افغانستان قرار گرفت. در این دوران، نیروهای نظامی ناتو در افغانستان تقویت شدند. حوزه‌ی عملیاتی ناتو از افغانستان به پاکستان نیز تسری پیدا کرد. کشته شدن بن‌لادن منجر به کاهش کاربرد گفتمان تروریسم در راهبرد امنیتی ناتو گردید. مداخلات مستقیم و غیرمستقیم کشورهای عضو ناتو در حوادث لیبی و سوریه را می‌توان به‌عنوان بخشی از راهبرد امنیتی جدید امریکا دانست.

راهبردی که مقابله با دولت‌های اقتدارگرا در حوزه‌هایی که از اهمیت ژئوپلیتیکی برخوردارند را هدف قرار می‌دهد.

منابع

فارسی

- ۱- تائب، سعید (۱۳۸۱): «گسترش ناتو به شرق و سناریوهای محتمل»، فصلنامه سیاست خارجی، تابستان.
- ۲- رحمانی، منصور (۱۳۷۸): «سازمان پیمان آتلانتیک شمالی و تحولات آن پس از جنگ سرد»، فصلنامه سیاست خارجی، پاییز.
- ۳- قائدی، محمدرضا (۱۳۸۲): «ناتو پس از ۱۱ سپتامبر»، ماهنامه نگاه، شماره ۴۱، دی و بهمن.
- ۴- کوهن، سائول (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک نظام جهانی»، ترجمه عباس کاردان، تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر.
- ۵- محمدی، محمود (۱۳۸۸): «اثر مأموریت‌های جدید ناتو بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی.
- ۶- موسوی، رسول (۱۳۸۴): «راهبرد ناتو در قفقاز جنوبی»، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.

انگلیسی

- 7- Adomeit, Hannes, (2007), "*Inside or Outside? Russia's Policies Towards NATO Working Paper FG 5 2007*", Research Unit Russia/CIS, Stiftung wissenschaft and Politic, Berlin, January 1.
- 8- Afrasiabi, Kaveh L, (2004), "*Iran Warns to the NATO Card*", Asia Times, Jun.
- 9- Biddle, Stephan, (2002), "*Afghanistan and the Future of Warfare: Implications for Timothy*", Edmunds, (2003), "*NATO and Its New Members*", Survival, Vol. 45, No. 3, autumn.
- 10- Bot, Bernard, (2006), "*Saving Democracy in a world of Change*", Washington, D.C: Georgetown university Press.
- 11- Brady, Hugo (2009), "*Intelligence, Emergencies, and Foreign Policy: The EU's Role in Counterterrorism*", Center for European Reform, July.

- 12- Daalder, Ivo and James Goldgeier (2006), "**Global NATO**", in Foreign Affairs, Vol. 85, No. 5, September/October, pp. 105-113.
- 13- Deni, J. R. (2007), "**Alliance management and maintenance: restructuring NATO for the 21st century**", Aldershot : Ashgate.
- 14- Helen, John and Michael Noonanp, "**The Geopolitics of NATO Enlargement**", www.hillnoonan.html.
- 15- [http://www.NATO.nit/docu/basicxt/b56\(213a.htm\)](http://www.NATO.nit/docu/basicxt/b56(213a.htm)).
- 16- http://www.wmdcommission.org/files/Weapons_of_Terror.
- 17- Korski, Daniel (2008), "**Afghanistan: Europe's forgotten war**", London: European Council on Foreign Relations, p. 16.
- 18- Kujat, Harald (2003), "**Combating terrorism: akey objective**", NATO Review, Mar.
- 19- Leo, Michel (2006), "**Why NATO must remain engaged in Afghanistan for some time to come**", National Defense University, Institute for Strategic Studies, and Cook, "NATO operations: current priorities and lessons learned.
- 20- Matser, Willem (2001), "**Towards a New Strategic Partnership**", NATO Review, Winter.
- 21- Rynning, S. (2007), "**NATO and the broader Middle East, 1949-2007: the history and lessons of controversia encounters**", Journal of Strategic Studies.
- 22- "**Scirnce and Technology Committee of the NATO Parliamentary Assembly**", Report on Nuclear Weapons Proliferation in 2004: <http://www.nato-pa.int/Default.asp?SHORTCUT=491>. Chemical Arms, h- Saghafi Ameri, Nasser (2006), "The Emerging NATO: Impact on Europe and Asia", Center for Strategic Research, December, available at: <http://www.csr.ir/departments>.
- 23- www.hillnoonan.htm.

سبک فرماندهی در فرهنگ علوی

محمدباقر بابایی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۸/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۲۹

صفحات مقاله: ۳۳ - ۶۷

چکیده:

فرماندهان در مواجهه با عرصه‌های سخت و نرم از چه سبک فرماندهی تبعیت می‌کنند؟ آیا می‌توان سبک و الگوی خاصی ارائه داد؟ در فرهنگ علوی سبک فرماندهی از چه عواملی تبعیت می‌کند و امیرالمؤمنین علی علیه السلام در برخورد با عرصه‌های سخت و نرم از چه الگویی تبعیت می‌کرد؟ فرماندهی رفتاری است که از ناحیه‌ی فرماندهان برای بسیج و راهبری نیروها و یگان‌ها به کار برده می‌شود تا در تقابل با دشمنان به پیروزی دست یابند. با توجه به اثرگذاری مؤلفه‌ی فکری و ارزشی در تعیین سبک و سیاق رفتارها می‌توان گفت تفاوت عمده‌ی سبک‌های فرماندهان به این دو بخش برمی‌گردد. امیرالمؤمنین (ع) با تبعیت از بصیرت و ارزش‌های برخاسته از قرآن و سنت رسول خدا (ص) در فرماندهی عرصه‌های سخت و نرم از سبکی تبعیت می‌کردند که تفاوت ماهوی با سایر سبک‌ها دارد از جمله‌ی آنها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: خدا محوری، تکلیف‌گرایی، هدایت انسان‌ها، نگاه دو ساحتی به انسان، توجه توأمان به اهداف مادی و معنوی، تعقل ارزشی و ابزاری در تصمیم‌گیری، پاداش‌دهی بر پایه تلاش و عملکرد و تحلیل‌شناختی و فکری رفتارها.

* * * * *

واژگان کلیدی

فرهنگ علوی، فرمانده، فرماندهی، سبک فرماندهی.

مقدمه

فرماندهی از مجموعه‌ی رفتارهای اختیاری است که در شکل‌گیری و هویت‌دهی نیازمند مبانی فکری و ارزشی است تا اراده‌ی فرماندهان بر پایه‌ی آنها تهیج شده و اقدام به تصمیم‌گیری و صدور فرمان و دستور کنند. افکار و ارزش‌ها متأثر از عوامل متعددی است که از تجمیع آنها سبک زندگی انسان‌ها هویت یافته و جوامع انسانی رقم می‌خورد و تمدن‌ها متولد می‌شود. به عبارت دیگر، تفاوت عمده جوامع انسانی به اختلاف در سبک و سیاق زندگی آنها بر می‌گردد که متأثر از فرهنگ غالب برخاسته از مبانی فکری و ارزشی حاکم بر ارکان جوامع است. فرماندهان در فرهنگ علوی از چه سبکی باید تبعیت کنند و آیا فرماندهان می‌توانند متأثر از سبک‌های دیگر شده و به پیروزی دست یابند یا این که دستیابی به اهداف تابع سیاست‌های خاصی است که حدود و دامنه‌ی فعالیت‌ها را تعیین می‌کند؟

در مقاله تلاش شده با بهره‌گیری از روش داده‌بنیان و تحلیل استدلالی با محوریت قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام خصوصاً رویه و سیاق فرماندهی امیرالمؤمنین علیه السلام که در پیکار با اصحاب جمل، صفین و خوارج و منافقین به دست ما رسیده بخشی از آنها در خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه تجمیع شده است به تحلیل این موضوع پرداخته و مقایسه‌ای نیز با فرهنگ رقیب آن یعنی فرهنگ اموی و غربی انجام دهیم.

فرمانده و فرماندهی

فرمانده در لغت به معنای کسی آمده که حکم و فرمان می‌دهد و در اصطلاح نظامی به کسی اطلاق می‌شود که چند واحد نظامی در تحت فرمان او باشد (دهخدا، حرف ف: ۱۹۳) و در لاتین به لغت Commander یاد می‌شود به معنی کسی که کنترل، قانونگذار و رهبر است (Oxford, 1993: 449) و فرماندهی به عمل و شغل فرمانده اطلاق شده (فرهنگ معین: ۲۵۲۴) و به لغت Command ترجمه شده و به معنای عمل فرمانده و اختیاری که شخص فرمانده می‌تواند فرمان دهد، آمده است. (Oxford, 1993: 449) بنابراین، فرمانده به شخصی اطلاق می‌شود که دارای شخصیت حقیقی و حقوقی است و فرماندهی تنها دارای شخصیت حقوقی

است و تفاوت فرماندهان به شخصیت حقیقی آنها بر می‌گردد؛ چرا که همه دارای مقام، جایگاه و شخصیت حقوقی هستند. از طرف دیگر فرمانده به فرد اطلاق می‌شود ولی فرماندهی به سیستم و سامانه اطلاق می‌گردد.

جوهره‌ی فرماندهی را رهبری تشکیل می‌دهد که صلاحیت، تدبیر، داوری، قوه ابتکار و شخصیت فرمانده و توانایی او در موفقیت او اثرگذار می‌باشد. از این‌رو، در تعریف اصطلاحی آن به تعاریف رهبری توجه می‌شود. از طرفی فرماندهی تشابهاتی با مدیریت دارد. بنابراین، در تعریف فرماندهی، باید تعاریف مدیریت را هم مدنظر گرفت.

کلمه‌ی «فرماندهی» حداقل دارای چهار کاربرد است: ۱- اقتدار یک فرد، ۲- دستوری که یک فرمانده صادر می‌کند، ۳- سازمان یا منطقه‌ای که تحت فرماندهی یک فرد قرار دارد؛ ۴- دلالت بر تسلط از طریق تسلیحات یا نظارت از یک موضوع برتر دارد. (صبحی، ۱۳۷۶: ۴۳)

در تعریف فرماندهی نظرگاه‌های متفاوتی موجود است که به تعدادی از آنها اشاره می‌گردد: فرماندهی اختیاری است که یک فرد در خدمت به سبب درجه یا شغل و مسئولیتی که دارد در راستای انجام مأموریت‌های محوله به‌کار می‌برد و براساس این تعریف فرمانده یک فرد نظامی است در نیروهای مسلح که نسبت به زیردستان خود اعمال فرماندهی می‌نماید و دارای وظایف دریافت و ابلاغ مأموریت، توجیه اعضای ستاد نسبت به مأموریت، تصویب طرح‌ها و برنامه‌ها، تصمیم‌گیری در رابطه با تخصیص منابع و بودجه، نظارت، کنترل و هدایت می‌باشد. (قرشی، ۱۳۸۹: ۱۷)

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی «فرماندهی قدرتی است که به یکی از افراد عضو نیروهای مسلح برای هدایت، هماهنگی و کنترل نیروهای نظامی واگذار می‌گردد.» (صبحی، همان) فرمانده کسی است که بر عده‌ای فرماندهی می‌کند و مسئولیت کلیه‌ی عملکردهای خوب و بد آن را بر عهده دارد. و فرماندهی اختیاری است که به یک فرد به سبب ایمان، لیاقت، اعتماد به نفس، درجه و شغل برابر قانون و مقررات در اداره‌ی زیردستانش تفویض می‌گردد و مسئولیت طرح‌ریزی و سازماندهی، آموزش، اجرا، هماهنگی، کنترل و هدایت یگان‌های نظامی در انجام مأموریت‌های تصریحی و استنتاجی را به عهده می‌گیرد (نوروزی، ۱۳۸۵: ۵۰۲).

ستاد مشترک ارتش آمریکا (وزارت دفاع آمریکا ۱۹۸۷) فرماندهی را به قدرتی که یک فرمانده در نیروهای نظامی به موجب درجه یا منصب به طور قانونی به زیردستان خود اعمال می‌کند، اطلاق می‌کند که شامل قدرت و مسئولیت برای استفاده مؤثر از منابع موجود و برنامه‌ریزی برای استخدام، سازماندهی، هدایت، هماهنگی و کنترل نیروهای نظامی برای انجام مأموریت‌های محوله می‌گردد. همچنین مسئولیت بهداشت، رفاه، تقویت روحیه و انضباط پرسنل مأمور به خدمت نیز بر عهده او می‌باشد (صبحی، همان: ۴۴).

تعدادی از فرماندهان دوره‌ی دفاع مقدس در پاسخ به چستی فرماندهی اظهار می‌داشتند: فرماندهی عبارت است از «هدایت توأم با اقتدار». فرماندهی یک سازمان نظامی عبارت است از تفکر و داوری با استفاده از دانش تخصصی و تصمیم‌گیری پیرامون آنچه که افراد تحت امر باید انجام دهند یا انجام ندهند. فرماندهی در زمان جنگ مسئولیت جان افراد و در زمان صلح هدایت نحوه‌ی رفتار افراد نسبت به یکدیگر را بر عهده دارد. به عبارتی فرمانده معیارهای اخلاقی وضع نموده و بر اطاعت از آنها نظارت می‌کند. یا این که فرماندهی عبارت از تفکر و تصمیم‌گیری، احساس کردن و روحیه دادن، عمل کردن و اعمال قدرت است. در نمادگرایی فرزندگان، فرماندهی عبارت است از هدایت توأم با اقتدار با استفاده از کلیه‌ی نیروهای ذهنی، قلبی و یدی. در نهایت فرماندهی از ترکیب علم و نفوذ به همراه اوصافی مانند شجاعت، ایمان، فداکاری و ایثار ایجاد می‌شود که افراد نظامی به تناسب درجه اعمال می‌کنند (مصاحبه با فرماندهان).

در ابلاغیه‌ی شماره ۲۲ / ۴۰ / ۱۳۲۱ ط ستاد کل نیروهای مسلح ایران به تاریخ ۱۳۸۹/۷/۲۰ فرمانده به کسی اطلاق می‌شود که با برخورداری از دانش، بینش، رفتار و روش مدیریتی، منابع و امکانات ممکن و مقدور را با توجه به ارزش‌ها و شرایط محیطی به کار می‌گیرد و سازمان را به سوی هدف پیش می‌برد.

البته در گفتمان رهبر معظم انقلاب اسلامی فرماندهی یک امر معنوی است که جوهره‌ی آن را رهبری تشکیل می‌دهد و متکی به ذهن، احساس، عمل جسم و روح است و فکر، جان و دل مجموعه تحت فرماندهی خود را رهبری می‌کند، فرماندهی محتاج دانش، خرد و صفات والای انسانی است، پرهیزگاری، تقوا، حلم، بردباری، صبر، پافشاری و استقامت در مقابل

دشواریها و غلبه بر موانع میان راه، توکل به خدای بزرگ و اعتماد به حمایت و کمک او و دیگر خصایل والای انسانی، چیزهایی است که فرماندهان به آن نیاز دارند (مقام معظم رهبری در جمع فرماندهان سپاه به تاریخ، ۲۲/۱۰/۶۹).

تحلیلی بر فرماندهی

در سوره‌ی بقره آیه ۲۴۶ می‌خوانیم «أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذِ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ائْتِنَا بِآيَاتٍ مِنْ رَبِّكَ فَإِنَّا لَنُؤْتِيكَ مِنْهَا مَا نَشَاءُ إِنَّا مُّؤْتُونَ قَالُوا مَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَتَانَا قَوْمٌ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» بعد از وفات حضرت موسی (ع) گروهی به نزد پیامبرشان آمده و از او درخواست فرماندهی برای جنگ با دشمنان می‌کنند که خداوند حضرت طالوت را برای آنها تعیین می‌کند «وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يَأْتِ سَعَةَی مِنْ أَلْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، آیه‌ی ۲۴۷).

در هر صورت پیامبرشان، طبق وظیفه‌ای که داشت به درخواست آنها پاسخ گفت، و طالوت را به فرمان خدا برای زمامداری آنان برگزید و به آنها گفت: «خداوند طالوت را برای زمامداری شما برانگیخته است» (وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا). از تعبیر «ملکا» چنین برمی‌آید که طالوت، تنها فرماندهی لشکر نبود بلکه زمامدار کشور هم بود. از اینجا مخالفت شروع شد، گروهی گفتند: «چگونه او بر ما حکومت داشته باشد با این که ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد» (قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يَأْتِ سَعَةَی مِنْ أَلْمَالِ). در واقع آنها به انتخاب خداوند اعتراض کردند- طالوت جوانی از یک قبیله گمنام بنی اسرائیل و از نظر مالی یک کشاورز ساده بود- ولی قرآن پاسخ دندان‌شکنی را که آن پیامبر به گمراهان بنی اسرائیل داد چنین بازگو می‌کند: «خداوند او را بر شما برگزیده و علم و (قدرت) جسم او را وسعت بخشیده» (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ).

نخست: این که این گزینش خداوند حکیم است و دوم این که شما سخت در اشتباهید و شرایط اساسی رهبری را فراموش کرده‌اید، نسب عالی و ثروت، هیچ امتیازی برای رهبری نیست. سپس می‌افزاید: «خداوند ملک خود را به هر کس بخواهد می‌بخشد و خداوند (احسانش) وسیع و گسترده و دانا (به لیاقت و شایستگی افراد) است» (وَ اللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ).

این جمله ممکن است اشاره به شرط سومی برای رهبری باشد و آن فراهم شدن امکانات و وسایل مختلف از سوی خداست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

در نهایت می‌توان گفت: کار فرمانده هر چند در یک سازمان نظامی شباهت زیادی به کار مدیر در سازمان‌های غیر رزم دارد و حتی ابلاغیه‌ی شماره ۲۲ / ۴۰ / ۱۳۲۱ ط ستاد کل نیروهای مسلح ایران به تاریخ ۸۹ / ۷ / ۲۰ از مدیریت و فرماندهی یک تعریف ارائه داده و تنها استعمال فرمانده را در امور نظامی و دفاعی می‌شناسد ولی در جنبه‌های زیر فرماندهی با مدیریت تفاوت دارند که به نوعی مقوم تعریف فرماندهی به شمار می‌رود: اختیارات وسیع‌تر در تصمیم‌گیری؛ نفوذ کامل بر زیردستان؛ توجه زیاد به هدایت و کنترل و در فرماندهی خلاقیت، شجاعت و ریسک‌پذیری کارایی بسیاری دارد و شاید بتوان گفت فرماندهی نوعی مدیریت در شرایط بحرانی است.

با این که در فن بودن مدیریت اتفاق نظر نیست ولی فرماندهی را هم علم، هنر و فن می‌شناسند چراکه فرماندهی برای عملیات نیازمند اطلاعات به‌روز، تجهیزات مدرن و هنر طراحی بالنده می‌باشد. فرماندهی را کلید توسعه و رشد ارتش و سازمان رزم می‌شناسند و فرماندهی آلمان نازی را بهترین شاهد آن می‌شمارند که توان سازمان رزم هشتاد برابر کرد. و در نقطه مقابل آن از ارتش‌های عربی یاد می‌شود که با وجود تجهیزات و نفرات بیشتر از رژیم صهیونیستی به علت ضعف فرماندهان شکست خورد (صالحی، تابستان ۷۸).

در تعریف فرماندهی با توجه با تعاریف رهبری و مدیریت و فرماندهی می‌توان گفت:

فرماندهی یک امر معنوی است که با برخورداری از جوهره‌ی رهبری و داشتن اختیارات وسیع و اعمال نفوذ کامل در زیردستان، هدایت و کنترل همه‌جانبه‌ی سازمان رزم را متکی به ذهن، احساس، عمل جسم و روح برعهده می‌گیرد.

بنابراین، فرمانده دارای اوصاف رهبری است و جوهره‌ی فرماندهی را رهبری تشکیل می‌دهد. به تعبیر مقام معظم رهبری: «فرمانده یک جوهری از رهبری در خودش باید داشته باشد و بدون آن فرمانده نیست. فرماندهی یک امر معنوی است و اداره‌ی همه‌جانبه است و متکی به ذهن، احساس، عمل جسم و روح است. فرماندهی نظامی فقط آیین‌نامه و دستور ابلاغ نمی‌کند، بلکه مجموعه‌ی تحت فرماندهی خود را رهبری می‌کند، یعنی فکر و جان و دل آنها را هم مانند جسم آنها هدایت می‌کند. (قوامی، ۱۳۸۳: ۴۳۴) و فرمانده در فرماندهی محتاج دانش و خرد و صفات والای انسانی است و اوصاف پرهیزگاری و تقوا و حلم و بردباری و صبر و پافشاری و استقامت در مقابل دشواری‌ها و غلبه بر موانع میان راه، توکل به خدای بزرگ و اعتماد به حمایت و کمک او و دیگر خصایل والای انسانی، چیزهایی است که فرماندهان به آن نیاز دارند (مقام معظم رهبری در جمع فرماندهان سپاه، ۲۲/۱۰/۶۹).

فرماندهی دارای سهم وافری از امامت است، ... فرماندهی که تنها بخواهد به ظاهر فرماندهی کند موفق نخواهد بود زیرا که انسان تحت فرماندهی برای اینکه جسمش حرکت کند، لازم است که قلبش معتقد شود، ... تا روح و قلب او را قانع و خاضع نماید. بایستی کسانی که زیر دست شما هستند به معنی واقعی کلمه شما را به صورت یک رهبر مشاهده کنند (مقام معظم رهبری در جمع فرماندهان سپاه، شهریور ۷۶).

رویکردهای نوین در هنر فرماندهی

در هنر فرماندهی نوین به سه رهیافت و رویکرد اشاره می‌کنند:

رویکرد فرماندهی، کنترل و ارتباطات I4C: در این رویکرد توجه عمده به فناوری و چگونگی استفاده از آنها برای کمک به فرماندهی در تصمیم‌سازی و فرایند گام‌های فرماندهی است. نرم‌افزارهای متعددی در این زمینه ابداع و در اختیار فرماندهان قرار گرفته است که OR

یا پژوهش در عملیات یکی از آنهاست که به کمک این نرم‌افزارهای اطلاعات در سریع‌ترین زمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بهترین راه‌کار در اختیار فرمانده قرار می‌گیرد؛ در جنگ دوم خلیج فارس نیروهای امریکایی بیشترین بهره را از این تکنیک بردند. براساس گزارش‌ها متخصصین این نرم‌افزارها در کشتی که در خلیج فارس مستقر بودند تمام اطلاعات خام ارسالی از ناحیه‌ی فرماندهان تیم‌ها در عراق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت و بهترین راه کار برای عملیات بلافاصله در اختیار فرمانده قرار می‌گرفت و ایشان نیز می‌توانست براساس آنها نیروها را هدایت و کنترل نماید. به عبارت دیگر، در این رویکرد فناوری و متخصصین آنها مهم‌ترین عرصه عملیات هستند و اصولاً عملیات را این افراد انجام می‌دهند و بقیه در حکم انتقال‌دهنده اطلاعات و تست و به‌کارگیرنده آنها هستند.

رویکرد انقلابی و چریکی: این نوع جنگ‌ها از سبک و اسلوب خاصی تبعیت نمی‌کنند و فاقد هرگونه خطوط مقدم و یا مناطق پشت جبهه هستند و بیشتر به فرایندهای سیاسی و اجتماعی شباهت دارند تا عملیات نظامی. به همین دلیل ویژگی فرماندهان در این جنگ‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ مانند جنگ‌های آزادی‌بخش و کنترل مناطق روستایی و منزوی کردن شهرها به‌عنوان نخستین گام در پیروزی توده‌های مردم بر ارتش‌های سازمان‌یافته تلقی می‌شود؛ به طوری که مائو به‌عنوان طراح این نوع جنگ، چریک را مانند ماهی معرفی می‌کند که در دریای جمعیت روستایی شنا می‌کند (دانشکده فرماندهی و ستاد، بی تا: ۳).

این نوع جنگ‌ها مبتنی بر آرمان انقلابی، سازمان رهبری و بسیج توده‌ها است و مراحل سازماندهی، تحکیم و نگهداری، گسترش تدریجی و تعیین سرنوشت را برای آن برشماری می‌کنند. و جنگیدن با زیرکی و هوشیاری، ابتکار و پیش‌قدمی در عملیات، میل به حمله، چگونگی حمله به دشمن، ثبات عزم و استواری، اختفا و استتار، سرعت عمل و انهدام کامل را از اصول این نوع جنگ می‌شناسند (همان). این رهیافت از جهات زیر در تحول هنر فرماندهی قابل توجه بود:

خصوصیات فردی و پایگاه سیاسی و اجتماعی و عقیدتی فرمانده؛ شیوه‌های روانی نفوذ در توده‌ها؛ تلفیق مبارزه سیاسی با عملیات نظامی، مهارت‌های مربوط به ساختار انعطاف‌پذیر حوزه‌ی تحت امر.

رویکرد دفاع مقدس: این رهیافت با نظریات حضرت امام^(ره) و فداکاری فرماندهان شهیدی چون چمران، صیاد شیرازی، باکری و همت و... و ایثار بسیجیانی چون شهید فهمیده و گسترش روحیات بسیجی برخاسته از اسلام ناب محمدی^(ص) و تدابیر رهبری ایجاد شد. تبیین و ابعاد تحول در هنر فرماندهی در این رهیافت نیازمند تحقیقات مفصل نظری و تجربی است که بخش‌هایی از آنها به کمک فرماندهان دوره‌های دفاع مقدس به رشته‌ی تحریر در آمده است که خوانندگان محترم را به مطالعه‌ی آنها توصیه می‌کنم. ویژگی فرماندهان این دوره را براساس تحقیقات دافوس سپاه و مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ سپاه به صورت زیر می‌توان بر شماری کرد:

نگرش تکلیفی به جنگ، الگوگیری از ائمه‌ی اطهار علیهم السلام و تبعیت از ولایت فقیه، درونی شدن خصلت‌های ایمانی و مطلوب در فرماندهان، تلفیق اختیارات آمرانه با مشورت و مشارکت زیردستان، تکیه بر پاسخ‌گویی به نیازهای سطح بالای زیردستان از قبیل خودشکوفایی، خطرپذیری فوق‌العاده زیاد فرماندهان، تصمیم‌گیری بر مبنای شهود و اشراق و اطلاعات نظامی، برخورداری از خصلت‌های والایی چون آرامش درونی، امیدواری، وفاداری، احساس کارایی، عشق و اراده، تبعیت از ولایت فقیه (صالحی، ۱۳۷۸).

نقش فرهنگ در شکل‌گیری سبک‌های فرماندهی

آیا تا به حال پیش آمده که از علت تصمیم‌های فرماندهی سؤال کنید و جواب یا توجیهی نشنوید؟ و یا بخواهید بدانید که چرا فرماندهان، رفتارهای خود را توجیه کرده و با دلیل تراشی، آنها را موجه نشان می‌دهند؟ جواب این است که رفتار دارای چارچوب و هویت است و تا هندسه و محتوای آنها شکل نگیرند، تصمیم و رفتاری از کسی سر نمی‌زند. نگاه دقیق و علمی به رفتارهای انسان، حاکی از آن است که رفتارهای انسان چارچوب مشخصی دارد و بر پایه‌های مفهومی و نظری شکل می‌گیرد.

به مجموع قواعد و اصولی که پایه‌های رفتاری انسان را شکل می‌دهد یا اصولی که به رفتارهای انسان هویت می‌بخشد «مبانی» گفته می‌شود. براساس مباحث رفتارشناسی، رفتار انسان بر دو پایه‌ی اساسی فکری و ارزشی بنا می‌شود (بابایی، ۱۳۸۴) که پایه‌ی فکری، ناظر بر بینش و

بصیرت انسان است و با مطالعه و تحقیق در پیدایش و نوع رابطه‌ی بین پدیده‌ها به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، ناظر بر جهان‌بینی، اطلاعات، علوم و فنون می‌باشد. هم‌چنین پایه‌ی ارزشی، ناظر بر بایدها و نبایدها می‌باشد که از بینش، بصیرت و جهان‌بینی فرد سرچشمه می‌گیرد. مبانی فکری و ارزشی که سازنده‌ی فرهنگ می‌باشد جهت رفتارها و سبک‌های مختلف آن را در حوزه‌های مختلف مشخص می‌سازد. به عبارت دیگر، سبک فرماندهی فرماندهان در عرصه‌های مختلف به سطح فکری و لایه‌های ارزشی و فرهنگی آنها برمی‌گردد.

به عبارت دیگر، فرماندهی مانند مدیریت، یک رفتار است که شکل و نوع آن با افکار و آرای انس آنها گره خورده است و تا انسان شناخته نشود، نمی‌توان از اقتدار و کیفیت نفوذ قدرت او سخن گفت؛ تک تک مؤلفه‌های به کار رفته در تعریف فرماندهی مانند کیفیت استفاده از منابع، استخدام، سازماندهی، هدایت، هماهنگی و کنترل، رفاه، روحیه و انضباط با پارادایم و افکار و ارزش‌های انسانی سر و کار دارند. اگر در پارادایم و افکار و اندیشه‌های انسان اصل شرافت ذاتی او بر چیزهای دیگر معلوم گردد، دیگر نمی‌توان سخن از سودانگاری و تسخیر انسان‌ها سخن گفت در این رویکرد فرمانده برای هدایت و سعادت گام بر می‌دارد و فرماندهی زیردستان نیز با همین آموزه رقم خواهد خورد دیگر به او به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به منافع بیشتر و گرفتن سرزمین‌های وسیع‌تر نمی‌توان نگاه کرد.

در جهان امروز می‌توان عوامل فرهنگی حاکم بر انسان‌ها و فرماندهان را به دو بخش عمده‌ی انسانی و الهی تقسیم کرد که در فرهنگ انسانی منشأ رفتارها اعم از مبانی فکری یا مبانی ارزشی به تجربیات بشری برگشته و براساس مقتضیات زمان رنگ عوض می‌کند که در ادبیات امروز از آن به فرهنگ غرب یاد می‌شود. در فرهنگ الهی، منشأ رفتارها را به خدا و وحی مستند می‌کنند که به تناسب داعیان آن به انواع گوناگون تقسیم می‌شوند و هر کدام خود را نسبت به دیگران محق می‌شناسند و دلایلی نیز بر حقانیت خود و میزان انطباق آموزه‌های آنها با گفته‌های وحی و پیامبر^(ص) دارند. مانند مسیحیان، یهودیان و مسلمانان که هر کدام به فرق متعددی تقسیم می‌شوند. برای مثال، وهابیت و به‌دنبال آن القاعده زائیده‌ی دسیسه‌های غرب به پشتیبانی انگلیس ایجاد شده و به نام اسلام به عملیات‌های متعددی از نوع انتحاری و

غیره می‌زنند که امکان تفصیل همه‌ی آنها در این مجال نیست و از این‌رو، تنها به دو فرهنگ عمومی اشاره می‌کنیم که به نظر نویسنده می‌توان همه را در آن دو جمع کرد، یعنی فرهنگ علوی و فرهنگ غربی. که اولی را نماینده و مرجع فرهنگ حق و دومی را مرجع فرهنگ باطل می‌شناسد. که در این مجال به تبیین مختصری از آنها پرداخته می‌شود.

فرهنگ علوی

مقصود از فرهنگ علوی، مجموعه رفتار و کنش‌هایی است که بر پایه‌ی تفکر توحیدی و ارزش‌های مورد تأیید قرآن، پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام شکل می‌گیرد که شاخص اصلی آن امیرالمؤمنین علی (ع) است. هدایت علوی با انتصاب امیرالمؤمنین علی (ع) در سال حجه الوداع و روز غدیر خم شروع شد و با سیلان آن در فرزندان معصوم وی تا ابد ادامه خواهد یافت، راه و روشی که خداوند متعال به وسیله‌ی آن نعمتش را بر بندگان به اتمام رساند (مانده، آیه‌ی ۳). با فروغ این چراغ، مردم از گمراهی نجات می‌یابند و با تمسک و عمل به سیاست‌های آن، انسان به شایستگی و درجه‌ی خلیفه الهی می‌رسد و جامعه به مدینه‌ی فاضله تبدیل می‌شود و این ارمغانی است که خدا به انسان اعطا نموده است. و ائمه علیهم السلام مهم‌ترین الگوهای آن هستند که در تاریخ به حسب شرایط آن صحنه‌های عاشورایی خلق می‌کنند و وارستگان به کمک آن به دیدار یار و کمال انسانی دست می‌یابند و چه بسا افرادی مانند شهید فهمیده ره صد ساله را یک شبه طی می‌کنند. نعمتی که اکثر مردم، قردان آن نبوده، به حقیقت گرانهای آن پی نبرده (و هم لایعقلون)، ارزش واقعی آن را ندانسته و به ارزان آن را می‌فروشد (و هم لایعلمون) (توبه، آیه‌ی ۱۱۱) گم‌شدگانی که به سبب ناآگاهی، جهل، طمع، دنیاپرستی و شهوترانی، دنیا را مقصد خویش دانسته و آرزوهای خود را در آن دنبال می‌کنند. به زندگی و حیات پست دنیوی بسنده کرده و همانند حیوانات آنها زندگی می‌کنند.

فرماندهی در فرهنگ علوی

فرماندهی در فرهنگ علوی براساس آیات قرآن کریم، سنت رسول خدا (ص) حدیث ثقلین: «عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ

اللَّهِ وَ عَتَرْتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِفَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ» (وسائل الشيعه، ج ۲۷: ۳۳) و احادیث دیگر^۱ مشتمل بر دستورهای خداوند می‌باشد که به رسول الله (ص) نازل شده است تا هدایت انسان‌ها را به کمال و سعادت رهنمون سازد. این دستورها در بستر زمان نیازمند مفسرهای معصومی است که آنها را به درستی و عاری از هر نوع خطا و اشتباه معنا کرده و به مصادیق تطبیق نمایند که در زمان حضور معصوم^(ع) تنها مرجع تفسیر و تطبیق آیات و روایات هستند و در زمان غیبت این مهم به عهده ولی فقیه گذاشته شده است. (امام خمینی، ۱۳۶۲) برای نمونه در آیه:

«فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم و شاورهم في الامر فاذا عزم فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين.»
 «به برکت رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس آنان را ببخش و برای آنان آمرزش بطلب و در کارها با ایشان مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش و) بر خدا توکل کن، زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.» (آل عمران، آیه ۱۵۹) در این فرهنگ فرمانده و رهبر الهی رفتارهایش مبتنی بر اصول و مبانی فکر و ارزشی زیر شکل می‌گیرد:

- ۱) اصل نرمی و مهربانی؛
- ۲) اصل عفو و بخشش؛
- ۳) اصل استغفار؛
- ۴) اصل مشورت؛
- ۵) اصل تصمیم‌گیری؛
- ۶) اصل توکل.

۱- قَالَ سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ الْعَمْرِيَّ أَنْ يُوصِلَ لِي كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلْتُ عَلَى فَوْرَةَ التَّوْبِيعِ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عَ أَمَّا مَا سَأَلْتُ عَنْهُ أَرَشِدَكَ اللَّهُ وَ بَيْتَكَ إِلَى أَنْ قَالَ وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَارِثَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّتُ اللَّهِ (وسائل الشيعه، ج ۲۷: ۱۴۰)

فرهنگ غربی

در مقابل رویکرد فرهنگ علوی، افرادی قرار دارند که اعتقادی به خدا و هدایت او ندارند و عقیده دارند که انسان، محصول فعل و انفعالات طبیعی است و نمی‌توان برای آن، مبدأ مستقلی معرفی کرد؛ به طوری که چگونه زیستن، کیفیت انتخاب و چراهای زندگی انسان، مرهون تجارب بشری است که در طول تاریخ به یاری عقل و تفکر خود به دست آورده است. گرچه این رویکرد رد شده ولی کسانی هستند که هنوز پایبند به آن بوده و هزینه‌های زیادی، صرف تبلیغ آرای باطله‌ی خویش می‌کنند.

این رویکرد از ابتدای خلقت با وسوسه‌های شیطان در فرزندان قابیل رخ نموده، رشد و نمو یافته و تا قرن ۱۶ میلادی، سمبل و نماد کلامی و منطقی آنها فلاسفه‌ای همچون ارسطو، افلاطون و سقراط بود. ولی در اوایل این قرن با ایراد و انتقاداتی که توسط فرانسس بیکن، ماکس وبر و دکارت شد، چهره‌ی کلامی و منطقی آن تغییر یافت و اصالت آن را از ذهن به واقعیات داد و اصالت عمل و تجربه‌گرایی را حاکم بر رفتار، کنش و گزینه‌های انسان ساختند (اهرنجان، ۱۳۸۲). این رویکرد برای استدلال رفتار و کنش انسان، سه اصل انسان‌گرایی، فردگرایی و لیبرالیسم را به‌عنوان مبانی این رویکرد و فرهنگ معرفی کرد و دین را به‌طور کلی از صحنه‌ی سیاست کنار گذاشت و نماد کلی آن را در کلیسا، روزهای یکشنبه و ابزار برائت از گناه را اعتراف در نزد کشیشان دانست؛ به طوری که امروزه، این خط مشی کلی بر چگونه زیستن و چراهای رفتار غرب حاکم است که به فرهنگ غربی معروف است، بعد از قرن هفدهم این تفکر به اشکال مختلف، تحولاتی در حوزه‌های علمی به وجود آورد که به سه دوره‌ی مدرنیته، نوگرایی و فرانوگرایی تقسیم می‌شود. ولی محور همه‌ی آنها، بازگشت به دو فلسفه‌ی ماتریالیسم کهن و اپیکوریسم (لذت‌گرایی) است؛ فرهنگی که قبل از دوران تسلط کامل کلیسا بر اروپا حاکم بوده است (بابایی، ۱۳۸۹).

تفاوت سبک‌های فرماندهی

تفاوت سبک‌های فرماندهی به نوع رویکرد، رهیافت یا نگاهی برمی‌گردد که فرماندهان به زندگی و نحوه‌ی اداره و برخورد با نیروها دارند و این که چگونه بتوانند آنها را وادار به تمکین در

مقابل دستورها و فرامین خود نمایند، به طوری که دستورها در کم‌ترین زمان و به بهترین شکل عملیاتی شده و اجرایی شوند. به همین خاطر بعضی نحوه‌ی استفاده رهبران و فرماندهان از قدرت و نفوذ را سبک رهبری می‌گویند (رضاییان، ۱۳۸۰). قدرت و نفوذ، دو فرایند اساسی برای دستیابی به اهداف می‌باشند؛ قدرت به مثابه‌ی نیرویی است که در باتری خودرو ذخیره شده و در انتظار آزاد شدن است و احتراق، تاکتیک نفوذی برای رهایی قدرت به کار می‌رود تا به کمک آن بتواند ماشین را به حرکت در آورد (اهرنجانی، ۱۳۸۲). به عبارتی، تفاوت سبک‌های فرماندهی و تفاوت بنیادین آن به نگرش و رویکردهای مختلف برمی‌گردد. سبک فرماندهی بیانگر نگرش و نوع تفکر فرمانده به زندگی، انسان و روابط بین آنها می‌باشد؛ سبک فرماندهی گویای سطح فکر و نوع نگرش فرماندهان به لایه‌های مختلف زندگی است و با این نگاه و نگرش به هدایت جان، فکر و دل نیروها می‌پردازد؛ به بیان مقام معظم رهبری^(مدظله) در جمع فرماندهان سپاه: «در فرماندهی، رهبری وجود دارد. جوهر فرماندهی، رهبری است. فرماندهی یک جوهری از رهبری باید داشته باشد و بدون آن فرمانده نیست... فرماندهی یک امر معنوی است، یک نوع رهبری است یک نوع اداره‌ی همه‌جانبه است یک چیز متکی به ذهن، احساس، عمل جسم و روح است. فرماندهی نظامی فقط آیین‌نامه و دستور ابلاغ نمی‌کند، بلکه مجموعه‌ی تحت فرماندهی خود را رهبری می‌کند، یعنی فکر و جان و دل آنها را هم مانند جسم آنها هدایت می‌کند (مقام معظم رهبری در جمع فرماندهان سپاه، ۶۹/۱۰/۲۲).

از طرف دیگر سبک‌های فرماندهی به شدت تحت تأثیر محیط فرهنگی جوامعی قرار دارد که خیزش نیروهایش از آنجا بوده است؛ به طوری که می‌توان گفت: «سبک‌های فرماندهی» در هر تمدن؛ جلوه‌ای از ساخت محیط‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اعتقادی و هنری آن جامعه است (رضاییان، ۱۳۸۰) و از این رو در به‌کارگیری سبک‌ها باید به این نقطه توجه کرد که سبک‌ها در کدام محیط تولد و نضج یافته است.

نگاهی به سبک‌های رهبری و فرماندهی رسول گرامی اسلام (ص)

در مطالعه‌ی شیوه‌ی رهبری، فرماندهی و مدیریتی پیامبر اکرم (ص) که هماهنگ با وحی صورت می‌گرفت، نمی‌توان از سبک خاصی یاد کرد مگر سبک الهی که به اقتضای شرایط از

سبک‌های مختلف استفاده می‌کرد که امروزه با عناوین دستوری (تکلیف‌گرا)؛ مشورتی (ترغیبی)؛ مشارکتی (حمایتی) و سبک تفویضی (رشد) یاد می‌شود که به اختصار به بعضی از مستندات و تشابهات آنها اشاره می‌گردد:

سبک دستوری (تکلیف‌گرا) / اطاعت عبد از مولی

اولین سبکی که در رهبری و فرماندهی پیامبران و پیامبراسلام^(ص) به خوبی مشهود است سبک بندگی در مقابل پروردگار است که هر چه وحی می‌شود آنها بدون چون و چرا اطاعت می‌کنند، همچون اطاعت عبد از مولایش. «فَاصْلَحْ بِمَا تُؤْمَرُ وَاعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر، آیه ۹۴) و بنابراین، می‌فرمود: «إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ» (احقاف، آیه ۹)؛ به یقین موضوع این سبک از فرماندهی و فرمانبری در سیره‌ی رسول اکرم^(ص) موارد حکم شرعی و یا دستور مستقیم یا به‌طور غیرمستقیم خداوند بوده است. مانند «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ» (مائده، آیه ۶۷). روشن است که در آن مشاوره راه ندارند. هم‌چنان‌که در مورد امیرالمؤمنین علی^(ع) دیده می‌شود: «پس هیچ نیازی به حکم و رأی شما و دیگران ندارم، هنوز چیزی پیش نیامده که حکم آن را ندانم، و نیاز به مشورت شما و دیگر برادران مسلمان داشته باشم، اگر چنین بود از شما و دیگران روی گردان نبودم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۵).

سبک مشورتی (ترغیبی)

این سبک مصداق کامل آیه‌ی شریفه «وشاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله» (آل عمران، آیه ۱۵۹) است. این‌که با چه کسانی باید مشورت کرد؟ در پاسخ باید گفت که کسانی مورد مشورت قرار می‌گیرند که از ظرفیت‌های بالایی برخوردار باشند. پیامبراکرم^(ص) در این‌باره می‌فرماید: «آگاه باشید که خدا و رسول او از مشورت بی‌نیازند؛ ولی خداوند مشورت را برای رحمت بر امت من قرار داده است» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ احد با صدای بلند خطاب به یاران خود فرمود: «اوشيروا الی» یعنی نظر دهید». (الدرالمثور، ج ۲: ۹) نظر رسول خدا در جنگ این بود که مسلمانان در مدینه سنگر بگیرند. آشنایی مسلمانان با محل نبرد به آنان کمک می‌کرد که با حمله‌های خود زیان‌های سنگینی بر سپاه شرک وارد سازند. نظر صحابی بزرگ و

همین‌طور نظر عبدالله ابی نیز همین بود. ولی جوان‌ترها خواستار خروج از مدینه و رویارویی با قریش در بیرون شهر مدینه بودند. رسول خدا^(ص) با مشاهده اصرار مردم برای خروج ارتش اسلام از شهر فرمود: «می‌ترسم شکست بخورید. با این وجود نظر اکثریت را پذیرفت، زیرا که شورا اصل تخلف‌ناپذیر تشکیلات آن حضرت بود.» (سبحانی، ۱۳۶۲).

سبک مشارکتی (حمایتی)

برای تفکیک سبک مشاورت از مشارکت، مقایسه‌ای بین دو آیه شریفه‌ی «وشاورهم فی الامر» و «امرهم شوری بینهم» لازم است. آیه‌ی نخست، دلالت بر لزوم مشاورت دارد؛ و آیه‌ی شورا دلالت بر مطلوبیت مشارکت دارد. در آیه‌ی اول خطاب به شخص رسول خدا^(ص) به‌عنوان حاکم و مجری و مدیر است؛ که تصمیم‌گیری در امور مربوط به حکومت خود، از نظریات دیگران استفاده کند؛ ولی در آیه‌ی دوم وظیفه‌ی مردم را بیان می‌کند که برای اصلاح امور خود (امرهم) به صورت شورایی و به حل مسائل خود پردازند، و نتیجه شور را به رسول اکرم^(ص) به‌عنوان ولی امر مسلمین عرضه دارند و به نوعی، در تصمیم‌گیری رسول الله^(ص) مشارکت کنند.» (قوامی، ۱۳۸۳).

سبک تفویضی (رشد)

در شیوه‌ی مدیریتی رسول خدا^(ص) این سبک از مدیریت نیز دیده می‌شود. از جمله، در اوایل سال پنجم هجری هنگامی که قبیله‌ی بنی‌قریظه، که سابقه‌ی خیانت به پیمان خود با مسلمانان را داشتند، تسلیم شدند، رسول اکرم^(ص) تصمیم‌گیری درباره‌ی آنان را به سعد معاذ تفویض کرد. رسول خدا^(ص) فرمود: «داوری در این باره را بر بزرگ شما و رئیس گروه، یعنی سعد معاذ می‌گذارم، او در این مورد هر چه بگوید و نظر دهد، من می‌پذیرم.» (سبحانی، ۱۳۶۲).

سبک فرماندهی در فرهنگ علوی

زیباترین نمونه‌های شیوه‌ی رهبری و پیروی را، می‌توان در رابطه بین امامان معصوم علیهم السلام و پیروان خاص‌شان مشاهده کرد. مانند اطاعت همراه با اطمینان از امام مبنی بر فرو رفتن در

آتش تنور «صحابی امام جعفر صادق علیه السلام، خودداری از بدگویی از امام به زعم بریده شدن اندام بدن» صحابی حضرت امیر علیه السلام و یا نبرد مشتاقانه و تا سر حد جان در رکاب امام حسین^(ع) تنها نمونه‌هایی از این رابطه مرید و مراد شورانگیز است. این نفوذ استثنایی حاصل جایگاه ویژه‌ی ائمه اطهار علیه السلام در جامعه و فرهنگ شیعی و ویژگی‌های خاص و مافوق بشری این انسان‌های مقدس است. شیعه دو ویژگی اساسی را برای ائمه علیه السلام قائل است؛ علم و عصمت. به عبارت دیگر امام^(ع)، با احاطه‌ی فوق‌العاده، مسیر رسیدن به سعادت را بهتر از دیگر انسان‌ها تشخیص می‌دهد؛ و در عین حال، به دلیل مصونیت در برابر گناه، موثوق‌ترین منبع پیام و صادق‌ترین واسطه‌ی تشخیص حق از ناحق است. این دو ویژگی باعث می‌شود که امام از جایگاه مرجعیت و هدایت دینی فراتر رفته و به مقام ولایت برسد (حسینی، ۱۳۸۳) و پیروان حقیقی تابع حقیقی آن شده و در مقابل دستورات آنها هیچ شبهه و سؤالی نکنند.

در فرهنگ علوی، انسان مخلوقی است که توسط خداوند آفریده شده و نیاز و کاستی همه‌ی زندگی او را پوشانده ولی به حکمت الهی، تمام منابع و ابزارهای لازم برای تأمین نیازهای انسان فراهم است و حتی این منابع و ابزارها قبل از تولد انسان فراهم می‌گردد. انسان برای زندگی در دنیا نیازمند قلب، شش، دست و پا و سایر اعضا و جوارح می‌باشد و آنها را قبل از تولد در شکم مادر ایجاد می‌کند. او در دنیا برای تنفس، نیازمند هواست. هوا بدون حساب در اختیار انسان قرار می‌گیرد، اگر تشنه شود، آب برای او فراهم شده و دیگر نیازهای انسان نیز به همین گونه تأمین و ابزارها و منابع لازم در اختیار قرار گرفته است تا زندگی کند و هویت خودش را به درستی رقم زند و دور از حکمت الهی است، اگر نیازی در انسان یافت شود و امکان و زمینه‌ی لازم برای رفع آن فراهم نشده باشد.

یکی از این نیازها و مهم‌ترین آنها چگونگی استفاده از امکانات و ابزارها و منابعی است که برای تأمین زندگی در اختیار انسان قرار گرفته، آیا می‌توان فرض کرد که خدا آب برای رفع تشنگی انسان بیافریند، ولی چگونگی استفاده از آن را مشخص نکرده باشد؟ آیا می‌توان تصور نمود که تأمین نیازهای عاطفی، جنسی و بقای نسل انسان وابسته به خانواده باشد، ولی در مورد چگونگی شکل‌گیری و دوام آن سخنی به میان نیاورد؟ و به‌طور کلی می‌توان تصور نمود

که خداوند، منابع و ابزارهای لازم را برای تأمین نیازهای انسان بیافریند، ولی چگونگی استفاده از آنها را مشخص نکرده باشد؟ و یا چگونه می‌توان تصور کرد که روش و چگونگی مقابله با متجاوزان تعیین نشود؟ و اسباب آرامش انسان‌ها فراهم نگردد؟

به مصداق آیه‌ی شریفه‌ی «ولا رطب و لایابس الا فی کتاب مبین» (انعام، آیه‌ی ۵۹)، پاسخ این سؤالات نه تنها در رویکرد فرهنگ علوی ارائه شده؛ بلکه نماینده‌هایی مشخص گردیده تا امکان تحریف معنایی آنها را نیز از بین ببرند. هم‌چنین اگر ظالمان و مفسدان از طرف خدا دفع نشوند، فساد جامعه را فرا می‌گیرد «و لولا دفعُ اللهِ النَّاسِ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» (بقره، آیه‌ی ۲۵۱) و مظاهر عبادت و بندگی از بین رفته و شیطان مسلط می‌گردد «و لولا دفعُ اللهِ النَّاسِ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيعُ وَصَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج، آیه‌ی ۴۰) و این سنت الهی که خداوند مدافع مومنان است «إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» (حج، آیه‌ی ۳۳) تا خلافت نهایی به‌دست آنها بیفتد.

از نگاه فرهنگ علوی از ابتدای آفرینش انسان، با ارسال رسولان و انزال کتاب‌های آسمانی پاسخگویی نیازهای عاطفی، حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی و نظامی بندگانش بوده است. این رویه تا زمان رسالت پیامبر اسلام^(ص) ادامه می‌یابد ولی در طول تاریخ این دستورات و برنامه‌ها به دست انسان‌های طغیان‌گر در طول تحریف لفظی و معنایی پیدا می‌کند تا این‌که با نزول قرآن، حفاظت آن را خود به عهده می‌گیرد: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» (حجر، آیه‌ی ۹) و در چهار بخش آن غیر خودش را به مبارزه دعوت می‌کند که اگر می‌توانند یک سوره مثل آن بیاورند ولی نمی‌توانند و هرگز نخواهند توانست: «لم تفعلوا و لن تفعلوا» (بقره، آیه‌ی ۲۴) و برای حفاظت قرآن از تحریف معنایی، ائمه اطهار را جانشینان پیامبر^(ص) قرار داد «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک» (انعام، آیه‌ی ۶۷)

این فرماندهی، مدیریت و رهبری تا زمان غیبت حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه‌ی چهره به چهره و مستقیم صورت می‌گرفت و مردم برای رفع مشکلات و نیازها به‌طور مستقیم به آنها مراجعه می‌کردند و در زمان غیبت کبری به‌دستور حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه، این وظیفه به عهده‌ی مجتهدین جامع‌الشرایط و آشنا به قرآن و سنت پیامبر و ائمه

عليهم السلام (ولایت فقیه) واگذار گردید: «عن الكُئینی عن إسحاق بن یعقوب قال سألت مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعُمَرِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنْ يُوصِلَ لِي كِتَابًا سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلْتُ عَلَى فَوْرَدَ التَّوْقِيْعِ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَهَا فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاهِي حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّتِي اللَّهُ» (بحار الأنوار، ج ۲: ۹۰).

کتاب خدا و عترت پیامبر اعظم^(ص) دو نعمت بزرگی هستند که پیامبر در میان مردم به امانت گذاشت تا به کمک آنها مردم به راحتی و به درستی رهنمون شوند «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضُ» (وسائل الشيعه، ج ۲۷: ۳۳) و تا زمانی که مردم این دو را راهنمای زندگی فردی و اجتماعی خود قرار دهند، هیچ انحرافی در زندگی ایجاد نمی‌شود و آنها را به راحتی به هدف، خوشبختی و سعادت دنیوی و اخروی خواهد رساند. به توصیه‌ی رهبر کبیر انقلاب اسلامی - مصداق بلامنازع ولی فقیه - ولایت فقیه نعمت و امانت الهی است که در اختیار مردم قرار گرفته و ولایت آنها همانند ولایت رسول خداست و مردم باید بدانند که اگر دولت اسلامی با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی به مملکت وارد نخواهد شد؛ چرا که ولایت فقیه آن‌طور که اسلام و ائمه‌ی ما مقرر فرموده‌اند به کسی صدمه وارد نمی‌کند، دیکتاتوری به وجود نمی‌آورد، کاری بر خلاف مصالح مملکت انجام نمی‌دهد و کارهایی که دولت یا رئیس‌جمهوری یا کس دیگر بر خلاف مسیر ملت و بر خلاف مصالح کشور انجام دهند، کنترل و جلوگیری به عمل می‌آورد (صحیفه‌ی نور، ج ۹: ۱۷۰).

بنابراین، گفته‌هایی که مستند به وحی و آیات الهی هستند و توسط پیامبران و اوصیای الهی برای مردم بازگو شده‌اند، آموزه‌هایی هستند که منشأ الهی دارند. این آموزه‌ها از زمان هبوط حضرت آدم^(ع) برای هدایت و مدیریت بشر فرستاده شده تا با تبعیت و پیروی از آنها، مردم بدون هیچ مشکلی به همان جایگاه قبلی برگردند. «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، آیه ۳۸). این دستورات، اولین دستورالعمل‌های فرماندهی هستند که در بستر زندگی انسان‌ها تحقق یافته، که از این به بعد از او به نظریه و سبک علوی یاد خواهیم کرد؛ چراکه:

نخست: در فرهنگ علوی، کلیه‌ی ادیان، وحدت مشترک دارند که از آن به اصول یاد می‌شود. و دعوت مردم در طول تاریخ از ناحیه‌ی پیامبران الهی برای ایمان به آنها و تسلیم در برابر آنها بوده است. «انَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامَ وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (بقره، آیه‌ی ۱۲۸) دین نزد خدای سبحان یکی است و اختلافی در آن نیست و خدا بندگان خود را امر نکرده مگر به پیروی از همان دین و بر انبیای خود هیچ کتابی را نازل ننموده مگر درباره‌ی همان دین، و هیچ آیت و معجزه‌ای به پا نکرده مگر برای همان دین که اسلام است (طباطبایی، ج ۳: ۱۳۳). پیروان این اصول و دین مسلمان گفته می‌شود: «هُوَ اجْتَبَكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا» (حج، آیه‌ی ۷۸).

از آنجایی که کتاب‌های قبلی مورد تحریف لفظی و معنوی قرار گرفته‌اند و تنها قرآن است که خداوند حفاظت آن را به عهده گرفته است «و انا له لحافظون». حفظ لفظی به معجزه الهی صورت می‌گیرد؛ به طوری که هیچ غیرخدایی (گرچه همه باهم همکاری نمایند) نمی‌توانند سوره‌ای مانند آن را بیاورند و حفظ معنایی قرآن به وجود ائمه‌ی اطهار علیهم السلام صورت می‌گیرد و این می‌تواند یکی از علل حضور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. به عبارت دیگر، انسان برای هدایت و راهبری، نیازمند برنامه و راهنما می‌باشد. قرآن، همان برنامه و دستورالعمل‌های الهی است که خداوند حفاظت آن را برعهده گرفته و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام، همان قرآن ناطقی می‌باشند که حفاظت معنای قرآن را بر عهده دارند و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند و از هم جدا نمی‌شوند و نمی‌توان یکی را پذیرفت و دیگری را رها نمود.

دوم: دین اسلام و گزاره‌های آن مصون از تحریف لفظی و معنای معجزه‌ی جاویدان الهی است و دین کامل و نعمت تامی است که از ناحیه‌ی خداوند به بشریت ارزانی شده است «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده، آیه‌ی ۳). بنابراین، دینی غیر از اسلام در پیشگاه الهی از کسی پذیرفته نمی‌شود. «وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران، آیه‌ی ۵۸).

سوم: تأکید به پذیرش اسلام به عنوان تنها گزاره‌ای که هدایت راستین انسان را تأمین می‌کند و گزاره‌های دین اسلام از تحریف‌های لفظی و معنوی مصون می‌باشد در غیر

این صورت پیروان دین اسلام به پیامبران قبلی ایمان داشته و کتب آنها را قبول دارند و هیچ تفاوتی بین آنها قائل نیستند: «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رَسُولِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رَسُولِهِ» (بقره، آیه ۲۸۵). در حالی که نمی‌توان مسلمانی یافت که به پیامبر اعظم اسلام^(ص) ایمان داشته و حضرت موسی و عیسی و سایر پیامبران را منکر شده و به آنها ایمان نداشته باشد.

بنابراین، فرماندهی علوی یا فرماندهی الهی در حکومت پیامبران آسمانی بر ضرورت زندگی اجتماعی انسان و واقعیت حاکم بر جوامع انسانی تکیه دارد و فرماندهی آنان بر اساس حق و واقعیت سامان می‌پذیرد

متون فرماندهی در فرهنگ علوی

در فرهنگ اسلامی و علوی، محتوا و دستورالعمل‌های فرماندهی، رهبری و مدیریت از طریق وحی به پیامبران علیهم السلام نازل شده است؛ یعنی کتب آسمانی پیامبران مانند صُحُف حضرت ابراهیم علیه السلام، تورات حضرت موسی^(ع)، انجیل حضرت عیسی^(ع) و قرآن پیامبر اعظم اسلام^(ص) و سیره‌ی ایشان و سخنان ائمه‌ی اطهار علیهم السلام متونی هستند که گزاره‌های مدیریت و فرماندهی را می‌توان از آنها استخراج نمود؛ اگرچه در کتب آسمانی غیر قرآن، تحریف‌های زیاد لفظی و معنایی رخ داده، ولی می‌توان از مشترکات آنها استفاده نمود. به‌عنوان نمونه، به یکی از دستورالعمل‌های مدیریت از تورات اشاره می‌شود. متنی که از تورات انتخاب شده از سفر خروج فصل ۱۸ می‌باشد که در آن حضرت شعیب^(ع)، حضرت موسی^(ع) را به تشکیل سازمانی می‌کند تا مسئولیت‌های مربوط به قضاوت و داوری بین افراد را به دیگران واگذار نماید و به‌دنبال آن حضرت موسی^(ع) از میان قوم بنی‌اسرائیل، مردان توانا را انتخاب کرد و آنها را حاکم و رئیس بر دسته‌های هزار نفری، صد نفری، پنجاه نفری و ده نفری نمود. این نمونه به یکی از گزاره‌های مهم مدیریت و فرماندهی اشاره دارد؛ یعنی تقسیم امور و تفویض اختیار به مدیران و فرماندهان سطوح پایین.

بنابراین در آموزه‌های دینی، کتاب‌های آسمانی به‌عنوان گزاره‌های رفتاری تلقی می‌شوند که انسان در زندگی به آنها نیازمند است و بدون به‌کارگیری آنها نمی‌تواند به سعادت واقعی دست یافته و لذت حقیقی را از زندگی برگیرد. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه، آیه ۱۲۴).

الگوهای اجرایی فرماندهی در فرهنگ علوی

ساختار وجودی انسان چنان نگاشته شده است که بدون الگو توان اجرایی کردن دانسته‌ها را نخواهد داشت؛ وقتی حکم «اقیموا الصلوه» نازل شد و پیامبر به اطلاع مردم رساند، نه پیامبر و نه مردم کیفیت اقامه‌ی آن را نمی‌دانستند و هرکس بر پایه‌ی برداشت‌های ذهنی تأویلی از آن کرده و اقدامی انجام می‌داد. از این‌رو، خدا با ارسال ملائکه‌ی وحی به پیامبر یاد می‌دهد چگونه نماز بخواند و ایشان نیز به مردم یاد می‌دهد که چگونه آن را بر پا دارند. و بنابراین، وقتی خدا به حضرت نوح دستور ساخت کشتی می‌دهد خود الگوی ساخت و چگونگی آن را نیز بیان می‌کند «و اصنع الفلک باعیننا و وحینا» (هود، آیه ۳۷).

بنابراین، پیامبران اولوالعزم یا پیامبرانی که کتاب آسمانی دارند، اولین الگوهای عملی این عرصه هستند که اولین آنها حضرت آدم^(ع) می‌باشد «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران، آیه ۳۳). «و قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ ... لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ» (ممتحنه، آیه ۴ و ۵) و آخرین آنها پیامبر عظیم‌الشان اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشند «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَ لَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (احزاب، آیه ۴۰). «قَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ» (احزاب، آیه ۲۱).

در مرحله‌ی دوم اوصیا و جانشینان این پیامبران می‌باشند که کتاب جداگانه‌ای نداشته‌اند؛ بلکه مبلغ و مروج آیین و دین پیامبران دوران خود بوده‌اند در عهد داود پیغمبر علیه السلام فرماندهی جبار بود، آفریدگار عالم - جلّ شأنه - به حضرت داود^(ع) وحی فرستاد که: «برو به

نزد آن جبار و بگو که: من تو را برای آن سلطنت نداده‌ام که مال دنیا بر روی هم جمع کنی، بلکه به جهت آن زمام فرمانروایی را به دست تو داده‌ام که دادرسی مظلومان کنی و نگذاری که ناله‌ی دادخواهی ایشان به درگاه من رسد. به درستی که من سوگند خورده‌ام به ذات مقدس خودم که، یاری مظلوم کنم و انتقام کشم از کسی که در حضور او ستم بر مظلومی رفته و او نصرت وی نکرده است (معراج السعاده؛ ج ۲: ۴۹۶).

در زمان پیامبر اعظم^(ص) به دستور و مشیت الهی این امر به عهده‌ی ائمه اطهار علیهم السلام گذاشته شد که با ابلاغ این امر از طرف رسول خدا^(ص) «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک» خداوند فرمودند که: دین خود را کامل نموده و نعمت هدایت را به اتمام رسانیده‌اند «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی». امامان براساس نص صریح ۱۲ نفر هستند که همه از فرزندان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشند. «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ أَنَا أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ثُمَّ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ فَإِذَا اسْتُشْهِدَ عَلِيٌّ فَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنُ مِنْ بَعْدِهِ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ فَإِذَا اسْتُشْهِدَ فَابْنَةُ عَلِيٍّ ابْنَةُ الْحُسَيْنِ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ سَتَدْرِكُهُ يَا عَلِيُّ ثُمَّ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَلِيٍّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ سَتَدْرِكُهُ يَا حُسَيْنُ ثُمَّ يُكْمَلُهُ أَتْنِي عَشْرًا إِمَامًا تَسَعَىٰ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ» (کافی ج ۱: ۵۲۹).

اولین آنها، مولی الموحدين امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌باشد و آخرین ایشان، حضرت حجت «روحی لمقدم ترابه فداه» می‌باشد: «عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَىٰ فَاطِمَةَ ع وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ أَتْنِي عَشْرًا آخِرُهُمُ الْقَائِمُ ع تَلَاثَةً مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ تَلَاثَةً مِنْهُمْ عَلِيٌّ» (همان: ۵۳۲).

بنابراین، الگوهای مدیریت و فرماندهی در اسلام در مرحله‌ی اول پیامبران اولوالعزم و در مرحله‌ی دوم، اوصیای الهی می‌باشند و در عصر غیبت، این الگو همان وجود مبارک حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد که به توصیه‌ی ایشان به عهده‌ی ولی فقیه گذاشته شده تا از نظر نرم‌افزاری و محتوا مدیران و فرماندهان را راهنمایی نمایند. اندیشمندان و علمای اسلامی باید این گزاره‌ها را از متون اسلامی

استخراج نموده و در اختیار آحاد مردم به ویژه مدیران و فرماندهان قرار دهند تا با تمسک به آنها بتوانند به سعادت و کمال دست یابند. البته احادیث زیادی وجود دارد که به این مطلب اشاره دارد. یکی از آنها توقیعه‌ای است که به خط مبارک حضرت حجت (روحی لمقدمه ترابه فداه) که در آن به سؤالات نایب آخرش (عثمان سمری) جواب می‌دهد که در حوادث واقعه و مسائلی که اتفاق خواهد افتاد، و مردم دسترسی به من ندارند و باید به روات احادیث ما مراجعه نمایند که آنها حجت ما و ما حجت خدا هستیم: «الْكَلْبَيْنِيُّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَثْمَانَ الْعَمْرِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنْ يُوَصِّلَ لِي كِتَابًا سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلْتُ عَلَيْهَا فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» (بحارالانوار، ج ۲: ۹۰) و در احادیث دیگر خصوصیات این راویان مشخص شده تا صرف نقل قول احادیث از معصومین علیهم السلام، دلیل مراجعه‌ی مردم به آنها نباشد؛ بلکه راویان احادیث باید از نظر نفسانی و اخلاقی دارای اوصافی مانند نگهبانی از نفس، حفاظت از دین، مخالف هوای نفس باشند و در امورات، مطیع امر مولای خود باشند تا آنها را از دیگر فقهای شیعه جدا نماید و در این صورت است که عوام باید از آنها تبعیت نمایند: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضَ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ» (وسایل الشیعه، ج ۲۷: ۱۳۱).

نقش زمان و مکان در الگوهای رفتاری

توجه به نکات زیر در الگوگیری از رفتارهای امیرالمؤمنین علیه السلام ضروری است؛ چراکه رفتارها به دو بخش عمده تقسیم می‌شوند:

- ۱) رفتارهایی که عنصر زمان و مکان در آنها دخالت دارند و اعتبارشان در همان زمان و مکان می‌باشد. به عبارت دیگر، زمان و مکان در هویت رفتارها اثرگذار بوده و وجاهت و اعتبار آنها را تحت شعاع قرار می‌دهند و بی‌شک در تبعیت و الگوگیری از

آنها باید به شرایط زمانی و مکانی وقوع رفتار توجه کرد، که در لسان شرع به شأن نزول یاد می‌شود.

۲) رفتارهایی که زمانی و مکانی نیستند و این دو تأثیری در هویت و مهندسی آنها ندارند و همواره می‌توانند الگوی دیگران قرار گیرند و به همان گونه انجام شوند (بابایی، ۱۳۸۹).

رفتارهای امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به دو بخش اختصاصی و عمومی تقسیم می‌شود که در تبیین و الگوگیری از آنها باید مورد توجه قرار گیرد. گاهی حضرت در شرایط زمانی و مکانی خاصی رفتاری را انجام می‌دادند که در همان زمان و مکان اعتبار داشته و توجیه‌پذیر بودند و الزامی به پیروی دیگران از آن نبود. چنان‌که فرمودند:

«لَنْ تَقْدَرُونَ عَلَى ذَالِكِ وَ لَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ» شما نمی‌توانید همانند من زندگی کنید، لکن در پرهیزکاری و تلاش برای خوبی‌ها مرا یاری کنید (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۵) که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود که به صورت‌های مختلف ائمه‌ی اطهار علیه السلام نیز به آن اشاره داشته‌اند:

پوشش و لباس: شکل و لباس حضرت تنها در آن زمان و موقعیت دارای اعتبار بوده و پوشیدن آن در این زمان موجبات اعتراض دیگران خواهد شد. حضرت از لباس‌های پشمی و ساده استفاده می‌کردند که پوشش آن برای سایر معصومین علیهم السلام ضرورت نداشته است. غذا و خوراک: زمان، مکان، وضعیت و موقعیت باعث شده بود که حضرت از غذاهای ساده استفاده نمایند در صورتی که فرزندان و همسران ایشان از غذاهای بهتری استفاده می‌کردند. کفش: نوع کفش و پای برهنه بودن ایشان در بعضی مواقع برای امروز قابل پیاده شدن نیست (دشتی، ۱۳۸۰).

وقتی عاصم بن زیاد، به تبعیت از حضرت لباس پشمی پوشیدند و به کوه‌ها می‌رفت و دست از زندگی عادی برداشت و تنها عبادت می‌کرد، مورد نکوهش حضرت واقع شد و از این‌رو فرمود: «چرا این‌گونه زندگی می‌کنی؟»

عاصم جواب داد: «یا امیرالمؤمنین علیه السلام، هذا أنتَ فی خُشُونَه مَلْبَسِکَ وَ جُشُونَه مَأْکَلِکَ» (ای امیرالمؤمنین علیه السلام پس چرا شما با این لباس خشن و آن غذاهای ناگوار به سر می‌برید؟)

حضرت فرمودند: «وَيَحْكُ، إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيَّ أَمْرَهُ الْعَدْلَ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ» (وای بر تو، من همانند تو نیستم، خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند) (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۰۹).

و بخش دیگری از رفتارهای حضرت علیه السلام آنهایی بودند که عنصر زمان و مکان در آنها مداخلت ندارند؛ یعنی رفتارهایی که زمان‌بردار نبوده و همواره می‌توان از آنها الگوبرداری کرد، مانند رفتارهایی که حضرت علیه السلام در برخورد با بیت المال، مردم و یا در مواجهه با دشمن انجام می‌دادند.

حیات و دوام باطل با نیروی حق

نکته‌ی دیگر این است که باطل به طفیل حق پیدا می‌شود و با نیروی حق حرکت می‌کند؛ یعنی نیرو مال خودش نیست، نیرو در اصل مال حق است و باطل با نیروی حق حرکت می‌کند، کفی که روی آب هست، نیروی کف نیست که او را حرکت می‌دهد، این نیروی آب است که او را حرکت می‌دهد. معاویه اگر پیدا می‌شود و آن همه کارهای باطل می‌کند، آن نیروی اجتماعی را معاویه به وجود نیاورده و ماهیت واقعی آن نیرو «معاویه‌ای» نیست و جامعه در بطن خودش ماهیت «معاویه‌ای» ندارد! باز هم پیغمبر است، باز هم ایمان است، باز هم معنویت است، ولی معاویه بر روی این نیرو سوار شده است.

یزید هم که امام حسین علیه السلام را کشت گفت: «قتل الحسين بسيف جده» (بحارالانوار، ج ۴۴: ۲۹۸) یعنی حسین با شمشیر جدش پیامبر کشته شد! این یک معنای درستی دارد، یعنی از نیروی پیامبر استفاده کردند و او را کشتند، چون برای تحریک مردم می‌گفتند: «یا خیل الله از کبی و بالجَنَهی أبشری» (همان، ج ۴۵: ۳۹۱) (ای سواران الهی! سوار

شوید و بهشت بر شما بشارت باد). امام باقر علیه السلام فرمودند که سی هزار نفر جمع شده بودند که جد ما حضرت حسین علیه السلام را بکشند: «و کُلَّ یَتَقَرَّبُ الِی اللّٰهِ بدمه» (و هر یک با کشتن او به خدا تقرّب می‌جستند) (منقروی، ۱۳۶۶) چون می‌گفتند یزید خلیفه‌ی پیامبر است و حسین بن علی (ع) بر او خروج کرده است، باید با او جنگید. باطل حق را با شمشیر حق می‌زند، پس باطل نیروی حق را به خدمت گرفته است.

داستانی شهید مطهری نقل می‌کند که ذکرش در اینجا مناسب است. یکی از علمای فارس آمده بود تهران. در مسافرخانه پول‌هایش را می‌دزدند، او هم هیچ‌کس را نمی‌شناخته و مانده بوده که چه بکند. به فکرش می‌رسد که برای تهیه‌ی پول، فرمان امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر را روی یک کاغذ اعلا با یک خط عالی بنویسد و به صدراعظم وقت هدیه کند تا هم او را ارشاد کرده باشد و هم خود از گرفتاری رها شود. این عالم محترم خیلی زحمت می‌کشد و فرمان را می‌نویسد و وقت می‌گیرد و می‌رود. صدراعظم می‌پرسد این چیست؟ می‌گوید فرمان امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر است. صدراعظم تأملی می‌کند و بعد مشغول کارهای خودش می‌شود. این آقا مدتی می‌نشیند و بعد می‌خواهد برود، صدراعظم می‌گوید نه، شما بنشینید. این مرد محترم باز می‌نشیند. مردم می‌آیند و می‌روند. آخر وقت می‌شود، بلند می‌شود برود؛ می‌گوید نه آقا! شما بفرمایید. همه می‌روند غیر از نوکرها. باز می‌خواهد برود، می‌گوید نه شما بنشینید، من با شما کار دارم. به فرآش می‌گوید در را ببند هیچ کس نیاید. به این عالم می‌گوید بیا جلو! وقتی پهلوی او نشست می‌گوید این را برای چه نوشتی؟ می‌گوید چون شما صدراعظم هستید، فکر کردم اگر بخواهم به شما خدمتی بکنم هیچ چیز بهتر از این نمی‌شود که فرمان امیرالمؤمنین علیه السلام را که دستور حکومت و موازین اسلامی حکومت است برای شما بنویسم. صدراعظم می‌گوید بیا جلو! و یواشکی از او می‌پرسد آیا خود علی علیه السلام به این عمل کرد یا نه؟ عالم می‌گوید بله عمل کرد. می‌گوید خودش که عمل کرد جز شکست چه نتیجه‌ای گرفت؟ چه چیزی نصیبش شد که حالا تو این را آورده‌ای که من عمل کنم؟ آن مرد عالم گفت تو چرا این سؤال را جلو مردم از من نپرسیدی و صبر کردی تا همه مردم رفتند، حتی نوکرها را بیرون کردی و مرا آوردی نزدیک و یواشکی

پرسیدی؟ از چه کسی می ترسی؟ از این مردم می ترسی. تو از چه چیز مردم می ترسی؟ غیر از همین علی علیه السلام است که در فکر مردم تأثیر کرده؟ الان معاویه کجاست؟ معاویه ای که مثل تو عمل می کرد کجاست؟ تو خودت هم مجبوری به معاویه لعنت کنی. پس علی شکست نخورده، باز هم امروز منطق علی علیه السلام است که طرفدار دارد، باز هم حق پیروز است. این یک مثل بود ولی بیانگر واقعیت است (مطهری، ۱۳۸۵).

رمز موفقیت در فرماندهی

تمسک به نام و سبک شیوهی امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به همین است گرچه به ظاهر او شکست خورد ولی در واقعیت و نفس الامر او پیروز شده است و ماندگاری ایشان نیز به همین است. چرا که نگاه به عمل و رویکرد به آن متفاوت است در نهج البلاغه دربارهی «موفقیت در عمل» یا «پیروزی در عمل» مطلبی آمده است. حضرت علی علیه السلام و معاویه، دو حزب، دو گروه، دو جمعیت با دو طرز تفکر و با دو فلسفه‌ی اجتماعی، در مقابل یکدیگر ایستاده و با هم مبارزه می کنند. طرفداران معاویه برای خودشان یک نظریه و یک طرح دارند و می گویند پیشوای ما معاویه است و معاویه هم برای خودش فرضیه‌هایی درست کرده و اسلامی ساخته است. حضرت علی علیه السلام وقتی با اصحاب خودش صحبت می کند، آنها را مورد تعرض قرار می دهد و به صورت یک پیش‌بینی به آنها می گوید: «معاویه و اصحابش بر شما پیروز خواهند شد» یعنی با این که نظریه شما حق است و شما دنبال یک امام و رهبر حقی هستید و خدای متعال هم در قرآن فرموده است «حق بر باطل پیروز است» و با این که آنها دنبال رهبر باطلی هستند و خدا هم در قرآن فرموده که باطل در نهایت امر شکست می خورد [با این حال] به شما می گویم با این وضعیتی که از شما می بینم آنها بر شما پیروز می شوند «و آتی و الله لاظن ان هؤلاء القوم سید الون منکم» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۴۱)؛ علت چیست؟ وقتی به عده‌ای در دنیای امروز گفته می شود حضرت علی علیه السلام بر حق بود یا معاویه؟ طبق فلسفه‌ی عمل - که یک فرضیه حقایق خود را در عمل ثابت می کند - می گویند: ما می بینیم معاویه در مبارزه پیروز شد و علی^(ع) شکست خورد. علی^(ع) پس از چهار سال و چند ماه خلافت کشته شد، ولی معاویه بر سراسر کشور اسلامی مسلط گردید، پس این دلیل بر حقایق است

معاویه و عدم حقانیت علی^(ع) است. مگر عده‌ای همین حرف را نگفتند؟ مگر هنوز در دنیا افرادی نیستند که همین حرف را می‌زنند؟ اینها طبق «فلسفه عمل» پیش می‌آیند، می‌گویند از نظر فلسفه عمل نباید دنبال این حرف‌ها برویم که علی چه می‌گفت و معاویه چه می‌گفت، آیا علی تابع قرآن بود، تابع سنت پیغمبر^(ص) بود، معاویه چگونه آدمی بود؛ ما به نتیجه‌ی عمل نگاه می‌کنیم، می‌بینیم معاویه در عمل بر علی پیروز شد. دلیل بر حقانیت یک نظریه، یک مکتب و یک طرح، پیروزی عملی است. اما جواب مسأله را خود حضرت علی علیه السلام می‌دهد. شما [در اینجا] بسیط فکر می‌کنید و می‌گویید پیروان معاویه از یک طرح پیروی می‌کنند و او را پیشوا قرار داده‌اند و معاویه برای زندگی و اجتماع یک طرح و یک مکتب دارد و علی هم یک طرح و یک مکتب دارد و چون مکتب معاویه بر مکتب علی پیروز شد، این دلیل بر حقانیت مکتب معاویه است. اگر این‌جا فقط همین دو فرضیه وجود می‌داشت، یعنی مسأله به‌همین سادگی مطرح بود که «معاویه است و یک مکتب و این مکتب صد درصد پیاده می‌شود، و علی است و یک مکتب و این مکتب هم صد درصد پیاده می‌شود و معاویه پیروز می‌شود» مطلب درست بود چون دو فرضیه بیشتر وجود نداشت: مکتب علی^(ع) و مکتب معاویه، مکتب حق و مکتب باطل. واقعاً وقتی است که بیش از دو فرضیه وجود نداشته باشد. مطلب از همین قبیل است: اگر علی^(ع) بر حق است حتماً پیروز می‌شود، و اگر معاویه پیروز شود دلیل بر این است که او بر حق است.

حضرت علی علیه السلام می‌گوید مطلب این‌طور نیست، فرضیه‌های دیگری در این‌جا وجود دارد که این پیروزی ربطی به مکتب علی و مکتب معاویه ندارد، راز پیروزی معاویه و شکست شما در امری است که نه به مکتب معاویه مربوط است و نه به مکتب علی، امری است مربوط به روحیه‌ی شما. تعبیر امام این است: «باجتماعهم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم» (همان). اگر کسانی از دور قضایا را نگاه کنند و همین‌طور [سطحی] قضایا را بسنجند می‌گویند: این مکتب علی است که دارد شکست می‌خورد و آن هم مکتب معاویه است که دارد پیروز می‌شود، پس حق با معاویه است. اما این استدلال، غلط است. این مکتب علی^(ع) نیست که شکست می‌خورد، این مردم عراقند که شکست می‌خورند، به دلیل این‌که اسماً دنبال مکتب علی هستند ولی عملاً دنبال مکتب علی

نیستند. امروز در دنیا بسیاری از افراد نظیر این حرف‌ها را بر اساس مسلک «فلسفه عمل» می‌گویند ولی با ساده‌اندیشی، که راسل و امثال او به این ساده‌اندیشی‌ها توجه کرده‌اند (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۸۴).

تفاوت‌های سبک فرماندهی در فرهنگ علوی و فرهنگ غربی

در فرهنگ علوی جوهره‌ی فرماندهی را رهبری تشکیل می‌دهد و صبغه و رنگ معنوی و الهی بر آن حاکم است؛ به طوری که فرماندهان، جان، مال و معنویات نیروها را هدایت می‌کنند و تلاش دارند به کمک نیروها امنیت و آسایش جمعی را در جامعه حاکم کرده و بسترها و زمینه‌های رشد و پویایی را در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را برای مردم به ارمغان آورند تا بتوانند با استخدام صحیح منابع طبیعی و مصنوعی و به‌کارگیری درست آنها به حقایق هستی و واقعیت‌های آن پی برده و از تاریکی کفر خارج شده و به ساحل امن الهی پا گذاشته و شایستگی‌های لازم برای خلیفه الهی را احراز نمایند. در این فرهنگ دنیا بستری است که به وسیله‌ی آن مراحل بعدی برای انسان تأمین می‌گردد؛ از این رو، فرماندهان نمی‌توانند در تصمیم‌ها و سایر اقدامات، تنها به مسائل دنیوی توجه نمایند و با منطبق هدف وسیله را توجیه می‌کند برای دستیابی به اهداف به هر وسیله‌ای دست یازد. (نهج البلاغه، نامه‌ی ۱۴۲).

در فرهنگ غربی با تبعیت از اومانیزم و اگزیستانسیالیسم از یک طرف و عمل‌گرایی (پراگماتیسم) از طرف دیگر، فعالیت‌های انسان را در صورتی ارزشمند می‌شمارند (رضاییان، ۱۳۸۰). که فقط در دنیا به دردشان بخورد و آنها را به خوشبختی در مفهوم خاصی که تعریف می‌کنند، برسانند و سیستم فرماندهی ابزاری است در اختیار نظام سیاسی و اقتصادی تا بتوانند به کمک اسلحه و زور به مقاصد دنیوی و سود ناشی از آن دست یابند و منطق «هدف وسیله را توجیه می‌کند»، منطق برانی می‌شود که با آن همه‌ی عملیات‌ها را توجیه می‌کنند.

مقایسه‌ی اجمالی این دو سبک فرماندهی در فرهنگ علوی و غربی را در جدول پایین می‌توان مشاهده نمود.

جدول شماره ۱- نمودار مقایسه دو سبک فرماندهی در فرهنگ علوی و غربی

موضوع	در سبک فرماندهی فرهنگ غربی	در سبک فرماندهی فرهنگ علوی
ماهیت انسان	انسان موجودی مادی و دنیایی است	انسان موجودی اخروی است
سعادت انسان	سعادت و بدبختی انسان فقط در دنیا است	انسان مراحل مختلفی از زندگی دارد خوشبختی در هر مرحله به کیفیت زندگی در مرحله‌ی قبلی برمی‌گردد
رویکرد فرماندهی	فرماندهی بر مبنای هدف و نتیجه مادی	فرماندهی بر مبنای هدف و نتیجه‌ی مادی و معنوی
ماهیت فرماندهی	فرماندهی دنیوی است	فرماندهی جوهره‌اش رهبری و الهی است
برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی کوتاه مدت (برنامه‌ریزی برای دنیا)	برنامه‌ریزی کوتاه مدت در راستای برنامه‌ریزی دراز مدت (دنیا در راستای آخرت)
تصمیم‌گیری	تعقل ابزاری در تصمیم‌گیری	تعقل ارزشی و ابزاری در تصمیم‌گیری
نوع پاداش‌دهی	ارائه پاداش بر مبنای عملکرد و نتایج	ارائه پاداش بر مبنای تلاش و عملکرد
توجه به نیازها	توجه به نیازهای طبیعی	توجه به تمایلات معنوی و نیازهای طبیعی
زمان	نداشتن محدودیت زمانی در انجام کارهای روزانه	تبعیت از برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی مانند تقسیم آنها به فعالیت‌های معاشی، تفریحی و عبادتی
دستیابی به اهداف	در نظر گرفتن منصب‌های سازمانی و فعالیت‌های آن برای دستیابی به اهداف و منافع شخصی	در نظر گرفتن منصب‌های سازمانی و فعالیت‌های آن برای کسب رضایت الهی و عمل به تکلیف و امانت الهی
الگوها	فرماندهی موفق در سازمان‌های سود آور	پیامبران و ائمه ^(ع) و ولی فقیه جامع‌الشرایط
ارزش‌ها	تأکید بر پایداری به ارزش‌های نسبی اخلاقی	تأکید بر پایداری به ارزش‌های مطلق اخلاقی
متون فرماندهی	کتاب‌های فرماندهان	کتاب آسمانی و سنت ائمه ^(ع)
ابزار	هدف وسیله را توجیه می‌کند	تنها از ابزاری انسانی می‌توان استفاده کرد

نگارش این جملات در زمان زعامت ولایت امر مسلمین آیت الله سید علی

خامنه‌ای^(مدظله) محقق شد که به فرماندهان سپاه در شهریور ۷۶ اعلام می‌دارند:

«فرماندهی دارای سهم وافری از امامت است، فرماندهی، رهبری است دیگر! چه

فرماندهی حساس و مهمی هم هست. این امامت را، این فرماندهی را، این رهبری را همراه

کنید با یک معنویت خالص که با منش نظامی هم منافات ندارد. نه این که خیال کنید اگر قرار شد آدم معنوی باشد، یعنی این که شل و بی انضباط باشد، منضبط‌ترین آدم‌های عالم، معنوی‌ترین انسان‌های طول تاریخ بودند، امیرالمؤمنین علیه السلام نمونه‌اش این است انضباط معنوی، همان انضباطی که حقیقتاً همان هم نجات بخش عده‌هایی مسلح در مواقع حساس هست، در مراکز اصلی و در مواقع حساس که به داد عده ای شما و افراد شما می‌رسد»

«امروز در جمهوری اسلامی اگر بخواهیم سعادت این کشور تأمین شود و مردم عزیز ایران با توانایی‌هایی که خدای متعال در جوهر این کشور و این ملت قرار داده، به تمنیات و آرزوهای مشروع برسند، باید همان خط الگوی حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام را دنبال کنیم و دین و دنیای خود را از روی آن حکومت، الگو بگیریم... همت جمهوری اسلامی باید این باشد که خود را به آن الگویی که در غدیر معرفی شد و در دوران پنج ساله‌ی حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام نمونه‌ی آن نشان داده شد، نزدیک کند» (رهبر معظم انقلاب، روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۸۰/۱۲/۱۳).

امروزه می‌توان رفتارهای امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریت و فرماندهی را در دو عرصه‌ی فردی و اجتماعی در کتب روایی مورد مطالعه قرار داد که با ارزش‌ترین و بارزترین آن نهج‌البلاغه است؛ هم‌چنان که رهبرکبیر انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«ما مفتخریم کتاب نهج‌البلاغه که بعد از قرآن بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام اول معصوم ماست.» (امام خمینی^(ره)، وصیت‌نامه، ۱۳۶۸: ۷۸).

کلام را با توصیه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک در انتصاب و برخورد با فرماندهان به اتمام می‌رسانم که به درستی بیانگر سبک، رویکرد و رهیافت حضرت به نیروهای نظامی و فرماندهان می‌باشد:

«برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر^(ص) و امام تو بیشتر، و دامن او پاک‌تر، شکیبایی او برتر باشد، از کسانی که دیر به خشم آید، و عذرپذیرتر

باشد، و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان، با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد. سپس در نظامیان با خانواده‌های ریشه‌دار، دارای شخصیت حساب شده، خاندانی پارسا، دارای سوابقی نیکو و درخشان، که دلاور و سلحشور و بخشنده و بلندنظرند، روابط نزدیک برقرار کن، آنان همه‌ی بزرگواری را در خود جمع کرده، و نیکی‌ها را در خود گرد آورده‌اند. پس در کارهای آنان به گونه‌ای بیاندیش که پدری مهربان درباره‌ی فرزندش می‌اندیشد، و مبادا آنچه را که آنان را بدان نیرومند می‌کند در نظرت بزرگ جلوه کند، و نیکوکاری تو نسبت به آنان - هر چند اندک باشد - خوار مپندار، زیرا نیکی، آنان را به خیرخواهی تو خواند، و گمانشان را نسبت به تو نیکو گرداند، و رسیدگی به امور کوچک آنان را به خاطر رسیدگی به کارهای بزرگشان وامگذار، زیرا از نیکی اندک تو سود می‌برند، و به نیکی‌های بزرگ تو بی‌نیاز نیستند. برگزیده‌ترین فرماندهان سپاه تو، کسی باشد که از همه بیشتر به سربازان کمک رساند، و از امکانات مالی خود بیشتر در اختیارشان گذارد، به اندازه‌ای که خانواده‌هایشان در پشت جبهه، و خودشان در آسایش کامل باشند، تا در نبرد با دشمن، سربازان اسلام تنها به یک چیز بیندیشند.» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳).

نتیجه‌گیری

فرماندهان در فرماندهی نیازمند پارادایمی هستند که بر اساس آن به نیروها نگاه کرده و فرمان دهند این پارادایم بر اساس مبانی فکری و ارزشی‌ای شکل می‌گیرد که در فرهنگ‌های مختلف متفاوت می‌باشد. در فرهنگ علوی آموزه‌های رفتاری برخاسته از قرآن و سنت می‌باشد که بر پایه‌ی آنها انسان موجودی الهی است که خالق هستی او را برای جانشینی زمین آفریده است و از هویت دو ساحتی برخوردار است. از این‌رو، فرماندهان در کلیه‌ی تصمیم‌گیری‌ها باید به این مسأله توجه جدی نمایند. و بیش از آن که به دنبال کشورگشایی باشند، به دنبال تسخیر قلوب و افکار انسان‌ها هستند و هدفی جز هدایت انسان‌ها ندارند.

منابع

- ۱- قرآن.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- اثیر، علی ابن احمد ابن، (۱۳۷۰)، «تاریخ کامل»، ترجمه: ح. روحانی، تهران: اساطیر.
- ۴- استراتژیک، فصلنامه دفاعی، (۱۳۷۸)، «فصلنامه دفاعی استراتژیک»، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۵- استوارت، ارکلک، (۱۳۷۹)، «چارچوب های قدرت»، ترجمه: م. تاجیک، تهران: پژوهشکده راهبردی.
- ۶- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۰)، «ناامنی جهانی»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- الحدید، عزالدین ابو حامد ابن ابی، (۱۹۶۰م)، «شرح نهج البلاغه»، بیروت: مؤسسه مطبوعاتی الی عبلیان.
- ۸- الهی، منصور، (۱۳۸۸)، «تهدید نرم و فرایندهای شکل گیری»، تهران.
- ۹- امین، سید محسن، (۱۳۷۶)، «سیره معصومین»، تهران: سروش، جلد ۳.
- ۱۰- اهرنجانی، حسن میرزایی، (۱۳۸۲)، «زمینه های روش شناختی تنوری سازمان»، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- ۱۱- بابایی، محمدباقر، (۱۳۸۴)، «مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه علی (ع)»، تهران: دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد.
- ۱۲- بابایی، محمدباقر، (۱۳۸۹)، «مهندسی مدیریت در فرهنگ علوی»، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- ۱۳- بستانی، محمد، (۱۳۷۸)، «استراتژی نظامی امام علی (ع)»، تهران: سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج.
- ۱۴- تافلر، الوین، (۱۳۷۷)، «جایجایی قدرت»، مترجم: خوارزمی، تهران: سیمغ.
- ۱۵- تهامی، سیدمجتبی، (۱۳۸۰)، «امنیت ملی»، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۱۶- جان، جی ژیاک، (۱۳۳۷)، «برداشت های شوروی از آیین و قدرت نظامی»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۱۷- جرداق، جرج، (۱۳۷۵)، «صدای عدالت انسانی»، تهران: خرم، جلد ۵.
- ۱۸- جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۸)، «جهاد در اسلام»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- ۱۹- جعفری، محمدتقی، (۱۳۶۲)، «شرح نهج البلاغه»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۰- حائری، علامه علی، (۱۳۷۷)، «زندگانی سیاسی امام علی (ع)»، تهران: نشر رامین.
- ۲۱- حرالعاملی، محمد، (۱۴۰۳ق)، «وسائل الشیعه»، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- ۲۲- حسینی، حسین، (۱۳۸۳)، «سیاست دفاعی»، سیاست دفاعی، ۹.
- ۲۳- خانی، علی عبدالله، (۱۳۸۳)، «نظریه‌های امنیت»، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات نین‌المللی ابرار معاصر.
- ۲۴- خمینی، روح الله، (۱۳۶۲)، «حکومت اسلامی (ولایت فقیه)»، تهران: انتشارات مرکز نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۵- دشتی، محمد، (۱۳۸۰)، «مسائل نظامی و دفاعی امام علی (ع)»، تهران: سازمان تحقیقات بسیج.
- ۲۶- رضاییان، علی، (۱۳۸۰)، «مبانی سازمان و مدیریت»، تهران: سمت.
- ۲۷- سبجانی، جعفر، (۱۳۶۲)، «فروع ابدیت»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲۸- صالحی، غلامرضا ذاکر، (تابستان ۷۸)، «سیر تحول و رهیافت‌های جدید در تفکر و هنر فرماندهی»، پژوهش‌یار شماره ۱۴.
- ۲۹- صبحی، حسن، (۱۳۷۶)، «رهبری مدیریت و فرماندهی نظامی»، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد.
- ۳۰- قائدان، اصغر، (۱۳۷۵)، «سیاست‌های نظامی امام علی (ع)»، تهران: فروزان.
- ۳۱- قرشی، سیدحمید، (۱۳۸۹)، «فرماندهی و ستاد در رزم»، تهران: مرکز تالیف کتب‌های درسی سپاه.
- ۳۲- قوام، عبدالعلی، (۱۳۷۲)، «اصول سیاست خارجی و روابط بین‌الملل»، تهران: سمت.
- ۳۳- قوامی، سید صمصام‌الدین، (۱۳۸۳)، «مدیریت از نظر کتاب و سنت»، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
- ۳۴- کاشانی، سیدمحسن، (۱۳۷۹)، «بر امیرالمؤمنین (ع) چه گذشت؟»، تهران: دارالکتب اسلامی، نسخه چهارم.
- ۳۵- کالین، گری، (۱۳۷۸)، «سلاح جنگ افروز نیست»، ترجمه: ا. علیخانی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد.
- ۳۶- کلینی، ابوجعفر، (۱۳۷۰)، «اصول کافی»، ترجمه: م. ای. تهران: اسوه.
- ۳۷- مجلسی، محمدباقر، (بی‌تا)، «بحارالانوار»، بیروت: دارالرضا.
- ۳۸- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵)، «مجموعه آثار»، تهران: صدرا.
- ۳۹- مسعودی، علی ابن‌الحسین، (۱۴۰۸ق)، «مروج الذهب و معادن الجواهر»، لبنان: دارالعلم.
- ۴۰- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، «تفسیر نمونه»، قم: دارالکتب اسلامی.
- ۴۱- منقری، نضری مزاحم، (۱۳۶۶)، «پیکار صفین»، تهران: انقلاب اسلامی.
- ۴۲- نوروزی، محمدتقی، (۱۳۸۵)، «فرهنگ دفاعی - امنیتی»، تهران: انتشارات سنا.
- 43- Gutteride, W (1964). "Military Institutions And Power In The States". london : Pall Mall Press.

بررسی نقش رهبری و فرماندهی نظامی در دفاع مقدس و جنگ آینده

از منظر فرماندهان عالی جنگ

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۷/۱۶	مصطفی خودسیانی ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۲۲	هادی مراد پیری ^۲
صفحات مقاله: ۱۰۸ - ۶۹	اسماعیل خان احمدی ^۳

چکیده:

نوشته حاضر در نظر دارد با توجه به اهداف متعالی انقلاب اسلامی، دستورالعمل‌ها و توصیه‌های مؤکد مبانی ارزشی مؤثر در موفقیت نبرد، تجارب ارزشمند هدایت نبرد در دوران دفاع مقدس و ویژگی‌های جنگ آینده؛ نقش فرماندهی را در دوران دفاع مقدس و جنگ آینده تبیین و به رشته‌ی تحریر درآورد و الگویی مناسب، در حوزه‌ی فرماندهی به‌منظور هدایت صحنه‌ی جنگ در نبردهای احتمالی آینده ارائه نماید. این تحقیق با عنوان «بررسی نقش رهبری و فرماندهی نظامی در دفاع مقدس و جنگ آینده از منظر فرماندهان عالی جنگ» که متأثر از چند مسأله از جمله نقش پیچیده‌ی فرماندهی در هدایت جنگ در دوران دفاع مقدس و جنگ آینده در بهره‌گیری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، در موفقیت نبرد و ... و از سویی متأثر از پیچیدگی شرایط، فراوانی متغیرها، تنوع تهدیدات، وجود چالش‌های (فرمانطقه‌ای، منطقه‌ای و داخلی) در اخذ تصمیمات فرماندهان در دو مقطع دوران دفاع مقدس و جنگ آینده است که نتیجه‌ی یک طرح پژوهشی است؛ از حیث هدف، تحقیقی کاربردی؛ از حیث سطح تحلیل، برخوردار از ماهیتی توصیفی - تحلیلی و از حیث رویکرد و طبقه‌بندی روش منکی به روش کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی می‌باشد. داده‌های مورد نیاز از راه مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش و پرسشنامه گردآوری شده است. اعتبار ابزار اندازه‌گیری بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۲۸ بوده که پس از تجزیه و تحلیل آماری نتایج با سطح اطمینان ۰/۹۹ به دست آمد.

* * * * *

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۲ - استادیار دانشگاه امام حسین (ع).

۳ - دانشجوی دکتری علوم دفاعی - راهبردی - دانشگاه عالی دفاع ملی.

واژگان کلیدی

تهدید، جنگ آینده، دفاع مقدس، فرماندهی نظامی، مبانی ارزشی.

مقدمه

جنگ یک پدیده اجتماعی است که قدمت آن به قدمت حیات بشر می‌رسد؛ شکل‌گیری این پدیده متأثر از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان همچون عقل، تفکر، تدبیر، تصمیم‌گیری، تمایلات و ... می‌باشد. مبانی دینی، جنگ را یک حرکت عظیم زندگی بشر تلقی نموده و شکل‌گیری آن را متأثر از اعتقادات و گرایش‌های انسان می‌داند؛ که گرایش‌های فوق‌منجر به شکل‌گیری دو جبهه‌ی حق و باطل در حیات بشر گردیده است. قرآن کریم این دو جبهه و اهداف راهبردی آنها را چنین ترسیم نموده است:

الف) جبهه‌ی حق: «... اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...» خدا دوست کسانی است که ایمان آورده‌اند و بیرون می‌آورد ایشان را از تاریکی‌ها (کفر) به سوی روشنایی (ایمان) هدایت می‌کند. **ب) جبهه‌ی باطل:** «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ...» خدا دوست بیرون می‌آورد کافران را از روشنایی به سوی تاریکی‌ها (گمراهی) ... (همان، بقره، آیه ۲۵۷).

مصطفی شریف نهج‌البلاغه این صف‌بندی را چنین تبیین می‌کند: «... حَقٌّ وَبَاطِلٌ، وَ لِكُلِّ أَهْلٍ...»، حق و باطل همیشه در پیکارند و برای هر کدام طرفدارانی است ...» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶، فراز ۵).

صاحب‌نظران مکاتب، شکل‌گیری این پدیده را متأثر از عوامل مختلفی می‌دانند که بعضاً مبنای مشروعیت بسیاری از جنگ‌ها در جهان گردیده است. ماکیاوولی کسب قدرت را عامل ثبات و امنیت می‌داند و معتقد است: «برای دست یافتن به قدرت کامل از انواع سلاح‌ها حداکثر استفاده را به عمل آور» (آزادبخت، ۱۳۸۲: ۹۶). اُپنهایم دلیل جنگ را غلبه می‌داند و بر این باور است که: «جنگ درگیری دو دولت از طریق نیروهای مسلح^۱ با هدف غلبه بر دیگری

1 - The Armed Forces

و اعمال شرایط دلخواه طرف پیروز می‌داند» (آخوندی، ۱۳۸۳: ۲۵). هراکلیتوس جنگ را یکی از مظاهر قانون حاکم بر جهان می‌داند و معتقد است: «جنگ سرچشمه و زائیده و فرمانروایی وجود است، قانون همگانی است و بنابر این بیدادگری نیست و ضرورتی است که هستی بی آن پایدار نمی‌ماند» (خراسانی، بی تا: ۲۵۰). نیچه جنگ را عصاره‌ی تمدن و مدنیت می‌داند و معتقد است: «جنگ و شهامت، خالق پدیده‌های عظیم‌تری از عشق به هم‌نوع هستند. جنگ، آزمون نیکوکاری است؛ یعنی تنها کنکور بی‌طرف و عادلانه و در حقیقت شاید یگانه رقابت پندار» (بوتول، ۱۳۶۸: ۱۶). بر اساس نقش حیاتی این پدیده در زندگی انسان است که حضرت علی (ع) مأموریت و جایگاه نیروهای مسلح را چنین با اهمیت ترسیم می‌نماید: «وَفَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوُلَاهِی وَ عِزُّ الدِّینِ وَ سُبُلُ الْآءِ مِنْ وَ لَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةِ إِلَّا بِهِمْ» اما لشکرها، به فرمان خدا دژهای استوار رعیت‌اند و زینت و البیان. دین به آنها عزت یابد و راه‌ها به آنها امن گردد و کار رعیت جز به آنها استقامت نپذیرد (نامه‌ی ۵۳: فراز ۴۳). تحقق اهداف این پدیده و نقش و جایگاه این فرایند در زندگی بشر منجر به شکل‌گیری عامل مهم و حیاتی مدیریت و فرماندهی در راستای تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، هدایت و کنترل منابع و بهره‌گیری از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها گردید. حضرت علی (ع) نقش این عامل (فرماندهی) را در فرایند جنگ چنین ترسیم می‌نماید: «كُنَّا إِذَا أَحْمَرَ الْأَبَاسُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ (ص)، فَلَمْ يَكُنْ أَحَدًا مِنَّا أَقْرَبَ إِلَيَّ الْعَدُوِّ مِنْهُ» هنگامی که آتش جنگ شعله‌ور می‌شد ما به پیامبر اکرم (ص) پناه می‌بردیم و او از همه به دشمن نزدیکتر بود (دشتی، ۱۳۸۲، کلمات قصار شماره‌ی ۹). هم‌چنین در خصوص این ویژگی، حضرت علی (ع) در رابطه با مالک اشتر می‌فرماید: «... وَ فَإِنَّهُ سَيْفٌ مِنْ سَيُوفِ اللَّهِ، لَا كَلِيلُ الطُّبَيْهِی وَ لَا نَابِي الضَّرْبِيَّةِی، فَإِنْ أَمَرَكُمُ أَنْ تَنْفِرُوا فَانْفِرُوا وَ إِنْ أَمَرَكُمُ أَنْ تُقِيمُوا فَاقِيمُوا فَإِنَّهُ لَا يُقَدِّمُ وَ لَا يُحْجِمُ وَ لَا يُؤَخِّرُ وَ لَا يُقَدِّمُ إِلَّا عَنْ أَمْرِي وَ قَدْ أَثَرْتُكُمْ بِهِ عَلَي نَفْسِي لِنَصِيحَتِهِ لَكُمْ وَ شِدَّةِی شَكِيمَتِهِ عَلَيَّ عَدُوَّكُمْ» او شمشیری است از شمشیرهای خدا که نه تیزیش کند شود و نه ضربتش بی‌اثر ماند. او نه به خود در کاری اقدام می‌کند و نه از کاری باز می‌ایستد، نه قدم واپس نهد و نه پیش‌گذارد، مگر به فرمان من. در فرستادن مالک به دیار

شما، شما را بر خود ترجیح نهاد، زیرا مالک را نیک‌خواه شما دیدم و دیدم که او از هر کس دیگر سخت‌تر لجام بر دهان دشمنانتان زند...» (همان، نامه ۳۸)

بیان مسأله

موفقیت در جنگ به‌عنوان یک پدیده که عزت و ذلت یک جامعه را محقق می‌سازد، متأثر از عوامل متعددی است که از جمله: ایمان، انگیزه، فرماندهی، روحیه‌ی عالی و ... می‌باشد. صاحب‌نظران حوزه‌ی جنگ و دفاع بر این باورند تنها اجرای صحیح تاکتیک‌های آفندی منجر به پیروزی نمی‌گردد، بلکه در یک تجزیه و تحلیل کلی که متأثر از تجارب تاریخ نظامی است، می‌توان گفت که موفقیت در جنگ با میل به پیروزی محقق خواهد شد. این میل به پیروزی منبع عظیم قدرت در فرایند نبرد است. میل به پیروزی یعنی: شجاعت، شهامت، شایستگی، جسارت و مهارت. (دانشگاه امام حسین^(ع)، ۱۳۷۶: ۱۴) در هر عملیات نظامی باید این میل به پیروزی در تمام سطوح نیروهای مسلح ایجاد شود تا اهداف نهایی جنگ محقق گردد. نماد میل به پیروزی در رزمنده یعنی یک قدم به جلو رفتن و یک شلیک به سمت دشمن؛ اما نماد میل به پیروزی در فرماندهان، برخورداری از انعطاف فکری کامل و اخذ تصمیم قاطع می‌باشد. تجارب جنگ در تاریخ زندگی انسان به‌خصوص دوران دفاع مقدس که ملت با تمام وجود آن را لمس نمود گویا این واقعیت است که محور شکل‌گیری میل به پیروزی در سپاه اسلام فرمانده است؛ زیرا فرمانده با برخورداری از قدرت انعطاف فکری کامل قادر خواهد بود که ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات را شناسایی و توان رزمنده را که همان میل به پیروزی در زمان و مکان مناسب و در نقطه‌ی ضعیف دشمن به‌کار گیرد. با توجه به این محوریت فرمانده در فرایند نبرد است که حضرت علی^(ع) در نامه‌ی ۳۸ مالک اشتر را به‌عنوان شخصیتی که برخوردار از این ویژگی است چنین معرفی می‌نمایند:

«... أَمَا بَعْدُ، فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ، لَا يَنَامُ أَيَّامَ الْخَوْفِ وَلَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرَّوْعِ، أَشَدَّ عَلَى الْفُجَّارِ مِنْ حَرِيقِ النَّارِ وَ هُوَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ أَخُو مَذْحِجٍ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا أَمْرَهُ فِيمَا طَاقَ الْحَقُّ...»؛ اما بعد، بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم. مردی که در روزگار وحشت به خواب نرود و در ساعات خوف از دشمن رخ برتابد. بر دشمنان از لهیب آتش

سوزنده‌تر است. او مالک بن الحارث از قبیله مذحج است در هر چه موافق حق بود به سخنش گوش بسپارید و فرمانش را اطاعت کنید...» (همان، نامه‌ی ۳۸، فراز چهارم). در جای دیگر مالک را به‌عنوان الگوی یک فرماندهی شایسته و لایق نظام سیاسی اسلام که قادر به ایجاد میل به پیروزی در زرمندگان اسلام است را این‌گونه معرفی می‌فرماید: «... قَدْ أَمَرْتُ عَلَيْكُمَا وَعَلَى مَنْ فِي حَيْزِكُمَا مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ فَاسْمَعَا لَهُ وَأَطِيعَا، وَاجْعَلَاهُ دِرْعًا وَمِجَنَّا، فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا يُخَافُ وَهَنْهُ وَ لَا سَقَطَتْهُ، وَ لَا يُطْوَى عَمَّا الْإِسْرَاعِ إِلَيْهِ أَحْزَمٌ، وَ لَا إِسْرَاعُهُ إِلَّا إِلَى مَا الْبَطْأُ عَنْهُ أَمْثَلُ...»؛ من، مالک بن الحارث الاشر را بر شما و همه‌ی سپاهسانی که در فرمان شماست امیر کردم، به سخنش گوش دهید و فرمانش برید، او را زره و سپر خود قرار دهید. زیرا مالک کسی است که نه در کار سستی می‌کند و نه خطا و نه آن‌جا که باید درنگ کند، شتاب می‌ورزد و نه آن‌جا که باید شتاب ورزد، درنگ می‌کند...» (همان: نامه‌ی ۱۳). با توجه به این ویژگی مالک اشتر است که فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) در مراسم مشترک تحلیف دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش در دانشگاه امام علی^(ع) الگوی فرماندهان سپاه اسلام را مالک اشتر معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «...الگوی ما «مالک اشتر» است؛ برترین سردار بلندپایه‌ی جنگ‌های پُرماجرای امیرالمؤمنین^(ع)؛ شجاع‌ترین مرد عرب...» (امام خامنه‌ای^(مدظله)، ۱۳۸۲/۱۰/۴).

فرماندهی معظم کل قوا در جمع فرماندهان نیروهای مسلح نقش و جایگاه فرماندهی در نیروهای مسلح را چنین تبیین می‌فرماید: «چند جمله از حساسیت‌های مربوط به نظام فرماندهی در نیروهای مسلح عرض بکنم، اساساً محور اصلی نیروهای مسلح، فرماندهی است. همه‌ی آنچه که در نیروهای مسلح، تأثیر و کارایی و برندگی دارد - چه آن‌چه مادی است، چه آنچه انسانی است - بدون نظام فرماندهی، در حقیقت هیچ و پوچ و بی‌اثر و یا بسیار کم‌اثر خواهد بود. به‌همین جهت، این ستون فرماندهی در نیروهای مسلح را باید بسیار مستحکم و ثابت کرد. در یک سازماندهی، فرماندهی یک امر صرفاً شخصی نیست و نمی‌تواند باشد. در مجموعه‌ی یک سازمان، فرماندهی و سازمان، با یکدیگر ارتباط مستحکم دارند. فرماندهی بر عده‌های سازمان‌یافته‌ی نظامی، با فرماندهی طبیعی بر یک مجموعه‌ی توده‌ی انسان بی‌نظم و بی‌سازمان، تفاوت می‌کند...» (بیانات در دیدار فرماندهان عالی‌رتبه‌ی نیروهای نظامی و

انتظامی-۱۳۶۹/۱۰/۲۲). معظم‌له شرط موفقیت فرمانده از تحقق اهدافش را اشرافیت اطلاعاتی او می‌داند و می‌فرماید: فرمانده باید از ارکان و اجزای مختلف حیطه‌ی مأموریت خودش، دائماً با اطلاع باشد. فرماندهی غافل، فرماندهی‌یی که نمی‌داند در بخش‌های مختلف فرماندهی و حوزه‌ی مأموریتی او چه می‌گذرد، قطعاً فرماندهی ناموفقی خواهد بود. راهش هم بازرسی‌هایی است که بایستی پی‌درپی انجام بگیرد (همان، ۱۳۶۹/۱۰/۲۲). در جای دیگر، محور تمام فعالیت‌ها و تلاش‌های سازمان را فرماندهی و مدیریت معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «استحکام سازماندهی، ارتقای قدرت رزمی، توانایی لازم برای تولید، تهیه، تکمیل و نگهداری تجهیزات، بالا نگهداشتن روحیه‌ی مسؤولیت نظامی و همه‌ی چیزهای دیگر با ابتکار و مدیریت مدیران خوب و مسئول امکان‌پذیر است. (بیانات معظم‌له و فرمانده کل قوا در مراسم صبحگاه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱/۸/۲۶). بر مبنای مطالب فوق موضوع نوشتار حاضر «بررسی نقش فرماندهی در دفاع مقدس و جنگ آینده از نگاه فرماندهان عالی‌جنگ و اساتید مراکز آموزش عالی سپاه» می‌باشد؛ نظر به مباحثی که پیرامون این موضوع در مبنای ارزشی، رهنمودها و فرمایشات حضرت امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) وجود دارد، بخشی از مطالب ادبیات تحقیق جهت تدوین شاخص‌ها، با مطالعات اکتشافی و به‌روش توصیفی استنتاجی و با ابزار فیش اطلاعات از این منابع گردآوری می‌شود.

نوع تحقیق

با توجه به شرح بیان مسأله و این‌که توان رزم در این تحقیق توسعه می‌یابد؛ از این‌رو، نوع تحقیق توسعه‌ای کاربردی است.

روش تحقیق

تحقیقات علمی بر مبنای هدف و ماهیت روش تقسیم‌بندی می‌شوند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۸). این پژوهش از نوع کاربردی و به روش توصیفی و پیمایشی انجام شده است. برای گردآوری اطلاعات در هر تحقیق علمی متناسب با ماهیت آن از یک یا چند ابزار استفاده می‌شود. در این پژوهش، اطلاعات نظری مورد نیاز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مشاهده‌ی

اسناد و مدارک به شیوه‌ی فیش‌برداری تهیه شده و اطلاعات میدانی نیز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. ابزار پژوهش (پرسشنامه) با تعداد ۱۶ سؤال بسته در پنج سطح طبقه‌بندی لیکرت شامل تعداد ۸ سؤال مربوط به نقش فرماندهی در دوران دفاع مقدس و تعداد ۸ سؤال مربوط به نقش فرماندهی در جنگ آینده و همچنین دو سؤال باز پاسخ جهت نظرخواهی از فرد پاسخگو تنظیم گردید. جامعه‌ی آماری در این تحقیق عبارتند از: جمعی از فرماندهان عالی جنگ در دروان دفاع مقدس شاغل در ستاد فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اساتید محترم دانشگاه عالی دفاع ملی، اساتید محترم دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، اساتید و فرماندهان محترم دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین^(ع)، اساتید و فرماندهی محترم دانشکده و پژوهشکده‌ی دفاعی (دافوس سپاه)، فرماندهان و اساتید محترم مجتمع دانشگاهی حضرت امیرالمؤمنین^(ع) نرسا (مدرسین درس: اصول و روش ستاد، اطلاعات و عملیات، طرح و عملیات، اصول و قواعد، طرح‌ریزی و هدایت تیپ، لشکر و سپاه در آفند و پدافند)، فرماندهان قرارگاه ثارالله، فرماندهان قرارگاه سیدالشهدا، فرماندهان سپاه صاحب الزمان^(عج) اصفهان، مدیران عالی سازمان بسیج مستضعفین، مدیران عالی ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه، که حجم نمونه‌ی آماری در این تحقیق با استفاده از فرمول نسبت صفت به دست آمده ۹۶ نفر می‌باشند. با توجه به نمونه‌ی آماری و به جهت افزایش ضریب اطمینان تحقیق، تعداد ۱۰۰ پرسشنامه بین اعضای نمونه توزیع شد و از این تعداد ۱۰۰ پرسشنامه نیز جمع‌آوری گردید.

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} = \frac{1/96^2 \times 0/50 \times 0/50}{0/10^2} = 96 \cong 100$$

اهمیت و ضرورت تحقیق

در خصوص اهمیت و ضرورت می‌توان به چند سند اشاره کرد:
الف) تأکید حضرت امام^(ع) مبنی بر این‌که: «در هنگام نبرد مجال پرداختن به همه‌ی جهات قوت‌ها و ضعف‌ها و طرح‌ها و برنامه‌ها و در حقیقت ترسیم راهبرد دفاع همه‌جانبه^۱

نبوده است، ولی در شرایط عادی باید با سعه‌ی صدر به دور از حُب و بُغض‌ها به این مسأله پرداخت» (مرندی، ۱۳۸۰: ۱۵۰).

ب) فرماندهی معظم کل قوا حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) در دیدار نوروزی خود با فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۱/۱/۱۶ با اشاره به لزوم حفظ و تقویت انگیزه‌های دینی و الهی در کنار ارتقای آمادگی‌ها، خطاب به جمع فرماندهان می‌فرماید:

«نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران دارای تجربه‌ی بسیار مهم و ارزشمند هشت سال دفاع مقدس هستند که باید این تجربه گرانبها همواره مورد بازنگری و استفاده قرار گیرد» (۱۳۹۱/۱/۱۶).

سؤالات تحقیق

- ۱) فرماندهی در دوران دفاع مقدس در راستای تحقق اهداف جنگ از چه نقشی برخوردار بوده است؟
- ۲) فرماندهی در جنگ آینده با توجه به پیچیدگی صحنه‌ی نبرد از چه نقشی برخوردار است؟

روش جمع‌آوری

ابزاری که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از:

الف) اسناد، مدارک، کتب، مقالات علمی و پایان‌نامه‌های موجود و مرتبط با موضوع تحقیق؛

ب) توزیع پرسش‌نامه در بین کارشناسان، صاحب‌نظران و فرماندهان نظامی؛

ج) شبکه‌ی اطلاع‌رسانی اینترنت به‌عنوان یک منبع مورد استفاده قرار گرفته است.

چارچوب نظری تحقیق

در این بخش از نوشتار با توجه به موضوع تحقیق سه حوزه‌ی دفاع مقدس، جنگ آینده و رهبری و فرماندهی نظامی به‌صورت مختصر تشریح می‌گردد تا نقش رهبری و فرماندهی نظامی در دو حوزه‌ی دفاع مقدس و جنگ آینده قابل تبیین و توصیف باشد:

الف) جنگ آینده

جنگ آینده به تمام معنا یک جنگ عمومی خواهد بود که زمان شروع آن را دقیقاً نمی‌توان پیش‌بینی کرد و در مقایسه‌ی با جنگ‌های گذشته با سرعت و شدت بیشتر و به‌طور غافلگیرانه آغاز خواهد شد. جنگ آینده با توسل به کلیه‌ی وسایل و امکانات علمی، فنی و راهبرد مدرن اجرا خواهد شد. چنین جنگی با دارا بودن ویژگی‌های جدید، تمام ابعاد یک کشور در حال نبرد را فرا می‌گیرد و دارای ماهیت اشغال و استیلای زودگذر نبوده و هدف اصلی آن امحای بی‌رحمانه‌ی بنیادهای فرهنگی، ملی و نظامات کشور است. جنگ آینده با توجه به این که بین چه کشورهایی رخ دهد و آن کشورها در کدام مرحله از تحولات تاریخی باشند، ماهیتی متفاوت خواهد داشت. بنابراین صاحب‌نظران، نام‌های متعدد و متفاوتی برای جنگ آینده برگزیده‌اند از جمله: (جنگ کامل، رایانه‌ای، فناوری، بی‌پایان، فوق‌مدرن، موج سوم، پست مدرن و ...) اما واژه یا نام «نبرد ناهمگون» از جمله‌ی اسامی با کاربرد فراوان برای جنگ آینده می‌باشد. به‌طوری‌که در سال‌های اخیر، نبرد ناهمگون، بیش از پیش در کانون توجه قرار گرفته و بسیاری از مباحث جاری در حوزه‌ی نظامی، از این مقوله تأثیر گرفته است. اغلب از اصطلاح «ناهمگون» برای توضیح مجموعه عوامل پیدا و پنهان در نبردهای آتی بین دو کشور غیرهم‌تراز استفاده می‌شود. (قنبری جهرمی، ۱۳۸۳)

تعاریف و مفاهیمی از جنگ آینده

اولین و قدیمی‌ترین بُعد جنگ، سطح زمین بوده است (جنگ زمینی) بُعد تاریخی دوم، سطح آب بوده است (جنگ دریایی). در قرن بیستم، ابعاد جدیدی به جنگ اضافه گردید:

۱) سطح زیردریاها و اقیانوس‌ها (جنگ زیردریایی)؛

۲) هوای روی سطح زمین (جنگ هوایی)؛

۳) سرزمین متخاصمان (جنگ راهبردی و جنگ بین قاره‌ای) و ...

بُعد قدیمی جنگ زمینی در اثر پارادایم حمله‌ی برق‌آسا (که نیروهای زرهی با چالاکي، خطوط نیروی دشمن را شکافته و به‌عمق آن نفوذ می‌نمایند) دچار تغییری بنیادین در الگوی اساسی

خود شده است. این امر، شایستگی محوری نیروهای برتر گذشته را در دفاع ایستا از مواضع خود دچار مشکل و شکست نمود. در بُعد جدیدی از جنگ (جنگ راهبردی بین‌قاره‌ای) دور ایستا بودن جنگ‌های آینده ظاهر گردید. موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای حاوی کلاهک‌های هسته‌ای، با تخریب قاطع و غیرقابل توقف شهرها و اهداف بزرگ دیگر در سرزمین دوردست دشمن، شایستگی محوری جدیدی را خلق نمود. (اندیشگاه شریف، ۱۳۸۸: ۷۹)

نظریه‌های تکاملی در باب جنگ آینده^۱: به‌طور کلی نظریه‌های تکاملی یا فرگشتی در خصوص جنگ آینده دارای یک وجه مشترک هستند و آن این‌که تغییر شکل جنگ را طی یک فرایند تکوینی و براساس نقاط عطف مهم در تاریخ و تمدن بشری مورد بررسی قرار می‌دهند. اما همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، هر یک از این نظریه‌ها دارای مبنای خاصی برای مرحله‌بندی سیر تکامل جنگ هستند که همین امر توصیف آنها را از جنگ آینده تا حدی از یکدیگر متمایز می‌سازد. اساساً در ادبیات نظامی امروز سه نظریه تکاملی اصلی در خصوص جنگ آینده مطرح است که عبارتند از: جنگ نسل چهارم^۲، جنگ موج سوم^۳، و جنگ دوره‌ی چهارم^۴ (Fitzgerald, 1994: 7).

ب) دفاع مقدس

تفاوت میان جنگ و دفاع تفاوت در معنا و مفهوم واقعی آن است نه در شکل ظاهری و عملی آن، چرا که از لحاظ اقدام و عمل یکی هستند. بنابراین، دفاع و جنگ به لحاظ شکلی و ظاهری هر دو جنگ هستند، اما به لحاظ ماهیتی جنگ برای تحمیل اراده و دفاع برای جلوگیری از تحمیل اراده صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، دفاع و جنگ در اقدام و عمل یکی هستند، اما به لحاظ ماهیت و هدفی که دنبال می‌کنند؛ در جنگ تحمیل اراده به کشور هدف انجام می‌گیرد در حالی که در دفاع از تحمیل اراده‌ی طرف متخاصم ممانعت صورت می‌گیرد.

1 – Evolutionist Theories of Future War

2 – Forth – Generation Warfare

3 – Third – Wave War

4 – Fourth – Epoch War

در متون دینی ما واژه‌ای به‌عنوان جنگ یافت نمی‌شود، ولی واژه‌ی جهاد فی سبیل‌الله بسیار یاد شده است. نخستین آیه‌ای که درباره‌ی مشروع و مجاز بودن جنگ در قرآن کریم آمده است در بردارنده‌ی این حقیقت است که مسلمانان از آن اذن قتال یافتند که مورد ستم و تجاوز قرار گرفته‌اند (سوره‌ی حج، آیه‌ی ۳۹). بنابراین، از این آیه و دیگر آیات از این دست می‌توان دریافت که مؤمنان در برابر تجاوزگران و جنگ با آنان فراخوانده شده‌اند و آنچه در اسلام مقدس و ارزشمند تلقی می‌شود «دفاع» است و آنچه نامقدس و نکوهیده شده «تجاوز» است (باقری، بی‌تا: ۴).

اما دفاع مشروع در عصر ما و در حماسه‌ی بزرگ دفاع مقدس، رزمندگان خدا باوری شرکت داشتند که با انگیزه‌ی دفاع از مکتب، انقلاب و سرزمین خویش و با اعتقاد راسخ به برحق بودن راهشان، هجوم و تجاوز دشمن را پاسخی محکم و درخور دادند. آنان به‌راه و هدفشان ایمان داشتند و بر این باور بودند که در این رویارویی چون مورد هجوم و تجاوز قرار گرفته‌اند مورد ستم بوده؛ بنابراین، در جبهه‌ی حق‌اند و ستمگر و متجاوز در جبهه‌ی باطل؛ حضرت امام خمینی^(ره) اسوه و پیشوای رزمندگان بارها بر این نکته تأکید می‌ورزیدند که: «جنگ ما جنگ دفاعی است و این دشمن است که به ما تهاجم کرده است؛ ما با کسی سرجنگ نداریم؛ اما نمی‌توانیم در مقابل تجاوز دشمن بعضی ساکت بنشینیم و تن به ستم بدهیم (صحیفه‌ی نور، ج ۱۵: ۱۰۱).

هشت سال دفاع مقدس مرهون زحمات و جان‌فشانی ملت بزرگ ایران به رهبری پرچمدار معنویت و عدالت و آزادی‌خواهی دوران، حضرت امام خمینی^(ره) است. دوران دفاع مقدس بدون تردید از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ معاصر ایران و بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین جنگ جهان در آخرین سده‌ی هزاره‌ی دوم میلادی است. درباره‌ی جنگ هشت ساله‌ی عراق علیه ایران^۱ تا کنون صدها گزارش، تحلیل و تألیف داخلی و خارجی به رشته‌ی تحریر درآمده

۱ - تجاوز سراسری ارتش رژیم عراق از زمین، هوا و دریا به خاک مقدس جمهوری اسلامی در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ حادثه‌ی مهمی است که بررسی ابعاد آن برای نسل حاضر و آینده‌ی تاریخ بسی حائز اهمیت است. اگر چه در علل تجاوز لزوماً باید به ریشه‌ی تاریخی اختلافات ایران و دولت عثمانی نظر داشت، اما تجاوز رژیم عراق در مقطعی که تازه‌ی انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و هنوز ثبات لازم برای حل و فصل عادی امور داخلی خود نداشت و ارتش آن نیز سامان نیافته بود و نیروهای مردمی و انقلابی

است اما به دلیل گستردگی دامنه‌ی این رخداد و لایه‌های متنوع و ابعاد آن، هم‌چنان نیازمند واکاوی ابعاد نامکشوف بسیاری از رخداد‌های آن هستیم. این موضوع به جنگ ایران و عراق منحصر نمی‌شود و تاکنون درباره‌ی جنگ‌های جهانی اول و دوم، هزاران تألیف، تولیدات هنری و سینمایی انبوه، راه‌اندازی موزه‌های متعدد و تأسیس دپارتم آنها و مؤسسات مطالعاتی انجام پذیرفته است؛ اما هم‌چنان ابعاد بسیاری از این دو جنگ بزرگ جهانی ناپیداست و نیازمند تبیین و تفسیرهای دقیق‌تر و متکی بر واقعیت‌های ضروری است (هیرو، ۱۳۹۰: ۱۰).

ج) رهبری و فرماندهی نظامی

واژه‌ی فرماندهی^۱ حداقل دارای چهار کاربرد نظامی در زبان انگلیسی است، به‌عنوان یک اسم، دلالت بر: (۱) اقتدار یک فرد؛ (۲) دستوری که یک فرمانده صادر می‌کند؛ (۳) سازمان یا منطقه‌ای که تحت فرماندهی یک فرد قرار دارد. و به‌عنوان یک فعل: (۴) دلالت بر تسلط از طریق تسلیحات یا نظارت از یک موضع برتر دارد (Encyclopedia, 1983: 55). سازمان پیمان آتلانتیک شمالی^۲ کوتاهترین بیان را در مورد معنای فرماندهی ارائه می‌دهد: «قدرتی که به یکی از افراد عضو نیروهای مسلح برای هدایت، هماهنگی و کنترل نیروهای نظامی واگذار می‌گردد.» (همان). ستاد مشترک ارتش آمریکا (پنتاگون، ۱۹۸۷) تعریف دقیق‌تری از فرماندهی را تجویز می‌کند: «قدرتی که یک فرمانده‌ی ارشد در نیروی‌های نظامی به موجب درجه یا منصب به‌طور قانونی بر زیردستان خود اعمال می‌کند.» (اردستانی، ۱۳۷۶: ۴۵).

هم با حوادث داخلی درگیر بودند و حتی مرزبانی از حدود و ثغور مرزی با مشکل انجام می‌شد، و ده‌ها دلیل دیگر این تأمل را برمی‌انگیزد که رژیم عراق با این تجاوز گسترده چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟ (لاریجانی، ۱۳۸۷: ۱۰) هم‌چنین بررسی نحوه‌ی تجاوز ارتش عراق با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی اقتصادی و نظامی طرفین نکات ظریفی را در اختیار محققان و اندیش‌وران سیاسی نظامی قرار خواهد داد، و مهم‌تر از آن، همه را در تنظیم و تحلیل این حادثه‌ی عظیم در تاریخ دو ملت کمک شایان توجه خواهد کرد. و حتی نقش پیچیده‌ی دولت‌ها و سازمان‌ها، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ مدعی حقوق بشر و استقلال ملت‌ها در وقوع تجاوز و سپس موضعگیری‌های آنها طی هشت سال جنگ از فرازهای مهم این حادثه به‌شمار می‌رود. جنگ عراق علیه ایران به دلایل مختلف پایان نظامی نداشت، بلکه آنانی که عراق را علیه جمهوری اسلامی ایران به تجاوز وا داشته‌اند با همه‌ی توان به میدان آمدند و مانع از آن شدند که ارتش عراق در میدان نبرد به ایران ببازد، از این رو، سمت و سوی تحولات جنگ را به پایانی حقوقی کشانده‌اند، به‌طوری که صدور قطعنامه‌ی ۵۹۸ فصل‌الخطاب همه در ماجرای هشت سال نزع و درگیری می‌باشد (لاریجانی، ۱۳۸۷: ۱۱).

1 - command

2 - The North Atlantic Treaty Organization/NATO

از نظر ارتش جمهوری اسلامی ایران، فرماندهی اختیاری است که توسط آن شخص فرمانده بر زیردستان اعمال فرماندهی می‌نماید.» (دستور رزمی، ۵-۱۰۱: ۵۷-۲).

در یک نگاه کلی فرماندهی عبارت است از: رهبری خوب به هنگام ضرورت و نیز مدیریت خوب به وقت نیاز. به عبارت دیگر، فرماندهی در برگیرنده‌ی عناصر مدیریت و رهبری است و بدون هر یک از این عناصر ناقص است. مطالعات علمی پیرامون فرماندهی به همین شکل بر اهمیت تأثیرگذاری شخصیت فرمانده بر واحدش و تشریح راه‌های انجام این کار تأکید می‌کنند و به تقلید رفتار و منش فرمانده از سوی زیردستان صحنه می‌گذارند. «تاریخ نظامی شهادت می‌دهد که هنگام محاربه، نفوذ فرمانده در روحیه‌ی عده‌اش مخصوصاً منوط به وضع و رفتار اوست. کلیه‌ی محاربین چشم خود را به وی دوخته‌اند. هر کاری که او بکند و هر چه که او بگوید کاملاً در وجود زیردستانش مؤثر و مسری است. هر اندازه فشار خطر زیادت‌تر و حالت دفاعی عده پریشان‌تر باشد، وظیفه‌ی فرمانده‌هان به همان اندازه مهم‌تر می‌گردد. چون حس تقلید یکی از آخرین ملکاتی است که علی‌رغم تهیجات نبرد باقی می‌ماند؛ بنابراین، در این موارد سرمشق واقع شدن فرمانده، یگانه وسیله نجات عده‌ی ارتشی است که روحیه‌ی آنها در شرف اضمحلال باشد.» (قوزانلو، ۱۳۶۲: ۱۲۴). مطالعات هنر فرماندهی در ادوار پیشین به ندرت بر مهارت‌های مدیریتی به‌عنوان استعدادی هم‌پایه‌ی مهارت‌های رهبری به مثابه پیش‌نیازهای موفقیت تأکید می‌کنند، از چند سال گذشته به این طرف، دیگر وضع بدین صورت نیست. اکنون در فرماندهی معمولاً مدیریت از اهمیت‌ی یکسان با هنر رهبری برای کارایی فرمانده برخوردار است. با بازگشت به گذشته نیز می‌توان دید که این امر همواره مصداق داشته است. در مطالعات پیرامون هنر فرماندهی در دهه‌ی پس از جنگ جهانی دوم، مدیریت گهگاه تهدید به تحت‌الشعاع قرار دادن رهبری نموده است، با این وجود هنوز هم فرماندهی در برگیرنده‌ی وظایف متداخل رهبری و مدیریت است و بر کارایی واحد یا سازمان تمرکز دارد. هنگامی که از وظایف فرماندهان به خصوصیات، خصلت‌ها یا ویژگی‌های مورد نیاز فرمانده گذر می‌کنیم، اتفاق نظر کم‌تری میان نظریه‌پردازان مشاهده می‌گردد. کلیه‌ی تحلیل‌گران، از وقایع‌نگاران دوران فرماندهان بزرگ گرفته تا وقایع‌نگاران دوره‌ی اخیر، فهرست خاص خود از

نیازمندی‌هایی را ارائه داده‌اند که بدون آنها یک فرمانده در معرض شکست و ناکامی قرار می‌گیرد. این فهرست شامل موارد زیر می‌گردد: «قوه‌ی فکر، تخیل، دانش، خلاقیت، قضاوت، تجربه، واقع‌بینی، تیزبینی مهارت‌های ارتباطی، منش، مزاج، نیروی اراده، بلندپروازی، شهامت جسمی و روحی، صداقت، ثابت قدمی، شجاعت، انعطاف‌پذیری، سماجت، تطبیق‌پذیری، مهارت‌های روابط انسانی، مهارت‌های فنی، تناسب اندام و جاذبه‌ی فیزیکی، سلامت، جوانی و شانس» (اردستانی، ۱۳۷۶: ۵۰). برخی از این نیازمندی‌ها به روشنی با یکدیگر متناقض هستند. مثلاً یک سردار جوان احتمال نمی‌رود که دارای تجربه‌ی زیاد با حس قضاوت صحیح باشد. برخی از این نیازمندی‌ها مانند منش یک مفهوم کیفی و غیرقابل اندازه‌گیری است. برخی دیگر نیز مفید نمی‌باشند. از دیدگاه تاریخی، می‌توان بدون وقفه نام فرماندهانی را برد که در قبال ویژگی‌های موفق، فاقد چند ویژگی نیز بوده‌اند، گرچه یافتن ژنرال‌های موفق زیادی که هیچ‌یک از این مؤلفه‌ها، را دارا نباشند، بسیار دشوار خواهد بود. با این حال، تنها بعضی از این مؤلفه‌ها، شایسته بحث هستند. برای یک سردار، شهامت در عملیات جنگی از همه آشکارتر و از جمله‌ی ضروریات است. نمونه‌هایی مانند: «حضور شاه طهماسب صفوی در طلیعه‌ی سپاه ایران برای مقابله با ارتش عثمانی» (متز، ۱۳۶۵: ۱۰۴) یا شهامت عباس میرزا فرمانده‌ی قشون ایران در مقابله با نیروهای روسی و تأثیر آن بر افرادش (قوزانلو، ۱۳۶۲: ۸۱) شهامت خارق‌العاده‌ی شهید باکری فرمانده‌ی لشکر ۳۱ عاشورا در مقابله با یگان‌های دشمن در شرق دجله و شهامت شهید خرازی و حضور در بحرانی‌ترین مناطق و نیز اقدام شجاعانه‌ی شهید همت فرمانده‌ی لشکر ۲۷ حضرت محمد رسول^(ص) در جزایر مجنون و ... (جنگ تحمیلی، ۱۳۷۳: ۱۲۶) از جمله‌ی مواردی است که به راحتی به ذهن خطور می‌کند. امام علی^(ع) نیز به مالک اشتر در خصوص ویژگی فرمانده می‌فرماید: «بزرگ‌ترین وظیفه‌ی افسر، ایراد نطق‌های آتشین و سخنرانی‌های مؤثر در برابر صفوف سپاه و تهیج به استقامت و شجاعت است» (رهبری نظامی، ۱۳۶۵: ۶). ژنرال ظاهر وتر، رئیس ستاد ارتش سوریه مهم‌ترین مؤلفه‌ی فرماندهی را مهارت در به‌کارگیری روابط انسانی در فرماندهی می‌داند (وتر، ۱۳۷۴: ۱۰۹). فیلد مارشال مونتگمری، فرمانده سپاه هشتم انگلیس در شمال آفریقا و معاون سر فرماندهی کل

قوای متفکین در جنگ جهانی دوم، تأکید ویژه‌ای بر تناسب اندام و جاذبه‌های فیزیکی برای انتخاب افسران فرمانده دارد (مونتگمری، ۱۳۶۲: ۴۳۸). نتایج یک تحقیق میدانی در خصوص ویژگی‌های مدیریتی چهار نفر از فرماندهان شهید دوران دفاع مقدس بر به‌کارگیری روابط انسانی و شیوه‌ی مدیریتی بر مبنای نظریه‌ی Z (نظریه‌ی مدیریت ژاپنی) توسط فرماندهان فوق‌الذکر تأکید دارد (مدنی، ۱۳۸۷: ۵۱).

ویژگی‌های فرماندهی از منظر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

رهبر معظم انقلاب اسلامی با نگاهی عمیق به منصب فرماندهی، در دیدارها، بیانیه‌ها، پیام‌ها و فرامین مختلف به فرماندهان قوای مسلح، رهنمودهای لازم را ارائه و ویژگی‌های یک فرمانده را در قالب مؤلفه‌های فرماندهی بیان داشته‌اند، که به دلیل محدودیت به دو ویژگی از منظر معظم‌له اشاره می‌گردد:

- **انضباط نظامی:** فرماندهی معظم کل قوا در تأثیر انضباط بر ماهیت جنگ می‌فرمایند: «... تقید آن نظم و کنار هم ایستادن و آن انضباط لازم در خود جنگ و ماهیت جنگ اثر می‌گذارد، آن کسی که اهمیت منظم بودن در دکمه‌ی لباسش، در واکس کفش، در سر بند شلوار و...، جورابش، نظم ظاهری‌اش، محاسنش، موی سرش و سینه‌ی بندش نمی‌دهد، هر بی‌نظمی و بی‌انضباطی که در حرکات معمولی ظاهر می‌شود، این بی‌نظمی خصلتی در انسان است که باید سرکوب شود و در آن‌جایی که فرمانده می‌گوید پیش یا عقب گرد - قهرمانانه یا تاکتیکی - این بی‌نظمی آن‌جا خودش را نشان ندهد، تو باید جلو بروی و ...» (پیام انقلاب، ش ۱۱۳: ۱۷). فرماندهی معظم کل قوا ضمن مردود دانستن افکار کسانی که نظم ارتش را هنر امرای طاغوتی می‌دانند، این نظم را چیز مطلوبی برای قوای مسلح دانسته و از آن به‌عنوان نتیجه، ثمره و تجربه‌ی چند هزارساله‌ی تاریخ نظامی‌گری جهان یاد می‌کنند و می‌فرمایند: «... این‌که آن‌قدر لابلالی است که این ادب معمولی (بستن دکمه‌ی پیراهن) را رعایت نمی‌کند، این تو میدان جنگ نمی‌شود بهش اطمینان کرد و جان آنها را به‌دست او

سپرد. حتی جان خودش را هم نمی‌شود به دست خودش سپرد ... ما این را تجربه کردیم، در همین هشت سال جنگ، ما کتک بی‌انضباطی و لاپالی‌گری در انضباط را ... خیلی خوردیم» (پیام انقلاب، ش ۱۱۳: ۱۷).

- **تقویت قدرت رهبری:** فرماندهی معظم کل قوا در بیانات مختلفی به نقش رهبری در فرماندهی اشاره و ضرورت این مهم را این‌گونه بیان می‌کنند: «... شما فرماندهان ... باید قدرت رهبری را در خودتان تقویت کنید ... به جای ارتباط گرفتن با جسم‌ها، باید با دل‌ها ارتباط وجود داشته باشد؛ این را در خودتان به وجود بیاورید و در خودتان تقویت کنید...» (بیانات در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش، ۱۳۹۱/۲/۳)

شاخص‌های تحقیق

در این پژوهش جهت جمع‌آوری نظرات جامعه‌ی پیرامون نقش فرماندهی در دفاع مقدس و جنگ آینده شاخص‌های زیر تدوین گردید:

- ۱) **شاخص قاطعیت در تصمیم‌گیری:** بسیاری از مفاهیم و ویژگی‌های فرمانده که عنوان شد با هم در ارتباط بوده و در شخصیت فرد هم‌پوشانی دارند؛ قاطعیت یعنی عزم کامل در تصمیمات، رها نکردن تصمیم و سست عمل نکردن در اجرای آن، داشتن قاطعیت برای کسب اعتماد زیردستان در اخذ تصمیمات، لازم و ضروری است، اراده داشتن در تصمیمات، عدم تزلزل و قاطعیت را به همراه دارد (سلامی، ۱۳۸۹: ۹۵). این شاخص را حضرت هنگام عزل محمدبن ابی‌بکر از فرمانداری مصر و انتصاب مالک به فرمانداری آن کشور در نامه‌ی ۳۴ چنین تبیین می‌نمایند: «... إِنَّ الرَّجُلَ الَّذِي كُنْتُ وَأَيْتُهُ أَمْرٌ مِصْرَ كَانَ رَجُلًا لَنَا نَاصِحًا وَعَلَى عَدُوِّنَا شَدِيدًا - همانا مردی را فرماندار مصر قرار دادم که نسبت به ما خیرخواه، به دشمنان ما سخت‌گیر و درهم کوبنده بود» (دشتی، ۱۳۸۲، نامه‌ی ۳۴: فراز ۳).

- ۲) **شاخص ابتکار و نوآوری:** فرمانده باید همواره مسائل و موضوعات چالشی و نو را در سازمان مطرح کند تا کارکنان مجبور باشند نسبت به حل آنها اقدام کنند. ایجاد

نوآوری در سازمان، تدبیر نو، روش‌های نو، ایده‌های نو، هدف‌گذاری‌های نو، سازماندهی نو و گفتگوی نو در سازمان، باعث می‌شود که هیچ روز سازمان و یگان تکرار روز گذشته نباشد. نوآوری از یک جنبه؛ به معنی اجتناب از تکرار است. فرماندهان و مدیران موفق در انجام امور و ارائه‌ی تدبیر، بیش از آن‌که از دیگران تقلید و کپی‌برداری کنند، خودشان نوآوری کرده و تدبیر جدیدی را خلق می‌نمایند. بخشی از تجربیات دیگران قابل استفاده است؛ فرماندهی و رهبری نظامی با رویکرد اسلامی و انقلابی اما هر سازمانی مشخصات و ویژگی‌های خاصی دارد؛ بنابراین، بخشی از اعمال و اقدامات باید متکی بر ابتکارات، نوآوری‌ها و خلاقیت عناصر هر سازمان باشد. نباید صرفاً به تأکید، تجربه و دیدگاه دیگران اکتفا کرد، البته می‌توان از نظرات آنها کمک گرفت و با دیگران مشورت کرد، اما نباید به صورت مطلق بر آنها تکیه نمود. ما باید خودمان نقطه‌ی اتکاهای جدیدی بسازیم، روش‌ها و قواعد جدیدی ایجاد کنیم و تدابیر جدیدی به‌کار بگیریم (سلامی، ۱۳۸۹: ۱۰۰). فرماندهی معظم کل قوا در صبحگاه مشترک نوشهر این شاخص را چنین تبیین می‌فرمایند: «... نوآوری، ابتکار استفاده از دل‌های پاک و نیروهای با استعداد عمیق، می‌تواند روزبه‌روز ارتش را پیش ببرد. امروز، ملت و کشور شما به این فعالیت درونی و بیرونی (عزم و ایمان شما از طرفی و تلاش و کارتان از طرف دیگر) نیازمند است. (بیانات در صبحگاه مشترک نوشهر) در جمع فرماندهان و پرسنل ارتش در هفته‌ی دفاع مقدس شاخص فوق را چنین تبیین می‌فرمایند: «... هر چه می‌توانید ابتکار و نوآوری به‌خرج دهید و راه‌های میان‌بُر را انتخاب کنید. شما می‌توانید و باید باور کنید که می‌توانید؛ کما این‌که توانستید. یک روز همین مقدار را هم نه دشمن باور می‌کرد و نه خیلی از دوستان. عناصر مؤمن نشان دادند که می‌شود و توانستند. از این جلوتر هم می‌توانید بروید...» (امام خامنه‌ای^(مدظله)، ۱۳۷۴/۷/۵).

۳) شاخص ارتقای روحیه و انگیزه‌ی نیروها: انگیزه، حالتی درونی که انسان را به انجام فعالیت وا می‌دارد (رضاییان، ۱۳۶۹: ۲۱۱). یکی از مسئولیت‌های خطیر فرمانده

تحریک‌کنندگی و ایجاد انگیزه^۱ در پرسنل و ارتقای توان رزم در زمان یگان است؛ حضرت در تحریک پرسنل به جهاد و ایجاد انگیزه در آنها چنین می‌فرماید: «... أما دینٌ يَجْمَعُكُمْ، وَ لَاحِمِيَّهٖ تُحْمِسُكُمْ؟» - دینی نیست که شما را با یکدیگر متحد سازد آیا غیرت و حمیتی نیست که شما را به خشم آورد...» (دستی، ۱۳۸۲: خطبه‌ی ۳۹). حضرت در جای دیگر در این خصوص چنین می‌فرماید: «... أَيْنَ الْمَانِعِ لِلدَّمَارِ، وَالْعَاثِرِ عِنْدَ نُزُولِ الْحَقَائِقِ مِنْ أَهْلِ الْجَفَاطِ؟ الْعَارُ وَرَاءَكُمْ وَالْجَنَّةُ أَمَامَكُمْ - کجاست آن مدافع صاحب غیرت، که به هنگام نزول حوادث، نگهبان مردم خویش باشد. ننگ پشت سر شماست و بهشت پیش رویتان...» (همان، خطبه‌ی ۱۷۱). حضرت علی^(ع) در خطبه‌ی ۲۷ در راستای تحریک افکار عمومی، بسیج عمومی و ارتقای توان رزمی نیروهای مسلح؛ مردم را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد: «... فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي غَيْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا - به خدا سوگند، هیچ قومی در خانه‌هایشان تاخت نیاوردند. مگر آن‌که زبون خصم گشتند» (سپاه، ۱۳۷۴: ۱۲۳).

۴) **شاخص اخلاق فرماندهی**: نظر به نقشی که این شاخص در همراهی پرسنل با فرمانده در شرایط مختلف نبرد دارد، حضرت علی^(ع) مالک را چنین خطاب می‌کنند: «... ثُمَّ تَفَقَّدُ مِنْ أُمُورِهِمْ مَا يَتَفَقَّدُ أَلْوِ الدَّانِ مِنْوَلَدِهِمَا - پس در کارهای آنان به گونه‌ای بیندیش که پدری مهربان درباره‌ی فرزندش می‌اندیشد» (فاضل لنکرانی، ۱۳۶۶: ۱۴۱). در قسمتی دیگر از نامه‌ی فوق در خصوص این شاخص چنین آمده است: «... فَإِنَّ عَطْفَكَ عَلَيْهِمْ يُعْطِفُ قُلُوبَهُمْ عَلَيْكَ - همانا مهربانی تو نسبت سربازان دل‌هایشان را به تو می‌کشاند» (همان).

۵) **شاخص فراهم نمودن زمینه‌ی خودباوری در افراد**: در خصوص این شاخص، حضرت علی^(ع) مالک اشتر را چنین مورد خطاب قرار می‌دهند: «... وَ تَعْدِيدِ مَا أُبْلَى ذَوُو الْبَلَاءِ مِنْهُمْ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ أفعالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَ تُحَرِّصُ النَّاكِلَ، إِنْ

شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى - کارهای مهم را که انجام داده‌اند برشمار، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان (شجاعان) را بر می‌انگیزد و ترسوها را به تلاش وا می‌دارد» (دستی، ۱۳۸۳، نامه‌ی ۵۳: بخش فراز ۵۴). در این خصوص در بخشی دیگر از این خطبه آمده است: «ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا أُبْلِيَ وَلَا تُضَيِّفَنَّ بِلَاءَ امْرِئٍ إِلَىٰ غَيْرِهِ وَلَا تُفَصِّرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بِلَائِهِ وَلَا يَدْعُوَنَّكَ شَرَفُ امْرِئٍ ... - دریک ارزشیابی دقیق رنج و زحمات هر یک از آنان را شناسایی کن و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری نگذاشته و ارزش و خدمات او را ناچیز مشمار» (همان).

۶) شاخص مشارکت دیگران در تصمیم‌گیری‌ها: این شاخص در نامه‌ی حضرت

علی^(ع) خطب به عمر بن ابی سلمه محزونی در سال ۳۶ هجری چنین تبیین شده است: «... فَلَقَدْ أَرَدْتُ الْمَسِيرَ إِلَىٰ ظَلَمَةِ أَهْلِ الشَّامِ وَأَحْبَبْتُ أَنْ تَشْهَدَ مَعِيَ، فَإِنَّكَ مِمَّنْ أَسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَيَّ جِهَادِ الْعَدُوِّ وَإِقَامَةِ عَمُودِ الدِّينِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ - تصمیم دارم به سوی ستمگران شام حرکت کنم، دوست دارم در این جنگ با من همراه باشی؛ زیرا تو از دلاور مردانی هستی که در جنگ با دشمن و بر پا داشتن ستون دین از آنان یاری می‌طلبم ...» (همان، نامه ۴۲: فراز آخر). شاخص فوق را فرماندهی معظم کل قوا در نوشهر چنین تبیین می‌فرمایند: «... از استادان و دانشجویان که بحمدالله، هم آماده به‌کارند، تر و تازه‌اند، حوصله دارند، همه جوان فعال و خوب هستند برای پیشبرد کارها از این‌ها حداکثر استفاده بشود» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۱۴). ایشان در خصوص مشارکت جوانان در عرصه‌های سخت و مهم خطاب به فرماندهان می‌فرمایند: «... عناصر جنگ، بچه‌های جنگ و جوانان دوره‌ی جنگ که شماها هستید یواش یواش پیر می‌شوید ... سپاه یک سازمان جوان است ... راه جوان‌ها را باز کنید باینند توی مناصب حساس، در فرماندهی‌ها، در مراکز مهم ... اینها آن دوره‌های عملی شما را نگذرانده‌اند، آن دوره‌ها قابل تکرار نیست ... باید شما فکر کنید برای اینها، این فکر لازم دارد. یک راهبرد بلندمدت، میان مدت و دقیق ...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۴/۲۱). فرماندهی معظم کل قوا در زمینه‌ی مشارکت جوانان در تصمیم‌گیری‌ها

و ارتقای عملکرد ارتش در مراسم اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی^(ع) چنین می فرمایند: «... جوانان مؤمن، مصمم، باسواد، تحصیل کرده، متدین و عمیقاً مؤمن به آرمان‌های اسلام و ارزش‌های الهی وارد میدان می‌شوند و سازمان ارتش را غنی‌تر، سرشارتر و پُر بارتر خواهند کرد. چشم امید و انتظار به شما جوان‌هاست که بتوانید این امانت را - که نسل قبل از شما با مجاهدت و تلاش فداکارانه خود به این نقطه رساند - جلوتر و پیشتر ببرید» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹ / ۰۶/۰۹).

۷) **اراده‌ی نیرومند و استوار:** حضرت علی^(ع) مالک را به‌عنوان کامل‌ترین فرماندهی برخوردار از شاخص نیرومندی و استواری در فرایند هدایت و رهبری در شرایط مختلف نبرد چنین معرفی می‌نمایند: «مَالِكٌ وَ مَا مَالِكٌ؟ وَ اللّٰهُ لَوْ كَانَ جَبَلًا لَّكَانَ فِنْدًا، وَ لَوْ كَانَ حَجْرًا لَّكَانَ صَلْدًا؛ لَا يَرْتَقِيهِ الْحَافِرُ وَ لَا يُوفِي عَلَيْهَا لَطَائِرٌ وَ الْفِنْدُ الْمُتَفَرِّدُ مِنَ الْجِبَالِ - مالک، مالک چه بود به خدا سوگند، اگر کوه می‌بود، کوهی بی‌همتا و سرافراز بود و اگر صخره‌ای بود» (دشتی، ۱۳۸۲: حکمت ۴۴۳). در جای دیگر مالک به‌عنوان فرماندهی با چنین ویژگی چنین معرفی می‌نمایند: «... قَدْ أَمَرْتُ عَلَيْكُمْمَا وَ عَلِيٌّ مَنْ فِي حَبْرِكُمَا مَالِكٌ بِنَ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ فَاسْمَعَا لَهُ وَ أَطِيعَا، وَ اجْعَلَاهُ دِرْعَا وَ مِجْنَا، فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا يُخَافُ وَ هُنَّ وَ لَا سَفْطَةٌ، وَ لَا بَطْوَةٌ عَمَّا الْإِسْرَاعِ إِلَيْهِ أَحْزَمٌ، وَ لَا إِسْرَاعُهُ إِلَّا مَا الْبَطْوَةُ عَنْهُ أَمْثَلُ - من، مالک بن‌الحارث‌ الاشتهر را بر شما و همه‌ی سپاهیان‌ی که در فرمان شماست، امیر کردم. به سخنش گوش دهید و فرمانش برید. او را زره و سپر خود قرار دهید. زیرا مالک کسی است که نه در کار سستی می‌کند و نه خطا و نه آن‌جا که باید درنگ کند، شتاب می‌ورزد و نه آن‌جا که باید شتاب ورزد، درنگ می‌کند...» (همان: نامه‌ی ۱۳).

۸) **روحیه‌ی تزلزل‌ناپذیر و دوراندیش:** حضرت علی^(ع) هنگام سپردن پرچم به‌دست محمد ابن حنفیه در خصوص این شاخص او را چنین مورد خطاب قرار می‌دهند: «تَزَلُّ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُولُ: اگر کوه‌ها از جا کنده شدند، تو ثابت و استوار باش...» (دشتی، ۱۳۸۲، خطبه‌ی ۱۱: فراز یکم). این شاخص در خطبه‌ای در شهر کوفه در

سال ۴۰ هجری در فرازی از خطبه‌ی ۱۸۲ این گونه تعیین شده است: «... مُوَا الْأَرْضِ، وَ اصْبِرُوا عَلَيَّ الْبَلَاءِ، ترجمه: پای بر زمین محکم کنید و بر بلاها شکیبا باشید...» (همان، خطبه‌ی ۱۸۲: فراز ۲۸-۳۲).

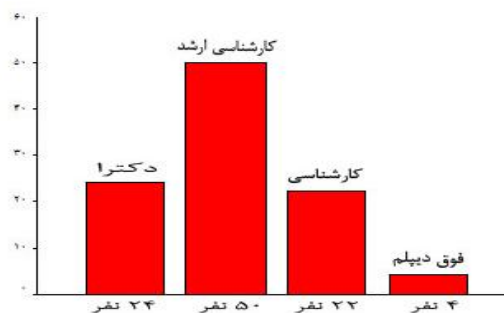
نتایج پژوهش

الف) اطلاعات شخصی: ابتدا اطلاعات شخصی پاسخگویان از فراوانی تحصیلات، درجه و میزان سابقه‌ی جبهه مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا نمای روشن‌تری از وضعیت افراد نمونه ارائه گردد. و سپس ضمن انجام تجزیه و تحلیل داده‌ها، فریضه‌های مورد نظر محقق بررسی وضعیت آنها تأیید یا رد می‌گردد.

۱- از نظر تحصیلی: ۲۴٪ از پاسخگویان مدرک تحصیلی دکترا، ۵۰٪ از افراد مدرک کارشناسی ارشد، ۲۲٪ از افراد دارای مدرک کارشناسی، ۴٪ دارای مدرک فوق دیپلم داشتند.

جدول و شکل شماره ۱- فراوانی تحصیلات جامعه

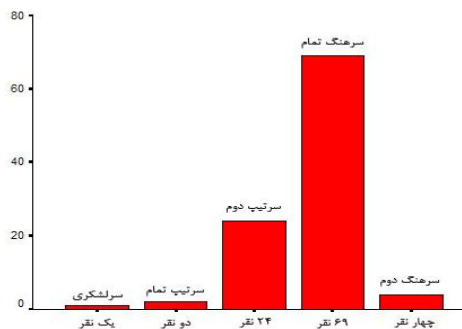
تحصیلات	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
دکترا	۲۴	۲۴	۲۴
کارشناسی ارشد	۵۰	۵۰	۷۴
کارشناسی	۲۲	۲۲	۹۶
فوق دیپلم	۴	۴	۱۰۰
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰	-----



۲- از نظر درجه: ۱٪ از پاسخ‌گویان درجه سرلشکری، ۲٪ درجه سرتیپی، ۲۴٪ سرتیپ دومی، ۶۹٪ درجه سرهنگی، ۴٪ سرهنگ دومی داشتند.

جدول و شکل شماره ۲- فراوانی درجه‌ی جامعه

درجه	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
سرلشکر	۱	۱	۱
سرتیپ	۲	۲	۳
سرتیپ ۲	۲۴	۲۴	۲۷
سرهنگ	۶۹	۶۹	۹۶
سرهنگ ۲	۴	۴	۱۰۰
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰	-----



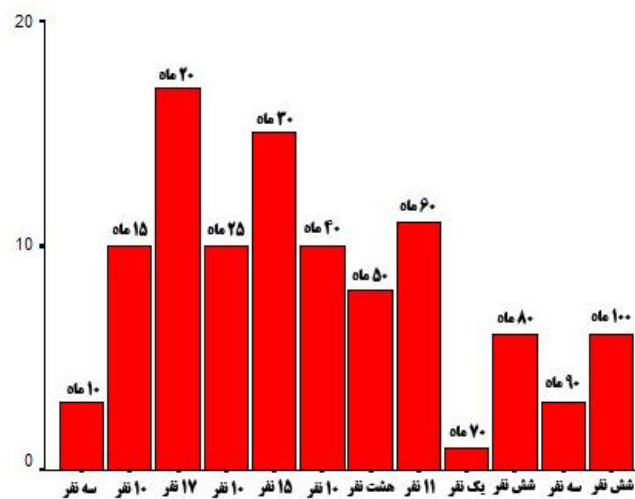
۳- از نظر میزان حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل در دوران دفاع مقدس، فراوانی

پاسخگویان طبق جدول زیر بوده است:

جدول و شکل شماره ۳- فراوانی سابقه در حضور جبهه جامعه

سابقه‌ی جبهه	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی	فراوانی
۱۰ ماه	۳ (نفر)	۳	۳	۳ (نفر)
۱۵ ماه	۱۰	۱۰	۱۳	۱۰
۲۰ ماه	۱۷	۱۷	۳۰	۱۷
۲۵ ماه	۱۰	۱۰	۴۰	۱۰

سابقه‌ی جبهه	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی	فراوانی
۳۰ ماه	۱۵	۱۵	۵۵	۱۵
۴۰ ماه	۱۰	۱۰	۶۵	۱۰
۵۰ ماه	۸	۸	۷۳	۸
۶۰ ماه	۱۱	۱۱	۸۴	۱۱
۷۰ ماه	۱	۱	۸۵	۱
۸۰ ماه	۶	۶	۹۱	۶
۹۰ ماه	۳	۳	۹۴	۳
۱۰۰ ماه	۶	۶	۱۰۰	۶
جمع کل:	۱۰۰	۱۰۰	----	۱۰۰



نمودار فوق نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان، سابقه‌ی حضورشان در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل بیش از ۳۰ ماه است که این بیان‌کننده‌ی میزان درک بالای آنها از موضوع تحقیق بوده و پاسخگویی مناسب و دقیق آنها به متغیرهای پرسشنامه را به اثبات می‌رساند.

ب) تحلیل داده‌ها: جامعه‌ی آماری این پژوهش، جمعی از فرماندهان دوران دفاع مقدس می‌باشند، که پس از سنجش نظرات حجم نمونه به تعداد ۱۰۰ نفر بر مبنای مدل شاخص‌های توصیفی نقش فرماندهی در دوران دفاع مقدس و جنگ آینده به شرح زیر مشخص گردید.

شاخص‌های آمار توصیفی: (شاخص‌های تمایل مرکزی و پراکندگی):

الف) تأثیر عامل رهبری و فرماندهی نظامی در دوران دفاع مقدس در قالب هشت متغیر (شاخص) مورد ارزیابی قرار گرفت که نظرات پاسخگویان بر اساس پنج سطح دسته‌بندی در طیف لیکرت و هم‌چنین میانگین و انحراف معیار استاندارد و وضعیت حداکثری و حداقلی بودن گویه‌ها به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول شماره ۴- میانگین و انحراف معیار رهبری و فرماندهی نظامی در دفاع مقدس

ردیف	متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	حجم نمونه
۱	قاطعیت در تصمیم‌گیری	۳	۵ (خیلی زیاد)	۴/۲	۰/۵۹۵۹	۱۰۰ نفر
۲	ارتقا روحیه و انگیزه‌ی نیروها	۳	۵ (خیلی زیاد)	۴/۴	۰/۶۲۶۴	۱۰۰ نفر
۳	ابتکار و خلاقیت	۲ (کم)	۵ (خیلی زیاد)	۴/۳	۰/۶۸۴۹	۱۰۰ نفر
۴	اخلاق فرماندهی	۳	۵ (خیلی زیاد)	۴/۵	۰/۶۱۰۶	۱۰۰ نفر
۵	فراهم نمودن زمینه‌ی خودباوری در افراد	۳	۵ (خیلی زیاد)	۴/۱	۰/۶۷۷۱	۱۰۰ نفر
۶	مشارکت دیگران در تصمیم‌گیری‌ها	۱	۵ (خیلی زیاد)	۳/۸	۰/۷۷۷۱	۱۰۰ نفر
۷	اراده‌ی نیرومند و استوار	۳	۵ (خیلی زیاد)	۴/۳	۰/۶۰۱۳	۱۰۰ نفر
۸	روحیه‌ی تزلزل‌ناپذیر و دوراندیش	۱	۵ (خیلی زیاد)	۴/۲	۰/۷۶۵۴	۱۰۰ نفر

طبق اطلاعات به‌دست آمده از جدول فوق، شاخص‌ها را می‌توانیم به دو سطح دسته‌بندی کنیم. سطح اول آن متغیرهایی که میانگین به‌دست آمده آنها بالای چهار است. و سطح دوم، متغیرهایی هستند که میانگین آنها از عدد چهار پایین‌تر است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد، میانگین تمام گویه‌ها به‌جز گویه‌ی شماره‌ی (۶) این پرسشنامه، گزینه‌ی بالای ۴ (زیاد) می‌باشد.

ب) تأثیر عامل فرماندهی در جنگ آینده در قالب هشت متغیر (شاخص) مورد ارزیابی قرار گرفت که نظرات پاسخگویان بر اساس پنج سطح دسته‌بندی در طیف لیکرت و هم‌چنین میانگین و انحراف معیار استاندارد و وضعیت حداکثری و حداقلی بودن گویه‌ها به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول شماره ۵- میانگین و انحراف معیار رهبری و فرماندهی نظامی در جنگ آینده

ردیف	متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	حجم نمونه
۱	قاطعیت در تصمیم‌گیری	۳	۵ (خیلی زیاد)	۴/۵	۰/۵۵۶۳	۱۰۰ نفر
۲	ارتقای روحیه و انگیزه‌ی نیروها	۳	۵ (خیلی زیاد)	۴/۶	۰/۴۹۶۹	۱۰۰ نفر
۳	ابتکار و خلاقیت	۳	۵ (خیلی زیاد)	۴/۶	۰/۵۳۶۰	۱۰۰ نفر
۴	اخلاق فرماندهی	۱	۵ (خیلی زیاد)	۴/۵	۰/۶۸۸۹	۱۰۰ نفر
۵	فراهم نمودن زمینه‌ی خودباوری در افراد	۲	۵ (خیلی زیاد)	۴/۴	۰/۶۵۶۳	۱۰۰ نفر
۶	مشارکت دیگران در تصمیم‌گیری‌ها	۱	۵ (خیلی زیاد)	۴/۱	۰/۸۶۸۹	۱۰۰ نفر
۷	اراده‌ی نیرومند و استوار	۳	۵ (خیلی زیاد)	۴/۴	۰/۵۹۱۵	۱۰۰ نفر
۸	روحیه‌ی تزلزل‌ناپذیر و دوراندیش	۳	۵ (خیلی زیاد)	۴/۴	۰/۶۰۷۳	۱۰۰ نفر

طبق اطلاعات به دست آمده از جدول فوق، شاخص‌ها را می‌توانیم به دو سطح دسته‌بندی کنیم. سطح اول آن متغیرهایی که میانگین به دست آمده آنها بالای چهار است. و سطح دوم، متغیرهایی هستند که میانگین آنها از عدد چهار پایین‌تر است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد، میانگین تمام متغیرها گزینه‌ی بالای ۴ (زیاد) می‌باشد.

شاخص‌های آمار توصیفی

در این بخش از تحلیل داده‌ها، کل شاخص‌های آمار توصیفی عوامل اصلی (میانگین نظر پاسخگویان به نقش فرماندهی در دفاع مقدس و جنگ آینده) را جداگانه بررسی می‌کنیم. خیلی زیاد: ۵، زیاد: ۴، متوسط: ۳، کم: ۲، خیلی کم: ۱ (بررسی بر اساس نمره ۱ تا ۵)

جدول شماره ۶- مقایسه میزان تأثیر عامل فرماندهی و رهبری نظامی در دفاع مقدس و جنگ آینده

عوامل	فراوانی	حداقل پاسخ	حداکثر پاسخ	میانگین	انحراف معیار
میزان تأثیر عامل رهبری و فرماندهی (دفاع مقدس)	۱۰۰ نفر	۳/۳۸	۵	۴/۲۷۷۵	۰/۴۱۱۹
میزان تأثیر عامل رهبری و فرماندهی (جنگ آینده)	۱۰۰ نفر	۳/۳۸	۵	۴/۴۸۱۳	۰/۴۰۳۳

نکته‌ای که در جدول فوق قابل مشاهده است این که از منظر پاسخگویان، عامل رهبری و فرماندهی نظامی هم در دوران دفاع مقدس نقش به‌سزایی داشته و هم در جنگ آینده از اهمیت بسیار برخوردار و تأثیر به‌سزایی خواهد داشت.

آزمون توزیع داده‌ها

۱) آزمون F - تحلیل واریانس یک‌طرفه یا آنووا (ANOVA): آزمون F یا تحلیل واریانس یک‌طرفه برای آزمون تفاوت میانگین یک متغیر در بین بیش از دو گروه به کار می‌رود. ما در این تحقیق تعداد نه تحلیل واریانس داریم و از آن‌جایی که پنج سطح داریم (طیف لیکرت)؛ بنابراین، از تحلیل واریانس استفاده می‌کنیم. جداول زیر نشان می‌دهد که آیا تأثیر عامل رهبری و فرماندهی نظامی در دوران دفاع مقدس و در جنگ آینده بر حسب سطوح درجات نظامی و یا تحصیلات افراد و ... تفاوت معناداری وجود دارد. (به‌طور مثال، هرچه درجه‌ی نظامی افراد بیشتر باشد، تفاوت معنادار است).

جدول شماره ۷- بررسی نقش شاخص‌های رهبری نظامی در دوران دفاع مقدس بر حسب درجه

عامل	درجه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
رهبری و فرماندهی	سرلشکر	۱	۳۵/۰۰۰۰	-----	۳۵/۰۰	۳۵/۰۰
	سرتیپ	۲	۳۳/۰۰۰۰	۵/۶۵۶۹	۲۹/۰۰	۳۷/۰۰
	سرتیپ ۲	۲۴	۳۴/۰۰۰۰	۲/۴۴۹۵	۲۹/۰۰	۳۹/۰۰
	سرهنگ	۶۹	۳۴/۳۹۱۳	۳/۴۷۳۵	۲۷/۰۰	۴۰/۰۰
	سرهنگ ۲	۴	۳۳/۰۰۰۰	۴/۸۹۹۰	۲۷/۰۰	۳۷/۰۰
	جمع کل	۱۰۰	۳۴/۲۲۰۰	۳/۲۹۵۵	۲۷/۰۰	۴۰/۰۰

جدول شماره ۸- بررسی نقش شاخص‌های رهبری و فرماندهی نظامی در جنگ آینده بر حسب درجه

عامل	درجه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
رهبری و فرماندهی	سرلشکر	۱	۳۵/۰۰۰۰	-----	۳۵/۰۰	۳۵/۰۰
	سرتیپ	۲	۳۸/۰۰۰۰	۱/۴۱۴۲	۳۷/۰۰	۳۹/۰۰
	سرتیپ ۲	۲۴	۳۶/۰۸۳۳	۲/۶۱۹۶	۳۱/۰۰	۴۰/۰۰
	سرهنگ	۶۹	۳۵/۶۹۵۷	۳/۴۲۲۷	۲۷/۰۰	۴۰/۰۰
	سرهنگ ۲	۴	۳۶/۲۵۰۰	۴/۵۰۰۰	۳۱/۰۰	۴۰/۰۰
	جمع کل	۱۰۰	۳۵/۸۵۰۰	۳/۲۲۶۷	۲۷/۰۰	۴۰/۰۰

الف) تحلیل واریانس (ANOVA): (آزمون مقایسه‌ی میانگین چند جامعه) برای مقایسه‌ی میانگین دو یا چند جامعه (یعنی تأثیر یک متغیر مستقل گروه‌بندی بر یک متغیر کمی وابسته) از این آزمون استفاده می‌شود.

جدول شماره ۹- مربوط به رابطه‌ی بین درجه‌ی نظامی و نظر پاسخ‌گویان (مؤثر در دفاع مقدس)

عوامل (دفاع مقدس)	مجموع توان دوم تیمارها	درجه آزادی	میانگین توان دوم تیمارها	مقدار F	سطح معنی‌داری	رهبری
	۱۲/۷۲۵	۴	۳/۱۸۱	.۲۸۴	.۸۸۷	
	۱۰۶۲/۴۳۵	۹۵	۱۱/۱۸۴			
	۱۰۷۵/۱۶۰	۹۹	-----			

جدول شماره ۱۰- مربوط به رابطه‌ی بین درجه‌ی نظامی و نظر پاسخ‌گویان (مؤثر در جنگ آینده)

عوامل (جنگ آینده)	مجموع توان دوم تیمارها	درجه آزادی	میانگین توان دوم تیمارها	مقدار F	سطح معنی‌داری	رهبری
	۱۳/۵۵۸	۴	۳/۳۸۹	.۲۸۴	.۸۸۷	
	۱۰۱۷/۱۹۲	۹۵	۱۰/۷۰۷			
	۱۰۳۰/۷۵۰	۹۹	-----			

همان‌طور که در جداول فوق مشاهده می‌شود، گزینه‌های سطح معنی‌داری (sig) بزرگ‌تر از ۰.۰۵ است و این بدین معنا است که بین نظر پاسخ‌گویان (مبنی بر میزان تأثیر عامل فرماندهی و رهبری نظامی در دوران دفاع مقدس و تأثیر در جنگ آینده) و درجه‌ی نظامی آنان رابطه‌ای وجود ندارد.

ب) رابطه بین نظر پاسخ‌گویان با میزان تحصیلات آنها:

جدول شماره ۱۱- مربوط به رابطه‌ی بین میزان تحصیلات و نظر پاسخ‌گویان- دفاع مقدس

عامل	تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
رهبری و فرماندهی	دکتر	۲۴	۳۴/۰۸۳۳	۳/۴۳۷۹	۲۸/۰۰	۳۹/۰۰
	فوق لیسانس	۵۰	۳۴/۱۶۰۰	۲/۹۲۳۲	۲۷/۰۰	۴۰/۰۰
	لیسانس	۲۲	۳۴/۵۰۰۰	۴/۲۵۱۱	۲۷/۰۰	۴۰/۰۰
	فوق دیپلم	۴	۳۴/۲۵۰۰	.۹۵۷۴	۳۳/۰۰	۳۵/۰۰
	جمع کل		۱۰۰	۳۴/۲۲۰۰	۳/۲۹۵۵	۲۷/۰۰

جدول شماره ۱۲- مربوط به رابطه‌ی بین میزان تحصیلات و نظر پاسخ‌گویان جنگ آینده

عامل	تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
رهبری و فرماندهی	دکتر	۲۴	۳۶/۳۷۵۰	۲/۹۰۱۵	۳۱/۰۰	۴۰/۰۰
	فوق لیسانس	۵۰	۳۵/۴۸۰۰	۳/۱۵۰۹	۲۷/۰۰	۴۰/۰۰
	لیسانس	۲۲	۳۵/۹۵۴۵	۳/۹۳۳۷	۲۸/۰۰	۴۰/۰۰
	فوق دیپلم	۴	۳۶/۷۵۰۰	۱/۷۰۷۸	۳۵/۰۰	۳۹/۰۰
	جمع کل	۱۰۰	۳۵/۸۵۰۰	۳/۲۲۶۷	۲۷/۰۰	۴۰/۰۰

با توجه به تحلیل‌های به دست آمده که در جداول زیر قابل مشاهده است، گزینه‌های سطح معنی‌داری (sig) بزرگ‌تر از ۰.۰۵ است و این بدین معناست که بین نظر پاسخ‌گویان (مبنی بر میزان تأثیر عامل رهبری و فرماندهی نظامی در دوران دفاع مقدس و تأثیر در جنگ آینده) و تحصیلات آنان رابطه‌ای وجود ندارد.

جدول شماره ۱۳- مربوط به رابطه‌ی بین تحصیلات و نظر پاسخ‌گویان (مؤثر در دفاع مقدس)

عوامل (دفاع مقدس)	مجموع توان دوم تیمارها	درجه آزادی	میانگین توان دوم تیمارها	مقدار F	سطح معنی‌داری
بین گروه‌ها	۲/۳۵۷	۳	۰/۸۸۶	۰/۰۷۰	۰/۹۷۶
درون گروه‌ها	۱۰۷۲/۸۰۳	۹۶	۱۱/۱۷۵		
کل	۱۰۷۵/۱۶۰	۹۹	-----		

جدول شماره ۱۴- مربوط به رابطه‌ی بین تحصیلات و نظر پاسخ‌گویان (مؤثر در جنگ آینده)

عوامل (جنگ آینده)	مجموع توان دوم تیمارها	درجه آزادی	میانگین توان دوم تیمارها	مقدار F	سطح معنی‌داری
بین گروه‌ها	۱۶/۹۴۰	۳	۵/۶۴۷	۰/۵۳۵	۰/۸۸۷
درون گروه‌ها	۱۰۱۳/۸۱۰	۹۶	۱۰/۵۶۱		
کل	۱۰۳۰/۷۵۰	۹۹	-----		

۲) تحلیل همبستگی پیرسون: تحلیل همبستگی ابزاری آماری برای تعیین نوع و درجه‌ی رابطه یک متغیر کمی با متغیر کمی دیگر است. ضریب همبستگی یکی از معیارهای مورد استفاده در تعیین همبستگی دو متغیر می‌باشد. ضریب همبستگی شدت رابطه و هم‌چنین نوع رابطه (مستقیم یا معکوس) را نشان می‌دهد. این ضریب بین ۱ تا -۱ است و در صورت عدم وجود رابطه بین دو متغیر برابر صفر می‌باشد.

با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نتایج زیر به دست آمد که نشان می‌دهد، بین متغیرهای اصلی تحقیق یعنی تأثیر عامل رهبری و فرماندهی نظامی در دفاع مقدس و در جنگ آینده رابطه وجود دارد. بدین معنا که مجموع کسانی که تأثیر عامل مذکور در دوران دفاع مقدس را مهم و زیاد دانسته‌اند نسبت به تأثیر این عامل در جنگ آینده نیز همین نظر را داشته‌اند.

جدول شماره ۱۵- بررسی رابطه بین شاخص‌های فرماندهی و رهبری نظامی مؤثر در دفاع مقدس

فراوانی	شاخص‌ها	قاطعیت	انگیزه	خلافت	اخلاق	خودباوری	مشارکت	اراده	روحیه
۱۰۰	همبستگی Y	۱/۰۰۰	۰/۲۴۰	۰/۳۵۹	۰/۲۰۴	۰/۲۹۶	۰/۱۸۴	۰/۲۳۷	۰/۴۳۴
	p معنی داری	.	۰/۰۱۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۶۷	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰

طبق جدول فوق، مشاهده می‌کنیم که رابطه‌ی معنی داری بین شاخص‌های مؤثر در دفاع مقدس وجود دارد.

جدول شماره ۱۶- بررسی رابطه‌ی معنی دار بین شاخص‌های مؤثر در دفاع مقدس بر اساس تحصیلات

فراوانی	شاخص‌ها	قاطعیت	انگیزه	خلافت	اخلاق	خودباوری	مشارکت	اراده	روحیه
۱۰۰	همبستگی Y	۰/۰۱۵	۰/۰۸۷	-۰/۰۰۱	-۰/۰۳۸	-۰/۰۲۲	-۰/۰۰۶	۰/۱۴۲	-۰/۰۳۷
	p معنی داری	۰/۸۸۵	۰/۳۹۱	۰/۹۹۴	۰/۷۰۶	۰/۸۳۱	۰/۹۵۶	۰/۱۵۹	۰/۷۱۶

جدول شماره ۱۷- بررسی رابطه‌ی معنی دار بین شاخص‌های مؤثر در دفاع مقدس بر اساس درجه

فراوانی	شاخص‌ها	قاطعیت	انگیزه	خلافت	اخلاق	خودباوری	مشارکت	اراده	روحیه
۱۰۰	همبستگی Y	-۰/۱۱۱	۰/۰۱۵	-۰/۰۲۰	-۰/۰۳۵	۰/۰۲۷	-۰/۰۶۳	۰/۱۷۸	۰/۰۵۱
	p معنی داری	۰/۲۶۹	۰/۸۸۱	۰/۸۴۷	۰/۷۲۹	۰/۷۸۷	۰/۵۳۶	۰/۰۷۷	۰/۶۱۲

جدول شماره ۱۸- بررسی رابطه‌ی بین شاخص‌های مؤثر در جنگ آینده

فراوانی	شاخص‌ها	قاطعیت	انگیزه	خلافت	اخلاق	خودباوری	مشارکت	اراده	روحیه
۱۰۰	همبستگی Y	۱/۰۰۰	۰/۳۶۷	۰/۳۴۰	۰/۰۶۴	۰/۳۹۷	۰/۲۴۲	۰/۴۷۱	۰/۳۵۶
	p معنی داری	.	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۵۲۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

طبق جدول فوق، مشاهده می‌کنیم که رابطه‌ی معنی‌داری بین شاخص‌های مؤثر در دفاع مقدس وجود دارد.

جدول شماره ۱۹- بررسی رابطه‌ی معنی‌دار بین شاخص‌های مؤثر در جنگ آینده بر اساس تحصیلات

فراوانی	شاخص‌ها	قاطعت	انگیزه	خلاقیت	اخلاق	خودباوری	مشارکت	اراده	روحیه
۱۰۰	همبستگی Y	. / ۰۱۵	. / ۰۵۳	. / ۰۲۵	- / ۱۵۰	- / ۰۷۱	. / ۰۶۴	. / ۰۲۹	. / ۰۰۹
	p معنی‌داری	. / ۸۸۴	. / ۶۰۴	. / ۸۰۶	. / ۱۳۷	. / ۴۸۳	. / ۶۵۲	. / ۷۷۱	. / ۹۳۰

جدول شماره ۲۰- بررسی رابطه‌ی معنی‌دار بین شاخص‌های مؤثر در جنگ آینده بر اساس درجه

فراوانی	شاخص‌ها	قاطعت	انگیزه	خلاقیت	اخلاق	خودباوری	مشارکت	اراده	روحیه
۱۰۰	همبستگی Y	- / ۰۲۶	- / ۰۷۲	- / ۰۶۷	- / ۱۰۰	. / ۰۲۸	- / ۰۳۷	. / ۰۸۰	. / ۰۱۱
	p معنی‌داری	. / ۷۹۸	. / ۴۷۸	. / ۵۱۱	. / ۳۲۰	. / ۷۸۳	. / ۷۱۷	. / ۴۳۱	. / ۹۱۷

طبق جداول فوق، مشاهده می‌کنیم که رابطه‌ی معنی‌داری بین عوامل مؤثر در جنگ آینده وجود دارد.

۳) بررسی رابطه‌ی (همبستگی) دو متغیر:

آزمون مقایسه‌ی زوجی: آزمون مقایسه‌ی زوجی دو متغیر کمی مربوط به یک جامعه را مقایسه می‌کند. از آنجایی که ما در این تحقیق یک جامعه‌ی آماری داریم با دو متغیر کمی (یعنی عوامل مؤثر در دوران دفاع مقدس و عوامل مؤثر در جنگ آینده) از این رو، از این آزمون استفاده می‌کنیم. نتیجه‌ی این آزمون شامل سه خروجی می‌باشد.

۳-۱) خروجی اول آزمون: آمار توصیفی دو متغیر را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲۱- شاخص‌های آماری

عوامل	میانگین	تعداد	انحراف معیار
دفاع مقدس	۳۴/۲۲۰۰	۱۰۰	۳/۲۹۵۵
جنگ آینده	۳۵/۸۵۰۰	۱۰۰	۳/۲۲۶۷

برای بررسی رابطه (همبستگی) دو متغیر می‌توان فرضیه‌های آماری را به‌صورت زیر

تعریف کرد:

همبستگی معنی داری بین دو متغیر وجود ندارد: H_0

همبستگی معنی داری بین دو متغیر وجود دارد: H_1

۲-۳) خروجی دوم: برای بررسی فرضیه‌های آماری فوق می‌باشد که به ترتیب تعداد داده‌ها، ضریب همبستگی و سطح معنی داری را برای ضریب همبستگی ارائه می‌کند.

جدول شماره ۲۲- مربوط به رابطه‌ی بین درجه‌ی نظامی و نظر پاسخ‌گویان

عوامل	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
عامل رهبری دفاع مقدس و جنگ آینده	۱۰۰	۰/۵۵۸	۰/۰۰۰

با توجه به تحلیل‌های به دست آمده که در جدول فوق نمایش داده شده است، با توجه به مقدار سطح معنی داری (sig) که (۰/۰۰۰) می‌باشد، H_0 رد می‌شود. در نتیجه بین دو متغیر فوق یعنی عامل رهبری و فرماندهی نظامی مؤثر در دوران دفاع مقدس و عامل مؤثر در جنگ آینده همبستگی معنی داری وجود دارد.

۳-۳) خروجی سوم: نتایج آزمون T را نمایش می‌دهد.

جدول شماره ۲۳- نتایج آزمون T

Paired differences		t	df	Sig.(2-tailed)	رهبری در دفاع مقدس جنگ آینده
Mean	Std.Deviation				
-۱.۶۳۰۰	۳.۰۶۷۱	-۵.۳۱۴	۹۹	۰۰۰.	

در جدول فوق مشاهده می‌کنیم که سطح معنی داری (۰/۰۰۰) می‌باشد. sig آزمون کوچک‌تر از ۵٪ است؛ بنابراین، ($\mu d = 0$: H_0) رد و ($\mu d \neq 0$: H_1) پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر، تفاوت قابل ملاحظه‌ای (معنی داری) بین عامل فرماندهی در دفاع مقدس و جنگ آینده وجود دارد (به نفع جنگ آینده).

۴) آزمون میانگین یک جامعه: (تست T)

این آزمون برای متغیرهای کمی به کار می‌رود و در مواردی برای تشخیص تأثیر یا عدم تأثیر یک متغیر (ها) در وضعیت مورد بررسی استفاده می‌شود. مثلاً جهت بررسی تأثیر یا عدم تأثیر هر یک از متغیرهای این تحقیق روی پدیده‌ای معین، از این آزمون استفاده می‌شود،

به طوری که اگر میانگین هر متغیر از حد معینی (در این تحقیق از متوسط) بیشتر بود، آن متغیر در پدیده‌ی مورد نظر مؤثر تلقی می‌شود. نتیجه‌ی این آزمون شامل دو خروجی می‌باشد.

الف) خروجی اول: آمار توصیفی مربوط به آزمون فرض را ارائه می‌کند و اعداد محاسبه شده به ترتیب تعداد داده‌ها، میانگین و انحراف معیار را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌کنیم، عامل فرماندهی و رهبری نظامی نمره‌ی تأثیرگذاری‌اش چه در دوران دفاع مقدس و چه در جنگ آینده از حد متوسط (۳) بیشتر است. و این بدین معناست که از نظر جامعه‌ی آماری، عامل فرماندهی و رهبری نظامی در دوران دفاع مقدس داشته و در جنگ آینده نیز مؤثرند.

جدول شماره‌ی ۲۴- متوسط عامل رهبری و فرماندهی

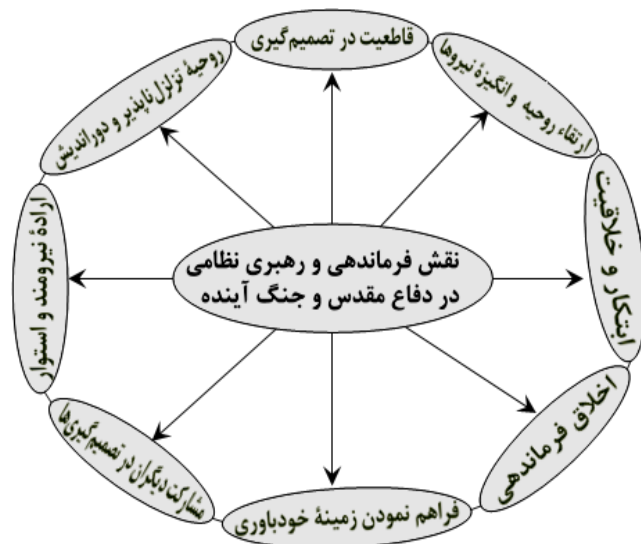
متوسط عامل رهبری و فرماندهی	تعداد داده‌ها	میانگین	انحراف معیار
در دفاع مقدس	۱۰۰	۴/۲۷۷۵	./۴۱۱۹
در جنگ آینده	۱۰۰	۴/۴۸۱۳	./۴۰۳۳

ب) خروجی دوم: بر مبنای $\text{Test Value}=3$ ، مربوط به آمار استنباطی است و نتایج آزمون را ارائه می‌کند. بر اساس نتایج این آزمون، هرچه سطح معنی‌داری از ۰.۵٪ (پنج درصد) کم‌تر باشد فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌شود.

جدول شماره‌ی ۲۵- مقدار آماره‌ی T

متغیرها	مقدار آماره T	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین
متوسط عامل رهبری در دفاع مقدس	۳۱/۰۱۲	۹۹	./۰۰۰	۱/۲۷۷۵
متوسط عامل رهبری در جنگ آینده	۳۶/۷۲۵	۹۹	./۰۰۰	۱/۴۸۱۳

بر اساس نتایج به‌دست آمده که در جدول فوق نمایش داده شده است، با توجه به این که سطح معنی‌داری از ۰.۵٪ (پنج درصد) کم‌تر است؛ بنابراین، بین عوامل تفاوت معنی‌داری وجود دارد و از آنجایی که تأثیر این فاکتورها از متوسط بیشتر است. از این رو، فرضیه‌ی تحقیق مبنی بر تأثیر عامل فوق در دفاع مقدس و جنگ آینده تأیید می‌شود.



شکل شماره ۴ - شاخص‌های عامل فرماندهی و رهبری نظامی مؤثر در دفاع مقدس و جنگ آینده

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری بخش مهم هر پژوهش علمی است؛ کار تحقیقی باید همیشه با اجتهاد و اظهارنظر توأم باشد و محقق در پایان کار براساس مطالعات انجام شده، به‌طور قاطع نظر خود را درباره‌ی موضوع اعلام دارد تا به گسترش دامنه‌ی معرفتی علم و یافته‌های موجود کمک نماید. در غیر این‌صورت، تحقیق از ارزش علمی بالایی برخوردار نبوده و اعتبار علمی زیادی نخواهد داشت. این فرایند، از طریق تازه‌آفرینی تحقیقات علمی باعث غنی شدن و تقویت ادبیات یک حوزه‌ی علمی می‌شود و در یک حرکت جمعی هماهنگ قلمرو معرفتی انسان را توسعه می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۲۱). در این نوشتار نظر به شاخص‌های مورد تأکید جامعه‌ی محقق سه نتیجه زیر را متصور است:

الف) میزان تأثیر شاخص‌های فرماندهی در دوران دفاع مقدس

در نوشتار حاضر برای سنجش تأثیر فرماندهی در دفاع مقدس هشت شاخص از مبانی ارزشی احصا و توسط جامعه مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج زیر حاصل شد، حداقل نظر

پاسخ‌دهندگان به شاخص‌ها ۳/۳۸ بود؛ یعنی بیشتر از متوسط و کمتر از زیاد و حداکثر پاسخ ۵ یعنی خیلی زیاد و میانگین به دست آمده ۴/۲۷ و با انحراف معیار ۰/۴۱ بوده است. بهترین شاخص فرماندهی نظامی از نظر پاسخ‌گویان اخلاق فرماندهی با رتبه ۴/۵ می‌باشد. بنابراین، بر اساس نظرات پاسخ‌دهندگان به این نتیجه می‌رسیم که عامل رهبری و فرماندهی نظامی نقش اساسی در دفاع مقدس داشته است.

ب) میزان تأثیر شاخص‌های فرماندهی در جنگ آینده

در نوشتار حاضر برای سنجش تأثیر فرماندهی در جنگ آینده هشت شاخص از مبانی ارزشی احصا و توسط جامعه‌ی مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج زیر حاصل شد، حداقل نظر پاسخ‌دهندگان به شاخص‌ها ۳/۳۸ بود؛ یعنی بیشتر از متوسط و کمتر از زیاد و حداکثر پاسخ ۵ یعنی خیلی زیاد و میانگین به دست آمده ۴/۴۶ و با انحراف معیار ۰/۴۰ بوده است. بهترین شاخص فرماندهی نظامی از نظر پاسخ‌گویان در نبرد آینده ارتقای روحیه و انگیزه‌ی نیروها، ابتکار و خلاقیت و اخلاق با رتبه‌ی ۴/۶ می‌باشد. از این رو، بر اساس نظرات پاسخ‌دهندگان به این نتیجه می‌رسیم که عامل رهبری و فرماندهی نظامی نقش اساسی در نبرد آینده دارد.

ج) ایجاد ظرفیت‌های پنج‌گانه

با توجه به شاخص‌های فرماندهی احصاء شده از مبانی ارزشی (آیات و روایات) و نظر جامعه‌ی پیرامون شاخص‌ها که با رتبه‌ی بالا مورد تأکید قرار گرفت با طیف کاملی از گزینه‌ها^۱ یک دفاع لایه‌بندی شده^۲ تحت پنج ظرفیت به شرح زیر در حوزه‌ی دفاع همه‌جانبه برای نظام سیاسی اسلام در دفاع مقدس ایجاد کرده و در جنگ آینده ایجاد می‌نماید:

۱) ظرفیت‌سازی جهت مقابله با تهدیدات سخت

شاخص قاطعیت در تصمیم‌گیری، بهترین ظرفیت جهت مقابله با تهدیدات سخت دشمن را ایجاد کرده است. بر همین اساس حضرت امام خمینی^(ره) در بخشی از پیام‌شان به ملت در

1 – Full Range Of options

2 – Layered Integrity

خصوص دفاع مقدس می‌فرمایند: «... ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد...» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۸۳ - ۲۸۴). فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این رابطه می‌فرمایند: «... مسئولین جمهوری اسلامی با همان روحیه‌ی شهادت‌طلبی که با آن روحیه وارد میدان انقلاب شدند، با همان روحیه‌ای که با آن روحیه وارد میدان جنگ شدند، با روحیه‌ی آمادگی برای کشته شدن در راه خدا تا آخرین قطره‌ی خون در راه آرمان‌های انقلاب اسلامی با قاطعیت و قدرت ایستادند» (بیانات در جمع فرماندهان سپاه، ۱۳۶۷/۹/۳) و در کلامی دیگر می‌فرمایند: «... مدیریت این است: اخلاق خوب، در عین حال قاطعیت، اقتدار مدیریتی و توکل به خدا در همه حال؛ طلب خیر از پروردگار عالم و اتکا و اعتماد به او...» (بیانات در دیدار فرماندهان نیروی دریایی سپاه، ۱۳۷۷/۲/۵).

۲) ظرفیت‌سازی جهت مقابله با تهدیدات نیمه‌سخت:

شاخص ابتکار و خلاقیت، بهترین ظرفیت جهت مقابله با تهدیدات سخت دشمن را ایجاد کرده است. فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این خصوص می‌فرمایند: «... برکات جنگ برای ما غیرقابل تصور بوده است... یکی از این برکات این بود که چون ما به سلاح احتیاج داشتیم و دیگران به ما نمی‌دادند مجبور شدیم روی استعدادها و موجودی خودمان حساب کنیم و همین کار را هم کردیم و نتیجه هم گرفتیم. بنابراین، ما جرأت اقدام و خلاقیت و ابتکار را هم پیدا کرده‌ایم و این از برکات جنگ بود...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۷/۱). معظم‌له هم‌چنین در بازدید خود از دستاوردهای نظامی نیروی هوایی سپاه فرمودند: «... همه‌ی تلاش و ابتکار و خلاقیت و دانش و تخصص و ایمان و صفا و معنویت خود را باید به کار گیرید تا بتوانید نقش تاریخی خود را که برای دنیا - نه فقط برای ایران اسلامی - تعیین کننده است، ایفا کنید» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۴/۲۹).

۳) ظرفیت‌سازی جهت مقابله با تهدیدات نرم:

شاخص‌های ارتقای روحیه و انگیزه‌ی نیروها، اخلاق فرماندهی و اراده‌ی نیرومند و استوار، شاخص‌هایی هستند که بهترین ظرفیت جهت مقابله با تهدیدات نرم دشمن را ایجاد کرده‌اند. بر

اساس همین ظرفیت بود که حضرت امام^(ره) در آن پیام الهی فرمودند: «ما در جنگ پرده از چهره‌ی تزویر جهان‌خواران کنار زدیم ... ما در جنگ دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم ...» (صحیفه‌ی نور، ج ۲۱: ۲۸۳-۲۸۴). این ظرفیت‌سازی چنان عمیق و گسترده بود که موفق گردید نظام جمهوری اسلامی را در تقابل با دشمن بعثی و استکبار جهانی سربلند و سعادت‌مند بیرون آورد. حضرت علی^(ع) در نامه‌ی ۷۶ نهج‌البلاغه خطاب به عبدا... ابن عباس در خصوص رعایت اخلاق فرماندهی این‌گونه می‌فرماید: «... با مردم، به هنگام دیدار و در مجالس رسمی و در مقام داوری، گشاده‌رو باش و از خشم پرهیز ...» هم‌چنین حضرت در خصوص نحوه‌ی برخورد با زیردستان می‌فرماید: «... نسبت به زیردستان آن‌قدر مهربان باشید مثل پدر و مادر نسب به فرزند ...»

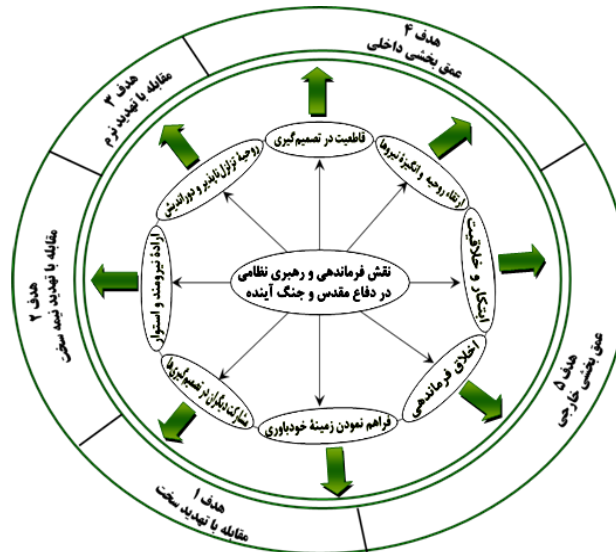
۴) ظرفیت‌سازی جهت عمق‌بخشی داخلی:

شاخص‌هایی از جمله؛ فراهم نمودن زمینه‌ی خودباوری در افراد و شاخص مشارکت دادن دیگران در تصمیم‌گیری‌ها، بهترین ظرفیت جهت عمق‌بخشی داخلی را ایجاد کرده‌اند. فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) در این خصوص می‌فرماید: «... عناصر جنگ، بچه‌های جنگ و جوانان دوره‌ی جنگ که شماها هستید یواش یواش پیر می‌شوید ... سپاه یک سازمان جوان است ... راه جوان‌ها را باز کنید بیایند توی مناصب حساس، در فرماندهی‌ها، در مراکز مهم ... این‌ها آن دوره‌های عملی شما را نگذرانده‌اند، آن دوره‌ها قابل تکرار نیست ... باید شما فکر کنید برای اینها، این فکر لازم دارد. یک راهبرد بلندمدت، میان مدت و دقیق ...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۴/۲۱).

۵) ظرفیت‌سازی جهت عمق‌بخشی خارجی:

شاخص روحیه‌ی تزلزل‌ناپذیر و دوراندیش، بهترین ظرفیت جهت عمق‌بخشی خارجی را ایجاد کرده است. نظر به این ظرفیت بود که حضرت امام^(ره) در آن پیام سراسر امید و جهانی خود می‌فرماید: «ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم ... صدای اسلام‌خواهی آفریقا از جنگ هشت ساله‌ی ماست ... علاقه به اسلام‌شناسی مردم در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست ... جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به‌دنبال داشت ... جنگ ما کمک به فتح افغانستان را به‌دنبال داشت ... جنگ ما فتح فلسطین

را به دنبال خواهد داشت ... از همه اینها مهم‌تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت ...» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۸۳).



شکل شماره ۵- مدل مفهومی شاخص‌های تأثیرگذار در دفاع مقدس و جنگ آینده

پیشنهادات

مطلب مهم در هر پژوهش علمی این است که کار تحقیقی باید همیشه با اجتهاد و اظهار نظر توأم باشد و محقق در پایان کار بر اساس مطالعات انجام شده به‌طور قاطع نظر خود را درباره‌ی موضوع اعلام دارد تا به گسترش دامنه‌ی معرفتی علم و یافته‌های موجود کمک نماید. در غیر این صورت، تحقیق از ارزش علمی بالایی برخوردار نبوده و اعتبار علمی زیادی نخواهد داشت. این فرایند تازه‌آفرینی از طریق تحقیقات علمی است که باعث غنی شدن و تقویت ادبیات یک حوزه‌ی علمی شده، در یک حرکت جمعی هماهنگی و قلمرو معرفتی انسان را توسعه می‌دهد. از این‌رو، در راستای نهادینه شدن این راهبرد در سطوح مختلف دفاعی امنیتی پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- ۱) معاونت پژوهش مراکز آموزشی با تشکیل کارگروهی پیرامون موضوع فوق نسبت به تدوین منبع درس تحت همین عنوان در مقاطع مختلف آموزشی مرکز اقدام کنند.
- ۲) کارگروهی متشکل از صاحب نظران و کارشناسان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نسبت به احصای سایر عوامل و شاخص‌ها و تکمیل این مهم اقدام تا علاوه بر بومی‌سازی توان رزم؛ استقلال در این حوزه محقق شود. در همین رابطه فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرمایند: «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران دارای تجربه‌ی بسیار مهم و ارزشمند هشت سال دفاع مقدس هستند که باید این تجربه‌ی گرانبها همواره مورد بازنگری و استفاده قرار گیرد» (۱۳۹۱/۱/۱۶).
- ۳) حمایت از پروژه‌های تحقیقاتی با موضوعات دفاع مقدس و عوامل مؤثر در پیروزی رزمندگان اسلام در نبردهای آینده.
- ۴) با تکمیل و تبدیل این نوشتار به دستورالعمل و ابلاغ آن به یگان‌های مانوری و به‌کارگیری آن توسط مدیران و فرماندهان زمینه‌ی تبدیل شدن آن به فرهنگ سازمانی نیروهای مسلح مهیا شود.

منابع

فارسی

- ۱- الهی قمشه‌ای، محمدمهدی، (۱۳۷۶)، «ترجمه قرآن کریم»، انتشارات لقاء، قم.
- ۲- آزادبخت، مروت، (۱۳۸۲)، «جامعه‌شناسی جنگ»، ارتش جمهوری اسلامی، تهران.
- ۳- اردستانی، حسین، (۱۳۷۶)، «رهبری، مدیریت و فرماندهی نظامی»، انتشارات دافوس سپاه، چاپ اول، تهران.
- ۴- اندیشه‌گاه شریف، (۱۳۸۸)، «پارادایم‌های حاکم بر جنگ‌های آینده»، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، تهران - باقری، مصطفی، (بی‌تا). «تأثیرات فرهنگی دفاع مقدس»، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، تهران، (WWW.DSRC.IR). - پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (www.leader.ir)
- ۵- جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۳)، «جنگ تحمیلی»، انتشارات دافوس سپاه، چاپ اول، تهران.
- ۶- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، انتشارات سمت، تهران.
- ۷- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، انتشارات سمت، تهران.
- ۸- حدیث ولایت، (نرم‌افزار- ویرایش دوم)، «مجموعه بیانات و پیام‌ها و رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)»، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). - دانشگاه امام حسین (ع) (۱۳۷۶)، اصول و قواعد اساسی رزم، چاپ اول، تهران.
- ۹- دانشکده‌ی پیاده ارتش، (۱۳۶۵)، «رهبری نظامی»، چاپخانه ارتش، تهران.
- ۱۰- دستور رزمی ۵-۱۰۱، «آیین‌نامه رسمی ارتش»، (۱۳۵۴)، چاپخانه ارتش، چاپ یکم، تهران.
- ۱۱- دشتی، محمد، (۱۳۸۳)، «نهج البلاغه»، نشر لقمان، قم.
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر، «الغمت‌نامه»، بهار ۱۳۷۳، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- ۱۳- سلامی، حسین، (۱۳۸۹)، «فرماندهی و رهبری نظامی»، مرکز چاپ سپاه، تهران.
- ۱۴- «صحیفه‌ی نور»، (بیانات، پیام‌ها و رهنمودهای بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره))، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- ۱۵- قوزانلو، جمیل، (۱۳۶۲)، «جنگ ده ساله‌ی ایران و روس»، انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول، تهران.

- ۱۶- قنبری جهرمی، محمدحسین، (۱۳۸۳)، «جزوه‌ی میانی جنگ نامتقارن»، انتشارات دافوس سپاه، تهران.
- ۱۷- گاستون، بوتول، (۱۳۷۱)، «جامعه‌شناسی جنگ»، ترجمه دکتر فرخجسته هوشنگ، نشر شیفته، تهران.
- ۱۸- لاریجانی، ارم، (۱۳۸۷)، «آشنایی با تاریخ دفاع مقدس»، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، تهران، WWW.DSRC.IR. - موننگمری، برنارد لاو (۱۳۶۲)، «خاطرات جنگ دوم جهانی»، ترجمه امیر فریدون گرگانی، انتشارات گلشایی، چاپ دوم. - مدنی، سیدمصطفی (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل مدیریتی مؤثر بر عملکرد فرماندهان سپاه در دفاع مقدس»، فصلنامه دانشور، سال ۱۵، شماره ۲۹، تهران.
- ۱۹- «ماهنامه‌ی پیام انقلاب»، چاپ ستاد مشترک سپاه پاسداران، شماره ۱۱۳، تهران.
- ۲۰- مرندی، مهدی، (۱۳۸۰)، «بسیج در اندیشه امام خمینی (ره)»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران.
- ۲۱- نمایندگی ولی فقیه در سپاه، (۱۳۷۲)، «نشریه رویدادها و تحلیل‌ها»، شماره ۶۶، انتشارات ستاد مشترک سپاه، تهران.
- ۲۲- وتر، اشتن بارک، جون، (۱۳۶۵)، «شاه جنگ ایرانیان در جالدران و یونان»، ترجمه: ذبیح‌الله منصور، انتشارات زرین، چاپ ششم، تهران.
- ۲۳- وتر، ضاهر، (۱۳۷۴)، «مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم (ص)»، (رساله‌ی P.H.D) ترجمه اصغر قائدان، نشر صریح، چاپ اول، تهران.
- ۲۴- هیرو، دیلیپ، (۱۳۹۰)، «طولانی‌ترین جنگ (رویارویی نظامی ایران و عراق)»، ترجمه‌ی علیرضا فرشچی و همکاران، تهران، نشر مرز و بوم (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس).

منابع انگلیسی:

- 25- Mary C. Fitzgerald (1994), "The Russian Military's Strategy for Sixth Generation Warfare", Andrew F. Krepinevich(1994), "Cavalry to Computer: The Pattern of Military Revolution", the National Interest.
- 26- "International military and defense encyclopedia" (august 1983).

طراحی الگوی توسعه‌ی آموزش عالی ایران در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور

با تمرکز بر نگرش امنیتی - سیاسی

محمد رضا مردانی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۲۹

صفحات مقاله: ۱۴۲ - ۱۰۹

چکیده:

کارآمدسازی و بهبود مستمر نظام آموزش عالی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه‌ی جامعه می‌باشد. اهمیت نظام آموزش عالی در هدایت و سازماندهی منابع آموزشی، پژوهشی و فناوری به‌گونه‌ای که ارتباط این سه حوزه تقویت شده و عملکرد آنها منتج به دستیابی کشور به چشم‌انداز ایده‌آل و مورد انتظار شود، برجسته می‌شود. دستیابی به حداکثر کارایی و اثربخشی نظام آموزش عالی در راستای توسعه‌ی کشور نیازمند الگویی است که توسعه‌ی آموزشی عالی را در تمامی جهات تأمین نماید.

پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی توسعه در حوزه‌ی آموزش عالی کشور با تأکید بر دو بعد امنیتی و سیاسی جهت‌دهی شده است که از این رهگذار در سه حوزه‌ی آموزش، پژوهش و فناوری که سه کارکرد اصلی نظام فوق می‌باشند، به شناسایی الگو و جهت‌گیری مطلوب اقدام شده و سپس با بررسی نحوه، میزان و اولویت اثرگذاری و مشارکت هریک از این عوامل در ساختار توسعه‌ی آموزش عالی، به بسط و تبیین الگوی مذکور و اجزای آن پرداخته و در نهایت الگوی کلان وضع مطلوب در این مسیر، تدوین شده است. لازم به ذکر است که از بین عوامل ده‌گانه‌ی اصلی شناسایی شده برای توسعه‌ی آموزش عالی، تمرکز این مقاله بر روی دو عامل سیاسی و امنیتی است. این تحقیق، یک پژوهش بنیادی بوده و مبتنی بر بررسی اسناد بالادستی، منابع و مراجع موجود بوده و برای جمع‌آوری داده از نظرات خبرگان و متخصصان حوزه‌ی آموزش عالی استفاده شده است. در نهایت نیز مبتنی بر نتایج تحقیق، الگوی مطلوب توسعه‌ی نظام آموزش عالی در دو بعد امنیتی و سیاسی احصا و ارائه شده است.

* * * * *

واژگان کلیدی

توسعه‌ی نظام آموزش عالی، الگوی توسعه، چشم‌انداز ۱۴۰۴، امنیت، سیاست

مقدمه

با توجه به کارکردهای سه‌گانه‌ی نظام آموزش عالی (تولید، انتقال و انتشار علم) برخی از صاحب‌نظران معتقد می‌باشند که ایران در حوزه‌ی سه کارکرد مذکور حرکت یکسانی نداشته و در مواردی با پیشرفت و سرعت به نسبت بالا و در موارد دیگر با کندی حرکت روبه‌رو بوده است، به طوری که گفته می‌شود نظام آموزش عالی ایران از دو خط مشی تولید علم و به‌کارگیری علم در جامعه دور افتاده است و تنها بر انتقال علم در قالب گسترش آموزش یا افزایش بیش از حد پذیرش و تربیت دانشجو تأکید کرده است. در همین خصوص نیز، علت اساسی شکاف‌ها و عدم حرکت متعادل نظام آموزش عالی ایران را نبود الگوی کارآمد همراه با فقدان ساختار و نهاد ملی واجد شرایط جهت مدیریت و بهینه‌سازی آموزش عالی کشور می‌دانند (ترکزاده و همکاران، ۱۳۸۷).

لازم به ذکر است که از دو دهه‌ی گذشته تا کنون، توسعه‌ی آموزش عالی در برنامه‌های پنج‌ساله‌ی سوم و چهارم توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی مورد توجه واقع شده است. افزایش تعداد دانشگاه‌ها، افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو، تأسیس رشته‌های جدید، تدوین و تصویب قوانین جدید در جهت تحول آموزش از جمله اقدامات در این حوزه می‌باشد. با وجود همه‌ی این اقدامات و رخدادها، به نظر می‌رسد مسائل و چالش‌های متعددی وجود دارد که کارایی و موفقیت نظام آموزش عالی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۹: ۴۸).

بیان مسأله و اهمیت و ضرورت آن

از جمله مسائلی که توسعه‌ی آموزش عالی کشور و تحقق برنامه‌های مرتبط با آن را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است عبارتند از: پایین بودن سرمایه‌گذاری‌ها و تخصیص منابع لازم در حیطه پژوهش و تحقیق دانشگاهی به نسبت رشد اقتصادی سالانه کشور (طبق گزارش بند ۲۶ قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۸ کشور، می‌بایست ۳ درصد تولید ناخالص داخلی به امر

پژوهش اختصاص یابد. در حالی که تنها ۰/۷ درصد درآمد ناخالص کشور در این سال به پژوهش اختصاص یافت)، عدم شکل‌گیری یا شکل‌گیری ضعیف و پراکنده اجتماع علمی در برخی رشته‌های دانشگاهی (خسروخاور، ۱۳۸۴)، نامطلوب بودن وضعیت ساختار اجتماعی - علمی و تعاملات درون دانشگاهی شامل ارتباط استاد، دانشجو، فضای دانشگاهی و تعاملات علمی (مرجعی، ۱۳۸۵)، بحران کمیت و کمبود اعضای هیأت علمی و کادر آموزشی و تسلط آموزش بر پژوهش در دانشگاه‌ها^۱ (توسلی، ۸۶)، مشکل در عاملیت انسان و ساختارهای توسعه‌ی علمی (توفیقی و فراستخواه، ۱۳۸۱)، رضایت شغلی پایین استادان دانشگاه‌ها (باقریان، ۱۳۸۳)، پایین بودن بهره‌وری علمی و ضعف در تولید دانش^۲ (سنجری و بهرنگی، ۱۳۸۳) و در نهایت پایین بودن رتبه علمی دانشگاه‌های ایران در مقایسه با بعضی از کشورهای رقیب در منطقه و آسیا همانند ترکیه، هند، مالزی، کره جنوبی، سنگاپور و سهم ناچیز ایران در تولید علم جهانی^۳ (دباغ و همکاران، ۱۳۸۴).

در این شرایط اگر آموزش عالی می‌خواهد از تغییرات عظیم و سریع محیطی عقب نماند و کارآمدی، معناداری و استمرار بقای خود را از دست ندهد بایستی در خود و محیطش تغییرات هدفمند و معناداری را بیافریند. در غیر این صورت تمایز ماهوی و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کارکردی خود را از دست خواهد داد و دچار فروپاشی خواهد شد (Cacioppe, 2000: 49) و حتی اگر بنا به ملاحظات سیاسی و پشتیبانی دولتی نیز باقی بماند دچار کژکارکردی خواهد شد، حالتی که هم اکنون در بخش‌هایی از آموزش عالی ایران قابل مشاهده است (ترکزاده، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

۱ - نسبت دانشجو به کادر آموزشی تمام وقت که یکی از شاخص‌های کیفیت ارائه خدمات آموزش عالی در کشور است از حدود ۱۷ نفر در سال ۱۳۶۱ به بیش از ۵۰ نفر در سال ۱۳۸۵ رسید (انتظاری، ۱۳۸۹، ص: ۱۷۰)

۲ - طبق گزارش مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور تولید مقالات ISI (Institute for Scientific Information) در ایران در سال ۱۳۶۰ تنها ۲۷۹ مقاله بود در سال ۱۳۸۷ به بیش از ۱۱ هزار مقاله رسیده و تعداد اختراعات ثبت شده در سال ۱۳۶۰ برابر با ۲۷۰ واحد بود که در سال ۱۳۸۶ به ۶۸۸۳ واحد رسیده هرچند طی سالیان اخیر رشد بسیار بالایی داشته اما سرانه اختراع و تولید مقاله ISI در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها هنوز در سطح پائینی قرار دارد (انتظاری، ۱۳۸۹، ص: ۱۷۳-۵)

۳ - طبق گزارش موسسه QS (Quacquarelli Symonds) درباره رتبه‌بندی برترین دانشگاه‌ای جهان، تنها دانشگاه تهران به عنوان برترین دانشگاه کشور جز پانصد دانشگاه برتر جهان و در رده ۴۰۱ الی ۴۵۰ قرار دارد (<http://www.topuniversities.com/university-rankings/world-university-rankings>)

به این ترتیب، چالش‌ها و آسیب‌های ذکر شده را می‌توان دلیلی بر عدم تناسب برنامه‌ها و الگوهای توسعه‌ای به کارگرفته شده در حوزه‌ی آموزش عالی و توجیهی برای ارائه‌ی مدلی همگون با واقعیت‌های موجود و شرایط بومی و فرهنگی کشور و مطابق با رشد روزافزون کیفیت آموزش عالی لحاظ کرد. عدم توجه به این مسأله سبب بروز مشکلات متعددی خواهد شد که از جمله می‌توان به موارد ادامه اشاره کرد: ناکارآمدی نظام آموزش عالی ایران (ترکزاده و همکاران، ۱۳۸۷) رشد کمی و غیرمتوازن نظام آموزش عالی (فراستخواه، ۱۳۸۷)، پایین بودن سطح انتقال نظام آموزش عالی (نوروزی چاکلی، ۱۳۸۷: ۳۶۸) و عدم تناسب تخصصی دانش‌آموختگان با صنعت و نیازهای جامعه، همچنین پیامدهای سیاسی و امنیتی نیز از جمله مشکلات و تهدیدات محتمل می‌باشد.

توجه به این مطلب حائز اهمیت است که در کنار مسأله‌ی فقدان برنامه‌ای منسجم برای توسعه‌ی آموزش عالی کشور و چالش‌ها و آسیب‌های مربوط به آن، تحولات و پیشرفت روزافزون آموزش عالی نیاز به تحول و توسعه‌ی آموزش عالی ملی را بیش از پیش ضروری می‌کند. آموزش عالی در قرن بیستم تحولات مهمی را شاهد بوده و پشت سر گذاشته و در حال حاضر نیز با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌باشد (عمادزاده، ۱۳۸۸) از آن جمله می‌توان به افزایش فضای رقابت و تحول در شیوه‌های آموزش اشاره کرد. در شرایط فعلی یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی آموزش عالی فرایند مداوم به‌سازی و بازسازی ساختارها، برنامه‌ها و توانمندسازی نیروی انسانی اعم از کارکنان و اعضای هیأت علمی است (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۸۸: ۴۳۸). از سوی دیگر شکاف میان انتظارات اجتماعی و دستاوردهای آموزشی؛ مرتب در حال افزایش است و رهبران سیاسی و آموزشی در کشورهای مختلف از شکست‌های عینی و ملموس در حوزه‌ی آموزش نگران می‌باشند (Reilly, 1999).^۱ از این‌رو آموزش عالی برای برخورداری از کیفیت بهتر، ساختارهای کارآمدتر و قابلیت بیشتر، نیازمند برنامه‌های راهبردی برای نوسازی خود در بخش‌های مختلف است.

با توجه به موارد فوق و ضرورت پرداختن به دغدغه‌ی مطرح شده، مسأله‌ی اساسی پژوهش حاضر چگونگی توسعه‌ی آموزش عالی با تأکید بر سند چشم‌انداز کشور و با تمرکز بر مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی می‌باشد. تحقق اهداف برنامه‌های توسعه‌ی کشور در حوزه‌ی آموزش عالی و دستیابی به جایگاه مورد نظر در سند چشم‌انداز نیازمند ارائه‌ی الگویی است که قادر باشد، ضمن بررسی جایگاه فعلی آموزش عالی کشور با ارائه‌ی راه‌کارها و فرایندهای هدفمند، زمینه و بستر لازم جهت دستیابی به شاخص‌های مورد نظر در اسناد بالادستی و چشم‌انداز ۲۰ ساله در حوزه‌ی آموزش عالی را محقق سازد.

روش‌شناسی تحقیق

از حیث هدف پژوهش حاضر از نوع توسعه‌ای است و روش تحقیق توصیفی و پیمایشی می‌باشد و ناظر به زیرساخت‌های مفهومی و کلان در حوزه‌ی آموزش عالی است. به‌منظور ارائه‌ی مدل اولیه از روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی به همراه مصاحبه با خبرگان بهره گرفته شده است، همچنین به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات به‌وسیله‌ی پرسشنامه از خبرگان نظرسنجی شده است. منابع مورد استفاده تحقیق دست اول (شامل آمارها، نمودارها و ...) و منابع دست دوم (کتابها، پژوهش‌ها، منابع اینترنتی، سازمان‌ها و پژوهشکده‌های مربوطه) می‌باشد. قلمرو تحقیق نیز در قسمت ادبیات و تدوین الگو، ایران و عرصه‌ی بین‌المللی است.

با توجه به ساختار و موضوع پژوهش، هدف کلی این پژوهش ارائه‌ی الگوی توسعه‌ی آموزش عالی ایران (با توجه به چشم‌انداز بیست ساله) است. در همین راستا تعیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد نظر در سند چشم‌انداز بیست ساله و تبیین مؤلفه‌ای سیاسی و امنیتی در بخش آموزش عالی را می‌توان از جمله اهداف ویژه پژوهش حاضر دانست.

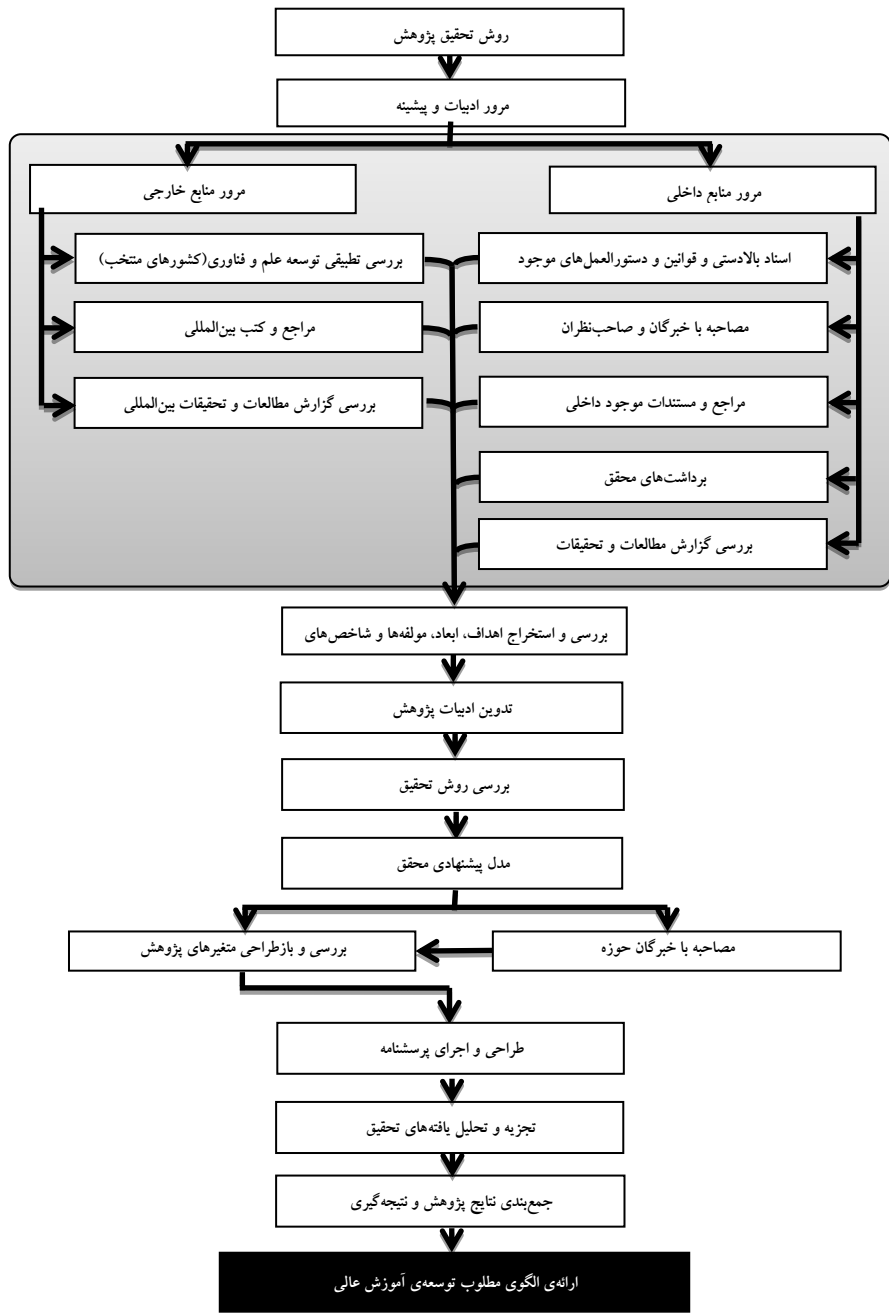
سؤال اصلی پژوهش حاضر را نیز می‌توان «الگوی توسعه‌ی آموزش عالی ایران در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله چیست؟» و سؤال فرعی آن‌را: «اجزای تشکیل‌دهنده‌ی الگوی توسعه‌ی آموزش عالی ایران کدامند؟» لحاظ کرد.

جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل صاحب‌نظران در حوزه‌ی توسعه‌ی آموزش عالی، متخصصین مراکز سیاست‌گذاری، مسئولین فعلی و پیشین، وزراء، معاونین و مدیران مرتبط با حوزه‌ی آموزش عالی، رؤسای دانشگاه‌ها، می‌باشد. اعضای این جامعه با کمک اساتید راهنما و مشاور و مسئولان عالی و دست‌اندرکار فعلی و پیشین نظام آموزش عالی کشور و همچنین به واسطه‌ی آثار و تألیفات و پژوهش‌های ایشان شناسایی شده‌اند. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل ۸۰ نفر است که براساس شیوه‌ی نمونه‌گیری قضاوتی نمونه‌ی مورد تحقیق از بین آن انتخاب شد. نمونه‌ی این پژوهش شامل ۴۰ نفر (۵۰ درصد جامعه‌ی آماری) می‌باشد که در نهایت ۳۰ پرسشنامه تکمیل شده دریافت شد (میزان پاسخ‌دهی ۷۵٪ درصد).

مراحل اجرای تحقیق

در راستای اجرای تحقیق حاضر محقق ابتدا نسبت به انتخاب روش تحقیق مناسب اقدام نموده و سپس در صدد جمع‌آوری و مرور ادبیات و پیشینه‌ی لازم از دو منبع داخلی و خارجی بر آمده است. از جمله منابع داخلی که در بررسی پیشینه‌ی تحقیق مدنظر قرار گرفته است عبارتند از؛ منابع بالادستی و قوانین، اسناد و دستورالعمل‌های موجود، مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران، مراجع و مستندات داخلی، برداشت‌های محقق، بررسی مطالعات و تحقیقات داخلی، همچنین از جمله منابع خارجی که در این راستا مورد بهره‌برداری قرار گرفته است عبارتند از؛ مطالعات تطبیقی، مراجع و کتب بین‌المللی و بررسی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.

با توجه به بررسی‌های انجام شده و مرور ادبیات، وضعیت موجود شناسایی و تبیین می‌گردد و بر این اساس اهداف، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه‌ی آموزش عالی تعیین می‌گردد. با استناد به مطالعات موردی انجام شده و تکمیل ادبیات تحقیق مدل اولیه تدوین و استخراج گردیده و در ادامه به وسیله‌ی مصاحبه با خبرگان مدل اولیه تکمیل و تأیید شد. در مرحله‌ی نهایی تحقیق با بررسی و بازطراحی متغیرهای پژوهش، نتایج حاصله تجزیه و تحلیل و پس از جمع‌بندی الگوی مطلوب توسعه‌ی آموزش عالی ارائه شد و در قالب پرسشنامه به سنجش گذاشته شد.



شکل شماره ۱- روش اجرای طرح تحقیق

پیشینه‌ی تحقیق و ادبیات پژوهش

در زمینه‌ی بررسی، تحلیل و ارائه‌ی الگوها و مدل‌های پیشنهادی برای توسعه‌ی آموزش عالی، تحقیقات مختلف داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفت. صورت گرفته است. از جمله‌ی مهم‌ترین تحقیقات داخلی می‌توان به خوش‌فر (۱۳۸۱)، ظهور (۱۳۷۷)، خلیلی عراقی و یداللهی (۱۳۸۱)، یمنی‌دوزی سرخابی (۱۳۸۲)، تسلیمی (۱۳۸۳)، عزیزی (۱۳۸۵)، ضامنی (۱۳۸۶)، داوودی (۱۳۸۷)، ترک‌زاده و همکاران (۱۳۸۷)، معدلی (۱۳۸۸) و الوانی و همکاران (۱۳۸۸) و همچنین از جمله تحقیقات خارجی می‌توان به شرما^۱ (۱۳۷۷)، دیوید و رییلی^۲ (۱۳۷۹)، Baskan, 2001, Tomusk, 2001, Ministry of Education in South Africa, 2001, Bertolin, 2008:121, Ministry of Education, Science & Technology of Kosovo 2005, Ministry of Science and Higher Education, 2010, Sricanthan, 2008 اشاره کرد.

در نهایت و پس از بررسی و تحلیل یافته‌های مطالعات و پژوهش‌های پیشین، مهم‌ترین موارد مورد اشاره و تأکید در این مطالعات و پژوهش‌ها را می‌توان در عناوین زیر خلاصه کرد:

- ۱) جدایی برنامه‌های توسعه از رهیافت‌ها و رویکردهای علمی نوین؛
- ۲) تمرکز شدید نظام آموزش عالی؛
- ۳) تصلب ساختاری نظام آموزش عالی؛
- ۴) عدم توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در برنامه‌ها و الگوهای توسعه‌ی آموزش عالی؛
- ۵) عدم تناسب درون‌داد و برون‌داد نظام آموزش عالی؛
- ۶) یکسان‌انگاری زمینه‌های کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه‌یافته.

در بخش ادبیات نظری و تدوین مدل نهایی تحلیل تحقیق از مدل نظری و تحلیلی ریگز و استونر استفاده شده است (Stoner et al., 1995 & Riggs, 1970: 69). در واقع جهت‌گیری اصلی تحقیق، مبنی بر به‌کارگیری دو رویکرد قطبی و متضاد و استخراج مؤلفه‌های مؤثر بر

1 - G.D.Sharma

2 - David H. Reilly

توسعه‌ی نظام آموزش عالی از این دو مدل نظری الهام گرفته است. در ادامه‌ی مطالب، دو مدل ریگز و استونر به اختصار ارائه شده و سپس بررسی تطبیقی سیاست‌های علم و فناوری ارائه شده و در ادامه مروری بر اسناد بالادستی و ادبیات نظری مربوطه، در آخر نیز مدل نهایی تحلیلی تحقیق ارائه شده است.

مدل ریگز و استونر

ریگز^۱ در تبیین ابعاد سیستم‌های مختلف از دو رویکرد عملکردی و عدالت‌خواهی سخن به میان می‌آورد. به طور معمول هر دو مجموعه از رویکردها و اهداف برای اکثریت جامعه‌ی مدیران جذاب است، هرچند گاهی اوقات بین آنها تضاد و تعارض دیده می‌شود. لیکن این تضاد و برخورد هنجارها به تخالف بین ساختار سلسله مراتبی و ساختار مدیریت گروهی^۲ مربوط است (Riggs, 1970: 69).

به واقع این تضارب آراء، به تفاوت بین اولویت‌های نخبگان و غیرنخبگان مربوط است. در حالت کلی، نخبگان به اهداف مرتبط با تمشیت امور و قابلیت اجرا اهمیت و اولویت می‌دهند و غیر نخبگان به اهداف عدالت‌محور گرایش دارند. نخبگان گرایش به سیستم‌های سلسله‌مراتبی دارند و از این رو ادعا می‌کنند که تحقق اهداف مربوط به قابلیت اجرا و تمشیت امور نیازمند گرایش هرچه بیشتر به سمت ساختار سلسله‌مراتبی است. در این بین، غیرنخبگان به ساختار مدیریت گروهی به منظور تحقق اهداف عدالت‌محور اعتقاد دارند. گرایش اولی به گرایش‌های دست‌راستی، محافظه‌کارانه مشهور بوده که گرایش به گذشته و تأکید بر ثبات و نظم دارند. و گرایش‌های دوم، به گرایش‌های دست‌چپی و لیبرال مشهور بوده که گرایش به آینده و تأکید بر تغییر و ترقی دارند.

در یک حالت دیالکتیکی، می‌توان گفت که راست نمایان‌گر تز^۳ و چپ نمایان‌گر آنتی تز^۱ است و سیستم اداره‌ی مورد نظر ممکن است به هر کدام از این دو رویکرد یا (حالت‌هایی

1 - Riggs

2 - Polyarchy

3 - Thesis

بینابین: متوالی، رفت و برگشتی) بنابر موقعیت و زمان گرایش داشته باشد که راست نشان‌گر تمایل به ساختار تصمیم‌گیری سلسله‌مراتبی و چپ نمایان‌گر ساختار تصمیم‌گیری گروهی است. این دیالکتیک در نهایت زمانی منجر به سنتز می‌شود که تغییرات ساختاری رخ داده و امکان افزایش هم‌زمان ساختار تصمیم‌گیری سلسله‌مراتبی و ساختار تصمیم‌گیری گروهی را بدهد (Riggs, 1970: 70).

سیستم‌های اخلاقی استونر نیز بر دو محور اخلاق رعایت^۲ و اخلاق عدالت^۳ استوار است. در این مدل افرادی که بر مبنای دیدگاه عدالت عمل می‌کنند بر جدایی از دیگران و زندگی خودمختار و مستقل تأکید دارند. از دیدگاه این افراد، راه‌حل مشکلات اخلاقی به صورت تعادل رسمی و انتزاعی بین حقوق رقیب است. در مقابل، دیدگاه رعایت به ویژگی‌هایی همچون احساس ارتباط با دیگران، زندگی عشق‌ورزانه و مراقبت، توجه دارد؛ در این دیدگاه مشکلات اخلاقی ناشی از مسئولیت‌های متعارض بوده و نیازمند یک نوع تفکر زمینه‌مند و مبتنی روایت است.

افرادی که دیدگاه عدالت‌محور را به‌کار می‌گیرند از برخورد و ارتباط با دیگران هراس داشته و خواستار حفاظت از حقوقی هستند که ضامن جدایی هستند. از سوی دیگر، دیدگاه رعایت‌محور، نگران گسترش بی‌توجهی و عدم دغدغه بر اثر اخلاقیات مربوط به حقوق و عدم دخالت است. افراد علاقه‌مند به اخلاقیات عدالت‌محور، دیدگاه مقابل را به خاطر بی‌نتیجه بودن، مبهم بودن، و ناهمخوان بودن در نتیجه‌ی تأکید بر وضعیت، مورد انتقاد قرار می‌دهند. از دید افرادی که بر مبنای اخلاقیات رعایت عمل می‌کنند، دیدگاه عدالت‌محور بی‌احساس بوده و از ایجاد تعهد هراس دارد. مهم‌ترین تفاوت‌های این دو در جدول زیر بیان شده است. (Stoner et al, 1995).

توجه به این نکته حائز اهمیت است که این دو دیدگاه در حال حاضر مطرح بوده و برخی نظریه‌پردازان این دو دیدگاه نظری را ترکیب کرده‌اند.

-
- 1 - Anti-Thesis
 - 2 - The Morality of Care
 - 3 - The Justice Perspective of Ethics

بررسی تطبیقی توسعه‌ی علم و فناوری در کشورهای منتخب

اغلب کشورهای توسعه‌یافته جهان امروز دریافته‌اند که مبانی توسعه در دنیای امروز علم و فناوری است و از این‌رو، با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌هایی سعی در تعمیق و گسترش این دو عامل و ارتقای اثربخشی آنها در راستای توسعه‌ی ملی خود دارند. بررسی برنامه‌ها یا سیاست‌های کشورهای مختلف در زمینه‌ی علم و فناوری می‌تواند آغاز مناسبی برای تصویر دورنمایی از علم و فناوری در کشور، شناخت متغیرهای اساسی تعیین‌کننده‌ی وضعیت علم و فناوری، تشخیص تنگناها و مشکلات موجود، یافتن راه‌ها و اقدامات مشخص لازم و در نهایت تمرکز و تخصیص منابع اعم از انسانی، فیزیکی و مالی می‌باشد.

برنامه‌ی علم و فناوری کشورها معمولاً حاوی اطلاعاتی از وضع موجود آنهاست. مثلاً سیاست فناوری در آمریکا، انگلیس، فرانسه و هلند عمیقاً به اهداف اقتدار ملی وابسته است. مأموریت‌گرایی بهترین توصیف برای چنین سیستمی است که بر نوآوری‌های بنیادی موردنیاز برای دستیابی به اهداف تعریف‌شده‌ای که صراحتاً اهمیت ملی دارند، متمرکز می‌شود. بر عکس سیاست فناوری در آلمان، سوییس و سوئد نفوذگرا است. این سیاست که وقف تأمین محصول موردنیاز جامعه می‌باشد، یک مقصد اصلی دارد: انتشار استعدادهای فناوری که از طریق ساختار صنعتی، تسهیل مداوم و عمدتاً رو به افزایش سازگاری با تغییر را دنبال می‌کند. در این میان ژاپن هم برای خود حالتی خاص دارد: سیاست فناوری این کشور هم مأموریت‌گرا و هم نفوذگرا است. انتخاب سیاست مناسب برای کشور ما نیاز به شناخت چنین تجربیاتی دارد.

در تمامی سیستم‌های بررسی شده، برنامه‌ریزی برای توسعه و تدوین سازوکار تضمین کیفیت، نقش تعیین‌کننده‌ای در برنامه‌های گسترش و توسعه‌ی آموزش عالی دارد (Huisman, 2003). مهم‌ترین اهداف، شیوه‌ی مدیریت، و اولویت‌های سیاست‌های علم و فناوری نه کشور مورد بررسی در جدول زیر به اختصار ارائه شده است:

جدول شماره ۱- بررسی تطبیقی سیاست‌های علوم، تحقیقات و فناوری در بین کشورهای منتخب

ردیف	نام کشور	هدف	مدیریت	اسناد راهبردی	سیاست‌ها و اولویت
۱	ژاپن	افزایش اقتدار اقتصادی ملی و تفوق بر محدودیت‌های طبیعی	آژانس علم و فناوری	قانون اساسی علم و فناوری ژاپن، برنامه‌ی جامع علم و فناوری، سند علم و فناوری	فناوری‌های راهبردی، تحقیقات بنیادی، اصلاح نظام علم و فناوری، توسعه‌ی منابع انسانی، حل مسأله‌ی کاهش جمعیت و سالمندی، جلب اعتماد عمومی به علم و فناوری
۲	انگلستان	افزایش اقتدار ملی، ورود به حوزه‌های نوین علم و فناوری، حفظ محیط زیست،	اداره علم و فناوری، شورای تحقیق و توسعه کاربردی	برنامه‌ی ملی آینده‌نگاری انگلستان	اولویت کارکردی: تحقیقات برتر جهانی، سرمایه‌گذاری بیشتر بخش خصوصی در تحقیق و توسعه، تربیت نیروی انسانی متخصص، ثبات مالی دانشگاه‌ها، اعتماد جامعه به تحقیق و توسعه. اولویت حوزه‌ای: زیست‌فناوری، نانوفناوری، فناوری اطلاعات، اولویت مأموریت‌گرا: اقتدار علمی کشور، کاهش آسیب‌های حاد اجتماعی و زیستی
۳	کره جنوبی	بهره‌وری اقتصادی از فناوری، رشد و توسعه‌ی مسأله مبتنی بر فناوری	مؤسسه عالی علوم و فناوری کره جنوبی، مرکز سیاست علوم و فناوری	برنامه ملی علم و فناوری	پروژه‌های پریسک و پرهزینه، پروژه‌های شدیداً مؤثر بر فناوری صنعتی و بهره‌وری و رفاه اجتماعی، پرورش دانشمندان، توسعه‌ی همکاری بین‌المللی، حمایت و افزایش بودجه‌ی تحقیقات مراکز دولتی و خصوصی،

<p>۴</p>	<p>هندوستان</p>	<p>جبران عقب‌ماندگی در علم و فناوری، ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر در زمان سریع‌تر، رسیدن به خوداتکایی در فناوری، تغییر ساختار علم و فناوری کشور،</p>	<p>انجمن اطلاعات، ارزیابی و پیش‌بینی فناوری</p>	<p>چشم‌انداز فناوری ۲۰۲۰</p>	<p>اولویت‌های سیاستی: بهبود کیفیت نظام آموزش عالی هند، تطابق آموزش عالی با نیازهای بازار کار، بررسی فناوری‌های نوین و شرایط بازار کار هند، تأسیس کتابخانه‌های تخصصی فناوری، ثبت اختراعات و فناوری، اولویت حوزه‌ای: حس‌گرهای پیشرفته، فراوری کشاورزی، صنایع شیمیایی، هوانوردی، پیش‌رانه‌ها، برق قدرت، الکترونیک و فناوری اطلاعات، بهداشت و سلامت، علوم زیستی، مواد، حمل و نقل، خدمات،</p>
<p>۵</p>	<p>چین</p>	<p>توسعه‌ی اقتصادی متکی بر فناوری، تقویت بخش فناوریانه اقتصاد، از بین بردن موانع فنی و تکنیکی صنعت، حفظ محیط زیست، بهداشت.</p>	<p>وزارت علوم و فناوری جمهوری خلق چین</p>	<p>مجموعه‌ی برنامه‌های علم و فناوری شامل: برنامه‌ی ملی تحقیق و توسعه‌ی فناوری‌های پیشرفته (های تک) (برنامه‌ی ۸۶۳)، برنامه‌ی تحقیق و توسعه‌ی فناوری‌ها، برنامه‌ی ملی پژوهش‌های بنیادی چین (برنامه ۹۷۳)</p>	<p>اولویت حوزه‌ای: زیست‌فناوری، فناوری اطلاعات، فناوری‌های نیرو، اتوماسیون و مواد پیشرفته.</p>

<p>تربیت فارغ‌التحصیلان با کیفیت برتر، بین‌المللی کردن، تعدیل ساختاری و تأمین مالی، حمایت اجتماعی و اخلاقی از جنبه‌های توسعه‌ی علمی و فناوری.</p>	<p>راهبرد ملی توسعه و نوآوری فناورانه و علمی</p>	<p>شورای علم و فناوری</p>	<p>حفظ سطح تحقیقات و عدم عقب‌ماندگی، حفظ و ارتقای فرهنگ جامعه، اهداف توسعه‌ای، حفظ کیفیت زندگی و خدمات ضروری اجتماعی.</p>	<p>هلند</p>	<p>۶</p>
<p>امتیازات رقابتی، بهره‌وری، افزایش بودجه‌های تحقیقاتی، تقویت بخش خصوصی در آموزش عالی،</p>	<p>سیاست ملی، علم، فناوری و نوآوری</p>	<p>وزارت علم، فناوری و نوآوری</p>	<p>تجدید ساختار صنعتی و افزایش توانایی صادرات محصولات صنعتی داخلی</p>	<p>برزیل</p>	<p>۷</p>
<p>اولویت‌های سیاستی: ارتقای ارزش افزوده در بخش کشاورزی، خلق ثروت در فناوری اطلاعات، زیست‌فناوری، افزایش ظرفیت دانش، بهبود زیرساخت حمل و نقل، ایجاد انرژی پایدار، ارتقای سیستم تأمین آب، مدیریت منابع زیست محیطی.</p>	<p>سیاست ملی انتقال فناوری</p>	<p>دفتر نخست‌وزیری، وزارت علوم، فناوری و نوآوری</p>	<p>تسهیل به کار بردن فناوری‌های متناسب با شرایط داخلی، اطمینان از ارزشمندی فناوری‌های وارداتی، توسعه فناوری‌های بومی، افزایش نقش بخش خصوصی در اقتصاد، کارا کردن مدیریت، تجدید حیات کشاورزی، توسعه منابع نیروی انسانی،</p>	<p>مالزی</p>	<p>۸</p>

تمرکز بر حوزه‌های فناوری‌های راهبردی، افزایش بودجه‌های تحقیق و توسعه، توسعه‌ی نیروی انسانی بخش تحقیق و توسعه.	سیاست علم ترکیه	شورای عالی علم و فناوری، شورای تحقیقات علم و فناوری	حفظ قدرت اقتصاد ملی، پایداری رشد اقتصادی، ارتقای استانداردهای زندگی، داشتن مزیت در رقابت بین‌المللی	ترکیه	۹
---	-----------------	---	---	-------	---

در جدول فوق که خلاصه‌ای از بررسی تطبیقی سیاست‌های علم و فناوری در نه کشور نمونه می‌باشد، مشاهده می‌شود که در غالب آنها راهبر و متولی امر توسعه، وزارت علوم یا سازمان مرتبط این حوزه در آن کشور بوده است که با تأسی از اسناد بالادستی خود، نسبت به تدوین سند توسعه‌ی آموزش عالی اقدام نموده و اولویت‌هایی را نیز در این مسیر توسعه تعریف کرده است که اکثر این اولویت‌ها از جنس پژوهش‌های فناورانه می‌باشند. در همین خصوص شایان ذکر است که در تمامی این کشورها، اولویت‌های مطرح شده در هر سه حوزه‌ی آموزش، پژوهش و فناوری قابل توصیف و طبقه‌بندی می‌باشند که در ارتباط با یکدیگر و به صورت یکپارچه و هدفمند برای رسیدن به اهداف توسعه‌ی آموزش عالی، طراحی و پیاده‌سازی شده‌اند.

اسناد بالادستی الگوی توسعه‌ی آموزش عالی

فرمایشات مقام معظم رهبری: فرمایشات مقام معظم رهبری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع بالادستی، می‌بایست به دقت مورد توجه قرار گیرد. از مهم‌ترین موارد مورد تأکید در این قسمت می‌توان به لزوم رعایت یکپارچگی طولی در نظام تربیت علمی، انجام برنامه‌ریزی دقیق برای پیشرفت علم در چارچوب نظام اسلامی، و تقویت روحیه‌ی خلاقیت، نوآوری، جستجوگری، شهامت و خطرپذیری در علم اشاره کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵).

سند چشم‌انداز و برنامه‌ی پنجم توسعه: در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ایران به صورت کشوری برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه‌ی اجتماعی در تولید ملی ترسیم شده است. در چشم‌انداز سال ۱۴۰۴، هدف دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه،

قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل خواهد بود.

در برنامه‌ی پنجم توسعه نیز در زمینه‌ی مهم‌ترین اهداف و سیاست‌های مدنظر در بخش علمی و فناوری می‌توان به مواردی نظیر ضرورت تحول در نظام آموزش عالی و پژوهش و ارتقا توانمندی علمی و فناورانه در سطح ملی؛ تحول در نظام آموزش و پرورش با هدف ارتقای کیفی آن بر اساس نیازها و اولویت‌های کشور؛ ضرورت تحول در علوم انسانی با هدف تقویت جایگاه و منزلت این علوم از طریق، جذب افراد مستعد، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌های آموزشی، و ارتقای کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی و ترویج نظریه‌پردازی؛ ضرورت گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران علمی و فناوری؛ و لزوم تکمیل و اجرای نقشه‌ی جامع علمی کشور اشاره کرد (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری، ۱۳۸۹).

سند تحول علم و فناوری کشور: سند تحول علم و فناوری کشور بر ضرورت حفظ نگاه دینی در طراحی اجزای مختلف الگوی توسعه‌ی آموزش عالی خصوصاً در ترسیم وضعیت مطلوب علم و شاخص‌های آن تأکید دارد. در واقع از این دیدگاه، تبعیت اجزای الگوی توسعه‌ی آموزش عالی از این مبانی، ضامن تحقق اهداف متعالی نقشه‌ی جامع علمی کشور است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۸).

اهم ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های برگرفته از مبانی عقیدتی عبارت است از:

- حاکمیت اندیشه‌ی توحیدی اسلام در هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و جهان‌شناسی؛
- توجه به فطرت حقیقت جو و علم‌طلب انسان و رشد همه‌جانبه‌ی فطرت؛
- توجه به اصل عقلانیت هم در طراحی و تدوین الگوی توسعه‌ی آموزش عالی و هم در تربیت مخاطبین؛
- توجه به مطلوبیت ذاتی علم به‌عنوان انگیزه‌ی اصلی و درونی پیشرفت علم؛
- توجه به آرمان اجتماعی نظام اسلامی، یعنی تحقق عدالت اجتماعی.

سند راهبردی آمایش آموزش عالی کشور

یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه‌ی علمی و تحقق اهداف و برنامه‌های کلان نظام، توسعه منابع انسانی است که این امر نیز تنها از طریق نهادهای متولی آموزش به‌خصوص نظام آموزش عالی امکان‌پذیر است.

به منظور تحقق این هدف، طرح آمایش آموزش عالی کشور با هدف تقویت مأموریت‌گرایی در آموزش عالی و سوق دادن فعالیت دانشگاه‌ها در جهت استفاده از توانمندی‌های آنها و مناطق کشور همگامی با توسعه‌ی آن مناطق توسط وزارت علوم انجام شده است که اهداف کلان این سند شامل موارد زیر است:

- ۱) تربیت نیروی انسانی متعهد، متدین، متخصص و ماهر متناسب با نیازهای کشور، منطقه و جهان؛
- ۲) ارتقای جایگاه و نقش نظام آموزش عالی در رشد و توسعه‌ی کشور؛
- ۳) دستیابی به مرجعیت علمی و جایگاه برتر آموزش عالی کشور در منطقه و رقابت با نظام‌های آموزش عالی، پیشرفته در سطح بین‌الملل و قرار گرفتن در تراز نظام‌های آموزشی کشورهای پیشرفته؛
- ۴) استقرار نظام آموزش عالی کشور مبتنی بر آمایش سرزمین و توسعه‌ی مأموریت‌گرایی نظام آموزش عالی؛
- ۵) دسترسی همگانی به آموزش عالی برخوردار با کیفیت؛
- ۶) افزایش سهم آموزش عالی در تولید ثروت ملی؛
- ۷) ارتقای کارایی و اثربخشی آموزش عالی در نظام علم و فناوری کشور؛
- ۸) استقرار نظام ارزیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی؛
- ۹) بهبود و ارتقای عملکرد نظام آموزش عالی؛
- ۱۰) نهادینه کردن ارزش‌های دینی در جامعه و اعتلای هویت اسلامی ایرانی؛
- ۱۱) افزایش قابلیت‌ها و توانمندی‌های معرفتی و تخصصی اعضای هیأت علمی.

در نهایت پس از بررسی ادبیات نظری تحقیق و بر مبنای اسناد بالادستی کشور مدل تحلیل تحقیق طراحی و طی مراحل مختلفی حک و اصلاح شد که در ادامه ارائه می‌شود (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱).

مدل تحلیلی تحقیق

مدل اولیه‌ی تحقیق شامل دو رویکرد عدالت‌محور و رعایت‌محور برای طراحی الگوی توسعه‌ی آموزش عالی کشور است که در آن ده مؤلفه‌ی مؤثر بر توسعه‌ی آموزش عالی در سه بخش آموزش، پژوهش و فناوری شناسایی شده‌اند.

در این مدل تحلیلی، به منظور ارائه‌ی الگوی توسعه‌ی آموزش عالی مبتنی بر سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور و اسناد بالادستی دیگر لازم است در حوزه‌های ده گانه ارائه شده در مدل، رویکردهای محتمل در حوزه‌های اصلی و زیر حوزه‌ها تعیین شده و در دو سر طیف قرار گرفته و در نهایت دو رهیافت مجزا در سیاست‌گذاری در حوزه‌ی آموزش عالی تعیین گردید و بهینه‌ترین حالت در هر یک از حوزه‌ها و زیر حوزه‌ها از طریق مصاحبه‌ی مکتوب (پرسشنامه) با خبرگان و صاحب‌نظران در هر یک از بخش‌ها استخراج شده است.

فانون اساسی		سند چشم‌انداز	
ابعاد	رویکرد	آموزش عالی	
		عدالت	رعایت
۱	آموزشی-دینی	مطابقت‌گرایی	نسبی‌گرایی
۲	فرهنگی-اجتماعی	ساختارگرا	فراآیندمحور
۳	اقتصادی	مبتنی بر بازار و بدون دخالت دولت	محلی و منترکز
۴	مدیریتی-سازمانی	تمرکز سازمانی	مدیریت مشارکتی
۵	جمع‌القبای	سیستماتیک	فراآیند یخنی
۶	جمعیتی	کنترل جمعیت	رشد جمعیت
۷	زمانی	حال‌نگر	آینده‌نگر
۸	فناوری	مأموریت‌گرا	نقده‌گرا
۹	سیاسی	ثبات‌گرا	تحول‌گرا
۱۰	امنیتی	اقتدار مای	همکاری جهانی

پرونده‌های توسعه

سیاست‌های نظام اداری

شکل شماره ۲- مدل تحلیلی تحقیق

به واقع در این مدل، نظام آموزش عالی در قالب سه بخش آموزش، پژوهش و فناوری در نظر گرفته شده است که تحت تأثیر ده عامل (شامل: ارزشی - دینی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی - سازمانی، جغرافیایی، جمعیتی، زمانی، فناوری، سیاسی و امنیتی) قرار دارد. هر یک از عوامل نیز می‌تواند دو حالت یا رویکرد داشته باشد که در حالت کلی شامل دو رویکرد عدالت‌محور و رعایت‌محور (با الهام از مدل نظری ریگنز و استونر) است. در ادامه تعاریف و شاخص‌های هر یک از عوامل اثرگذار و رویکردهای دوگانه‌ی آنها ارائه شده است: دو رویکرد عام و کلی شامل:

- **عدالت‌محور:** بر تمشیت امور و قابلیت اجرا تأکید داشته و به سیستم‌های سلسله‌مراتبی، حفظ گذشته و تأکید بر ثبات و نظم تمایل دارد.
- **رعایت‌محور:** به اهداف برابری‌خواهانه گرایش دارد. این رویکرد به ساختار مدیریت گروهی به منظور تحقق اهداف مساوات‌طلبانه و اجتماعی اعتقاد داشته و بر مفاهیم آینده، تغییر و ترقی تأکید دارند.

عوامل ده‌گانه‌ی اثرگذار بر سه بخش آموزش، پژوهش و فناوری نیز عبارتند از: **ارزشی - دینی:** آموزش عالی مرکز ایجاد الگوهای صحیح رفتار اجتماعی، حافظ سنت‌های علمی و فرهنگی جامعه، عامل تعمیق وفاق اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی مردم، تعالی‌دهنده‌ی سطح تبادل عقاید و تجربیات در درون جامعه و عامل اصلی نهادی کردن علم در جامعه است. رویکردهای ویژه‌ی دوگانه‌ی آن نیز عبارت است از: الف) مطلق‌گرایی (عدالت‌محور): این نظریه بر این اعتقاد است که ارزش‌ها غیرتاریخی‌اند و در آنها تغییر و تبدیلی یافت نمی‌شود و در همه‌ی عصرها و زمان‌ها و مکان‌ها یکی است. ب) نسبی‌گرایی (رعایت‌محور): اعتقاد دارد هیچ حقیقت اخلاقی و ارزشی مطلق‌ی وجود ندارد و تمامی باورهای اخلاقی تنها در نظام‌های خاص اخلاقی و ارزشی درست است.

فرهنگی - اجتماعی: مفهوم فرهنگی - اجتماعی در این پژوهش به معنای عدالت اجتماعی و توسعه‌ی آموزش عالی با توجه به فرصت‌های برابر می‌باشد. در این مقوله گرایش‌ها و ساختارها نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. رویکردهای ویژه‌ی دوگانه‌ی آن نیز

عبارت است از: الف) ساختارگرا (عدالت محور): بر وظایف استوار است و به اصالت جمع و هویت مستقل، خاص، وجودی و عینی برای جامعه معتقد است. ب) فرایند محور (رعایت محور): بر فرایند تأکید دارد و بر این معتقد است که تحقق سعادت در جامعه از فرد شروع شده و به وی آزادی و حق انتخاب می‌دهد.

اقتصادی: آموزش عالی با فراهم آوردن و ارتقا بخشیدن دانش، مهارت‌ها و نگرش منابع انسانی همچنین به واسطه‌ی پیشرفت‌های تحقیقاتی، فناوری و علمی جدید به توسعه‌ی اقتصادی کمک می‌کند، بدین ترتیب آموزش عالی سهمی مضاعف در اقتصاد دارد. رویکردهای ویژه‌ی دوگانه‌ی آن نیز عبارت است از: الف) مبتنی بر بازار و بدون دخالت دولت (عدالت محور): آزادسازی اقتصادی و به تبع آن خصوصی‌سازی، خودگردانی اقتصادی و عدم دخالت مستقیم دولت در آموزش عالی اشاره دارد. ب) محلی و متمرکز (رعایت محور): در حوزه‌ی آموزش عالی به توسعه‌ی آموزش عالی دولتی، تأمین مالی از منابع عمومی، و دسترسی برابر به آن اشاره دارد.

مدیریتی - سازمانی: حرکت به سوی توسعه و پیشرفت مستلزم تحول در الگوی سازماندهی و مدیریت آموزش عالی است، این موضوع نیز منوط به انتخاب الگوی مطلوب و متناسب با شرایط بومی است که در عین ایجاد ثبات، بستری مناسب برای پویایی و توسعه‌ی آموزش عالی ایجاد کند. رویکردهای ویژه‌ی دوگانه‌ی آن نیز عبارت است از: الف) تمرکز سازمانی (عدالت محور): در سازماندهی و مدیریت متمرکز، برنامه‌ریزی مشروح و جامع در سطح بالای سازمان یا سیستم انجام می‌شود. ب) مدیریت مشارکتی (رعایت محور): در سازماندهی و مدیریت مشارکتی، سطوح پایین‌تر سازمان یا سیستم نیز در برنامه‌ریزی مشارکت داشته و تصمیمات اجرایی تا حدود زیادی به آنها منتقل می‌شود.

جغرافیایی: هرچه توزیع جغرافیایی مؤسسات آموزش عالی متناسب‌تر باشد و اکثر نقاط کشورها را پوشش دهد، به همان نسبت توزیع سرمایه‌ی انسانی در سطح کشور از تناسب بهتری برخوردار است. اساس توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، سرمایه‌ی انسانی است و تا سرمایه‌ی انسانی به میزان بهینه در جایی انباشته نشده باشد نمی‌توان به تحقق توسعه‌ی پایدار

امید داشت. رویکردهای ویژه‌ی دوگانه‌ی آن نیز عبارت است از: الف) سیستماتیک (عدالت‌محور): در حوزه‌ی توسعه‌ی آموزش عالی، به توزیع امکانات آموزشی با توجه به تعریف فضای جغرافیایی و سطوح مختلف، فرایند سیستماتیک گویند. ب) فرایند پخش (رعایت‌محور): در توسعه‌ی آموزش عالی، روند توزیع و گسترش دسترسی یکسان و برابر به امکانات آموزشی در کل فضای جغرافیایی را پخش می‌گویند.

جمعیتی: توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار با توسعه‌ی علمی و فناوری گره خورده است و این امر نیز مستلزم توسعه‌ی آموزشی و از جمله گسترش کمی و ارتقای کیفی آموزش عالی است. در این شرایط نظام آموزش عالی تحت فشار قرار دارد که با صرف منابع کمتر، خروجی بیشتری داشته باشد. رویکردهای ویژه‌ی دوگانه‌ی آن نیز عبارت است از: الف) کنترل جمعیت (عدالت‌محور): چرا باید به جمعیت اضافی کم‌توان و کم‌استعدادتر اجازه داد تا امکانات آموزش عالی را که افراد مستعد، پر توان می‌توانند از آن منتفع شده و خروجی بیشتری داشته باشند را ببلعند. ب) رشد جمعیت (رعایت‌محور): وجود جمعیت بالاتر احتمال وجود نخبگان را در جامعه افزایش می‌دهد. برد نهایی در اقتصاد با جوامعی است که دارای نخبگان بیشتری است.

زمانی: اثرگذاری زمان، بازه‌های زمانی و آینده‌نگاری یکی از اصلی‌ترین مراحل فرایند برنامه‌ریزی می‌باشند که با شناخت وضع موجود و تعیین مسائل کلیدی و وضعیت ایده‌آل صورت می‌پذیرد. رویکردهای ویژه‌ی دوگانه‌ی آن نیز عبارت است از: الف) حال‌نگر (عدالت‌محور): این رویکرد مبتنی بر پیش‌بینی است و عمل برنامه‌ریزی از زمان حال شروع شده و رو به سوی آینده دارد. به عبارتی تلاش می‌کند تا تحت شرایط مختلف کشف کند که کدام آینده رخ می‌دهد. ب) آینده‌نگر (رعایت‌محور): با انتخاب یک یا چند موقعیت خاص در زمان آینده شروع می‌شود و در واقع نقطه‌ی شروع در آینده است و با رویکرد پس‌نگری از آینده به امروز، برنامه‌ریزی شروع می‌شود.

فناوری: سؤال اصلی در این بخش این است که با توجه به ساختار و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فنی جامعه، چه رویکردی در قبال انتخاب و توسعه‌ی فناوری‌ها مناسب و بهینه است؟، رویکردهای ویژه‌ی دوگانه‌ی آن نیز عبارت است

از: الف) مأموریت‌گرا (عدالت‌محور): دستیابی به نوآوری‌های بنیادی برای تقویت اقتدار نظامی و رهبری راهبردی بین‌المللی همچنین توسعه‌ی ظرفیت‌های فناورانه در زمینه‌های فنی ویژه‌ای که از نظر ملی اهمیت دارد. ب) نفوذگرا (رعایت‌محور): بر توسعه‌ی فناوری‌های نوین و در مرز دانش تأکید کمتری داشته و انتشار گسترده قابلیت‌های فناورانه در سراسر صنایع را تشویق می‌کند و بر تأمین کالاهای مورد نیاز عمومی تأکید دارد.

سیاسی: مؤلفه‌ی سیاسی در دو حوزه‌ی داخلی و بین‌المللی، توسعه‌ی آموزش عالی را تحت تأثیر قرار داده است، به طوری که در صحنه‌ی بین‌الملل امروزه محصولات علمی جنبه‌ی سیاسی پیدا کرده‌اند. البته نقش بازیگران صحنه‌ی آموزش عالی (استادان، پژوهشگران و دانشجویان) نیز قابل توجه می‌باشد. رویکردهای ویژه‌ی دوگانه‌ی آن نیز عبارت است از: الف) موافق وضع موجود (عدالت‌محور): نمود کامل راست‌گرایی محافظه‌کاری است، و به نوعی نابرابری را گریزناپذیر می‌داند. آنها معتقدند که جهانی‌شدن با حفظ ارزش‌ها و سنت‌ها در نهادهای اجتماعی، با اقتدار دولت در تناقض است. ب) تحول‌گرا (رعایت‌محور): در این رویکرد مساوات‌طلبی، حرکت به سوی تغییر و تحول به نفع مردم و مخالف طبقات ممتاز (حاکم) می‌باشد. اعتقاد به پیشرفت و ترقی از طریق انقلاب و اصلاح، اعتقاد به دولت رفاه عمومی و برقراری جامعه‌ی بی‌طبقه از جمله شاخص‌های این رویکرد است.

امنیتی: امنیت مفهومی چند وجهی است که بر روی احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مالی و روانی است تأکید دارد. در واقع امنیت به وضعیتی اطلاق می‌شود که نیروهای حفظ‌کننده وضع موجود توان محافظت را از نیروهای شناخته شده برهم‌زننده‌ی آن، داشته باشند. رویکردهای ویژه‌ی دوگانه‌ی آن نیز عبارت است از: الف) رقابت محلی (عدالت‌محور): گرایش به مشروعیت‌بخشی نظمی که بازیگر قدرتمند، آن را مطلوب می‌داند. این رویکرد مبتنی بر پیش‌فرض دولت قدرتمند در موضوع امنیت است. ب) همکاری جهانی (رعایت‌محور): در مورد مسائل مربوط به امنیت، متوجه جهت‌گیری وضع موجود واقع‌گرایی (رقابت محلی) و تأکید بر ابزارهای رسیدن به هدف است تا ارزشمندی خود هدف.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و تحلیل نتایج

در این پژوهش به منظور سنجش اعتبار ابزار سنجش (پرسشنامه) از اعتبار صوری استفاده شده است. به این صورت که ابزار تهیه شده طی چند مرحله به تعدادی اساتید و متخصصین حوزه‌ی آموزش عالی ارائه شد و در مورد ارتباط سؤالات و شاخص‌های ارائه شده در پرسشنامه با مفاهیم اصلی مورد سنجش نظرخواهی شد که طی چند مرحله ابزار سنجش، اصلاح و آماده کاربرد نهایی شد.

همچنین برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج حاصل از سنجش پایایی گویه‌های مرتبط با سه حوزه‌ی آموزش، پژوهش و فناوری به شرح زیر است:

جدول شماره‌ی ۲- نتایج ضریب آلفای کرونباخ

ردیف	مقیاس‌ها	آلفای کرونباخ
۱	آموزش	۰/۷۹
۲	پژوهش	۰/۸۲
۳	فناوری	۰/۷۵

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نیز، با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ و تابع آزمون آماری Optimal Scaling و رگرسیون خطی با روش گام‌به‌گام، داده‌های تحقیق تحلیل شده است. ملاک آزمون‌های آماری توجه به P-Value بوده است (با آلفای ۵ درصد).

تحلیل نتایج

تحلیل نتایج شامل دو مرحله اصلی تحلیل‌های تک‌متغیره و تحلیل رگرسیون چند متغیره است. البته برای انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره و به‌منظور تبدیل داده‌های ترتیبی به داده‌های فاصله‌ای از تابع آزمون مقیاس‌سازی بهینه^۱ استفاده شده است. همچنین برای شناسایی

1 - Optimal Scaling

میزان هم خطی متغیرهای مستقل در تحلیل رگرسیون از ضریب عامل تورم واریانس^۱ بهره گرفته شده است.

تحلیل‌های تک‌متغیره

مرحله‌ی اول تحلیل نتایج شامل شناسایی رویکرد (عدالت‌محور یا رعایت‌محور) غالب در هر یک از مؤلفه‌های ده‌گانه در سه بخش آموزش، پژوهش و فناوری است. این امر از طریق آمارهای توصیفی و تحلیل گرایش صاحب‌نظران نسبت به هر یک از عوامل به‌دست آمده است. نتایج این تحلیل به شرح جدول زیر است:

جدول شماره‌ی ۳- مقایسه عوامل ده‌گانه‌ی مؤثر بر توس مقایسه‌ی عوامل ده‌گانه‌ی مؤثر بر توسعه‌ی آموزش

عالی با توجه به رویکردهای دوگانه

ردیف	عوامل	آموزش	رویکرد	پژوهش	رویکرد	فناوری	رویکرد
۱	ارزشی - دینی	مطلق‌گرایی	●	مطلق‌گرایی	●	مطلق‌گرایی	●
۲	فرهنگی - اجتماعی	ساختارگرا	●	ساختارگرا	●	ساختارگرا	●
۳	اقتصادی	مبتنی بر بازار	●	مبتنی بر بازار	●	مبتنی بر بازار	●
۴	مدیریتی - سازمانی	مدیریت مشارکتی	○	مدیریت مشارکتی	○	مدیریت مشارکتی	○
۵	جغرافیایی	سیستماتیک	●	سیستماتیک	●	سیستماتیک	●
۶	جمعیتی	رشد جمعیت	○	کنترل جمعیت	●	کنترل جمعیت	●
۷	زمانی	آینده‌نگر	○	آینده‌نگر	○	آینده‌نگر	○
۸	فناوری	مأموریت‌گرا	●	مأموریت‌گرا	●	مأموریت‌گرا	●
۹	سیاسی	تحول‌گرا	○	تحول‌گرا	○	تحول‌گرا	○
۱۰	امنیتی	اقتدار ملی	●	همکاری جهانی	○	همکاری جهانی	○

توضیح: ● رویکرد عدالت‌محور ○ رویکرد رعایت‌محور

نتایج نشان می‌دهد که گرایش غالب صاحب‌نظران نسبت به مؤلفه‌های امنیتی و سیاسی غالباً رویکردی رعایت‌محورانه است. رویکرد رعایت‌محور مؤلفه‌ی سیاسی را می‌توان با تمایل

1 - Variance Inflation Factor (VIF)

به تحول و تغییر و پرهیز از هرگونه محافظه‌کاری و میل به تغییر شتابان در وضع موجود از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، مخالفت با مداخله‌ی سیاست در تعلیم و تربیت، اعتقاد به مسئولیت اجتماعی دولت، اعتقاد به آزادی سیاسی و تساوی حقوق سیاسی مردم، برابری در برابر قانون، باور به عدالت اجتماعی و تلاش برای حذف نابرابری‌های اجتماعی شناخت. در مؤلفه امنیتی نیز رویکرد رعایت‌محور درصدد برمی‌آید تا امنیت جهانی را به‌عنوان عامل تأمین‌کننده امنیت ملی در نظر گیرد. این مفهوم واکنشی در برابر حل مشکلات سنتی امنیت است و ترجیح می‌دهد گفتمان برتری جویانه و اقدامات متداول برهم‌زننده امنیت جهانی را، به چالش بکشد. البته در بخش آموزش، رویکرد غالب در متغیر امنیتی رویکرد عدالت‌محور است، در این رویکرد مفهوم رهایی و خودمختاری جهانی که منجر به آزادی عمل گردد به‌عنوان منشاء و مولد امنیت واقعی در نظر گرفته می‌شود.

در بین سایر متغیرها، دو متغیر مدیریتی - سازمانی و زمانی نیز رویکردی مشابه رویکرد غالب در متغیرهای سیاسی و امنیتی حاصل شده است. در حالی که سایر متغیرها غالباً رویکردی متضاد با دو متغیر سیاسی و امنیتی دارند.

تحلیل چند متغیره

در این قسمت نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره با روش گام‌به‌گام (Stepwise) برای هر یک از سه بخش آموزش، پژوهش و فناوری در توسعه آموزش عالی ارائه شده است. در بخش آموزش متغیرهای فناوری، جغرافیایی، زمانی، مدیریتی - سازمانی، فرهنگی - اجتماعی، نگرش (جمعیتی) و ارزشی - دینی تأثیر معنی‌دار و قابل تفسیری بر توسعه آموزش عالی دارند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر این است که در بخش پژوهش اثر چهار عامل (مدیریتی - سازمانی، زمانی، جغرافیایی و فرهنگی - اجتماعی) معنی‌دار و قابل تفسیر است. رگرسیون عوامل مستقل بر توسعه آموزش عالی در بخش فناوری نیز نشان داد که از مجموع ده متغیر شناسایی شده، ۶ متغیر تأثیر معنی‌دار و قابل تفسیری بر توسعه بخش فناوری

آموزش عالی به ترتیب اهمیت اثرگذاری عبارتند از: عامل فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی، امنیتی، مدیریتی - سازمانی، و فناوری.

لازم به ذکر است که پس از بررسی نتایج تحلیل رگرسیون در هر سه بخش نظام آموزش عالی کشور و شناسایی عوامل مؤثر و معنادار مؤثر بر توسعه‌ی آن، عوامل مشترک مؤثر بر توسعه‌ی حوزه‌های سه‌گانه‌ی آموزش، پژوهش و فناوری نیز شناسایی شد که عبارتند از: مدیریتی - سازمانی، فرهنگی - اجتماعی، و جغرافیایی.

این عوامل، در هر سه بخش آموزش، پژوهش و فناوری اثرگذاری معناداری دارند. به عبارت دیگر در هر یک از سه کارکرد آموزش عالی و به‌منظور توسعه‌ی آنها، نیاز به توسعه در مؤلفه‌های مدیریتی - سازمانی، فرهنگی - اجتماعی و جغرافیایی به‌صورت هم‌زمان است. از سوی دیگر در طراحی الگوی مدیریتی - سازمانی، فرهنگی - اجتماعی و جغرافیایی باید بر تأثیرگذاری هم‌زمان این سه عامل بر توسعه‌ی آموزش عالی و سه کارکرد آموزش، پژوهش و فناوری توجه داشت تا فرآیند توسعه‌ی آموزش عالی به‌صورت متوازن تحقق یابد.

به واقع در تدوین برنامه‌ی توسعه یا اسناد چشم‌انداز، رویکردها و شاخص‌های مدیریتی - سازمانی، فرهنگی - اجتماعی همچنین جغرافیایی، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و ساختاری پویا و سیستماتیک، توسعه‌ی آموزش عالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تحلیل هم‌خطی

میزان وابستگی متغیرهای مستقل مؤثر و معنادار به دیگر متغیرهای مستقل، از طریق ضریب عامل تورم واریانس به‌دست آمد. در واقع این ضریب نشان‌دهنده‌ی این است که یک متغیر تا چه حد تأثیری یکتا و خاص بر متغیر وابسته دارد. به عبارت دیگر، نشان می‌دهد که ضریب بتای متغیر تا چه حد مستقل از تغییرات دیگر متغیرهای مستقل است.

نتایج مربوط به ضریب عامل تورم واریانس نشان می‌دهد دو عامل سیاسی و امنیتی در بحث توسعه‌ی آموزش عالی در بخش فناوری، نسبت به سایر متغیرها از استقلال نسبی برخوردارند و تأثیری کمابیش یکتا دارند؛ در مقابل برخی دیگر مانند عامل فرهنگی - اجتماعی

کمترین تأثیرپذیری را از سایر متغیرهای دخیل داشته و اثر یکتای آن بر توسعه‌ی آموزش عالی در بخش فناوری بیش از سایر متغیرها است. از طرف دیگر نتایج نشان‌دهنده‌ی این است که عامل مدیریتی - سازمانی، وابستگی بیشتری به دیگر عوامل دخیل در امر توسعه‌ی آموزش عالی داشته و تاحدودی تحت تأثیر آنها است. در جدول زیر، میزان تأثیرپذیری هر یک از عوامل در خصوص توسعه‌ی آموزش عالی در بخش فناوری آورده شده است.

جدول شماره‌ی ۴- نتایج استقلال عوامل ده‌گانه مؤثر بر توسعه‌ی آموزش عالی در بخش فناوری حاصل از

تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام

ردیف	عوامل مؤثر در مدل رگرسیونی	Tolerance	VIF
۱	مدیریتی - سازمانی	۰.۶۸۶	۱.۴۵۷
۲	جغرافیایی	۰.۸۷۳	۱.۱۴۶
۳	سیاسی	۰.۷۸۴	۱.۲۷۵
۴	امنیتی	۰.۷۰۵	۱.۴۱۹
۵	فرهنگی - اجتماعی	۰.۹۳۹	۱.۰۶۵
۶	فناوری	۰.۶۹۳	۱.۴۴۳

نتیجه‌گیری

نظر به اینکه این پژوهش به دنبال ارائه‌ی الگوی توسعه‌ی آموزش عالی در بُعد امنیتی و سیاسی در افق چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور یعنی ایران ۱۴۰۴ است، توسعه‌ی علم و فناوری یکی از اهداف مهم این چشم‌انداز بوده که در این راستا راهبردهای توسعه‌ی علم و فناوری در نقشه‌ی جامع علمی کشور در قالب برنامه‌های توسعه‌ی پنج ساله پیش‌بینی شده است. اگر چه توسعه‌ی آموزش عالی بخشی از اهداف اسناد بالادستی فوق را پوشش می‌دهد؛ از این‌رو، بررسی تطبیقی نتایج به‌دست آمده با راهبردهای پیش‌بینی شده در نقشه‌ی جامع علمی کشور حائز اهمیت است که در این پژوهش مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است و براساس اهداف

تحقیق، تعیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد نظر در سند چشم‌انداز بیست ساله در بخش آموزش عالی، صورت پذیرفته و الگویی برای توسعه و برنامه‌ریزی در بخش آموزش عالی تدوین شد. در همین راستا و در جهت ارائه‌ی الگوی منتج از تحقیق، از طریق ترکیب نتایج حاصل از تحلیل‌های تک‌متغیره و تحلیل‌های چند متغیره رگرسیون، اجزای تشکیل‌دهنده الگوی توسعه‌ی آموزش عالی ایران با تأکید بر دو بُعد امنیتی و سیاسی نیز شناسایی و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند که در جدول زیر به آنها اشاره شده است.

جدول شماره‌ی ۱۳- عوامل اصلی اثرگذار بر توسعه‌ی آموزش عالی و دامنه‌ی تغییرات آنها

عوامل اصلی اثرگذار بر توسعه‌ی آموزش عالی (بخش آموزش)					
ردیف	عامل	دامنه‌ی تغییرات*	رویکرد کلان	رویکرد ویژه	شاخص‌های رویکرد
۱	فناوری	۱/۹۳ - ۱/۲۸	عدالت‌محور	مأموریت‌گرا	دستیابی به نوآوری‌های بنیادی برای تقویت اقتدار نظامی و رهبری راهبردی و توسعه‌ی ظرفیت‌های فناورانه ویژه.
۲	جغرافیایی	۱/۵۲ - ۲/۴۰	عدالت‌محور	سیستماتیک	توزیع امکانات آموزشی با توجه به تعریف فضای جغرافیایی و سطوح مختلف.
۳	زمانی	۱/۶۷ - ۲/۶۸	رعایت‌محور	آینده‌نگر	انتخاب چند موقعیت خاص در آینده، نقطه‌ی شروع آینده و با رویکردی پس‌نگرانه از آینده به امروز، برنامه‌ریزی شروع می‌شود.
۴	مدیریتی-سازمانی	۱/۳۹ - ۲/۳۹	رعایت‌محور	مدیریت مشارکتی	مشارکت سطوح پایین‌تر سازمان با سیستم در برنامه‌ریزی و تفویض تصمیمات اجرایی به آنها.
۵	فرهنگی-اجتماعی	۱/۴۴ - ۲/۱۲	عدالت‌محور	ساختارگرا	تأکید بر وظائف، اصالت جمع، و هویت مستقل، وجودی و عینی جامعه.
۶	نگرش (جمعیتی)	۱/۴۹ - ۲/۴۴	رعایت‌محور	رشد جمعیت	جمعیت بالاتر احتمال وجود نخبگان در جامعه را افزایش می‌دهد، بردنهایی با جوامعی است که نخبگان بیشتری داشته باشند.
۷	ارزشی - دینی	۱/۹۸ - ۲/۸۰	عدالت‌محور	مطلق‌گرا	ارزش‌های غیرتاریخی‌اند و در آنها تغییر

					و تبدیلی یافت نمی‌شود و در همه‌ی عصرها، زمان‌ها و مکان‌ها یکی است.
عوامل اصلی اثرگذار بر توسعه‌ی آموزش عالی (بخش پژوهش)					
ردیف	عامل	دامنه‌ی تغییرات*	رویکرد کلان	رویکرد ویژه	شاخص‌های رویکرد
۱	مدیریتی - سازمانی	۲/۵۳ - ۱/۵۴	رعایت‌محور	مدیریت مشارکتی	مشارکت سطوح پایین‌تر سازمان با سیستم در برنامه‌ریزی و تفویض تصمیمات اجرایی به آنها.
۲	زمانی	۳/۰۶ - ۱/۹۸	رعایت‌محور	آینده‌نگر	انتخاب چند موقعیت خاص در آینده، نقطه شروع آینده و با رویکردی پس‌نگرانه از آینده به امروز، برنامه‌ریزی شروع می‌شود.
۳	جغرافیایی	۲/۲۹ - ۱/۳۳	عدالت‌محور	سیستماتیک	توزیع امکانات آموزشی با توجه به تعریف فضای جغرافیایی و سطوح مختلف.
۴	فرهنگی - اجتماعی	۱/۸۹ - ۱/۲۲	عدالت‌محور	ساختارگرا	تأکید بر وظائف، اصالت جمع، و هویت مستقل، وجودی و عینی جامعه
عوامل اصلی اثرگذار بر توسعه‌ی آموزش عالی (بخش فناوری)					
ردیف	عامل	دامنه‌ی تغییرات*	رویکرد کلان	رویکرد ویژه	شاخص‌های رویکرد
۱	فرهنگی - اجتماعی	۱/۹۰ - ۱/۲۷	عدالت‌محور	ساختارگرا	تأکید بر وظائف، اصالت جمع، و هویت مستقل، وجودی و عینی جامعه
۲	سیاسی	۲/۸۰ - ۱/۹۸	رعایت‌محور	تحول‌گرا	گرایش به مساوات‌طلبی، تغییر و تحول به نفع مردم و مخالفت با طبقات ممتاز، انقلاب و اصلاح، دولت رفاه عمومی و جامعه بی‌طبقه.
۳	جغرافیایی	۲/۱۹ - ۱/۳۰	عدالت‌محور	سیستماتیک	توزیع امکانات آموزشی با توجه به تعریف فضای جغرافیایی و سطوح مختلف.
۴	امنیتی	۲/۲۳ - ۱/۷۰	رعایت‌محور	همکاری	توجه به وضع موجود، تأکید بیشتر بر

۵	مدیریتی - سازمانی	۱/۷۲ - ۲/۶۴	رعایت محور	مدیریت مشارکتی	مشارکت سطوح پایین تر سازمان یا سیستم در برنامه ریزی و تفویض تصمیمات اجرایی به آنها.
۶	فناوری	۱/۵۴ - ۲/۳۹	عدالت محور	مأموریت گرا	دستیابی به نوآوری های بنیادی برای تقویت اقتدار نظامی و رهبری راهبردی و توسعهی ظرفیت های فناورانهی ویژه.

* دامنه تغییرات عددی بین حداقل ۱ و حداکثر ۵ می باشد.

بر همین اساس نتایج بیانگر این است در طراحی الگوی توسعهی آموزش عالی و بررسی میزان تأثیرگذاری دو مؤلفه ای امنیتی و سیاسی بر فرآیند توسعه، اهمیت این دو مؤلفه بیشتر در بخش توسعهی فناوری مشهود و قابل توجه است. این نتیجه بیانگر این است که چنانچه هر یک از این دو مؤلفه مورد غفلت قرار گرفته و حذف شوند به جای توسعه شاهد عقب افتادگی در برنامهی توسعهی آموزش عالی کشور در بخش فناوری خواهیم بود.

از منظری دیگر به دلیل آن که در مدل نظری تحقیق هم راستایی و تأمین اهداف و راهبردهای نقشه ی جامع علمی کشور مدنظر بود و هدف غایی آن کمک به تدوین الگوی راهبردی توسعهی آموزش عالی می باشد، لازم است نتایج و یافته های پژوهش با محورها و راهبردهای اصلی نقشه ی جامع علمی کشور نیز (که به نوعی الگوی توسعهی علم و فناوری کشور براساس اهداف سند چشم انداز تلقی می گردد) هماهنگی و تطابق داشته باشد که در ادامه به این مهم پرداخته شده است.

شایان ذکر است که توسعهی علم و فناوری به عنوان مفهومی جامع، در بردارندهی مفهومی چون توسعهی آموزش عالی است، و از آن جهت که کلیه ی برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های مرتبط در حوزهی علم و فناوری کشور است، لازم است در راستای تحقق ارزش ها و اهداف نقشه ی جامع علمی کشور طراحی و تبیین گردد، برنامه ریزی های توسعه ای در حوزهی آموزش عالی نیز باید در راستای تحقق ارزش ها و اهداف نقشه ی جامع طراحی

گردد. بنابراین، بررسی میزان تطابق نتایج حاصل از پژوهش نسبت به راهبردهای ارائه شده در نقشه‌ی جامع علمی کشور می‌تواند مبین این رابطه بوده و می‌باشد.

در خصوص مؤلفه‌ی امنیتی آنچه که در نتایج تحقیق مشهود می‌باشد، آن است که؛ در بعد آموزش رویکرد مورد تأکید اقتدار ملی و توجه به ظرفیت‌های داخلی و توانمندی‌های کشور در حوزه‌ی آموزش می‌باشد، که این مهم بر فضای توسعه‌ی آموزش عالی به‌ویژه در حوزه‌ی متن و محتوا و رشته‌های درسی بر شرایط و وضعیت بومی و فرهنگی کشور تأکید دارد. از سوی دیگر، در ابعاد دیگر آموزش عالی یعنی پژوهش و فناوری نیز که رویکرد امنیتی مبتنی بر قابلیت‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته، بهره‌برداری و استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بین‌المللی چه در حوزه‌ی ورود فناوری‌های پیشرفته و چه در حوزه‌ی بهره‌مندی از ظرفیت‌های انسانی توصیه شده است. در همین خصوص از جمله زوایایی که در نقشه‌ی جامع علمی کشور مورد تأکید قرار گرفته، بر این موضوع توجه دارد که نظام علم و فناوری جامعه‌ی ایرانی از نظر توجه به نیازها و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بومی و مزیت‌های نسبی کشور درون‌گرا است و از سوی دیگر، با توجه به فرصت‌های پیش‌رو در جهان و کشورهای اصلی در عرصه‌ی علم و فناوری با جهان اسلام و سایر کشورها مشارکت فعال دارد.

در خصوص مؤلفه‌ی سیاسی نیز نتایج تحقیق بیانگر اولویت اتخاذ رویکردهای تحول‌گرا با تأکید بر تمایل به پرهیز از محافظه‌کاری و گرایش به تغییر و تحول در وضع موجود از طریق بازنگری، اصلاح، یکپارچه‌سازی، ساده‌سازی و روزآمدسازی قوانین و مقررات می‌باشد. هم‌چنین مخالفت با مداخله‌ی سیاست در تعلیم و تربیت و نهادینه‌کردن مدیریت دانش و ابتدای مدیریت جامعه بر اخلاق و دانش براساس الگوهای ایرانی - اسلامی؛ تأکید بر مسئولیت اجتماعی دولت و حضور مسئولانه و مؤثر در نظام اجتماعی؛ میل به تساوی حقوق سیاسی مردم و برابری در برابر قانون، و ایجاد باور به عدالت اجتماعی و تلاش برای حذف نابرابری‌های اجتماعی از دیگر اولویت‌ها به‌شمار می‌رود.

منابع

فارسی

- ۱- انتظاری، یعقوب (۱۳۸۹)، «شصت سال آموزش عالی، تحقیقات و فناوری در ایران»، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.
- ۲- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۸) «شبکه‌های دانش آفرینی و توسعه علمی کشور، از توسعه علمی تا توسعه ملی» به اهتمام بیژن لطیف، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و مطالعات اجتماعی.
- ۳- ترک‌زاده، جعفر، زهرا صباغیان، محمد یمنی دوزی سرخابی و علی دلاور (۱۳۸۷) «ارزیابی وضعیت توسعه سازمانی دانشگاه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری»، مجله آموزش عالی ایران، سال اول، شماره دوم، صص: ۳۳ - ۵۰.
- ۴- تسلیمی، محمدمسعود (۱۳۸۳) «توصیف و تحلیل روند بخش آموزش عالی طی برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، طرح‌های تحقیقاتی.
- ۵- خلیلی عراقی، سید منصور و جهانگیر یدالهی (۱۳۸۱) «طراحی مدل برنامه‌ریزی آرمسانی فازی برای تخصیص منابع در آموزش عالی»، دانش مدیریت، سال پانزدهم، شماره ۵۶.
- ۶- خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۱) «راهبردها و راه‌کارهای توسعه آموزش عالی: مطالعه موردی استان گلستان»، رهیافت، شماره ۲۷.
- ۷- داوودی، رسول (۱۳۸۷) «آسیب‌شناسی ساختار نظام آموزش عالی در اجرای برنامه‌های توسعه بخش آموزش عالی»، پایان نامه دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ۸- شرم‌ا، گ، د، (۱۳۷۷) «سیاست و برنامه‌های توسعه و پیشرفت در آموزش عالی هند»، ترجمه: حسن نقرآباد، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۵ و ۱۶.
- ۹- صالحی، علی اکبر (۱۳۷۸) «راهبردهای توسعه آموزش عالی کشور، در برنامه سوم توسعه»، ماهنامه شریف، شماره شانزدهم.

- ۱۰- ضامنی، فرشیده (۱۳۸۶)، «ریشه‌های توسعه نیافتگی در نظام آموزش و پرورش ایران و ارائه مدلی جهت توسعه آن»، پایان نامه دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ۱۱- ظهور، حسن، (۱۳۷۷) «طرح توسعه پیشنهادی آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۵، ۱۶.
- ۱۲- عزیزی، نعمت الله (۱۳۸۵)، «درآمدی بر توسعه‌ی آموزش عالی در ایران با تأکید بر علوم انسانی»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۳- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۱)، «آموزش عالی و مسأله عدالت، طرح پژوهشی»، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۱۴- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷)، «مقایسه‌ای میان شش الگوی دانشگاهی و نظام آموزش عالی»، (طرح پژوهشی)، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۱۵- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور (۱۳۸۹)، «مجموعه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران». - <http://www.spac.ir/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=90fa4381-ca1c-4d41-885a-8e889d572e3d>
- ۱۶- نوروزی چالکی، عبدالرضا، حسن زاده، محمد (۱۳۸۷)، «طرح تحول راهبردی علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران»، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- ۱۷- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۸)، «اسناد پشتیبان سند علم و فناوری کشور».
- ۱۸- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۸)، «اسناد پشتیبان سند علم و فناوری کشور».
- ۱۹- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۱)، «سند آمایش آموزش عالی کشور».
- ۲۰- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۱)، «سند آمایش آموزش عالی کشور».
- ۲۱- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۷)، «رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی»، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

انگلیسی

- 22- Baskan G. A., Gülsün (2004), "**The development of higher education in TURKEY**", Hacettepe University, Faculty of Education, Prishtina.
- 23- Baskan, G.A. (2001), "**Development of Higher Education in Turkey**." G.U. Journal of Gazi Educational Faculty. 21(1):21-32
- 24- Bertolin, J. & D. Leite (2008), "**Quality evaluation of the Brazilian higher education system: Relevance, diversity, equity and effectiveness**", *Quality in Higher Education*, Vol. 14, No. 2.
- 25- Cacioppe, Ron (2000), "**creating spirit of work, Re-visioning organization Development and leadership**", *the leadership and organization Development journal*, vol. 21, No, 1.

- 26- Huisman, Jeroen (2003), "**Regulating the Programmed Supply in Higher Education: A Comparative Analysis**".
- 27- Ministry of Education of Republic of South Africa (2001), "**Draft National Plan for Higher Education in South Africa**".
- 28- Ministry of education, Science, and Technology of Republic of Kosovo (2005), "**Strategy for Development of Higher Education in Kosovo**" (2005-2015).
- 29- Ministry of Science and Higher Education (2010), "**The System of Education in Poland**", Foundation for the Development of the Education System, Warsaw
- 30- OECD (1995), "**Measuring What People Know: Human Capital Accounting for the Knowledge**".
- 31- Reilly, David H. (1999), "**Non-linear systems and educational development in Europe**", *Journal of Educational Administration*, Vol. 37, No. 5.
- 32- Riggs, Fred W. (1970), "**The Idea of Development Administration**", In José Veloso Abueva, Edward W. Weidner, *Development Administration in Asia*, Durham: Duke University Press.
- 33- Saussois, J. M. (2006), "**Scenarios, international comparisons, and key variables for educational scenarios analysis**".
- 34- Sharma G. D. (2000), "**policy for develop of higher education in India ministry of Education and training, India**".
- 35- Tomusk, V. (2001), "**When East meats: Deconteatualizing the quality of Eastern European higher education.**" *Quality in Higher Education* 6(3).
- 36- UNIDO, "**UNIDO Technology Foresight Manual**", Technology Foresight in Action, Vienna, 2005.
- 37- Wicks R. V. ; R. Freeman (1990), "**A Note on the Ethics of Caring**", Charlottesville: The Darden School, UVA-E-068.

تحلیل سازه‌انگاره‌ی سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی

محمد نبی آقائقی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۷/۲۶

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۲۹

صفحات مقاله: ۱۷۸ - ۱۴۳

چکیده:

انقلاب اسلامی ایران، در تعمیق مبانی فکری - فرهنگی، اعتقادی و ایدئولوژیک خود به میزان قابل ملاحظه‌ای با خصومت متقابل رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران که سه دهه از عمر انقلاب را به خود اختصاص داده آمیخته شده است. در این منازعه، جوهره‌ی مبارزه‌ی ایدئولوژیک در پیشبرد مبانی و اهداف انقلاب اسلامی تبلور عینی یافته است. با توجه به نگره‌های انقلاب اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی و بالعکس، نگارندگان سعی دارد تا با استفاده از ابزار نظری در رشته‌ی روابط بین‌الملل بتواند استدلالی علمی و درخور، در مورد چرایی این مناسبات ارائه دهد. در خصوص موضوع مورد بررسی کتب و مقالات زیادی به زبان فارسی، عربی و لاتین منتشر شده است، اما در حوزه‌ی بررسی موضوع از دیدگاه نظری اقدامات محدودی صورت گرفته است، که نگارنده با آگاهی از این موضوع در نوشتار حاضر، در پی تحلیل سازه‌انگاره روابط جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی برآمده است. بنابراین، ابتدا دیدگاه سازه‌نگاری را مورد بررسی قرار داده و سپس به ارزیابی سیاست خارجی متقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی از منظر این دیدگاه می‌پردازیم و در پایان نیز جنبه‌های مختلف این روابط را در بستر رویکردهای مختلف مورد تحلیل قرار خواهیم داد.

* * * * *

واژگان کلیدی

سازه‌نگاری، جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی، سیاست خارجی، ایدئولوژی.

استمرار بی‌اعتمادی، تنش و مخاصمه میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، از موضوعات قابل توجهی است که محققان عرصه‌ی سیاست بین‌الملل آن را طبق نظریات مختلفی مورد تحلیل و تبیین قرار داده‌اند. با وجود گذشت نزدیک به سه دهه از انقلاب اسلامی، نشانه‌های افزایش مخاصمه‌ی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی قابل مشاهده و رؤیت می‌باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی، دولت ایران در سال ۱۳۵۷، به شکل قاطع اعلام کرد که موجودیت رژیم صهیونیستی را نپذیرفته و خواستار نابودی آن است. این رویکرد در طول سال‌های گذشته به صورت متناوب از سوی دولتمردان ایرانی تداوم یافته است. از آن‌جا که این خصومت پس از سال‌ها مناسبات حسنه‌ی ایران پهلوی و رژیم صهیونیستی ظاهر می‌گشت و رویکردهای تعامل‌آمیز تبدیل به رویکردهای تخاصم‌آمیز گردیده بود. در این‌جا پرسش مهم و اساسی این است که؛ کدام نظریه در حوزه‌ی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی می‌تواند این دگرگونی از تعامل به تقابل و استمرار تخاصم را تبیین نماید. محققان از نظریات مختلفی چون واقع‌گرایی، لیبرالیسم، و نظریات مربوط به منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل برای تشریح و تبیین این رویکرد تقابل‌آمیز بهره برده‌اند. اما نگارندگان با ارائه‌ی چارچوبی تحلیلی از نظریه‌ی سازه‌انگاری به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم و تخاصم طرفین پرداخته است.

البته نگارندگان در ضمن ارائه‌ی این نگرش تحلیلی برای ریشه‌یابی دلایل شکل‌گیری و ماندگاری تخاصم و تقابل مابین جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی سعی در پاسخگویی به پرسش‌های دیگری نیز می‌باشد که عبارتند از؛ مبانی سیاست خارجی طرفین مخاصمه نسبت به یکدیگر چه بوده است؟ روابط خصمانه‌ی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در چه سطوحی و به چه میزانی در جریان بوده است؟ افزایش حجم و تداوم تهدیدات متقابل طرفین چه پیامدهایی را برای جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی و

منطقه‌ی خاورمیانه به همراه داشته و خواهد داشت؟ در واقع این مقاله در تلاش است که با خدمت گرفتن نظریه‌ی سازه‌نگاری، زوایای مختلف مناسبات طرفین مخاصمه را بررسی نماید. با ارائه‌ی نظریه‌ی سازه‌نگاری می‌توان ضمن تبیین سیاست خارجی متقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، برخی کمبودها و ضعف‌های موجود در ادبیات مربوط به موضوع را برطرف کرد. بدین‌منظور در ابتدا به تشریح نظریه‌ی سازه‌نگاری و تحلیل سیاست خارجی متقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی پرداخته و در ادامه بر این باور هستیم که برای بررسی مناسبات خصمانه طرفین ضرورت دارد که جنبه‌های مختلف روابط را با رویکردهای نظری مختلف مورد بررسی قرار دهیم و بالاخره این‌که در این مقاله پیگیر آن هستیم که توصیه‌هایی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به‌ویژه در مقابله با رژیم صهیونیستی و جریان مقاومت ارائه نماییم.

طرح موضوع

هدف این پژوهش بررسی روابط و تنش‌های مابین جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در طی سال‌های (۱۳۹۰ - ۱۳۵۷) بر اساس مدل سازه‌نگاری می‌باشد. در ابتدا برای روشن‌تر شدن بحث، دیدگاه سازه‌نگاری را مورد بررسی قرار داده و سپس به ارزیابی سیاست خارجی متقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی از منظر این دیدگاه می‌پردازیم و در پایان نیز جنبه‌های مختلف این روابط را در بستر رویکردهای مختلف مخاصمه محور مورد تحلیل قرار خواهیم داد.

علل انتخاب موضوع

- ۱) در خصوص موضوع مورد بررسی کتب و مقالات زیادی به زبان فارسی، عربی و لاتین منتشر شده است، اما در حوزه‌ی بررسی موضوع از دیدگاه نظری اقدامات محدودی صورت گرفته است که نگارنده با آگاهی از این موضوع در نوشتار حاضر، در پی تحلیل سازه‌نگارانه‌ی روابط جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی برآمده است.
- ۲) تلاش نگارنده در شناساندن مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی.

۳) تلاشی جدید در راستای شناخت تهدیدات رژیم صهیونیستی.

سؤال اصلی

- سؤالات بنیادین در این پژوهش، ضمن جستجوی چستی و چگونگی عوامل مؤثر بر سیاست خارجی ایران و رژیم صهیونیستی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این است که:
- ۱) آیا اتخاذ رویکرد ایدئولوژیک مبتنی بر هویت‌های سازه‌انگارانه، در نوع مناسبات جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی مؤثر بوده است؟
 - ۲) آیا تداوم روابط خصمانه‌ی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی بر مبنای رابطه‌ی ساختار و کارگزار تأثیری بر تغییر شکل مداوم ساختارهای منطقه‌ای داشته است؟
 - ۳) آیا انتخاب هویت‌های سازه‌انگارانه بر جهت‌دهی به منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی تأثیری داشته است؟

فرضیات

- ۱) با توجه به برون داد هویت‌های انقلابی و اسلامی در بدو پیروزی انقلاب اسلامی ایران و متعارض بودن آن با مبانی اندیشه‌گانی رژیم صهیونیستی مناسبات از مدار تعامل محوری به تقابل محوری منتقل گردید.
- ۲) مناسبات بر محور تقابل و تخاصم جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در طی سه دهه‌ی گذشته منجر به شکل‌گیری دو ساختار منطقه‌ای یعنی مقاومت و سازش گردید.
- ۳) تخاصم و تهدیدات متقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی بر اساس هویت‌های سازه‌انگارانه جایگاه اساسی و تعیین‌کننده‌ای را در سوگیری منافع و امنیت ملی طرفین داشته و دارد.
- ۴) نگرش‌های سازه‌انگارانه‌ی بنیادی‌ترین نقش را در فرایند تنش و منازعه‌ی میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی ایفا می‌کنند.

روش و گرایش تحقیق

این پژوهش در فرآیند دستیابی به آزمون فرضیه‌ها به کار بست روش و گرایش زیر خواهد پرداخت: برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از روش‌های مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی با بهره‌گیری از اینترنت، مجلات و مقالات مختلف، استفاده شده است. گرایش تحقیق در جمع‌بندی و بررسی مطالب پژوهش و استنتاج از آنها بر اساس روش توصیفی و تحلیلی داده‌ها و نیز تاریخی است.

سازماندهی پژوهش

- کلیات روش تحقیق (شامل بیان روش‌شناسی تحقیق و طرح تحقیق)؛
- چارچوب تحلیلی سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل؛
- برساختگی هویت جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌الملل؛
- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی؛
- مناسبات خصمانه‌ی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی.
- نتیجه‌گیری

چارچوب تحلیلی سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل

سازه‌انگاری^۱، از نظریاتی است که پس از جنگ سرد مطرح شده است. این نظریه برداشت‌ها و فهم‌های جدیدی از برخی مفاهیم مطرح در روابط بین‌الملل از جمله آنارشی، موازنه‌ی قوا، رابطه‌ی هویت و منافع، رابطه‌ی ساختار و کارگزار و تغییر در جهان سیاست ارائه می‌کند. از نویسندگان سازه‌انگار می‌توان به الکساندر ونت، جان راگی، فردریک کراتو چویل، نیکلاس اونف و ندهاف اشاره نمود (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

نگرش پژوهشی سازه‌انگاری بر مفاهیمی چون نقش فرهنگ و هویت در سیاست جهان و تئوریزه کردن سیاست و فرهنگ داخلی در نظریات روابط بین‌الملل، به‌طور اخص متمرکز بوده است. تأکید سازه‌انگاری بر نقش فرهنگ و هویت در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی، توجهات را به‌سوی رویارویی فرهنگ‌ها و نقش فرهنگ در بروز منازعات مابین دولت‌ها جلب

1.- Constructivism

کرده است. دولت‌ها، بر اساس هویت‌شان، دشمنان، رقبا و دوستان خود را درک می‌کنند و در این فرآیند، هویت خود را تعریف و باز تعریف می‌نمایند (یزدان فام، ۱۳۸۶: ۷۳۷ - ۷۳۶). به عبارتی این هویت‌های متفاوت، متضاد و متحول، به منافع و رفتارهای کنش‌گران شکل می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۳۳). بنابراین، برای فهم این که چرا کنش‌گران به منازعه با یکدیگر می‌پردازند یا اقدام به همکاری می‌نمایند، باید به بررسی این موضوع پرداخت که دولت‌ها چه تصویری از منافع خویش و محیطی که در آن زندگی می‌کنند، دارند؛ چگونه این تصویر تبدیل به خط‌مشی‌های سیاسی و دفاعی مشخص می‌شود (در سیاست خارجی) و چگونه اندر کنش‌های دولت‌ها شکل‌دهنده‌ی نتایج در روابط بین‌الملل هستند. ترکیبی از این تصورات و کنش‌ها منجر به منازعه و ترکیبی دیگر منجر به همکاری می‌شود (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۵۳). از سوی دیگر، نکته‌ای که سازه‌انگاران بر آن تأکید می‌کنند، تأثیر متقابل نظام‌های داخلی و بین‌المللی بر یکدیگر است. از نظر آنها انتظارات بین‌المللی بر منافع، سیاست‌های داخلی و هویت بازیگران تأثیر دارد و در مقابل، انتخاب‌های بازیگران ملی نیز بر ساختارهای بین‌المللی تأثیر می‌گذارد (عباسی، ۱۳۸۳: ۵۴۴). به‌طور خلاصه می‌توان گفت که سازه‌نگاری مبتنی بر سه گزاره‌ی مهم هستی‌شناسانه^۱ است که عبارتند از:

سازه‌گرایی هویت

هویت عبارت است از فهم‌ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویت‌ها به‌طور هم‌زمان به‌گزینه‌های عقلانی قوام می‌دهند و این الگوهای هنجاری سیاست بین‌الملل هستند، که به آنها شکل می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۳۲). هویت‌ها شخصی یا فردی نیستند و اساساً مفهومی اجتماعی به حساب می‌آیند و می‌توانند به‌صورت‌های متفاوتی شکل گرفته و در تعامل کنش‌گر با دیگران و در رابطه با دیگران تعریف شوند. هویت‌های سیاسی نیز پیوسته و وابسته به تعامل کنش‌گران سیاسی با دیگران در چارچوبی غالباً نهادی است. از آن‌جا که هویت دولت و هویت ملت در رابطه با دیگر ملت‌ها و دولت‌ها شکل گرفته و تعریف می‌شود،

هویت کنش‌گران سیاسی نیز در روابط آنها با واحدهایی که خارج از مرزهای سرزمینی آنها قرار دارند، تعریف می‌شود (سازمند، ۱۳۸۴: ۴۱). از این نقطه نظر الکساندر ونت چهار تعبیر را برای هویت برشمرده است؛ نخست اینکه، هویت‌ها معانی جمعی قوام بخش ساختارهایی هستند که به کنش‌های ما سازمان می‌بخشند، دوم اینکه، کسب هویت ناشی از مشارکت در این معانی جمعی است، سوم اینکه، هویت ذاتاً امری نسبی و رابطه‌ای است. در نتیجه اهمیت یک هویت خاص و تعهد به آن امری ثابت نیست و چهارم این‌که هویت‌ها بنیان منافع هستند و منافع مستقل از زمینه‌ی اجتماعی وجود ندارد و در هر موقعیت تجربه‌شده‌ای، معنای آنها و در نتیجه منافع مربوطه ساخته می‌شود (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۲۲).

پس از تبیین مفهومی سازه‌انگارانه از هویت، باید اشاره داشت که در مقابل جریان اصلی در روابط بین‌الملل که هویت کنش‌گران را در نظام بین‌الملل، مفروض و ثابت قرار می‌دهند، سازه‌انگاران بر «برساخته بودن» هویت کنش‌گران تأکید داشته و اهمیت هویت را در خلق و شکل‌گیری منافع و کنش‌ها مطرح می‌کنند. کنش‌گران از این منظر به شکل اجتماعی قوام می‌یابند و هویت‌های آنها محصول ساختارهای اجتماعی بین‌الذهانی می‌باشد (مشیرزاده، ۱۳۸۳ الف: ۱۷۶). به این ترتیب مفاهیمی مانند حاکمیت و برابری دولت‌ها در نظام بین‌الملل برساخته‌هایی اجتماعی هستند که به شکل‌گیری هویت‌ها و منافع کنش‌گران کمک می‌کنند. این برداشت به معنای آن است که هویت و منافع را باید به‌عنوان متغیرهای وابسته‌ای دید که خود محتاج توضیح هستند و نمی‌توان آنها را مسلم انگاشت. هم‌چنین به معنای آن است که برداشت کنش‌گران از خود منافع و اهداف‌شان امری تغییرپذیر است (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۲۴).

در این رابطه ونت نیز صراحتاً اشاره می‌کند که هویت‌ها و منافع دولت‌ها در تعامل با یکدیگر شکل می‌گیرند. ونت با پیروی از استاد خود - اونف - معتقد است که «هویت‌ها و

منافع، برساخته‌های اجتماعی بوده و از طریق شناخت بین‌الذنهانی شکل گرفته و حاصل فرآیند تعامل می‌باشند» (سازمند، ۱۳۸۴: ۴۲).

رابطه‌ی کارگزار و ساختار^۱

سازه‌انگاران به تأثیر متقابل ساختار و کارگزار معتقد بوده که در معنایی کلان‌تر به ترکیبی از نقش ساختار نظام بین‌الملل و واحدها نیز اعتقاد دارند. از دید سازه‌انگاران چون ونت، ساختارهای اجتماعی نتیجه‌ی پیامدهای خواسته و ناخواسته کنش انسانی هستند و در عین حال همان کنش‌ها یک بستر ساختاری تقلیل‌ناپذیری را مفروض می‌گیرند، یا این بستر به‌عنوان میانجی برای آنها عمل می‌کند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۲۵). ونت در ادامه تأکید دارد که هویت‌ها «حلقه‌ی اصلی» در قوام متقابل کارگزار و ساختار هستند و اونها چنین نقشی را در قواعد جستجو می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۳ الف: ۱۷۸). اونها بر این اعتقاد است که قواعد در فرآیند قوام‌بخشی متقابل اشخاص و جوامع نقش محوری دارند. قواعد هستند که کارگزاران را بر اساس ساختارها و ساختارها را بر اساس کارگزاران تعریف می‌کنند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۲۶).

بنابراین، سیاست بین‌المللی قلمروی اجتماعی تلقی می‌شود که ویژگی‌های آن، نهایتاً از طریق ارتباطات و تعامل میان واحدهای آن تعیین می‌شود. نظام بین‌الملل جامعه‌ای است که کنش‌گران در آن با یکدیگر تعامل می‌کنند و این تعاملات نیز بر اساس قواعد و هنجارهایی صورت می‌گیرد که جنبه‌ی بین‌ذهنی دارند. این جامعه مانند هر جامعه‌ی دیگری به اشخاص/کنش‌گران قوام می‌بخشد و در عین حال اعمال اشخاص/کنش‌گران است که به آن شکل می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۳ الف: ۱۸۰).

در واقع، این هنجارها به دو صورت کلی بر رفتار کارگزاران (دولت‌ها و یا افراد) تأثیر می‌گذارند. نخست، هنجارها مانند قواعدی عمل می‌کنند که هویت را تعیین می‌کنند یا ساخت می‌دهند^۲. در حالت دوم، هنجارها نقش تنظیم‌کننده^۳ رفتار کارگزاران را ایفا می‌کنند.

1 - Agent-structure

2 - Constitute

3 - Regulative

پس می‌توان گفت هنجارها تأثیر سازنده یا تکوینی^۱ و تنظیمی^۲ بر رفتارهای کارگزاران دارند. تأثیر تکوینی تأثیری سازنده است، اما تأثیر تنظیمی قانونی علی^۳ می‌باشد. تأثیر تکوینی بدین معناست که چگونه ویژگی‌های «الف» سازنده‌ی آن چیزی که «ب» هست، می‌باشد. اما تأثیر علی و تنظیمی بدین معناست که دگرگونی در وضعیت «ب» نتیجه‌ی دگرگونی در وضعیت «الف» است که مستقل از «ب» وجود دارد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۵۵).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت، از نظر سازه‌انگاران، ساختار و کارگزار به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند. ساختارها به‌عنوان پدیده‌هایی نسبتاً پایدار با تعامل متقابل است که خلق می‌شوند و بر اساس آنها کنش‌گران هویت‌ها و منافع خود را تعریف می‌کنند. ساختار جدا از فرایند یعنی جدا از رویه‌های کنش‌گران وجود ندارد (مشیرزاده، ۱۳۸۳ ب: ۱۲۳). در همین راستا، نظریه‌پردازان دیگری چون راگی و کراتوچویل بیان می‌دارند که ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل همیشه ثابت نیست و قابلیت تغییر شکل و عوض شدن به‌صورت ساختاری دیگری را دارا می‌باشند (سازمند، ۱۳۸۴: ۴۴).

در مجموع، دیدگاه سازه‌انگاران در مورد رابطه‌ی کارگزار و ساختار را می‌توان بدین صورت تشریح نمود: نخست این‌که، ساختارهای سیاست بین‌الملل برآیند تعاملات اجتماعی هستند، دوم این‌که، دولت‌ها سوژه‌هایی ایستا نیستند، بلکه کارگزارانی پویا می‌باشند، سوم این‌که، هویت‌های دولتی اموری مسلم و ثابت نیستند، چهارم این‌که، هویت‌های دولتی از طریق رویه‌های پیچیده و متداخل (و اغلب متناقض) تاریخی (باز) قوام می‌یابند. در نتیجه، سیال، بی‌ثبات و به‌طور دائم در حال دگرگونی هستند، پنجم این‌که، تمایز میان سیاست داخلی و بین‌المللی امری موقت و ناپایدار است و ششم این‌که، تصمیم‌گیری کنش‌گران در سیاست بین‌الملل مبتنی بر این است که چگونه جهان به‌نظرشان می‌رسد و نقش خود را در آن چگونه تلقی می‌کنند (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

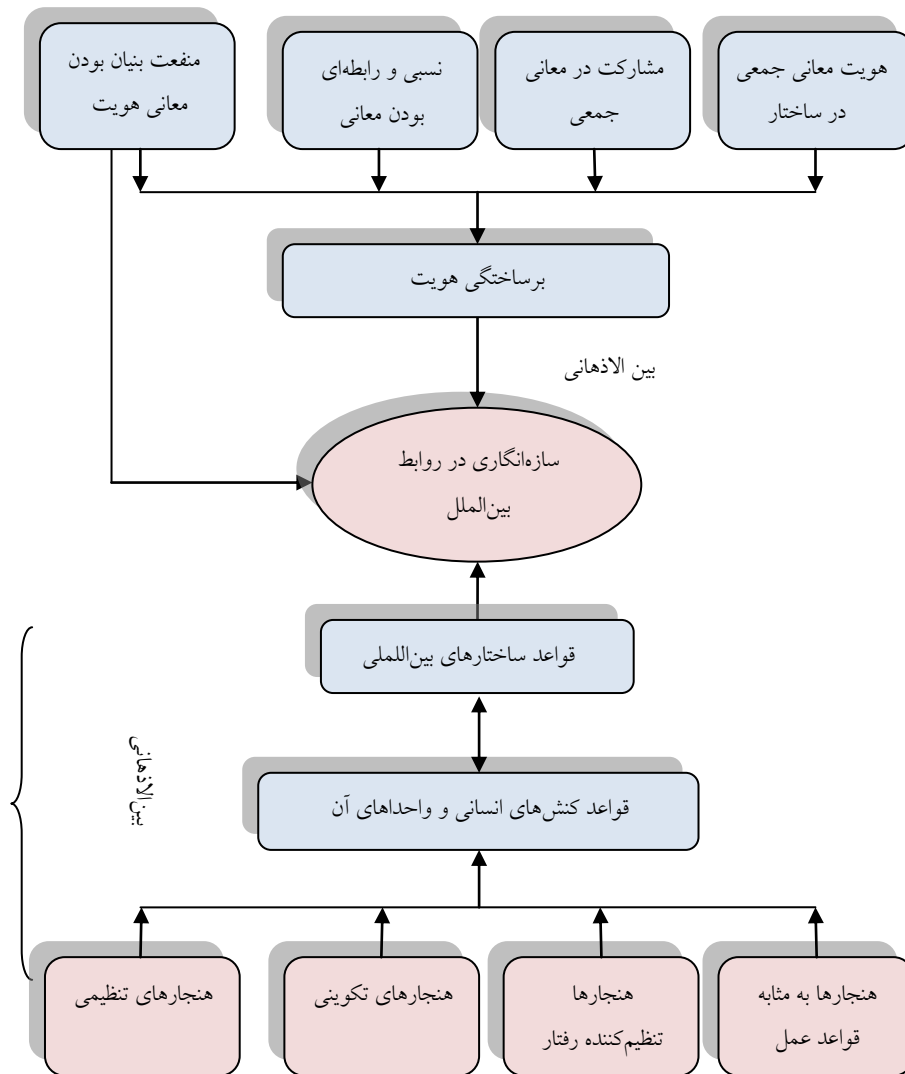
-
- 1 - Constitutive
 - 2 - Regulative
 - 3 - Casual
 - 4 - What it is

در انتها باید اشاره داشت که، سازه‌انگاران به نقش و جایگاه دولت در نظام بین‌الملل پرداخت ویژه‌ای دارند، چنان‌چه از دیدگاه ونت، به‌رغم کاهش اثر دولت‌ها و افول نسبی سطح نفوذ آنها در ساختار نظام بین‌الملل، دولت‌ها همچنان مهم‌ترین بازیگران عرصه‌ی بین‌المللی باقی خواهند ماند.

کار ویژه‌ی هویت در شکل دادن به منافع

از دید سازه‌انگاران، هویت، منافع دولت‌ها را شکل می‌دهد و منافع سرچشمه‌ی اقدام‌ها و به‌وجودآورنده‌ی کنش‌ها می‌باشد (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۹). به‌عبارت دیگر، هویت‌ها و هنجارها هستند که دولت‌ها را ساخت می‌دهند و موجب می‌شوند آنها فهمی از منافع‌شان به‌دست آورند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۵۴). در همین راستا، ونت معتقد است که هویت‌ها اساس منافع هستند. منافع، از قبل تعیین شده نیست؛ بلکه در فرایند تعامل واحدها شکل می‌گیرد (سازمند، ۱۳۸۴: ۴۴). وی هم‌چنین هویت و منافع دولت‌ها را ثابت ندانسته و تحول و تغییر آنها را از سه طریق نهاد حاکمیت، تحول همکاری بین دولت‌ها و تغییر عمده‌ی هویت ممکن می‌داند (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۲۴). این یعنی این‌که، منافع، ناشی از روابط اجتماعی است و نمی‌توان به شکلی ماقبل تعاملی / ماقبل اجتماعی از منافع سخن گفت (مشیرزاده، ۱۳۸۳ الف: ۱۸۰).

بنابراین، در برداشت سازه‌انگاران از روابط بین‌الملل، دولت یک کنش‌گر اجتماعی است؛ پس هویت و منافع آن از قبل تعیین شده نیست و در بستری از قواعد اجتماعی عمل می‌کند و محیط داخلی و محیط بین‌المللی مجموعه‌ی قواعدی را بر آن بار می‌کنند که به هویت آن شکل می‌دهد و منافعش را از این طریق تعیین می‌کند (سازمند، ۱۳۸۴: ۴۴). در ذیل مدل تحلیل نظریه‌ی سازه‌گرایی ارائه می‌شود:



شکل شماره ۱- مدل مفهومی تحقیق

برساختگی هویت جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌الملل

از رهیافت‌های مهم در حوزه‌ی روابط بین‌الملل که می‌توان از آن در تحلیل سیاست خارجی کشورها استفاده کرد، رهیافت سازه‌انگارانه می‌باشد. این رهیافت، بر سرشت

برساخته‌ی روابط بین‌الملل، اهمیت قواعد، هنجارها، رویه‌ها و نهادها در شکل دادن به هویت‌های کنش‌گران و اهمیت آن در شکل دادن به منافع و سیاست‌ها، تأکید دارد (سازمند، ۱۳۸۴: ۴۵). برای تحلیل سیاست خارجی کشورها از منظر سازه‌انگاری می‌بایست، هنجارها و قواعد هویت‌ساز را در دو بُعد داخلی و بین‌المللی مورد تبیین قرار داد. نیکلاس اونف، معتقد است که هویت، فرهنگ، هنجارها و قواعد، هم در سطح داخلی و با تعامل افراد و گروه‌ها و در درون نهادها و گفتمان‌های داخلی شکل می‌گیرند و هم در سطح بین‌الملل و در تعامل دولت‌ها با سایر دولت‌ها، تجربه‌های بین‌المللی و نهاد‌های بین‌المللی (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۳۴).

در مجموع نگرش سازه‌انگاران در حوزه‌ی سیاست خارجی موارد ذیل را مورد تأکید قرار می‌دهد: نخست این‌که، سیاست خارجی یک کشور (شامل رویه‌های گفتمانی و غیرگفتمانی آن) نقشی تعیین‌کننده در جایگاه آن کشور در نظام بین‌الملل، الگوهای دوستی و دشمنی با آن و امکانات آن برای تأثیرگذاری در سطح نظام بین‌الملل دارد، دوم این‌که، هیچ سیاست خارجی‌ای نمی‌تواند موفق باشد، مگر آن‌که در چارچوب اجماع بین‌المللی و یا منطقه‌ای تدوین شود یا بتواند به چنین اجماعی برسد، سوم این‌که، چارچوب‌بندی مفهومی و زبانی مناسب برای بیان اهداف و خواسته‌ها باید در کانون توجه سیاست‌گذاری خارجی باشد، چهارم این‌که، لزوم توجه به‌بستر تعاملات بین‌المللی از ارکان موفقیت سیاست خارجی است، پنجم این‌که، جایگاه قدرت کشورها در این‌که چه اهدافی را می‌توانند برای سیاست خارجی خود تعیین و دنبال کنند مؤثر است، ششم این‌که، همکاری بین‌المللی از راه‌های افزایش قدرت است، هفتم این‌که، تغییر رفتار دوستانه یا خصمانه‌ی سایر کنش‌گران نسبت به یک کشور تا حد زیادی وابسته به تغییر زبان و رفتار آن کشور است (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۴۱). در این قسمت نوشتار، تمرکز بر نقش ارزش‌ها و هنجارهای داخلی در شکل دادن به هویت و رویکردهای اساسی سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، چارچوبی جدید در رفتار ایران در حوزه‌ی سیاست خارجی مشاهده گردید. در تحلیل رفتارهای نظام جدید، نقش و اهمیت ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی و انقلابی بسیار حائز اهمیت است. طبق دیدگاه سازه‌انگاران، هنجارها و

ارزش‌های فرهنگی و مذهبی از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های منافع ملی محسوب شده و نقش مهمی را در تعیین منافع ملی و جهت‌گیری سیاست خارجی یک کشور ایفا می‌کنند (سازمند، ۱۳۸۴: ۴۶). بنابراین، با دیدگاه سازه‌انگارانه وقتی که ما از «انقلاب اسلامی ایران» صحبت می‌کنیم، سه صفت «انقلابی»، «اسلامی» و «ایرانی» که علی‌الاصول تعیین‌کننده‌ی مجموعه‌ی هنجارها و ارزش‌هایی هستند که بیش از همه یا شاید به شکل مشخص‌تری هویت جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و می‌توان گفت که این سه رویکرد، تعیین‌کننده‌ی منافع و اهداف سیاست خارجی و تعیین‌کننده‌ی چگونگی هدایت سیاست خارجی هستند. در ادامه این مکتوبه به تفصیل به نقش و جایگاه سه رویکرد مورد اشاره، قواعد، اصول و هنجارهای مؤثر بر باز تولید هویت‌های جمهوری اسلامی ایران پرداخته خواهد شد.

رویکرد انقلابی (هویت استعمارستیزی)

یکی از وجوه بسیار مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی، حفظ وجهه‌ی انقلابی سیاست خارجی است. این وجهه‌ی انقلابی در حقیقت تکوین‌یافته‌ی یکی از عناصر هویتی ایران اسلامی یعنی هویت استعمارستیزی است. هویتی که در حقیقت، خواهان استقلال واقعی و اصالت فرهنگی در سطوح ملی و فرا ملی است. بر اساس این نگرش هویتی، نظام بین‌الملل از نظر تاریخی و فرهنگی در بر دارنده‌ی رویکردها و رفتارهای استعمارگرانه‌ی کشورهای غربی است. بر این اساس، طبیعی است نگرش ایدئولوژیک و انقلابی ایران که منبعث از هویت استعمارستیزی است با جریان غالب نظام بین‌الملل موافق نبوده و این ساختار را به چالش کشاند (رمضانی، ۱۳۸۱: ۶۴-۶۲). اما مهم‌ترین کارویژه‌ی رویکرد انقلابی، پیگیری اصل صدور انقلاب اسلامی بوده است. در واقع، اصل صدور انقلاب به اصل وحدت جهان اسلام، ایده‌ی شکل‌گیری امت واحده اسلامی، ارزش عدالت و گسترش آن و پیشبرد ایده‌های اسلامی برمی‌گردد (سازمند، ۱۳۸۴: ۴۹). چنانچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصل صدور انقلاب اسلامی به بیان‌های مختلفی آورده شده است: «سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری»، «حمایت از مبارزه‌ی حق‌طلبانه‌ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه‌ی جهان»،

«انقلاب و اتحاد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام» و دفاع از حقوق همه‌جانبه‌ی مسلمانان، «تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱: ۶۹). هم‌چنین حضرت امام خمینی^(ره) نیز در رابطه با صدور انقلاب اسلامی فرمودند: «ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم، ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم ... تمام قدرت‌ها و ابر قدرت‌ها کمر به نابودی‌مان بسته‌اند و اگر در محیطی در بسته بمانیم، قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد» (سازمند، ۱۳۸۴: ۴۹).

رویکرد اسلامی (هویت اسلام شیعی)

رویکرد اسلامی، نه تنها در تکوین انقلاب، بلکه در وجه انقلابی سیاست خارجی نیز تأثیر گذارده بود. در فرهنگ اسلامی، مفاهیم برخاسته از اسلام، اصول، قواعد اخلاقی و فقهی اسلام و اصول و قواعد حقوقی اسلام، همگی در شکل دادن به هویت اسلامی ایران نقشی مؤثر داشته‌اند. این قواعد و اصول عبارتند از: نفی سبیل، عزت، حفظ استقلال، حفظ دارالاسلام و ... که به برخی از آنها در ذیل اشاره خواهد شد.

حفظ دارالاسلام

دارالاسلام، عبارت است از کلیه‌ی کشورهایایی که در آن‌جا قوانین و مقررات اسلام اجرا می‌گردد و تحت نظام حکومتی اسلامی اداره می‌شوند ... ملاک اصلی، وجود حکومت و نفوذ احکام آن خواهد بود. بر این اساس، ملاک امت اسلامی می‌تواند احکام و ارزش‌های اسلامی (حفظ ارزش‌ها بر حفظ نظام ارجح است)، حضور فیزیکی مسلمانان و حکومت اسلامی باشد. هر کدام از این محورها مبنای باشد، نوع روابط خارجی دارالاسلام متفاوت خواهد بود. برای مثال، اگر مسلمانان در شرایط حکومت اسلامی نبودند، اما در آداب و رسوم خود آزادانه عمل نمودند، وضعیت شکل‌گیری دارالاسلام و یا امت واحده، متفاوت خواهد بود. پس نتیجتاً حفظ دارالاسلام از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود و بنابراین، مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصل سیاست خارجی اسلام نیز باید حفظ موجودیت و کیان کشور و نظام اسلامی در وهله‌ی اول باشد.

عزت، حفظ استقلال و نفی سبیل

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول شکل‌دهنده‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، عزت و اقتدار اسلام و دولت اسلامی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول «۱۵۲» و «۱۵۳» بر نفی سلطه‌پذیری و حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور تأکید داشته و اعطای هرگونه قراردادی را که موجب سلطه‌ی بیگانه بر شئون کشور شود، منع کرده است. در اصل ۱۵۲ آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابر استوار است». هم‌چنین اصل ۱۵۳ نیز گویای همین امر می‌باشد: «هرگونه قراردادی که موجب سلطه‌ی بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی، ارتش و شئون کشور گردد، ممنوع است» (قانون اساسی ج. ۱. ا، ۱۳۷۱: ۹۶).

مصلحت

از دیگر اصول محوری شکل‌دهنده‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، حفظ مصلحت دولت اسلامی است. حفظ مصلحت و بقای دولت در چارچوب ایدئولوژی اسلامی بدین معناست که، بقا فقط بقای دولت سرزمینی نیست؛ بلکه حفظ ارزش‌ها و قواعد اسلامی، سنت‌های فرهنگی اسلامی و جلوگیری از نفوذ بیگانه در آنهاست (سازمند، ۱۳۸۴: ۴۸).

اما در حقیقت اصل مصلحت در رویکرد اسلامی در طی دهه‌ی اول انقلاب بستر ارائه‌ی نظریه‌ی «ام‌القرآ» را به تدریج فراهم آورد. نظریه‌ی ام‌القرآ، مطابق دیدگاه حضرت امام خمینی^(ره) مبین چند نقطه نظر می‌باشد. نخست این‌که، وظیفه‌ی هر فرد مسلمان در درجه‌ی اول حفظ ایران اسلامی است؛ دوم این‌که، حکومت ایران، حکومت اسلامی است؛ زیرا در رأس امور ولی فقیه است، ما خود را مسئول رفع مشکلات همه‌ی مردم مسلمان جهان نمی‌دانیم، بلکه دلسوزانه و حتی المقدور مساعدت می‌کنیم؛ سوم این‌که، کشوری ام‌القرآی جهان اسلام می‌شود که دارای رهبری گردد که در حقیقت لایق رهبری کل امت باشد و چهارم این‌که، در تعارض مابین مصالح حکومت ام‌القرآ و ولایت جهان اسلام، همواره مصالح امت اولویت دارد، مگر هستی ام‌القرآ که حفظ آن بر

همه‌ی امت (و نه تنها ام‌القرآ) واجب است (غزایاق زندی، ۱۳۸۷: ۲۹۷). بر این اساس، به‌نظر می‌رسد اتخاذ رویکردهای انقلابی و اسلامی در حوزه‌ی هویتی و خصوصاً سیاست خارجی بدون در نظر گرفتن رویکردهای ملی‌گرایانه، حرکت به سوی رفتاری سازه‌انگارانه را در برنخواهد داشت. در ادامه به اختصار، رویکرد ملی‌گرایانه‌ی مورد تدقیق و بازبینی قرار می‌گیرد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌رغم ثبات برخی از عوامل مؤثر بر سیاست خارجی، به‌دلیل حمایت از آرمان وحدت اسلامی، تکیه بر هویت اسلامی و ماهیت اسلامی دولت، تعقیب اهداف اسلام‌گرایانه، حمایت از صدور انقلاب و به‌چالش کشیدن ساختارها، هنجارها و نهادهای بین‌المللی، در قبال رژیم صهیونیستی دچار دگرگونی و تغییرات اساسی شد و حالت منازعه‌جویانه به خود گرفت (فرزانه پور، ۱۳۸۸: ۱۵۰). در مقابل، راهبرد رژیم صهیونیستی در بُعد سیاست خارجی، تحت تأثیر بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران و سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت ایران علیه رژیم صهیونیستی قرار گرفت. رژیم صهیونیستی در ابتدا تصور می‌کرد که نظام جمهوری اسلامی ایران دوام زیادی نداشته و مناسبات دو کشور به‌عنوان متحدان طبیعی مجدداً برقرار خواهد شد. اما این مناسبات خصمانه که از سال ۱۹۷۹ آغاز شد، تاکنون تداوم داشته است (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۱۶). در ابتدا اصول و مبانی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران بر شمرده می‌شود، سپس انگاره‌های فکری رژیم صهیونیستی مورد بررسی و مذاقعه قرار می‌گیرد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب بر اساس مخالفت‌های شعاری جدی علیه رژیم صهیونیستی بوده و ریشه در احساس وظیفه‌ی دینی و انسانی بوده است. البته می‌توان مبنای مخالفت‌ها و تضادهای جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی را دارای جوهری ایدئولوژیک نامید (البته ادعای نگارندگان نیز همین است) که حتی سال‌ها پیش از انقلاب در سخنرانی امام خمینی^(ره) در واقعه‌ی پانزدهم خرداد شکل گرفت و پس از انقلاب، با

تمرکز و جزییات بیشتری تثبیت یافت. در چنین فرایندی رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس این وجوه ایدئولوژیک عمل کرده و منافع و امنیت ملی خود را در این چارچوب تعریف نموده است.

به‌طور کلی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و به‌ویژه در مورد رژیم صهیونیستی، جدا از ملاحظات ژئوپلیتیک و با ملاحظات دینی، انقلابی و ایدئولوژیک طراحی گردید. نگارنده با توجه به این ملاحظات، تغییر در مناسبات ایران و رژیم صهیونیستی را در پارادایم سازه‌نگاری، مورد توجه قرار داده است. مطابق این نظریه، باید به‌فهم این که دولت‌ها چه تصویری از منافع خویش و شرایط محیط اطراف خود دارند پرداخت. از دید سازه‌نگاران، هنجارها هستند که دولت‌ها را ساخت می‌دهند و موجب می‌شوند آنها فهمی خاص از منافع خود به‌دست آورند. در واقع، یکی از «دگرهای» عمده‌ی جمهوری اسلامی ایران که شکل‌دهنده‌ی هویت و یک کد اجتماعی^۱ خاص بود، ضدیت با رژیم صهیونیستی بود. این کد اجتماعی که نشان‌دهنده‌ی ترجیحات ارزشی حکومت است، موجب می‌شود تا یک دولت اقدام به کنش‌های خاص نماید. بنابراین، کنش‌های جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی (یا سیاست خارجی ایران در قبال رژیم صهیونیستی) در راستای پیشینه‌سازی، ترکیبی از این ارزش‌ها و ترجیحات ارزشی است. بدین معنا سیاست خارجی دیگر به‌معنای راهبرد‌هایی برای هدایت کنش‌های دولت در جهت پیشینه‌سازی مادیات صرف نیست، بلکه تلاشی است برای کسب آنچه که در عرصه جهانی خوب می‌پندارید (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۶۳).

بر همین اساس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی، می‌بایست به چارچوب و خطوط اصلی نگرش سازه‌نگارانه‌ی ایران به مسأله‌ی فلسطین و اعراب و رژیم صهیونیستی، اشاره نمود. این ساختار اساسی عبارت است از: نخست، تأکید بر هویت اشغال‌گری، توسعه‌طلبانه و غاصبانه‌ی رژیم صهیونیستی، دوم، پیگیری موضوع اخراج رژیم صهیونیستی از سازمان ملل با تأکید بر عدم وجود ماهیت تأسیسی و سیاسی،

1 - Social code

سوم، مذموم و محکوم دانستن هرگونه گفتگو و سازش با رژیم صهیونیستی خصوصاً از سوی سران کشور های اسلامی، چهارم، مخالفت علنی با مذاکرات صلح اعراب و رژیم صهیونیستی و اعتقاد به ناکارآمدی این نوع مذاکرات در تأمین حقوق حقه و مسلم مردم فلسطین و عدم شرکت در چنین کنفرانس‌هایی، پنجم، حمایت از مبارزه‌ی مسلحانه فلسطینی‌ها و مسلمانان بر علیه رژیم صهیونیستی که نمود عینی آن در حمایت از گروه‌های جهادی فلسطینی چون حماس و جهاد اسلامی و حزب الله لبنان قابل رؤیت می‌باشد، ششم، حمایت از حقوق فلسطینی‌ها خصوصاً حق بازگشت همه‌ی آوارگان به سرزمین‌های اصلی و ۱۹۶۷، هفتم، به‌کارگیری اصل عدالت و برابری در حل بنیادی مسأله‌ی فلسطین، چنان‌چه رهبری انقلاب در فرمایشات مکرر خود تنها راه‌حل عادلانه را برای فلسطینیان، برگزاری همه‌پرسی با حضور تمامی آوارگان فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی می‌داند، هشتم، تقبیح و محکوم شمردن، شناسایی و مشروعیت‌بخشی رژیم صهیونیستی از سوی کشورهای عربی و اسلامی و نهم، حمایت همه‌جانبه‌ی جمهوری اسلامی ایران از انتفاضه‌های اول، دوم و هرگونه قیام بر علیه رژیم صهیونیستی‌ها (اسدی، ۱۳۸۴: ۸۷-۹۲).

بر همین اساس، یکی از اقدامات اساسی در راستای برآورد نمودن این هویت حمایت جمهوری اسلامی ایران از فلسطین و مخالفت با رژیم صهیونیستی است. از این‌رو، سیاست بین‌الملل به یک عرصه‌ی رقابت ارزش‌ها می‌ماند که در آن حرکت‌ها کم‌تر توسط شرایط عینی و مادی محیطی و بیشتر توسط داوری‌های فردی دولت‌ها درباره‌ی آن شرایط تعیین می‌شوند. در این محیط تصورات و پندارهای دولت‌ها در مورد این که سره از ناسره چیست، می‌باشد که شکل‌دهنده‌ی کنش‌های‌شان است. به‌همین جهت برای بررسی بیشتر، اصول سیاست خارجی ایران و رژیم صهیونیستی در قبال یکدیگر را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در نهایت با توجه به مطالب اشاره شده رویکردهای نظام جمهوری اسلامی در قبال رژیم صهیونیستی را می‌توان در سه اولویت بیان داشت.

هولوکاست و نتایج آن

«هولوکاست» که در لغت به معنی قربانی، قربانی بزرگ و با آتش سوزاندن می‌باشد (امیری، ۱۳۸۳: ۲۰). به واژه‌ای ابزاری در جهت منافع صهیونیسم و مظلوم‌نمایی یهودیان تبدیل

شده است. جریان صهیونیسم طی سال‌های گذشته با تمام توان و تلاش در سراسر جهان در برابر هرگونه تشکیک در هولوکاست از سوی محققان و مورخان (روژه گارودی، دیوید ایروینگ و ...) و سیاست‌مداران مختلف جهان ایستاده است.

این مقاومت و ایستادگی گویای نکته‌ای مهم و اساسی در سرنوشت و حیات رژیم صهیونیستی است. آن هم این‌که؛ در مدل استعمار اسکانی رژیم صهیونیستی، مهاجرت رکن اصلی تداوم سیاسی - نظامی است و هرگونه اخلال در آن، این رژیم را با بحران «مهاجرت معکوس» مواجه می‌کند (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۰). صهیونیست‌ها در جهت نیل به این هدف از همه‌ی ابزار و امکانات خود بهره جستند اما کاربردی‌ترین ابزار آنها، سلاح هولوکاست بوده است. اولین کاربرد عملی هولوکاست را می‌توان در فرایند اعلام موجودیت رژیم غاصب صهیونیستی به‌وضوح مشاهده کرد. زمانی که بعد از پایان جنگ جهانی دوم انگلستان شعار تقسیم سرزمین‌های اشغالی بین فلسطینیان و یهودیان را مطرح نمود. صهیونیست‌ها با مطرح کردن افسانه‌ی هولوکاست و دروغ بزرگ کشته شدن شش میلیون یهودی از سوی آلمان نازی موفق شدند وجدان اروپا را تحت فشار نگاه پاکسازی نژادی و دینی قرار دهند و همبستگی دولت‌ها و جوامع غربی را برای ایجاد دولت صهیونیستی جلب کنند. همان‌گونه که در سطور پیشین هم اشاره شد. نگارنده بر این باور است که مهم‌ترین کاربرد هولوکاست تا به امروز در خدمت مهاجرت، روند تداوم آن و جلوگیری از مهاجرت معکوس یهودیان بوده است.

عدم به رسمیت شناختن موجودیت رژیم صهیونیستی

دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در مواجهه خود با رژیم صهیونیستی بر تنگ کردن محاصره‌ی دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی رژیم صهیونیستی در منطقه‌ی خاورمیانه تأکید فراوانی داشته‌اند. این راهبرد از آن‌رو توسط دولت‌های جمهوری اسلامی ایران به صورت پر رنگ دنبال گردیده که ایران در مقابل رژیم صهیونیستی در یک منازعه‌ی سازه‌انگارانه به سر می‌برد. در واقع، آن چیزی که می‌تواند سردمداران رژیم صهیونیستی را کاهش داده و از تأثیرگذاری آنان در تحولات منطقه‌ی خاورمیانه بکاهد عدم پذیرفته شدن مشروعیت رژیم صهیونیستی است. تا به امروز، از میان کشورهای مسلمان منطقه و جهان اسلام برخی کشورها چون؛ ترکیه، مصر و اردن روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی دارند و

بقیه‌ی کشورهای مسلمان هیچ‌گونه رابطه‌ی دیپلماتیک با آن رژیم غاصب ندارد (البته بعضی از کشورهای حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا همکاری‌های اقتصادی با رژیم صهیونیستی برقرار کرده‌اند). رژیم صهیونیستی در چند سال گذشته سعی کرده است تا با برقرار کردن روابط اقتصادی با کشورهای مسلمان منطقه از آن به‌عنوان مقدمه‌ای برای برقراری روابط دیپلماتیک استفاده نماید. طبیعی می‌نمود دولت نهم با شناخت این نقطه‌ی ضعف رژیم صهیونیستی از آن در مواجهه خود با رژیم صهیونیستی در چارچوب سازه‌انگاری، استفاده نماید.

حمایت همه‌جانبه از جنبش‌های مقاومت

در سطور گذشته‌ی این نوشتار به این مطلب اشاره شده بود که حمایت‌های مادی، معنوی و انسان‌دوستانه‌ی ایران از سوریه، حزب‌الله لبنان و جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی عامل مهمی در پایداری آنها در مقابل رژیم صهیونیستی بوده است. بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران با شناخت درست این واقعیت و منافع حیاتی آن، راهبرد خود را بر پایه‌ی حمایت از سوریه، حزب‌الله لبنان و جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی بنا نهاد. البته این رویکردهای حمایتی پس از سال ۲۰۰۵ تا به امروز افزایش چشم‌گیری داشته است. حمایت از حماس به‌عنوان دولت برآمده از اکثریت پارلمانی در فلسطین، حمایت از حزب الله در جنگ ۳۳ روزه، حمایت از جنبش‌های مقاومت در جنگ ۲۲ روزه‌ی غزه، حمایت از شکسته شدن حصر انسانی مردم غزه به‌صورت رسانه‌ای، تبلیغاتی، بشردوستانه و امدادی و دیپلماتیک (رضوی، ۱۳۸۷: ۲۳).

مبانی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی و ابزارهای آن

اصول و مبانی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی عبارتند از: نخست، تثبیت موجودیت دولت صهیونیست و گسترش عرصه‌ی مشروعیت آن در سطح جهان؛ دوم، تصفیه حساب با رژیم‌های عربی که از تسلیم کامل در قبال پیش شرط‌های رژیم صهیونیستی خودداری می‌ورزیدند؛ سوم، تقویت روابط راهبردی با ایالات متحده و اجرای سیاست‌های درهای باز اقتصادی در برابر بیشترین تعداد ممکن از کشورهای جهان؛ چهارم، تلاش برای ایجاد رژیم صهیونیستی بزرگ در عمق سیاسی - اقتصادی و راهبردی آن به‌جای پافشاری بر سر ایجاد رژیم صهیونیستی بزرگ در

چارچوب مرزهای دینی و توراتی؛ پنجم، نفوذ و استیلا بر تمام منطقه؛ ششم و از همه مهم‌تر، تعمیق و گسترش هژمونی خود در منطقه‌ی خاورمیانه، می‌باشد (امیری، ۱۳۸۳: ۶). بر این اساس به نظر می‌رسد، الگوی اصلی رژیم صهیونیستی برای اقدام در منطقه مبانی ایدئولوژیکی است که در بالا ذکر آن رفت؛ بنابراین، این رژیم برای محقق نمودن آن از ابزارهای خاصی استفاده می‌کند.

بنابراین، می‌توان گفت که مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی رژیم صهیونیستی برای تقابل با ایران، نفوذ آن بر سیاست‌های آمریکا نسبت به ایران از طریق لابی صهیونیسم می‌باشد. این نفوذ لابی صهیونیسم در آمریکا، تحت تأثیر متغیرهای متعددی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از فرهنگ وحدت‌گرا، توان سازمانی، سطح بالای فرهیختگی و نخبگی، نفوذ قوی در رسانه‌های جمعی و حضور مؤثر در کنگره و کابینه (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۱۵۲). در میان سازمان‌های یهودی فعال در این حوزه، نام ایپک یا کمیته آمریکایی امور عمومی رژیم صهیونیستی^۱ بیشتر از همه به چشم می‌آید و از عمده‌ترین اهداف این سازمان را می‌توان این چنین برشمرد: نخست، پیوندها و همکاری‌های امنیتی - راهبردی میان آمریکا و رژیم صهیونیستی؛ دوم، هماهنگ‌سازی سیاست‌های آمریکا با رژیم صهیونیستی در پیشبرد فرایند صلح میان رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها از جمله در قضیه‌ی پایتختی بیت‌المقدس و سوم، استمرار کمک‌های اقتصادی آمریکا به رژیم صهیونیستی و نیز توسعه‌ی همکاری‌های اقتصادی و فنی میان دو کشور (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

از این رو، با توجه به موارد ذکر شده‌ی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی بر اساس ملاحظات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک همواره بر تضعیف دائمی و تجزیه‌ی نیروهای منطقه‌ای از جمله ایران و جلوگیری از وحدت ایران با کانون‌های قدرت شکل گرفته است. رژیم صهیونیستی می‌کوشد تا ایران را به‌عنوان یک خطر حتی برای کل بشریت به دنیا معرفی کند. این که ایران یک دولت بنیادگرا، تروریست و مخالف صلح که به دنبال سلاح هسته‌ای است و برای تمدن غرب خطر جدی محسوب می‌گردد و راه مقابله با ایران را از طریق انزوا و محاصره‌ی انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌های مالی و ایدئولوژیکی و کشیدن انقلاب به سمت کشمکش‌های داخلی و اجماع

1 - The American Israel Public Affairs Committe (AIPAC)

کشورهای قدرتمند برای فشار بر ایران پیگیری می‌کند. در مجموع مشاهده می‌شود، تعارضات متقابل و روابط خصمانه از نگره‌های ایدئولوژیک نشأت می‌گیرند.

مناسبات خصمانه‌ی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی

همان‌طور که گفته آمده سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی دراری تقابلات آشکار می‌باشد و همین تقابل منجر به تهدیداتی در سطح منطقه شده است که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

ابعاد تهدیدات رژیم صهیونیستی بر علیه منافع حیاتی ایران

ماهیت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دولتی که خواهان آزادی سرزمین‌های اشغالی است و هرگونه توجیه مشروعیت رژیم صهیونیستی را غیرقابل قبول می‌داند، در تعارض با ماهیت رژیم صهیونیستی قرار دارد. صهیونیست‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی درصدد بودند که به‌گونه‌ای تدریجی مواضع و نگرش ایران را نسبت به الگوهای اولیه و ادراکی که نسبت به رژیم صهیونیستی به‌وجود آمده بود، تغییر دهند. اما گفتمان سازه‌انگاران‌هی انقلاب اسلامی که با ضدیت با آمریکا و رژیم صهیونیستی شکل گرفته بود تضاد با آنها را جزء هویتی خود قلمداد می‌کرد. در نتیجه‌ی این روند نوع برخورد و مواضع رژیم صهیونیستی از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد نسبت به ایران کاملاً خصمانه شد و در نتیجه نوع تهدیدات آن کشور تا حدی نسبت به گذشته دگرگون گردید.

از آن‌جا که نوع تهدیدات و شدت آن با توان ملی و سخت‌گیری سیاست خارجی کشورها پیوستگی دارد. مهم‌ترین تهدیدهایی که توسط رژیم صهیونیستی نسبت به جمهوری اسلامی ایران اعمال شده است، اشاره می‌گردد.

تهدید فرهنگی - سیاسی

خنثی‌سازی نگرش‌های ایدئولوژیک ضد صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران

از آن‌جا که مقابله با گسترش افکار صهیونیستی از اهداف جمهوری اسلامی ایران بوده و اصولاً انقلاب اسلامی در پی نابودی صهیونیسم سیاسی است، مواضع رهبران نظام در داخل و

مجامع بین‌المللی همواره بر مبارزه با تفکر نژادپرستانه‌ی صهیونیست‌ها تأکید داشته است. در واقع افکار عمومی بین‌المللی، نظام جمهوری اسلامی ایران را با مشخصه‌ی تقابل با صهیونیسم سیاسی و به تبع آن دولت رژیم صهیونیستی می‌شناسند (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۲۴). در چارچوب تأثیرگذاری فرهنگی در دوران موجود ابزارهای ارتباط جمعی رژیم صهیونیستی درصدد آن هستند که الگوی تفکر و نوع اندیشه‌های ایران را از وضعیت تعارض با آن کشور خارج کنند. رژیم صهیونیستی‌ها بر این امر واقفند که الگوی ایدئولوژیک و سازنده‌گرایی در برخورد با اهداف و سیاست‌های آن کشور، رفتار و نتایج خصمانه‌ای را به همراه خواهد داشت. در نتیجه، برای از بین بردن و یا کاهش این امر درصدد خنثی‌سازی تفکر ایدئولوژیک در جامعه‌ی ایران هستند (متقی، ۱۳۷۶: ۸۶).

ترویج فرهنگ غربی در ایران و منطقه

رژیم صهیونیستی بهترین روش برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران که دارای نگرش‌ها و رهیافت‌های سازه‌انگارانه و ایدئولوژیک‌محور است را، جایگزینی لیبرالیسم فرهنگی به جای فرهنگ ایدئولوژیک در داخل ایران و ما به‌ازای منطقه‌ای آن می‌داند (متقی، ۱۳۷۶: ۸۷). در چنین فرایندی وقتی، لیبرالیسم فرهنگی جایگزین فرهنگ ایدئولوژیک می‌گردد، طبیعتاً جامعه از سیاست‌های ایدئولوژیک فاصله خواهد گرفت. به‌عبارت دیگر، ایران شبیه دیگر کشورهای اسلامی (مانند عربستان و ترکیه) خطری برای رژیم صهیونیستی نخواهد بود. رژیم صهیونیستی به‌دنبال ترویج این ارزش‌ها در جامعه ایران است (سنیه، ۱۳۸۱: ۹۷-۹۶). صهیونیست‌ها با به‌کارگیری تبلیغات جهانی و گسترش فرهنگ غربی مبتنی بر لایبسم و لیبرالیسم ادبی و فرهنگی، در تلاش است افکار عمومی جهان اسلام خصوصاً ایرانیان را به‌گونه‌ای جهت دهد که به‌مرور زمان از فرهنگ اصیل اسلامی فاصله بگیرند (متقی، ۱۳۷۶: ۸۷-۸۶). رژیم صهیونیستی به‌خوبی آگاه است که توسعه‌ی الگوی ایدئولوژیک مبتنی بر فرهنگ اسلامی، در مردم ایران و منطقه در تعارض جدی با اهداف آنان قرار خواهد گرفت؛ از این‌رو، با بهره‌گیری از ابزار تبلیغاتی مانند؛ رسانه‌های دیداری و شنیداری، رسانه‌های سایبری، دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، رسانه - هنر سینما و تأثر و مطبوعات

مکتوب، به ترویج اباحی‌گری، فساد و فحشا و پیروی از الگوهای زندگی و رفتار غربی، به‌خصوص در میان جوانان مسلمان ایران و منطقه می‌پردازد (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۲۵).

سیطره بر منابع فرهنگی منطقه و جهت دادن آن علیه منافع جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اهمیت موضوع فرهنگ، صهیونیست‌ها در جهت نشر و ترویج آمال و اهداف خود، طی یک قرن اخیر کوشیده‌اند، مراکز علمی مهم و مشهور جهانی را تحت سیطره‌ی خود درآورند و با نخبگان، اندیشمندان، دانشجویان و اساتید مراکز علمی و دانشگاهی ارتباط برقرار کرده و نظر تأییدی آنان را به‌خود جلب کنند. صهیونیست‌ها سرمایه‌گذاری فراوانی برای نشر و گسترش کتب و نشریات آموزشی و دینی با محوریت اندیشه‌های لیبرالیستی و اومانیستی که اهمیت فوق‌العاده‌ای در تربیت فکری و روحی کودکان، نوجوانان و جوانان، نموده‌اند. از طرفی صهیونیست‌ها برای تثبیت این اندیشه‌ها و هم‌چنین ترویج اهداف خود و تبلیغ صهیونیسم جهانی از طریق کلیه‌ی رسانه‌های دیداری، شنیداری، دیجیتال و ... اقدام به بزرگ‌نمایی شخصیت‌ها و دانشمندان یهودی و صهیونیستی به‌همراه نظریات و اندیشه‌هایشان نموده است این روند و طریقه‌ی نفوذ فرهنگی، طی دو دهه‌ی گذشته در عمده‌ی مراکز فرهنگی، علمی و دانشگاهی کشورهای مسلمان خصوصاً خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز به‌صورت جدی پیگیری شده است (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۲۶). مهم‌ترین دغدغه رژیم صهیونیستی از این سطح نفوذ، جلوگیری از گسترش اسلام سیاسی منبعث از جمهوری اسلامی ایران است.

ترویج تفکرات ضداسلامی و سکولاریسم

باید اشاره داشت اقدامات فرهنگی، جایگاه خود را در درازمدت در یک بستر هویتی تثبیت خواهد کرد. اصولاً، تأثیرات فرهنگی متخاصم اگر در اعماق هویتی یک ملت و حاکمیت جای یابد، اهداف سیاسی و امنیتی دولت یا رژیم متخاصم را در موقعیت حداکثری تأمین خواهد نمود. بر همین مبنا، تهدید ناشی از اقدامات فرهنگی رژیم صهیونیستی در منطقه و رسانه‌های جهان، نسبت به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران «راهبردی» محسوب می‌شود. رژیم صهیونیستی در صدد است که الگوی تفکر و اندیشه سیاسی در ایران را از وضعیت

تعارضی با آن رژیم خارج کند (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۲۸). برای رژیم صهیونیستی که خود رژیمی با تفکری شبه مذهبی است، هدف اصلی در رفتار منطقه‌ای و در برخورد با ایران بر این امر قرار گرفته است که تفکرات دارای نگرش و رهیافت‌های ایدئولوژیک به تدریج صحنه‌ی قدرت سیاسی را ترک کنند (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۲۹).

تهدید اقتصادی

رژیم صهیونیستی به دلیل پیوندهایی که با مجموعه‌های مالی و صنعتی چند ملیتی دارد سه رویکرد عمده را برای تهدید و تضعیف اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تعقیب می‌کند: نخست این‌که، تضعیف اقتصادی ایران موجب تشتت داخلی و بی‌ثباتی سیاسی می‌گردد که این امر می‌تواند مهم‌ترین منبع قدرت جمهوری اسلامی ایران یعنی مشروعیت مردمی را خدشه‌دار نماید. دوم این‌که، جمهوری اسلامی ایران بدون پشتوانه‌ی قوی اقتصادی نمی‌تواند به تقویت نظامی خویش بپردازد، که این امر در درجه‌ی اول موجب کاهش تهدید نظامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی خواهد شد (البته بر طبق سیاست‌های اعلام شده فعالیت‌های نظامی ایران دفاعی است و نه تهاجمی) و در درجه‌ی دوم توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران را کاهش می‌دهد (نظری، ۱۳۸۹: ۴۳). سوم این‌که اگر جمهوری اسلامی ایران نتواند منابع اقتصادی گروه‌های جهادی فلسطین (حماس و جهاد اسلامی) و حزب‌الله لبنان را تأمین کند؛ عملاً رژیم صهیونیستی توانسته است در صحنه‌ی رقابت راهبردی منطقه‌ای بر جمهوری اسلامی ایران فائق آید. افزون بر موارد یاد شده رژیم صهیونیستی اگر بتواند در فرایند صلح ناعادلانه‌ی خاورمیانه موفق به برقراری صلح و ثبات در منطقه با تثبیت وجود و مشروعیت خود شود و همراه با آن اگر بتواند خود را از بند تحریم اقتصادی کشورهای اسلامی منطقه و جهان اسلام برهاند به قوی‌ترین قدرت اقتصادی منطقه تبدیل خواهد شد که این تهدید بسیار جدی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. (گروه نویسندگان، ۱۳۸۸: ۸۹).

تهدید نظامی - امنیتی

با توجه به توان هسته‌ای رژیم صهیونیستی در منطقه‌ی خاورمیانه و تعارض همراه با خشونت این رژیم، در مدت ۶۰ ساله‌ی گذشته، در برخورد با فلسطینیان و کشورهای پیرامون،

نتیجه گرفته می‌شود که برخورد این رژیم با جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند برخوردی صرفاً تبلیغاتی و غیرعملیاتی باشد. زیرا دشمنی رژیم صهیونیستی با ایران خشن‌تر از آن است که بین اعراب و رژیم صهیونیستی وجود دارد؛ از این‌رو، توانایی‌های اتمی و نظامی رژیم صهیونیستی تهدیدی حتمی برای امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. البته رژیم صهیونیستی هدف دیگری را نیز از توانمندسازی نظامی و هسته‌ای خود دنبال می‌کند. این هدف همانا راهبرد بازدارندگی می‌باشد. از دید استراتژیست‌های رژیم صهیونیستی، حفظ برتری نظامی در منطقه‌ی خاورمیانه، یکی از لوازم بازدارندگی می‌باشد، زیرا افزایش توان نظامی می‌تواند گروه‌های جهادی فلسطینی و کشورهای عرب همسایه را به لاک دفاعی ببرد.

تهدید جریان مقاومت

رژیم صهیونیستی در طی تمام سال‌هایی که سرزمین تاریخی فلسطینیان را اشغال نموده است، سعی در اعمال دکترین «بن‌گورین»، گسترش محدوده‌ی راهبردی، همسان‌سازی همسایگان پیرامونی، تثبیت‌سازی مفهوم «دایره‌ی خارجی» و اجرای راهبرد بازدارندگی داشته است (سنیه، ۱۳۸۱: ۱۱۷). البته رژیم صهیونیستی در سه دهه‌ی گذشته عمده‌ی مشکلات خود را در حوزه‌ی دایره‌ی خارجی و محیط پیرامونی با کشورهای عربی منطقه‌ی خاورمیانه به‌صورت مستقیم به‌مانند مصر و اردن و غیرمستقیم با عربستان، امارات، قطر، کویت، بحرین و ... حل و فصل نموده و در عمل به راهبرد بازدارندگی و دکترین بن‌گورین عمل نموده است. اما باحمایت همه‌جانبه‌ی ایران از حزب الله لبنان، گروه‌های جهادی حماس و جهاد اسلامی فلسطین و دولت سوریه، به‌عنوان حلقه‌های اصلی جریان مقاومت، اعمال دکترین بن‌گورین در محدوده‌ی راهبردی رژیم صهیونیستی امکان‌پذیر نگردید. (انبار، ۱۳۸۸: ۳۴۷). طبیعی است که رژیم صهیونیستی تلاش نماید تا خود را از این وضعیت و تهدید پیرامونی و راهبردی برهاند و فعالیت‌های خرد و کلان بسیاری را در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، نظامی، حقوقی، اقتصادی و ... برای شکستن حصر راهبردی‌اش به جریان اندازد.

تهدید نرم رسانه‌ای

از دیدگاه جریان صهیونیست‌ها، رسانه‌ها به مثابه مجراهایی آرمانی برای ترویج مدل توسعه و نوسازی غرب محور در پهنه‌ی کشورهای مسلمان خصوصاً جمهوری اسلامی ایران،

تلقی می‌شوند. مبتنی بر این چشم‌انداز، جریان محصولات تفریحی مانند فیلم، موسیقی و تلویزیون به درونی کردن برتری سبک غربی نوسازی بر مدل‌های توسعه و نگرش‌های سازه‌انگارانه‌ی جمهوری اسلامی ایران، پرداخته است. چنان‌چه نتانیا هو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در اظهارنظری محکم از ایالات متحده خواسته بود، برای سرنگونی نظام ایران از برنامه‌های غیراخلاقی تلویزیونی به زبان فارسی بهره بگیرد و باید جوانان و دین‌باوران را در ایران با نشان دادن تصاویر غیراخلاقی و انحرافات جنسی تحت تأثیر قرار داده و می‌بایست کودکان ایرانی به سبک زندگی تجمل‌گرایانه^۱ سوق داده شوند (خبرگزاری مشرق، ۱۳۹۰). بنابراین، به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی با تلفیق رسانه‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی در تلاش است تا سطح تهدیدزایی خود را نسبت به جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت تشدید و تعمیق بخشد.

ابعاد تهدیدات ایران برای رژیم صهیونیستی (از چشم‌انداز رژیم صهیونیستی)

بزرگ‌نمایی تهدید جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد صلح در خاورمیانه، ایجاد جو هراس از ایران در میان کشورهای منطقه، بدبین ساختن آنها نسبت به جمهوری اسلامی ایران، اعلام ضدیت با کانون وحشت ساخته و پرداخته شده، به دست گرفتن ابتکار عمل سیاسی با قرار گرفتن در جبهه‌ای مشترک، علی‌رغم ناهمگونی‌های فراوان و سرانجام اتخاذ تدابیر براندازانه علیه نظام اسلامی و اجرای تدابیر با مشارکت کشورهای واقع در محدوده‌ی راهبردی خود و آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی.

تهدید هسته‌ای

از نگاه رهبران رژیم صهیونیستی رشد توان هسته‌ای و موشکی ایران، رژیم صهیونیستی و موجودیت آن را به خطر خواهد انداخت. از این منظر ایران خطرناک‌ترین دشمن راهبردی رژیم صهیونیستی خواهد بود. و این رژیم تمام تلاش خود را به کار بسته تا از دستیابی ایران به توانمندی‌های هسته‌ای جلوگیری نماید. قطعنامه‌های شورای حکام، انتقال پرونده‌ی هسته‌ای ایران

1 - Fancy lifestyles

به شورای امنیت و صدور قطعنامه‌های تحریمی؛ ۱۷۳۷، ۱۷۴ و ۱۸۰۳ در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۶ و ... در مورد ایران را می‌توان در این راستای مورد ارزیابی قرار داد (نظری، ۱۳۸۹: ۴۳).

حمایت ایران از جنبش‌های اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی تأثیرات فراوانی بر ملت‌های مسلمان منطقه‌ی خاورمیانه از جمله لبنان و فلسطین داشت. تشکیل حزب الله لبنان در سال ۱۹۸۲ و اعلام انتفاضه از سوی گروه‌های جهادی حماس و جهاد اسلامی را می‌توان در راستای این تأثیرات ارزیابی نمود. از نگاه رژیم صهیونیستی صدور انقلاب توسط ایران یعنی صدور تروریسم (صهیونیست‌ها هرگونه جلوه‌ای از اسلام راستین را در ادبیات خود مترادف با تروریسم و تندروی می‌دانند) و حمایت مستقیم ایران از گروه‌های جهادی حماس، جهاد اسلامی و حزب الله لبنان حمایت از تروریسم است. شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه از حزب الله لبنان، و در جنگ ۲۲ روزه‌ی غزه از مجاهدین فلسطینی حماس و جهاد اسلامی نشان‌دهنده‌ی توفیق رویکردهای حمایتی ایران از جنبش‌های اسلامی بوده است. رژیم صهیونیستی می‌داند که برای مقابله با این جنبش‌ها باید منابع حمایتی آنها را تضعیف نمود و در این راستا برخورد با سوریه، ایجاد اختلافات در لبنان و عراق و فشار بر جمهوری اسلامی ایران در بحث هسته‌ای طراحی و برنامه‌ریزی نموده است.

رشد توان نظامی غیرهسته‌ای ایران

به اعتقاد صهیونیست‌ها، ایران به‌صورت انقلاب اسلامی و حمایت از تروریسم (منظور همان گروه‌های جهادی است) اکتفا نکرده بلکه با سرمایه‌گذاری هنگفتی سرگرم ایجاد یک نیروی نظامی تهاجمی پر قدرت و راهبردی می‌باشد. از نظر رژیم صهیونیستی، این رویکرد ایران تهدیدی علیه امنیت ملی رژیم صهیونیستی تلقی می‌گردد. از دید رژیم صهیونیستی بعد از زمانی که ارتش رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان عقب‌نشینی کرد. حزب الله لبنان به‌وسیله‌ی ایران به ۱۰ هزار موشک کاتیوشا و صدها موشک دوربرد با میانگین برد ۴۵ مایل که می‌تواند تمام شمال رژیم صهیونیستی را مورد هدف قرار دهد مجهز شده است (امیری، ۱۳۸۳: ۶). در

حقیقت رژیم صهیونیستی‌ها توان مؤثر درگیری نظامی ایران با خود را در سه حوزه‌ی موشکی، هوایی و پدافند هوایی و موشکی قلمداد می‌کنند

نتیجه‌گیری

نگارنده در این نوشتار تلاش نمود مناسبات خصمانه‌ی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی را بر یک مبنای نظری تبیین و تشریح نماید که در مقام پی‌جویی و چپستی‌یابی مسأله، نظریه‌ی سازه‌انگاری را به‌عنوان مبنای تحلیل مناسبات انتخاب و قلمداد نمود. که بر همین اساس، در مرحله‌ی نخست، چارچوب نظری این نظریه را به‌صورت تفصیلی مورد مذاقه قرار دادیم و در مرحله‌ی دوم، در بستر نظری این نظریه‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با رژیم صهیونیستی و بالعکس را مورد تبیین و تحلیل قرار دادیم و در نهایت با تطبیق عینی و عملی این نظریه در چارچوب مناسبات خصمانه‌ی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، مجموعه‌ی رویکردها و تهدیدات متقابل طرفین مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت.

انتخاب نظریه‌ی سازه‌انگاری برای تحلیل مناسبات جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی از آن‌رو صورت گرفت که نقش متغیرها و رویکردهای؛ هویت‌نگر، ایدئولوژیک محور و ارزش‌آفرین در جهت‌دهی خصمانه به مناسبات طرفین بسیار اثرگذار بوده است. به‌همین دلیل نگارنده تلاش نمود تا این فرضیه را که «نگرش‌های سازه‌انگارانه بنیادی‌ترین نقش را در فرایند تنش و منازعه‌ی میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی ایفا می‌کنند» را به‌تأیید برساند. چنان‌چه اگر به فرمایشات امام خمینی^(ره) توجه نماییم، عمق نگرش‌های سازه‌انگارانه و ایدئولوژیک‌محور را به‌وضوح می‌توان رؤیت نمود. ایشان ضمن تأکید بر اسلامی بودن قضیه‌ی فلسطین، بر قطع رابطه با رژیم صهیونیستی و اعلام حالت جنگ بین مسلمانان و این رژیم تأکید داشتند و هرگونه رابطه‌ی سیاسی، تجاری و نظامی را با این رژیم حرام می‌دانستند، چرا که این رژیم را نامشروع، غاصب و دشمن تمامی مسلمانان تلقی می‌کردند (دهشیری، ۱۳۸۰: ۲۲۳).

بر همین اساس نگارنده با تأکید بر جایگاه نگرش‌های سازه‌انگارانه، رژیم صهیونیستی را یک «تهدید حیاتی برای جمهوری اسلامی ایران، منطقه‌ی خاورمیانه و جهان اسلام بر می‌شمرد».

از منظر سازه‌انگارانه، جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی را طرحی کلان برای تأسیس هویتی غیراسلامی در منطقه ارزیابی می‌کند و به همین دلیل، تهدید رژیم صهیونیستی را در سطحی «حیاتی» برای خود فهم می‌کند و از آن‌جا که گزاره‌های فرهنگی و تمدنی اسلامی با اصول سلطه‌طلبانه و توسعه‌طلبانه‌ی رژیم صهیونیستی قابل جمع نیستند، امکان سازش و ترک مخاصمه توسط طرفین نیز امکان‌پذیر نیست (افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۶۸ - ۱۶۷). بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران با علم به حقایق موجود و با در نظر گرفتن رژیم صهیونیستی به مثابه تهدید حیاتی و اتخاذ راهبرد جهادمحور اقدام به بازتولید یک جریان مقاومتی جدید در منطقه و محدودده‌ی پیرامونی رژیم صهیونیستی نمود که در مقطع زمانی فعلی نیز به صورت جدی مورد حمایت قرار دارد.

در واقع، حقانیت راهبرد جهادمحور و روند حرکتی جریان مقاومت به صورت جامع در منطقه و نظام بین‌الملل به اثبات رسیده است. چنان‌چه رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران و مقاومت را برای خود به عنوان یک تهدید حیاتی تلقی نموده و تمام توان و مقدرات خویش را به میدان منازعه آورده است تا حلقه‌های زنجیره‌وار ایران و جریان مقاومت را به صورت واحدهای مجزا و از هم گسیخته درآورده و بتواند این نهضت مقاومت را از اتخاذ رویکردهای ایدئولوژیک محور و مخاصمه آفرین بر حذر دارد.

با توجه به مطالب مطرح شده در سطور بالا و به دلیل حاکم بودن رهیافت‌های سازه‌انگارانه بر مناسبات طرفین، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست در تقویت، تکثیر و حمایت از نهضت و جریان مقاومت با در نظر گرفتن تهدید حیاتی رژیم صهیونیستی، اقدام نماید زیرا آن‌چنان‌که روشن است رژیم صهیونیستی و حامیان منطقه‌ای و غربی‌اش در تلاش هستند تا سطح تهدیدات ایران و مقاومت علیه آنها در کوتاه‌مدت از تهدید حیاتی به تهدیدات مهم و در میان مدت به سطح تهدیدات حاشیه‌ای تقلیل یابد.

در حقیقت رژیم صهیونیستی از تعقیب چنین راهبردی چند هدف عمده را تعقیب می‌کند. اول این‌که، بتواند ساختار بازدارندگی شکل داده شده از سوی جمهوری اسلامی ایران در حریم مرزهای سرزمین‌های اشغالی را رفع حصر نماید؛ دوم این‌که، روند به‌رسمیت شناخته شدن خود را توسط کشورهای عربی منطقه و جهان اسلام، مجدداً آغاز و تسریع نماید؛ سوم این‌که، انتقال تهدیدات مهم و حیاتی خود نسبت به منافع مهم و حیاتی جمهوری اسلامی ایران و در نهایت، تشکیل دولت - ملت یهود در فلسطین اشغالی یا ارض موعود با گستره‌ی سرزمینی خاورمیانه و شمال آفریقا یا همان نیل تا فرات با هدف نهایی حاکمیت بر جهان (واعظی، ۱۳۷۹: ۱۷).

با بررسی مصداقی رخدادهای فعلی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، تحرکات رژیم صهیونیستی در افزایش مخاصمات خود با جمهوری اسلامی ایران و سایر حلقه‌های مقاومت را مشاهده می‌نماییم.

با گسترش بحران در سوریه و افزایش منازعات نظامی در داخل این کشور رژیم صهیونیستی در تلاش است تا در مرحله‌ی اول با تضعیف قدرت نظامی و سیاسی دولت بشار اسد و ایجاد بحران یکپارچگی عملاً یکی از حلقه‌های محصورکننده‌ی خود را رفع حصر نماید و در مرحله‌ی دوم با سرنگونی این دولت مقاومت محور فشار بر حلقه‌ی کلیدی مقاومت یعنی حزب ا... را گسترش دهد. البته غرب، محور سازش عربی و رژیم صهیونیستی برای این روند تقابلی از مدل همسان‌سازی و توازن قوای جریان‌های سلفی، وهابی و اخوانی در داخل سوریه و هم‌چنین لبنان بهره برده است. چنان‌چه همسان‌سازی جریان سلفی در کشورهای تونس، لیبی، مصر، مراکش، اردن، ترکیه، قطر و ... برای نامشروع جلوه دادن دولت بشار اسد و حمایت از جریان اخوانی سوریه و ارتش آزاد مخالفین از ابتدای بحران تا به امروز در حال تکثیر می‌باشد.

اما در مورد لبنان با توجه به این‌که حزب ا... دارای توانایی‌های نظامی، سیاسی و امنیتی فوق‌العاده‌ای بوده و رژیم صهیونیستی در طی سه دهه طعم شکست را به کرار از این حلقه‌ی مقاومت چشیده است، محور سازش عربی و غربی اقدام به ایجاد مدل موازنه‌ی قوا مابین گروه‌های سنی سلفی شمال لبنان به رهبری سعد حریری با حزب ا... نموده‌اند. درگیری‌های

مکرر در شهر طرابلس، اعزام سلفیون جوان لبنانی به سوریه، ترور وسام الحسن و رخدادهای مشابه دیگر نشان از آن دارد که محور سازش در پی آن است تا با سازماندهی، آموزش و تجهیز نظامی گسترده‌ی سلفیون شمال لبنان و سایر سلفیون کشورهای همسایه شده در مرحله‌ی اول حزب ا... را وادار به پذیرفتن این توازن قوا در داخل خاک لبنان و ساختارهای سیاسی نموده و در مرحله‌ی بعد و با سرنگونی دولت بشار اسد به‌عنوان تکیه‌گاه قطعی مقاومت، با حزب ا... وارد یک منازعه‌ی نظامی گسترده داخلی شوند که البته حمایت رژیم صهیونیستی، آمریکا، محور غربی و عربی سازش و جریان سلفیون همسایه‌شده‌ی مستقر در سوریه را با خود همراه خواهند داشت.

در مورد سایر حلقه‌های مقاومت نیز به همین‌گونه طی چند سال گذشته رفتار شده است. در قبال سودان؛ تشکیل کشور سودان جنوبی، تحریم اقتصادی، دامن زدن به اغتشاشات و اعتراضات اجتماعی در داخل کشور سودان، حملات مکرر هوایی به تأسیسات نظامی سودان و ... همگی نشان از آن دارد که رژیم صهیونیستی این حلقه‌ی مقاومت که اتفاقاً پشتیبان مستحکمی برای گروه‌های مقاومت فلسطینی است، را تحت فشار بی‌سابقه قرار داده است. اما در مورد گروه‌های مقاومت فلسطینی رژیم صهیونیستی ۲ مدل پیشنهادی داشته است؛ سازش یا حذف؛ بر این اساس طی چند سال گذشته محور عربی - غربی حامی سازش مذاکرات مفصل و گسترده‌ای را با جنبش حماس و شخص خالد مشعل با محوریت جیمی کارتر رئیس‌جمهور گذشته آمریکا، برقرار نموده‌اند که با شروع بحران در سوریه و شکل‌گیری محور همسایه‌شده‌ی سلفیون در منطقه، حماس تدریجاً از جمهوری اسلامی ایران فاصله گرفته، رو در روی بشار اسد ایستاده، دفتر خود را از دمشق به اردن منتقل کرده، به ترکیه، قطر و مصر نزدیک گردیده و از معارضین دولت بشار اسد به‌صورت علنی حمایت کرده است. به‌اعتقاد نگارنده یکی از دلایل جنگ هشت روزه حذف جریان مقاومت محور حماس و سایر گروه‌های فلسطینی و در مقابل قدرت بخشی به لایه‌های سازش محور حماس بوده است، چنان‌چه ترور الجعبری فرمانده‌ی شاخه‌ی نظامی حماس در راستای حذف جریان مقاومت و میدان‌داری خالد مشعل

برای امضای آتش‌بس در مصر و سفر پیروزمندانه‌اش به غزه در راستای قدرت‌بخشی جریان سازش ارزیابی می‌گردد.

کنار هم قرار دادن حجمه‌های موجود علیه حلقه‌های مقاومت و تنگ‌تر نمودن فشارهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی، حقوق بشری، رسانه‌ای و ... بر ساختار حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران همگی به‌روشنی و وضوح کامل، گویای این موضوع است که رژیم صهیونیستی به واسطه‌ی افزایش سطح نارضایتی‌های یهودیان ساکن در سرزمین‌های اشغالی و گسترش زمانی و مکانی اعتراضات و تحکیم و ماندگاری فشارهای منطقه‌ای جریان مقاومت در تنگنای دشواری گرفتار خواهد آمد که در صورت تداوم این امر به تهدید حیاتی خویش یعنی مهاجرت معکوس و فروپاشی جمعیتی و حاکمیتی و در نهایت اضمحلال دچار خواهد شد. بر این اساس رژیم صهیونیستی، با حمایت محور عربی - غربی سازش و جریان رشدیافته و همسان‌شده‌ی سلفیون در منطقه به‌دنبال حذف برخی از حلقه‌ها (سوریه و حزب ا...) و یا داخل نمودن برخی از حلقه‌ها به محور سازش (حماس و ...) می‌باشد که تا از این اقدام به نتایج و اهداف اساسی خود نزدیک شود نتایجی چون؛ رفع حصر چند دهه‌ای از رژیم صهیونیستی، به‌رسمیت شناخته شدن توسط حماس و به‌تبع به‌رسمیت شناخته شدن توسط سایر کشورهای اسلامی خصوصاً محور همسان‌شده‌ی سلفیون منطقه، تشدید فشارها بر جمهوری اسلامی ایران، حفظ امنیت و یکپارچگی داخلی در سرزمین‌های اشغالی و تلاش در جهت تحقق ارض موعود (از نیل تا فرات).

منابع

- ۱- اسدی، بیژن، (۱۳۸۴)، «سیاست خارجی ایران در قبال مسأله فلسطین»، فصلنامه‌ی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۷، پاییز و زمستان.
- ۲- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۰)، «قدرت نرم و نبرد نامتقارن تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب الله و جنگ ۲۲ روزه غزه»، تهران، دانشگاه امام صادق.
- ۳- امیری، حسین، (۱۳۸۳)، «تهدید ایران برای اسرائیل»، ویژه‌نامه مرکز اسناد و مطالعات راهبردی فلسطین و خاورمیانه، پاییز.
- ۴- انبار، افرایم، (۱۳۸۸)، «امنیت ملی اسرائیل»، ترجمه حمید نیکو، تهران، مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- ۵- ایزدی، فؤاد، (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی آمریکا»، جزوه درسی منتشر نشده، تهران، دانشکده جهان دانشگاه تهران.
- ۶- تاجیک، محمد رضا، (۱۳۸۰)، «منافع ملی ما کدامند؟»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۱ و ۱۲، بهار و تابستان.
- ۷- حاجی یوسفی، امیر محمد، (۱۳۸۲)، «ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه»، تهران، دانشگاه امام صادق.
- ۸- حاجی یوسفی، امیر محمد، (۱۳۸۳)، «چهارچوبی نظری برای تحلیل مذاکرات هسته‌ای ایران»، فصلنامه‌ی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶، بهار و تابستان.
- ۹- خسروی، علی رضا، (۱۳۸۹)، «افزایش حضور اسرائیل در شمال عراق و چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۴۶، تیر ماه.
- ۱۰- دهشیری، محمد رضا، (۱۳۸۰)، «درآمدی بر نظریه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)»، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۱- رضایی، محمود، (۱۳۸۴)، «تحول مفهوم دولت در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲۷، بهار.
- ۱۲- رضوی، سلمان، (۱۳۸۷)، «جنگ ۲۲ روزه غزه، ریشه‌ها، پیامدها، سناریوها و راه‌کارها»، گاهنامه‌ی نمای راهبردی، سال ششم، شماره ۹۰.

- ۱۳- رضانی، روح الله، (۱۳۸۱)، «چهارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، نشر نی.
- ۱۴- ره پیک، حسن، (۱۳۸۰)، «جایگاه منافع ملی در سیستم حقوقی ایران»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان.
- ۱۵- سازمند، بهاره، (۱۳۸۴)، «تحلیل سازه‌انگارانه از هویت ملی در دوران جنگ تحمیلی»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۲۲، تابستان.
- ۱۶- سلیمانی، محمد باقر، (۱۳۷۹)، «بازیگران روند صلح خاورمیانه»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۷- سنیه، افرام، (۱۳۸۱)، «اسرائیل پس از ۲۰۰۰»، ترجمه: عبدالکریم جادری، تهران، دوره عالی جنگ.
- ۱۸- سنیه، افرام، (۱۳۷۶)، «خطری که در پشت افق پنهان است»، نداءالقدس، شماره ۷، ۱۵ فروردین.
- ۱۹- عباسی، مجید، (پاییز ۱۳۸۳)، «تحلیل امنیت در پارادایم‌های حاکم بر روابط بین‌الملل»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۲۵.
- ۲۰- عبدالمجید، وحید، (۱۳۷۸)، «رابطه ایران و اسرائیل در سایه واقعیت‌ها»، ترجمه: مجید باقری، هفته‌نامه‌ی سیاسی-اقتصادی نکته، سال اول، شماره ۱۲، شهریور.
- ۲۱- عسگری، محمود، (۱۳۸۰)، «منافع ملی در عصر جهانی شدن»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان.
- ۲۲- غریباق زندی، داود، (۱۳۹۰)، «درآمدی بر سیاستگذاری امنیت ملی»، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۳- غریباق زندی، داود، (۱۳۸۷)، «اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: جستاری در متون»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره ۴۰، تابستان.
- ۲۴- فرزانه‌پور، حسین، (۱۳۸۸)، «مقایسه رفتاری سیاست خارجی ایران»، پژوهش‌نامه‌ی علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۴، بهار.
- ۲۵- فلاح، رحمت‌اللّه، (۱۳۸۹)، «راهبردهای اسرائیل در اوراسیا با تأکید بر آسیای میانه و قفقاز»، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۲۶- «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، (۱۳۷۱)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۷- قنبرلو، عبدالله، (۱۳۸۷)، «اسرائیل و استمرار تنش‌ها میان ایران و آمریکا»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره ۳۹، بهار.
- ۲۸- گروه نویسندگان، (۱۳۸۸)، «نفوذ اقتصادی اسرائیل در منطقه خاورمیانه»، تهران، مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- ۲۹- متقی، ابراهیم، (۱۳۷۶)، «تحلیل رفتار اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی سیاست دفاعی، سال پنجم، شماره ۱۸، بهار.
- ۳۰- محبوبی، قربانعلی، (۱۳۸۹)، «شبکه‌سازی اجتماعی و شکل‌دهی اعتراضات»، ماهنامه‌ی اندلس، سال اول، شماره اول.
- ۳۱- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴)، «تحول در نظریه‌های بین‌الملل»، تهران، سمت.

- ۳۲- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۳)، «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۳.
- ۳۳- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۳)، «سازه‌انگاری به‌عنوان فرا نظریه‌ی روابط بین‌الملل»، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۵، ب.
- ۳۴- مهدی زاده، علی، (۱۳۸۸)، «ایران - اسرائیل: موازنه‌ای نابرابر»، فصلنامه‌ی مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی آمریکاشناسی، سال یازدهم، شماره ۱، زمستان.
- ۳۵- نظری، مصطفی، (۱۳۸۹)، «مروری بر گزارش‌های تحلیلی کنفرانس دهم هرتزلیا ۲۰۱۰»، تهران، تأویل.
- ۳۶- واعظی، حسن، (۱۳۷۹)، «نبرد نابرابر روند ظهور و سقوط رژیم صهیونیستی»، تهران، سروش.
- ۳۷- هادیان، ناصر، (۱۳۸۲)، «سازه‌انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۴، زمستان.
- ۳۸- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۸۱)، «موج سوم دموکراسی»، ترجمه: احمد شهسا، تهران، انتشارات روزنه.
- ۳۹- یزدان فام، محمود، (۱۳۸۶)، «دگرگونی در نظریه‌ها و مفهومی امنیت بین‌المللی»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره ۳۸، زمستان.
- ۴۰- یزدان فام، محمود، (۱۳۸۷)، «مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره ۴۰، تابستان.
- ۴۱- خبرگزاری مشرق (۱۲ تیر ۱۳۹۰)، «تحركات اسرائیل پس از رزمایش سپاه»، www.ewsmashreghn.ir
- ۴۲- خبرگزاری مشرق (۱۲ تیر ۱۳۹۰)، «می‌توان از دامغان اسرائیل را زد»، www.mashregnews.ir
- ۴۳- خبرگزاری مشرق (۱۷ تیر ۱۳۹۰)، «نگاه جریان‌شناسی به خانواده فارسی وان»، www.mashregnews.ir
- ۴۴- خبرگزاری مشرق (۲۲ تیر ۱۳۹۰)، «کاوادرات: نبرد سپاه با جنگال و کروز»، www.mashregnews.ir
- ۴۵- خبرگزاری مشرق (۷ تیر ۱۳۹۰)، «۲ دستاورد مهم در رزمایش موشکی»، www.mashregnews.ir

تبیین اولویت‌های تهدید هواپیماهای شکاری بمب افکن آمریکا در جنگ آینده مبتنی بر تکنیک رجحان ترتیبی^۱ و نظریه‌ی فلج‌سازی جان بوید

سعید کافی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۸/۰۳

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۱۵

صفحات مقاله: ۱۷۹ - ۲۰۰

چکیده:

با مطالعه‌ی جنگ‌های معاصر می‌توان دریافت که قدرت نظامی آمریکا مترادف با قدرت هوایی آن در نظر گرفته می‌شود. نیروی هوایی ارتش آمریکا بیشترین تعداد پرنده‌ها را در میان ارتش‌های جهان به خود اختصاص داده است. در این مقاله تلاش شده است تا فلسفه‌ی توسعه‌ی قدرت هوایی آمریکا مبتنی بر نظریه‌ی فلج‌سازی جان بوید تبیین شود و در ادامه آن دسته از پرنده‌های نیروی هوایی آمریکا که در جنگ‌های معاصر و احتمالاً در جنگ آینده بیشترین نقش را در اعمال تهدید هوایی آمریکا علیه رقبای آن دارند، با تکنیک دلفی و سپس تکنیک تعیین رجحان ترتیبی مورد ارزیابی قرار داده و اولویت تهدیدها با توجه به شاخص‌های مدنظر مشخص شود. تکنیک تعیین رجحان ترتیبی با تشابه به جواب ایده‌آل یکی از تکنیک‌های تعیین اولویت نسبی گزینه‌های مدنظر است که معیارهای مطرح را با حداقل فاصله با جواب ایده‌آل و حداکثر فاصله با ایده‌آل منفی اولویت‌بندی می‌کند.

* * * * *

واژگان کلیدی

قدرت هوایی، تهدید هواپیماهای شکاری بمب افکن آمریکا، نظریه‌ی فلج‌سازی، تکنیک تعیین رجحان ترتیبی.

مقدمه

نیروی هوایی آمریکا از زمان پایان جنگ جهانی دوم ابزار اصلی قدرت‌نمایی این کشور در مناطق مورد علاقه آن بوده است. نیروی هوایی در این کشور موجب پیروزی آن در جنگ‌هایی شده است که بدون وجود چنین نیرویی دست یافتن به پیروزی برای آن غیرممکن بود. جنگ خلیج فارس و پیروزی آمریکا در برابر ارتش صدام نمایشی از قدرت‌نمایی نیروی هوایی این کشور بود. انهدام تانک‌های «تی-۷۲» عراق با آتش هوایی و پخش تصاویر آن التیامی بود بر خاطرات شکست آمریکا در ویتنام. راهبرد شوک و بهت با آغاز جنگ خلیج فارس تنها از طریق قدرت هوایی قابل اجرا بود. جنگ بالکان در سال ۱۹۹۹ نیز بدون ۷۸ روز بمباران هوایی نمی‌توانست فرجامی داشته باشد.

به عبارتی، قدرت نظامی آمریکا مترادف با قدرت هوایی آن در نظر گرفته می‌شود. فناوری‌های اطلاعاتی و رایانه‌ای امکان اجرای شیوه‌های جدید جنگ را فراهم آورده‌اند. دقتی که امروزه در جنگ‌ها مشاهده می‌شود شرایط را برای انهدام اهداف نقطه‌ای مساعد کرده است. صرفه‌ی اقتصادی که به دلیل دقت در اجرای آتش و کاهش خسارات جانبی و مصرف مهمات کمتر حاصل می‌شود را نباید از نظر دور داشت. بنابراین، جنگ با خسارات جانبی کمتر از دستاوردهای قدرت هوایی مبتنی بر مهمات هوشمند است.

نیروی هوایی آمریکا شاخه نبرد هوایی ارتش این کشور است. این نیرو در ۱۸ سپتامبر ۱۹۴۷ به‌عنوان شاخه مستقل ارتش تشکیل شد (Air force magazine, 2008: 48). نیروی هوایی ارتش آمریکا بزرگ‌ترین نیروی هوایی در میان ارتش‌های جهان است. این نیرو با بهره‌گیری از ۵۷۷۸ فروند هواپیمای سرنشین‌دار (Ibid, 69)، ۱۵۶ فروند هواپیمای بدون سرنشین، ۲۱۳۰ فروند موشک کروز (Military Review, 2010: 15) و ۴۵۰ فروند موشک بالستیک تاکتیکی از بهترین ادوات نظامی بهره می‌گیرد.

نیروی هوایی آمریکا از ۳۲۸۴۳۹ نفر پرسنل کادر و ۷۴۰۰۰ نفر پرسنل ذخیره و ۱۰۶۰۰۰ نفر به‌عنوان گارد ملی هوایی برخوردار است. علاوه بر این، ۱۶۸۹۰۰ نفر پرسنل غیرنظامی از

جمله‌ ملیت‌های خارجی در نیروی هوایی به‌کارگیری می‌شوند. تمام پرنده‌های ارتش آمریکا در اختیار نیروی هوایی این کشور نیستند. نیروی زمینی دارای بالگردهای خود است که بیشتر با هدف پشتیبانی نیروهای سطحی به‌کارگیری می‌شوند. نیروی زمینی دارای تعداد کمی هواپیمای بدون سرنشین نیز است. نیروی دریایی نیز از چندین فروند هواپیما از جمله تیپ هواپیماهای رزمی در ۱۱ فروند ناو هواپیمابر خود برخوردار است. دپارتمان نیروی هوایی شاخه‌ای از وزارت دفاع است. بالاترین مقام نظامی دپارتمان نیروی هوایی رئیس ستاد نیروی هوایی است (Steven, 2009: 11).

در این مقاله تلاش شده است تا آن دسته از پرنده‌های نیروی هوایی آمریکا که در جنگ‌های معاصر و احتمالاً در جنگ آینده بیشترین نقش را در اعمال تهدید هوایی آمریکا علیه رقبای آن دارند، با تکنیک تعیین رجحان ترتیبی مورد ارزیابی قرار گرفته و اولویت تهدیدها با توجه به شاخص‌های مدنظر مشخص شود. تکنیک تعیین رجحان ترتیبی با تشابه به جواب ایده‌آل یکی از تکنیک‌های تعیین اولویت نسبی گزینه‌های مدنظر است که معیارهای مطرح را با حداقل فاصله با جواب ایده‌آل و حداکثر فاصله با ایده‌آل منفی اولویت‌بندی می‌کند. یون و هانگ در سال ۱۹۸۰ این تکنیک را ارائه کردند.

بیان مسأله

با مطالعه‌ی جنگ‌های اخیر به‌خوبی روشن می‌شود که بیشترین توان نظامی آمریکا در قدرت هوایی آن متمرکز است. قدرت هوایی آن نیز بیشتر متکی به‌برخی از انواع خاص هواپیماهای نظامی است که به این کشور امکان نقش‌آفرینی در جنگ‌های معاصر را داده است. حال چنانچه این تهدید مورد شناسایی و ارزیابی قرار گیرد و فلسفه‌ی توسعه ناوگان هوایی آمریکا و اولویت‌های آن مشخص شود، امکان برنامه‌ریزی و تدوین طرح‌های دفاعی و به‌عبارتی جهت‌گیری صحیح منابع و امکانات محدود به اولویت‌های تهدید دشمن فراهم می‌شود و در صورت بی‌توجهی به آن منابع محدود صرف موارد غیرکلیدی خواهد شد و میدان رقابت به دشمنی که منابع محدود خود را روی موضوعات اساسی متمرکز کرده است،

واگذار می‌شود. بنابراین، دغدغه‌ی اصلی این تحقیق تبیین فلسفه‌ی توسعه ناوگان هوایی و اولویت‌های تهدید پرنده‌های شکاری بمب‌افکن دشمن است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در خصوص اهمیت این تحقیق باید عنوان کرد که در صورت بی‌توجهی به تبیین اولویت‌های تهدید هوایی آمریکا و فلسفه‌ی توسعه آن علاوه بر به‌هدر رفتن منابع و امکانات به دلیل جهت‌گیری نادرست طرح‌های دفاعی موجب وارد آمدن خسارات و تلفات جبران‌ناپذیر به سایر بخش‌های کشور نیز می‌شود. اما در خصوص ضرورت انجام تحقیق می‌توان به این نکته بسنده کرد که حاصل تحقیق حاضر ایجاد ذهنیت شفاف و باز در میان تصمیم‌گیران دفاعی به منظور تخصیص منابع و امکانات به اولویت‌های تهدید دشمن و جلوگیری از اتلاف منابع و در نتیجه افزایش قدرت دفاعی و بازدارندگی کشور است.

هدف تحقیق

تبیین فلسفه‌ی توسعه‌ی ناوگان هوایی آمریکا و اولویت‌های تهدید پرنده‌های شکاری بمب‌افکن آمریکا در جنگ آینده.

سؤال تحقیق

ناوگان هوایی آمریکا بر اساس چه فلسفه‌ای توسعه‌یافته و اولویت تهدید پرنده‌های شکاری بمب‌افکن آمریکا در جنگ آینده چیست؟

نوع و روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی- توسعه‌ای بوده و روش آن تحلیل محتوایی است. داده‌های گردآوری شده در خصوص فلسفه‌ی توسعه ناوگان هوایی آمریکا و اولویت‌های تهدید آن با مراجعه به جامعه‌ی جامعه‌ی خبره و بر اساس تکنیک دلفی مشخص شده و پس از تعیین نوع پرنده‌های شکاری بمب‌افکن که در اولویت تهدید قرار دارند، با استفاده از تکنیک تعیین رجحان ترتیبی اولویت‌بندی نهایی شده‌اند.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و با مطالعه‌ی اسناد و مدارک و با استفاده از ابزار فیش‌برداری و نیز مصاحبه‌ی گروهی استفاده شده است.

ادبیات تحقیق

مأموریت‌های رزمی نیروی هوایی ارتش آمریکا

برای شناخت بیشتر وظایف نیروی هوایی و انتظاراتی که از آن وجود دارد، مأموریت‌های آن تعریف می‌شود:

مأموریت پشتیبانی هوایی نزدیک؛ این مأموریت با استفاده از هواپیما و بالگرد علیه اهداف دشمن اجرا می‌شود. این اهداف در فاصله نزدیکی از نیروهای خودی قرار دارند و انهدام آنها مستلزم هماهنگی کامل پرنده‌ها با آتش و مانور نیروهای خودی است (Air force Doctrine, 2009: 34).

مأموریت مجزاسازی منطقه‌ری نبرد؛ هدف از اجرای این مأموریت ایجاد تأخیر، منحرف‌نمودن، ایجاد اختلال و یا انهدام پتانسیل نظامی دشمن پیش از آن که امکان بهره‌گیری مؤثر از آن علیه نیروهای خودی وجود داشته باشد است. در این مأموریت فاصله‌ی نیروهای خودی از منطقه‌ی اجرای عملیات مجزاسازی به اندازه‌ای است که نیازی به وجود هماهنگی کامل با آتش و مانور نیروهای خودی برای اجرای هر یک از مأموریت نیست (Air forc Journal, 2008:12).

مأموریت حمله‌ی مستقیم؛ این مأموریت عبارت است از عملیات هوایی که با هدف متوقف ساختن، ایجاد تأخیر، منحرف نمودن، ایجاد اختلال و یا انهدام پتانسیل نیروهای زمینی دشمن صورت می‌گیرد. نیروهای زمینی خودی در این عملیات ممکن است نقش پشتیبان را داشته باشند و یا در عملیات حاضر نباشند.

دکترین نیروی هوایی آمریکا در خصوص انتظاراتی که از این نیرو وجود دارد، این چنین بیان می‌کند: «نهایت انتظاری که از کارکرد مقابله با نیروی زمینی بازیگر رقیب وجود دارد، توقف قطعی پیشروی نیروهای مقابل و جلوگیری از دستیابی آنها به اهداف خود ... و انهدام و یا مختل‌سازی نیروهای مقابل به گونه‌ای است که ادامه‌ی جنگ برای آنها دیگر

ممکن نباشد. «مأموریت حمله‌ی مستقیم نیز در مرحله‌ی متوقف نمودن نیروهای بازیگر رقیب صورت می‌گیرد. برای مثال، در عملیات طوفان صحرا قدرت هوایی نیروهای ائتلاف با هدف متوقف نمودن تجاوز نیروهای عراقی به منطقه‌ی خفجی در عربستان سعودی مورد استفاده قرار گرفت. جدول زیر تفاوت مأموریت‌های فوق را در مقایسه با یکدیگر نشان می‌دهد. (Boyne, 2003:23)

جدول شماره ۱- خصوصیات متمایزکننده‌ی مأموریت‌های پشتیبانی هوایی نزدیک، مجزاسازی منطقه‌ی

نبرد و حمله‌ی مستقیم

مأموریت / خصوصیات	پشتیبانی هوایی نزدیک	مجزاسازی منطقه نبرد	حمله مستقیم
سطح کلی تأثیر	تاکتیکی	تاکتیکی تا عملیاتی	عملیاتی تا راهبردی
زمان نسبی ایجاد تأثیر	فوری	با تأخیر	فوری تا با تأخیر
روابط فرماندهی	پشتیبانی کننده	پشتیبانی کننده	پشتیبانی شونده
پشتیبانی از نیروهای زمینی خودی	مستقیم	غیرمستقیم	چنانچه نیروهای خودی در یک مرحله‌ی متوالی گسترش یابند، غیرمستقیم
فاصله‌ی نسبی از نیروهای زمینی خودی	فاصله‌ی بسیار کم	در مجاورت منطقه‌ی عملیات و یا در نزدیکی آن با هدف تأثیرگذاری بر طرح مانور	نیروهای زمینی یا حاضر نیستند و یا در نقش پشتیبان هستند
سطح هماهنگی با نیروهای زمینی	هماهنگی کامل و دقیق	هماهنگ نسبی	هماهنگی کلی و یا بدون نیاز به هماهنگی
اهداف	نیروهای زمینی	نیروهای زمینی و عوامل پشتیبان	نیروهای زمینی و تمام عوامل تداوم رزم
اهداف مثالی	نیروهای زمینی دشمن در فاصله‌ی کم از نیروهای خودی و یا در حال درگیری با نیروهای خودی	تیپ‌ها، ستون‌های نظامی، نیروهای زمینی در حین جابه‌جایی برای درگیری با نیروهای خودی	نیروهای زمینی پراکنده، در حال اختفاء و یا درگیری و یا سامانه‌های فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه، اطلاعات، شناسایی و مراقبت

در اسناد دکترین نیروی هوایی آمریکا تعریف رسمی از حمله‌ی مستقیم ارائه نشده است، اما این مأموریت به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از عملیات مجزاسازی منطقه‌ی نبرد شناخته می‌شود. نیروی هوایی آمریکا مأموریت حمله‌ی مستقیم را در عملیات طوفان صحرا برای خروج نیروهای عراقی از کویت در سال ۱۹۹۱ و در کوزوو در سال ۱۹۹۹ و افغانستان در سال ۲۰۰۱ و عراق در سال ۲۰۰۳ اجرا کرد. ریشه‌ی عملیات مقابله با نیروی زمینی در دوران جنگ سرد دیده می‌شود، اما پس از جنگ سرد با اعمال تغییراتی این مأموریت هم‌چنان ادامه دارد. اجرای موفقیت‌آمیز عملیات مقابله با نیروی زمینی مستلزم برخورداری از اطلاعات دقیق و به‌هنگام و قابلیت کشف و شناسایی نیروهای زمینی رقیب است. در سند دکترین مشترک ارتش آمریکا مبنی بر مقابله با نیروی زمینی آمده است، نیروی هوایی باید از قابلیت‌های اطلاعاتی مؤثر برای کشف اهداف زیر به‌منظور پشتیبانی از اجرای عملیات مجزاسازی منطقه‌ی برد برخوردار باشد. اهدافی که نیروی هوایی باید قادر به کشف باشد، عبارتند از: قابلیت‌های رقیب، مراکز ثقل، آرایش نیروها، روابط، مقاصد، عملیات‌ها، آسیب‌پذیری‌ها، امکانات پدافندی، پایداری رزمی نیروهای رقیب، اقدامات پدافند غیرعامل و عوامل محیطی مؤثر در حفظ اشراف موقعیتی نیروهای آمریکایی بر نیروهای زمینی بازیگر رقیب. اکثر قدرت‌های هوایی برای اجرای مأموریت‌های هوایی به مرکز عملیات هوایی^۱، قرارگاه‌های اجرا و طرح‌ریزی عملیات یگان‌های هوایی وابسته‌اند. این وابستگی به دلیل نیاز به اطلاعات هدف‌یابی است. اطلاعات از منبع جمع‌آوری و از طریق مرکز عملیات هوایی به تحلیل‌گرها، طراحان و سرانجام به عوامل رزم ارسال می‌شود (Joint PUB, 2003: 13).

نظریه فلج‌سازی راهبردی جان بوید

بذره‌های تاکتیکی نظریه‌ی جان بوید را باید در مدت اشتغال وی در پیشه‌ی خلبانی به مدت سه دهه دید. بوید که در جنگ کره خلبان هواپیمای شکاری «اف-۸۶» بود، در مصاف با هواپیماهای میگ روسی توانست نظریه‌ی خود را مبنی بر اجرای مانورهای سریع شکل دهد. هر

1 - Air Operation Center (AOC)

چند که هواپیمای «میگ-۱۵» از بسیاری ابعاد نسبت به هواپیمای «اف-۸۶» از نظر فناوری برتر بود، اما کنترل‌های پرواز تمام هیدرولیک هواپیمای «اف-۸۶» یک مزیت قطعی را در اختیار خلبان قرار می‌داد و آن توانایی انتقال سریع از یک مانور به مانور دیگر در حین نبرد هوایی بود.

بوید که یک کارشناس تاکتیکی و تکنیکی نبردهای هوایی بود، به پنتاگون دعوت شد و از او خواسته شد تا در اجرای پروژه «اف-ایکس» همکاری نماید. اقدامات وی در نهایت منجر به طراحی سکوی هوایی «اف-۱۵» به‌عنوان سکوی کسب برتری هوایی شد. بوید در هنگام بازنشستگی به تنظیم مفاهیم تاکتیکی خود پرداخت و توانست نظریه‌ی کلی را در این خصوص ارائه دهد. بوید در اوایل سال ۱۹۷۶ مقاله‌ای ۱۶ صفحه‌ای را با عنوان «انهدام و ایجاد» ارائه داد. در واقع، نظریه‌ی بوید مبتنی بر تجزیه اجزای مهم از یکدیگر می‌باشد، اجزایی که در صورت قرارگیری منطقی در کنار یکدیگر می‌توانند نقش حیاتی خود را ایفا کنند. بوید از ترکیب مفاهیمی از حوزه‌های به‌ظاهر غیر مرتبط به یکدیگر یعنی منطق ریاضی، فیزیک و ترمودینامیک بهره برد. بوید با تحلیل این سه علم مجزا از یکدیگر تبدیل به نخستین کسی شد که قضیه‌ی نقص گودل^۱، اصل عدم قطعیت هایزنبرگ^۲ و قانون دوم آنتروپی را به یکدیگر ربط داد (Liddel Hart, 1991: 212). بوید در همین رابطه مطلب زیر را مورد ستنز قرار داد: انسان نمی‌تواند ماهیت و خصوصیت یک سیستم را در درون آن تعیین نماید و هرگونه تلاش در این خصوص منجر به بی‌نظمی و سردرگمی خواهد شد. بوید بر اساس این دیدگاه یک نظریه‌ی جامع را در خصوص درگیری نظامی مطرح کرد که کسب پیروزی را منوط به اجبار دشمن به نگرش به درون می‌کرد.

نظریه‌ی بوید در خصوص درگیری‌های نظامی مؤید شکلی از نبرد مبتنی بر مانور است که بیشتر جنبه‌ی روانی و موقتی دارد تا فیزیکی و فضایی (US Basic Doctrine, 2008:18). دیدگاه نظامی بوید مؤید «شکستن روحیه و اراده‌ی فرماندهی دشمن از طریق خلق موقعیت‌های خطرناک و غافلگیرانه عملیاتی و راهبردی است.» برای دستیابی به این هدف باید

1 - Godel

2 - Heisenberg

با دور و یا ریتم سریع‌تر از رقیب عمل کرد. به زبان دیگر، هدف جنگ مبتنی بر مانور صلب قدرت از دشمن از طریق گرفتن فرصت از آن برای غلبه‌ی فکری بر شرایط نامطمئن و به‌سرعت در حال تغییر جنگ است. هدف از عملیات نظامی در این حالت عبارت است از: (۱) ایجاد و حفظ یک محیط بسیار سیال و تهدیدآمیز برای دشمن و (۲) مختل‌سازی و یا از بین بردن توانایی‌های دشمن برای تطبیق خود با این شرایط.

بوید بر پایه‌ی تحلیل تاریخ باستانی و مدرن جنگ چهار ویژگی مهم عملیات‌های موفق‌آمیز را بر می‌شمارد- ابتکار، هماهنگی، تنوع و سرعت. این ویژگی‌ها در مجموع امکان تطبیق و شکل‌دهی به محیط در حال اصطکاک و نامطمئن جنگ را می‌دهد. بوید بر نظر کلاوزویتس مبنی بر ضرورت بهبود قابلیت انطباق در جنگ از طریق کاهش اصطکاک‌های خودی تأکید می‌ورزد. علاوه بر این، بوید با وام‌گیری از سون تزو بر این نکته که اصطکاک می‌تواند برای شکل‌دهی جنگ به‌نفع خود نقش داشته باشد، تأکید دارد. برای این منظور باید از طریق ایجاد اصطکاک برای دشمن و بهره‌گیری از آن به نفع خود شرایط جنگ را تغییر داد. بوید نظر خود را در خصوص کاهش اصطکاک جنگ در رابطه با نیروهای خودی و افزایش اصطکاک متوجه دشمن به ویژگی‌های ابتکار، هماهنگی، تنوع و سرعت ارتباط می‌دهد (Cowley, 2001: 21).

برای کاهش اصطکاک خودی باید سریع‌تر از رقیب واکنش نشان داد. به‌همین منظور نیاز به ابتکار در سطوح پایین فرماندهی است. کنترل غیرمتمرکز انجام امور باید بر اساس کنترل متمرکز مبنی بر این که چه اقدامی و به چه دلیل باید انجام گیرد باشد. دیدگاه فرمانده به این شکل متضمن هماهنگی عملیاتی و راهبردی در کنش و واکنش تاکتیکی است. آزادی عمل نیروهای زیر امر بدون وجود یک هدف مشترک و نگاه مشابه به بهترین شیوه‌ی اجرای مقاصد فرمانده می‌تواند وحدت تلاش را در معرض خطر قرار داده و اصطکاک افزایش یابد.

برای افزایش اصطکاک دشمن باید از تنوع اقدامات در حملات نظامی برخوردار بود. این تنوع را می‌توان با سرعت ترکیب کرد. سرعت در تنوع اقدامات نظامی در حمله به دشمن موجب اشباع ظرفیت آن در تشخیص نکات حیاتی جنگ می‌شود. کاهش تدریجی قدرت

فیزیکی و ذهنی دشمن زمینه‌ی کاهش مقاومت آن را فراهم آورده که در نهایت منجر به در هم شکستن روحیه و اراده‌ی آن خواهد شد.

نظریه‌ی بوید در رابطه با سطوح عملیاتی و راهبردی جنگ کاربرد دارد. هدف نظریه‌ی بوید در سطح عملیاتی ایجاد اختلال در فرایند عملیات رزمی رقیب است. ایجاد اختلال در نظریه‌ی بوید با ارائه سریع و مکرر ترکیبی از رویدادهای مبهم، فریب‌دهنده اما غیرتهدیدآمیز صورت می‌گیرد. رویدادهای چندگانه که در زمان فشرده روی می‌دهد، موجب سردرگمی رقیب در تشخیص اقدامات تهدید کننده موجودیت آن از اقدامات غیرتهدیدآمیز می‌شود. چنانچه رقیب قصد داشته باشد اقدامات خود را منطقی اتخاذ کند، چاره‌ای جز رفع عدم تطبیق بین تصورات خود و واقعیت ندارد.

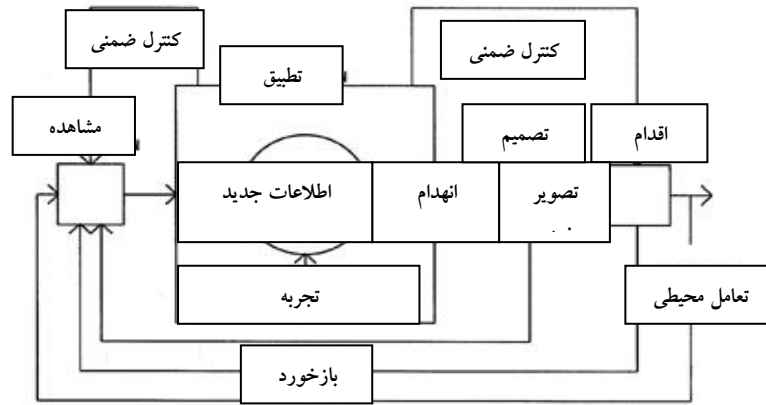
حال هدف عملیاتی که به موجب نظریه‌ی بوید تعقیب می‌شود، تضمین پایداری وضعیت رقیب است. به عبارتی، دشمن نباید قادر به اتخاذ اقدامات مبتنی بر واقعیات جنگ باشد، بلکه اقدامات آن باید مبتنی بر تصورات نادرستی باشد که ناشی از وضعیت مبهم جنگ است. رقیب به تدریج قادر به تشخیص رویدادهای متوجه آن نبوده و نمی‌داند چه اقدامی را باید انجام دهد. در چنین شرایطی سایه وحشت بر رقیب سنگینی کرده و اراده‌ی جنگی آن را خدشه‌دار می‌کند.

به همین شکل، نظریه‌ی بوید در سطح راهبردی مبتنی بر نفوذ در ماهیت روحی - ذهنی - فیزیکی رقیب برای تحلیل روحیه، ایجاد ابهام در ساختار ذهنی و مختل ساختن عملیات آن می‌باشد. این عملکرد سه بعدی شامل نفوذ در دژهای روحی - ذهنی - فیزیکی می‌شود که رقیب برای حفظ خود و تداوم عملیات به آنها تکیه دارد. بوید با الهام از کلاوزویتس معتقد است به جای تمرکز بر حرکات و توان رزم دشمن باید به ابعاد سه گانه‌ی فوق حمله کرد و به این شکل در مراکز ثقل دشمن عدم تعادل ایجاد کرد. حمله به پیوندهای روحی - ذهنی - فیزیکی رقیب می‌تواند به مراتب مؤثرتر از حمله به تجهیزات و توان رزم دشمن باشد. هدف غایی در سطح عملیاتی انهدام هماهنگی داخلی و پیوند خارجی رقیب با دنیای حقیقی است. از نظر نظریه انهدام پیوندهای داخلی و خارجی منجر به فلج سازی و فروپاشی مقاومت دشمن می‌شود (Airpower Journal, 2006:2).

نظریه‌ی بوید بر این اصل استوار است که رفتار یک بازیگر خردمند، چه به‌عنوان یک شخص و چه به‌عنوان یک سازمان، می‌تواند به‌عنوان یک سیکل مستمر از طریق چهار وظیفه ترسیم شود- مشاهده، تطبیق، تصمیم و اقدام. بوید این فرایند تصمیم‌گیری را حلقه «مشاهده، تطبیق، تصمیم و اقدام» می‌نامد. به موجب این حلقه‌ی برنده‌ی جنگ کسی است که مدام مشاهده کرده، خود را با شرایط تطبیق می‌دهد، تصمیم می‌گیرد و سریع‌تر از رقیب عمل می‌کند. با این اقدام می‌توان شرایط سردرگمی و انفعالی را برای رقیب فراهم آورد. (Military Technical Revolution, 2001: 22)

اقداماتی که رقیب در چنین شرایطی اتخاذ می‌کند، هیچ‌گونه تطبیقی با واقعیت جنگ نخواهد داشت. یک عامل مهم در دستیابی به سرعت و دقت در حلقه‌ی «مشاهده، تطبیق، تصمیم‌گیری و اقدام» تطبیق مؤثر و کارآمد با شرایط جنگ است.

در شرایط دینامیک، پیچیده و متغیر جنگ باید خود را به نحوه‌ی مؤثر و کارآمد با وضعیت نبرد تطبیق داد. به‌عبارتی، به‌سرعت و با دقت باید طرح‌هایی را ترسیم و ارائه داد تا با رویدادهای تهدیدکننده و غیرتهدیدکننده مقابله کرد.

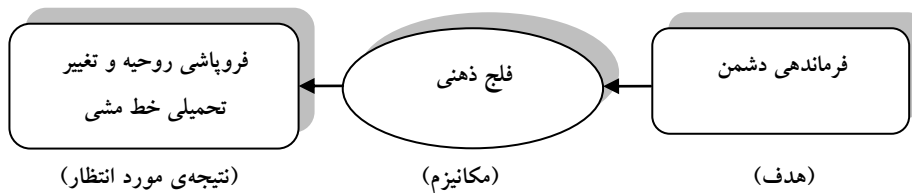


شکل شماره ۱- حلقه‌ی «مشاهده، تطبیق، تصمیم و اقدام» بوید

تصورات ذهنی که انسان می‌سازد بر اساس تجربیات شخصی، وراثت و آداب و سنن فرهنگی است. در نهایت این موارد بر تصمیمات، اقدامات و مشاهده انسان تأثیر می‌گذارد.

1 - Observation, Orientation, Decision, Act (OODA)

سرعت و دقت تصورات و طرح‌هایی که به صورت ذهنی خلق می‌شود بستگی به قدرت تطبیق خود با شرایط متغیر جنگ دارد. عدم تطبیق بین تصورات ذهنی انسان و دنیای واقعی جنگ منجر به طرح ایده‌هایی می‌شود که از دقت لازم برخوردار نبوده و گمراه‌کننده هستند. در این وضعیت، بین فرایندهای مشاهده، تطبیق، تصمیم و عمل فاصله ایجاد می‌شود، تا جایی که خود تبدیل به تله‌ی مرگ خواهد شد. این یعنی ایجاد سردرگمی در برابر رویدادهای جنگ که در نهایت زوال اراده جنگی را در پی خواهد داشت. ایجاد اصطکاک در فرایندهای پنج‌گانه‌ی فوق یکی از شیوه‌های کاهش سرعت و دقت دشمن است. در نهایت دشمن با وحشت و ترس مواجه خواهد شد و این یعنی فلج کردن توانایی و اراده جنگی دشمن. (Griffith, 2009:13) نظریه‌ی بوید از دیدگاه رابرت پاپ^۱، دانشمند علوم سیاسی، در یک مدل تحلیلی به شرح زیر ارائه می‌شود:



شکل شماره ۲- نظریه‌ی جنگ بوید

پرنده‌های شاخص شکاری بمبافکن نیروی هوایی آمریکا

نیروی هوایی آمریکا بازوی بلند این کشور برای حضور در مناطق مورد علاقه است. سامانه‌های نیروی هوایی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و سرمایه‌گذاری متناسب با نظریه‌های هوایی عصر اطلاعات طراحی و ساخته شده‌اند. به بیان دیگر، پیش از آن‌که ابزاری ساخته شود، ایده‌ها در قالب نظریه مطرح می‌شود و سپس متناسب با نظریه‌های مربوطه ابزارها با هدف اجرای نظریه مشخص طراحی و به‌کارگیری می‌شود.

این سامانه‌ها متنوع هستند تا امکان تحقق تئوری‌های مربوطه را در هر شرایط فراهم آورند. تنوع این سامانه‌ها قابل ملاحظه است، به گونه‌ای که معرفی تمام آنها خارج از حوصله‌ی این نوشتار

1 - Robert Pape

است. اما در این قسمت تلاش شده است سامانه‌هایی مطرح شود که بیشترین اتکای نیروی هوایی آمریکا به آنها است. معیار انتخاب پرنده‌ها بیشتر بر پایه‌ی سابقه به‌کارگیری آنها در جنگ‌های معاصر و در جنگ احتمالی آینده و مؤلفه‌های نظریه‌ی فلج‌سازی بوید یعنی مشاهده، تطبیق، تصمیم و اقدام بوده است. به‌همین منظور، با بهره‌گیری از تکنیک دلفی از نظرات کارشناسان خُبره استفاده به‌عمل آمده است و در مجموعه‌ی هواپیماهای زیر مبتنی بر پارامترهای عملیاتی سقف پرواز، شعاع رزمی، برد پرواز، سرعت، قابلیت رادارگریزی، میزان حمل مهمات و حداکثر فشار «جی» انتخاب شده‌اند: «اف-۱۶ سی»، «اف-۲۲»، «اف-۳۵» و «ا۱۸ ای».

- هواپیمای «اف-۱۶ سی»؛ این هواپیمای با تکیه بر فناوری پیشرفته، یکی از تجهیزات مطرح آمریکا در جنگ‌های معاصر و آینده است. مشخصات فنی هواپیما به قرار زیر است:



تصویر شماره‌ی ۳- نمای هواپیمای اف-۱۶ سی

جدول شماره‌ی ۲- مشخصات عملیاتی هواپیمای «اف-۱۶ سی»

سقف پرواز	بیش از ۶۰۰۰۰ فوت
شعاع رزمی	۲۹۵ ناتی‌کال مایل
برد پرواز	بیش از ۲۱۰۰ ناتی‌کال مایل
سرعت	۱/۹ ماخ
قابلیت رادارگریزی	متوسط
میزان حمل مهمات در بال	۹۲ پوند بر فوت مربع
حداکثر فشار «g» مثبت	۹

- هواپیمای «اف-۲۲»؛ این هواپیما که سابقه‌ای در جنگ‌های معاصر ندارد، یکی از گزینه‌های مطرح برای به‌کارگیری در جنگ آینده است. مشخصه‌های فنی هواپیما عبارت است از:



تصویر شماره ۴- نمای هواپیمای اف-۲۲

جدول ۳. مشخصات عملیاتی هواپیمای «اف-۲۲»

سقف پرواز	۶۵۰۰۰ فوت
شعاع رزمی	۴۱۰ ناتی‌کال مایل
برد پرواز	۱۶۰۰ ناتی‌کال مایل
سرعت	۱/۹ ماخ
قابلیت رادار گریزی	بسیار بالا
میزان حمل مهمات در بال	۷۷ پوند بر فوت مربع
حداکثر فشار "g" مثبت	۹

- هواپیمای «اف-۳۵» با هدف تکمیل ناوگان هوایی هواپیماهای «اف-۲۲» ساخته شده‌اند. مشخصات فنی این هواپیما عبارت است از:



تصویر شماره ۴- نمای هواپیمای اف-۳۵

جدول شماره ۴- مشخصات عملیاتی هواپیمای «اف-۳۵»

سقف پرواز	۶۰۰۰۰ فوت
شعاع رزمی	۶۴۰ ناتی‌کال مایل
برد پرواز	۱۴۰۰ ناتی‌کال مایل
سرعت	۱/۶ ماخ
قابلیت رادار گریزی	بالا
میزان حمل مهمات در بال	۹۱/۴ پوند بر فوت مربع
حداکثر فشار "g" مثبت	۹

- هواپیمای «اف-۱۸ ای» یکی دیگر از هواپیماهای شنکری بمب‌افکن آمریکا است که نقش به‌سزایی در حفظ توان هوایی این کشور دارد. مشخصات فنی این هواپیما به شرح زیر است:



تصویر شماره ۵- نمای هواپیمای اف-۱۸ ای
جدول شماره ۵- مشخصات عملیاتی هواپیمای "اف-۱۸ ای"

سقف پرواز	۵۰۰۰۰ فوت
شعاع رزمی	۳۳۰ مایل
برد پرواز	۱۲۷۵ ناتی‌کال مایل
سرعت	۱/۸ مایل ماخ
قابلیت رادار گریزی	متوسط
میزان حمل مهمات در بال	۹۳ پوند بر فوت مربع
حداکثر فشار "g"	۹

ارزیابی اولویت‌های تهدید هواپیماها مبتنی بر تکنیک تعیین رجحان ترتیبی

در این مرحله پرنده‌های شکاری بمب‌افکن آمریکا که در جنگ آینده پتانسیل تهدید را دارند، با استفاده از گروه کارشناسی مشخص شده‌اند. این پرنده‌ها عبارتند از هواپیماهای «اف-۱۸ ایی»، «اف-۳۵»، «اف-۲۲» و «اف-۱۶». هر یک از این پرنده‌ها به ترتیب با حرف «A1» تا «A4» معرفی می‌شوند. البته عوامل تهدید هوایی بیش از این موارد است. اما در این مقاله برای اجمال تنها به موارد شاخص در این خصوص بسنده شده است.

علاوه بر این، در هر یک از این هواپیماها شاخص‌هایی به‌عنوان عوامل تهدید مدنظر قرار گرفته است. این شاخص‌ها نیز با تکنیک دلفی و نظر کارشناسان خبره تعیین شده‌اند. اهمیت هر یک از این شاخص‌ها به‌عنوان وزن آنها با استفاده از گروه خبره مشخص شده است. از جدول شماره ۲ نیز برای کمی‌کردن بعضی از معیارهای کیفی استفاده شده است.

جدول شماره ۲- شاخص‌های عوامل تهدید

شاخص‌ها	"X1" سقف پرواز (فوت)	"X2" شعاع رزمی (ناتیکال مایل)	"X3" برد پرواز (ناتیکال مایل)	"X4" سرعت (ماخ)	"X5" قابلیت رادارگریزی	"X6" میزان حمل مهمات در بال (پوند)	"X7" حداکثر فشار "g"
وزن پرنده‌ها	۰/۳	۰/۵	۰/۴	۰/۳	۰/۴۵	۰/۲۵	۰/۳۵
"F-16C" (A1)	۶۰۰۰	۲۵۰	۲۱۰۰	۱/۹	متوسط	۹۲	۹
"F-22" (A2)	۶۵۰۰	۴۱۰	۱۶۰۰	۱/۹	بسیار بالا	۷۷	۹
"F-35" (A3)	۶۰۰۰	۶۴۰	۱۴۰۰	۱/۶	بالا	۹۱/۴	۹
"F-18E" (A4)	۵۰۰۰	۳۳۰	۱۲۷۵	۱/۸	متوسط	۹۳	۹

حال با استفاده از جدول شماره ۷ داده‌های کیفی جدول شماره ۶ به داده‌های کمی تبدیل می‌شود.

جدول شماره ۷- معیارهای کیفی و کمی

معیار کیفی	بسیار	بسیار تا	پایین	پایین تا	متوسط	متوسط تا	بالا	بالا تا	بسیار
	پایین	بسیار پایین		متوسط		تا بالا		بسیار بالا	بالا
معیار کمی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

در این مرحله‌ی ماتریس تصمیم‌گیری به فرار زیر تشکیل می‌شود:

جدول شماره ۸- ماتریس تصمیم‌گیری

	"X7"	"X6"	"X5"	"X4"	"X3"	"X2"	"X1"	
(A1)	۹	۹۲	۵	۱/۹	۲۱۰۰	۲۵۰	۶۰۰۰۰	
(A2)	۹	۷۷	۹	۱/۹	۱۶۰۰	۴۱۰	۶۵۰۰۰	
(A3)	۹	۹۱	۷	۱/۶	۱۴۰۰	۶۴۰	۶۰۰۰۰	
(A4)	۹	۹۳	۵	۱/۸	۱۲۷۵	۳۳۰	۵۰۰۰۰	

حال هر یک از معیارها که دارای بعد و مقیاس کمی و کیفی متنوعی هستند به معیارهای بدون بعد و مقیاس تبدیل می‌شوند. مؤلفه‌های ماتریس تصمیم با محاسبه‌ی ریشه‌ی دوم حاصل جمع مجذور هر یک از درایه‌ها در ستون مربوطه به‌هنگار و یا نرمال می‌شوند. برای این منظور، از فرمول زیر استفاده می‌شود. نتایج محاسبه در جدول شماره ۹ آمده است.

$$X_{ij}^* = \frac{X_{ij}}{\sqrt{X_{1j} + X_{2j} + \dots + X_{mj}^2}}$$

جدول شماره ۹- نرمال سازی ماتریس تصمیم گیری

"X7"	"X6"	"X5"	"X4"	"X3"	"X2"	"X1"	
۰/۵	۰/۵۱۹۸	۰/۳۷۲۶	۰/۵۲۶۵	۰/۶۴۶۳	۰/۱۶۶۷	۰/۵۰۸۴	(A1)
۰/۵	۰/۴۳۵۰	۰/۶۷۰۸	۰/۵۲۶۵	۰/۴۹۲۴	۰/۲۷۳۳	۰/۵۵۰۸	(A2)
۰/۵	۰/۵۱۴۱	۰/۵۲۱۷	۰/۴۴۳۴	۰/۴۳۰۹	۰/۴۲۶۷	۰/۵۰۸۴	(A3)
۰/۵	۰/۵۲۵۴	۰/۳۷۲۶	۰/۴۹۸۸	۰/۳۹۲۴	۰/۲۲۰۰	۰/۴۲۳۷	(A4)

در این مرحله نیاز به تشکیل ماتریس به‌هنگار وزنی است. ماتریس به‌هنگار وزنی از ضرب ماتریس به‌هنگار شده در بردار وزنی معیارها به صورت ستونی به دست می‌آید. بردار وزنی معیارها اولویت نسبی را برای تصمیم‌گیرنده نشان می‌دهد. نتایج محاسبه‌ی ماتریس به‌هنگار وزنی در جدول شماره ۱۰ آمده است.

جدول شماره ۱۰- ماتریس به‌هنگار وزنی

"X7"	"X6"	"X5"	"X4"	"X3"	"X2"	"X1"	
۰/۱۷۵۰	۰/۱۲۹۹	۰/۱۶۷۶	۰/۱۵۷۹	۰/۲۵۸۵	۰/۰۸۳۳	۰/۱۵۲۵	(A1)
۰/۱۷۵۰	۰/۱۰۸۷	۰/۳۰۱۸	۰/۱۵۷۹	۰/۱۹۶۹	۰/۱۳۶۶	۰/۱۶۵۲	(A2)
۰/۱۷۵۰	۰/۱۲۸۵	۰/۲۳۴۷	۰/۱۳۳۰	۰/۱۷۲۳	۰/۲۱۳۳	۰/۱۵۲۵	(A3)
۰/۱۷۵۰	۰/۱۳۱۳	۰/۱۶۷۶	۰/۱۴۹۶	۰/۱۵۶۹	۰/۱۱۰۰	۰/۱۲۷۱	(A4)

برای تعیین پاسخ‌های ایده‌آل و غیرایده‌آل دو بردار جواب مجازی ایده‌آل (A^*) و غیرایده‌آل (A^-) بر اساس ماتریس به‌هنگار شده‌ی وزنی تشکیل می‌شود. تعداد درایه‌ها در این بردارها با تعداد معیارها یکسان است. برای این منظور به شکل زیر عمل می‌شود.

$$A^* = (0/1750 + 0/1313 + 0/3018 + 0/1579 + 0/2585 + 0/2133 + 0/1652)$$

$$A^{\wedge} = (0/1750 + 0/1087 + 0/1676 + 0/1330 + 0/1569 + 0/0833 + 1271/0)$$

پس از تعیین پاسخ‌های ایده‌آل و غیرایده‌آل اندازه‌ی فاصله معیارها (فاصله‌ی دو نقطه در فضای "N" بُعدی) محاسبه می‌شود. تعداد معیارها همواره بُعد فضای زمینه را تشکیل می‌دهد. بنابه قواعد ریاضی و رابطه‌ی فاصله دو نقطه در فضای "N" بُعدی فاصله‌ی معیار هر گزینه از جواب ایده‌آل و جواب نایده‌آل به کمک روابط زیر به دست می‌آید.

فاصله‌ی معیار گزینه‌ی "I" «ام» از جواب ایده‌آل S^* و فاصله‌ی معیار گزینه‌ی "I" «ای» از جواب ایده‌آل S^{\wedge} به قرار زیر است:

$$S_i^* = \left[\sum_{j=1}^n (d_{ij} - d_j^*)^2 \right]^{1/2}$$

$$i = 1, 2, 3, \dots, m$$

$$S_i^{\wedge} = \left[\sum_{j=1}^n (d_{ij} - d_j^{\wedge})^2 \right]^{1/2}$$

$$S_1^* = \sqrt{(0/1525 - 0/1652)^2 + (0/0833 - 0/2133)^2 \dots (0/1750 - 0/1750)^2} = 1/8994$$

$$S_2^* = 3/1109$$

$$S_3^* = 4/4512$$

$$S_4^* = 8/3893$$

$$S_1^{\wedge} = \sqrt{(0/1525 + 0/1271)^2 + (0/0833 + 0/0833)^2 \dots (0/1750 + 0/1750)^2} = 4/1420$$

$$S_2^{\wedge} = 3/4798$$

$$S_3^{\wedge} = 3/3616$$

$$S_4^{\wedge} = 3.8719$$

در این مرحله جواب تشابه هر یک از گزینه‌ها (A_i) به جواب ایده‌آل (A^*) به کمک

رابطه‌ی زیر تعیین می‌شود:

$$C_i^* = \frac{S_i^*}{S_i^* + S_i^*} \quad C_i^* = \frac{S_i^*}{S_i^* + S_i^*} \quad C1^* = \frac{1/8994}{1/8994 + 4/1420} = 0/3143$$

$$C2^* = 0/4720 \quad C3^* = 0/5697 \quad C4^* = 0/6842$$

نتیجه گیری

نتایج حاصل از مطالعه‌ی ادبیات تحقیق مبتنی بر جنگ‌های معاصر نشان می‌دهد، قدرت نظامی آمریکا در قدرت هوایی آن خلاصه می‌شود. بر همین اساس، فلسفه‌ی توسعه‌ی ناوگان هوایی آمریکا را باید بر اساس نظرات نظریه‌پردازانی مانند جان بوید دانست. خلبان‌های آمریکایی برای مشاهده، تطبیق، تصمیم‌گیری و اقدام نیازمند رعایت ملاحظات فنی و تکنیکی هستند. شاید به همین دلیل است که کابین هواپیماهای آمریکایی در مقایسه با کابین هواپیماهای روسی امکان مشاهده فضای میدان نبرد را به خلبان بیشتر می‌دهد. در چرخه‌ی مشاهده تا اقدام هر طرفی که بتواند با انجام مانورهای ناگهانی و مشاهده دائمی صحنه‌ی نبرد به موقعیت مناسب‌تری در مقایسه با رقیب دست یابد در اتخاذ تصمیمات خود موفق‌تر عمل خواهد کرد.

در گام‌های بعدی تحقیق با استفاده از تکنیک دلفی و سوابق عملیاتی هواپیماها در جنگ‌های معاصر هواپیماهای «اف-۱۸ ایی»، «اف-۳۵»، «اف-۲۲» و «اف-۱۶» از میان سایر هواپیماها به‌عنوان اولویت‌های تهدیدهای هوایی آمریکا شناخته شده و معرفی شدند.

با انجام محاسبه‌های مبتنی بر تکنیک تعیین رجحان ترتیبی و با توجه به شاخص‌های سقف پرواز، شعاع رزمی، برد، سرعت، قابلیت رادارگریزی، میزان حمل مهمات و حداکثر تحمل فشار «جی» اولویت تهدید هوایی پرنده‌های «اف-۱۸ ایی»، «اف-۳۵»، «اف-۲۲» و «اف-۱۶» به شرح زیر بیان شده است:

$$C4^* > C3^* > C2^* > C1^*$$

یا

$$A4 > A3 > A2 > A1^*$$

به بیان دیگر، بر اساس تکنیک رجحان ترتیبی اولویت‌های تهدید پرنده‌های شکاری بمب‌افکن آمریکا که در این مقاله شامل پرنده‌های «اف-۱۸ ایی»، «اف-۳۵»، «اف-۲۲» و «اف-۱۶سی» می‌شود، به ترتیب عبارت است از:

«اف-۱۶سی» > «اف-۲۲» > «اف-۳۵» > «اف-۱۸ ایی»

بنابراین، از این تحقیق نتیجه گرفته می‌شود که چهار پرنده‌ی شکاری بمب‌افکن آمریکایی فوق که بیشترین تهدید را متوجه رقبای این کشور می‌کنند، هواپیمای «اف-۱۸ ایی» بیشترین تهدید هوایی آمریکا برای رقبای آن را تشکیل می‌دهد و پس از آن پرنده‌های «اف-۳۵»، «اف-۲۲» و «اف-۱۶سی» به ترتیب در جایگاه‌های دوم تا چهارم اولویت تهدید هوایی آمریکا برای رقبای آن قرار می‌گیرند.

منابع

- 1- "**AIR FORCE Magazine**", (2008), No.3, Washington DC.
 - 2- Boyne, Walter J.,(2003), "**Clash of Wings: Airpower in WWII**" (Simon & Schuster), New York.
 - 3- Cowley, Robert, (2001), "**editor, No End Save Victory**" (G. P. Putnam's), Washington DC.
 - 4- Gene Myers, (2006), "**Airpower Journal, , Inters vice Rivalry and Air Force Doctrine**", Washington DC.
 - 5- Griffith, Thomas E., (2009), "**MacArthur's Airmen: General George C. Kenney and the War in the Southwest Pacific**" (University Press of Kansas).
 - 6- Liddel Hart, Basil H., (1991), "**Strategy**", Penguin Books, New York.
 - 7- "**Military Review**", (2010), No.7, Washington DC.
 - 8- "**Military Techninal Revolution**", (2001), Office of Net Assessment, Washington DC.
 - 9- Steven, John, (2009), "**Military Studies**", Research Studies Center, New York.
- US Basic Doctrine, (2008), US Government, Washington DC.

به کارگیری مدلی ریاضی برای انتخاب راهبرد بهینه‌ی نظامی

میلاد آقایی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۸/۰۶

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۲۵

صفحات مقاله: ۲۰۱ - ۲۲۲

چکیده:

در محیط عملیاتی امروز که با ویژگی عدم اطمینان همراه است، مدیران و فرماندهان سازمان‌های نظامی در تلاش هستند تا راهبردهای متناسب با شرایط مختلف عملیاتی را انتخاب و به کار گیرند؛ راهبردهایی که پاسخگوی نیازهای سازمانی بوده و سازمان را در جهت چشم‌انداز طراحی شده، رهنمون سازند. از این رو، انتخاب راهبرد بهینه‌ی نوعی مسأله‌ی تصمیم‌گیری چندمعیاره در جهت دستیابی به آن چه سازمان در نظر دارد است که نیازمند به بررسی حجم زیادی از عوامل به‌عنوان معیارهای چندگانه ارزیابی می‌باشد. هدف از این مطالعه، ارائه‌ی مدلی ریاضی برای انتخاب راهبرد بهینه‌ی نظامی است. در این مقاله، از فرایند تحلیل شبکه (ANP) که روش نسبتاً جدیدی از تصمیم‌گیری چندمعیاره است و در آن تعاملات سیستماتیک میان معیارها وجود دارد، برای انتخاب راهبرد مناسب و از روش آزمایشگاه ارزیابی و آزمون تصمیم‌گیری (DEMATEL) برای تعیین جهت روابط میان معیارها استفاده شده است. در انتها نیز روش پیشنهادی در این مقاله به‌وسیله‌ی مثالی عددی مورد بررسی قرار گرفته است. این روش می‌تواند به مدیران در یافتن بهترین راهبرد بر مبنای معیارهای از پیش تعیین شده کمک نماید.

* * * * *

واژگان کلیدی

راهبرد، راهبرد نظامی، تصمیم‌گیری چندمعیاره، فرایند تحلیل شبکه، آزمایشگاه ارزیابی و آزمون تصمیم‌گیری.

طرح مسأله

آغاز شکل‌گیری هر سازمانی با پرسش این سؤال اساسی است که به‌راستی فلسفه‌ی وجودی سازمان در آینده چه خواهد بود و یا به‌عبارت بهتر، هدف از شکل‌گیری سازمان چیست؟ این سؤال به‌ویژه در سازمان‌های نظامی یکی از کلیدی‌ترین سؤال‌ها در راستای شکل‌گیری و یا موفقیت آینده است؛ چرا که سازمان‌های نظامی در محیطی متلاطم و همراه با متغیرهای بسیار پیچیده و خارج از کنترل روبه‌رو هستند و ناگزیر از به‌کارگیری رویکردها و یا راهبردهایی هستند که میزان کنترل آنها را بر محیط افزایش داده و یا در محیط نبرد، آنها را به پیروزی نزدیک‌تر نماید. به‌عبارت بهتر، در محیطی متلاطم (خاصه‌ی محیط عملیاتی سازمان‌های نظامی و یا محیط نبرد) که آن را به رودخانه‌ای خروشان (رقابت) نیز تشبیه می‌کنند، چشم‌انداز همانند آن سوی رودخانه است که سازمان‌ها قصد عبور و رسیدن به آن طرف رودخانه را دارند. از طرف دیگر، راهبرد نیز به مثابه طنابی است که سازمان‌ها را در رسیدن به آن سوی رودخانه یاری نموده و به آنها کمک می‌کند تا از رودخانه پر تلاطم عدم اطمینان به سلامت عبور کنند.

از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های محیط پیرامونی فعالیت سازمان‌های نظامی همانند صنعت که توامان با رقابت می‌باشد، عدم اطمینان است. عدم اطمینان در محیط که به‌طور مستقیم تحت تأثیر رفتار انسانی بوده و دارای دو بُعد سودمند و غیرسودمند است. در بُعد غیرسودمند، عدم اطمینان در محیط موجب تحمیل هزینه‌های بسیار بالا در حوزه نیروی انسانی، تجهیزات و ... می‌گردد؛ اما در بُعد مؤثر و سودمند، عدم اطمینان و شکل‌گیری پویایی در محیط موجب الزام سازمان‌ها به ایجاد قابلیت انعطاف‌پذیری سازمانی می‌شود (آقایی، ۱۳۸۹). در این محیط، سؤال اساسی آن است که فقدان راهبرد موجب بروز چه خسارت‌هایی خواهد گردید. بی‌شک عدم به‌کارگیری راهبرد مناسب موجب وقوع خسارت‌هایی خواهد گردید که مطمئناً در بسیاری از موارد جبران‌ناپذیر خواهند بود.

انتخاب راهبرد بهینه‌ی نظامی به نوعی مسأله‌ای است که در آن معیارهای متفاوتی تأثیرگذار هستند. از این رو می‌توان گفت، انتخاب راهبرد بهینه‌ی نظامی نوعی مسأله تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM)^۱ است که بر اساس آن می‌توان بهترین گزینه را در میان راه‌کارهای ممکن بر مبنای ارزیابی معیارهای چندگانه انتخاب نمود (بشیری و دیگران، ۲۰۱۱). از طرف دیگر، امروزه روش‌های مختلفی برای ارزیابی گزینه‌ها با توجه به معیارهای تعیین شده وجود دارد که از جمله‌ی آنها می‌توان به: روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)^۲، روش شبیه‌ترین گزینه به حالت ایده‌آل (TOPSIS)^۳، روش VIKOR^۴، روش ELECTRE^۵، روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)^۶ و ... اشاره نمود. اما آن‌چه در این بین از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، وجود ارتباط میان عوامل (معیارها) برای ارزیابی گزینه‌ی بهینه و به کارگیری تکنیکی مناسب برای تعیین ارتباط و ارزیابی گزینه‌ی مناسب است؛ چرا که مسائل دنیای واقعی و به‌ویژه مسائل مرتبط با مفاهیم نظامی به‌گونه‌ای تعریف و تحلیل می‌شوند که در آنها اغلب بین معیارهای ارزیابی ارتباط یک و یا دو سویه برقرار است و باید پیش از انتخاب راهبرد بهینه در این سازمان‌ها، به این ارتباطات توجه ویژه نموده و با توجه به آن تصمیم گرفت. در این راستا، این تحقیق در پی ارائه‌ی روش‌شناسی ریاضی و ترکیبی جدیدی است که تصمیم‌گیری در آن با توجه این تحقیق در پی ارائه مدلی ترکیبی و ریاضی برای حل این‌گونه مسائل هستیم.

پبینه‌ی تحقیق

اگر چه انتخاب راهبرد یکی از موضوعات اساسی و کارکردی سازمان‌های کنونی است؛ با توجه به بررسی‌های انجام شده در منابع داخلی و خارجی مشخص گردید که تا کنون

-
- 1 - Multi-criteria decision making
 - 2 - Analytical Hierarchy Process
 - 3 - Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution
 - 4 - Vlsekriterijumska optimizacija I kompromisno Resenje
 - 5 - Elimination et Choice Translating reality
 - 6 - Data Envelopment Analysis

تحقیق مشابهی با توجه به تکنیک پیشنهادی در این تحقیق، در حوزه‌ی انتخاب راهبرد بهینه‌ی نظامی، انجام پذیرفته است.

مبانی نظری

راهبرد

برابر انگلیسی واژه‌ی راهبرد که در فارسی نیز کاربرد زیادی دارد واژه‌ی «استراتژی»^۱ است. این واژه از ریشه‌ی یونانی استراتیگوس^۲ گرفته شده و نخستین بار در سده‌ی ۱۸ میلادی در معنای «هنر عمومی»^۳ (ماتلوف^۴، ۱۹۹۶: ۱۱) و یا «هنر سازماندهی» یگان‌ها (ویلدن^۵، ۱۹۸۷: ۲۳۵) مورد استفاده قرار گرفته است. ریشه‌ی راهبرد را باید در سطوح بالاتر از زنجیره‌ی مدیریت راهبردی که از مأموریت آغاز می‌شود، دنبال نمود. مأموریت یا رسالت هر سازمان اولین سطح از زنجیره‌ی مدیریت راهبردی است؛ در واقع، مأموریت یا رسالت علت اصلی تشکیل و دلیل تأسیس سازمان (کاپلان و نورتون^۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸) بیان‌کننده‌ی ارزش‌ها، آرزوها و فلسفه وجودی سازمان است. در سطح دوم، چشم‌انداز عبارت است از ارائه‌ی تصویری مطلوب و آرمان قابل دستیابی که منظر و دورنمایی در افق بلندمدت را فراروی مدیریت قرار می‌دهد (مومنی، خدایی و بشیری، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر، تصویری است از وضعیت سازمان در زمانی که به اهداف و راهبردهای خود دست یافته باشد. در واقع، چشم‌انداز می‌تواند به عنوان ابزاری برای خودارزیابی و حلقه‌ی واسط تبدیل مأموریت به راهبردهای سازمانی تلقی شود (مک فیل و هرینگتون^۷، ۲۰۰۸).

-
- 1 - Strategy
 - 2 - strategos
 - 3 - General art
 - 4 - Matloff
 - 5 - Wilden
 - 6 - Kaplan and Norton
 - 7 - Mcpahil and Harington

هنری منتزبرگ^۱ نویسنده‌ی توانمند در حوزه‌ی راهبردی نیز معتقد است مشکل موجود در تعریف راهبرد این است که در منابع مختلف، تعاریف متعددی برای راهبرد ارائه شده است. بعضی اعتقاد دارند که راهبرد بیانگر برنامه‌های سطح بالا (متعالی) است که مدیریت برای هدایت سازمان به سوی آینده به کار می‌گیرد. بعضی دیگر معتقدند که راهبرد در اقدامات مشخص و دقیقی نهفته است که شما برای دستیابی به آینده مطلوب به کار می‌گیرید. در نظر بعضی دیگر نیز راهبرد هم‌چنان معادل با بهترین عملکردها^۲ است و سرانجام، بعضی ممکن است راهبرد را به عنوان الگویی از اقدامات هماهنگ در طول زمان بدانند (نیون، ۱۳۸۶: ۱۲۸). یکی از حوزه‌های مهم راهبردی، راهبرد نظامی است که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

راهبرد نظامی

راهبرد نظامی شامل طرح‌ریزی و هدایت لشکرکشی‌ها، تحرک و استقرار نیروها و فریب دشمن است. راهبرد نظامی سیاستی است که سازمان‌های نظامی به منظور رسیدن به اهداف راهبردی مطلوب اتخاذ می‌کنند (گارتنر^۳، ۱۹۹۹، ص ۱۶۳). کارل فون کلاسیویتز که ملقب به پدر مطالعات راهبردی نوین است راهبرد نظامی را «به کارگیری نبردها در جهت کسب پیروزی نهایی در جنگ» تعریف می‌کند. تعریفی که لیدل هارت از راهبرد نظامی ارائه می‌دهد، تأکید کمتری بر نبرد دارد: «راهبرد نظامی هنر توزیع و به کارگیری توانایی‌های نظامی به منظور برآوردن کامل اهداف راهبرد است» (کارپنتر^۴، ۲۰۰۵: ۲۵).

در سده‌ی ۱۹ میلادی راهبرد نظامی را هم‌چنان به عنوان یکی از اجزای سه‌گانه‌ی «هنرها» یا «علوم» که جنگ‌ها را هدایت می‌کردند می‌شناختند؛ دیگر اجزا شامل تاکتیک یا اجرای طرح‌ها و تحرکات نیروها در نبرد و لجستیک یا پشتیبانی از یک ارتش بود. این دیدگاه از دوران روم باستان تا آن زمان پا برجا مانده بود و مرز بین راهبرد و تاکتیک تا حدودی تاریک

1 - Henry Mintzberg

2 - best practices

3 - Gartner

4 - Carpenter

گشته و گه‌گاه دسته‌بندی یک تصمیم نظامی بر اساس نظرات افراد مختلف تفاوت می‌کرد. کارنوت در زمان جنگ‌های انقلابی فرانسه معتقد بود که راهبرد نظامی تنها شامل تمرکز یگان‌ها است.

راهبرد و تاکتیک از لحاظ معنای کاربردی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. هر دوی آنها با مسافت، زمان و نیرو سر و کار دارند اما راهبرد، این مفاهیم را در حوزه‌ای گسترده‌تر بررسی کرده، می‌تواند تا چندین سال ادامه یابد و حالتی اجتماعی دارد ولی حوزه‌ی تاکتیک، کوچک‌تر است و شامل تحرک عناصر کمتری در طول چند ساعت یا چند هفته می‌شود. راهبرد نظامی در اصل به‌عنوان پیش‌درآمد یک نبرد تلقی می‌شد، در حالی‌که تاکتیک را به‌عنوان مجری راهبرد می‌شناختند. به هر حال، در جنگ‌های جهانی سده‌ی ۲۰ میلادی تمایز میان تحرک و نبرد، راهبرد و تاکتیک به کمک فناوری و حمل و نقل روشن‌تر شد. تاکتیک که زمانی در حوزه‌ی فعالیت یک گروهان سواره نظام تعریف می‌شد، در این سده برای یک ارتش زرهی به‌کار رفت (ویکیپدیا، ۲۰۱۲).

انتخاب راهبرد نظامی

بسیاری از استراتژیست‌های نظامی در تلاش هستند تا راهبردی موفق را در میان مجموعه‌ای از اصول راهبردی استخراج نمایند. در این راستا، مفاهیمی که در دستورالعمل ارتش آمریکا به‌عنوان مبانی عملیات نظامی مشخص شده‌اند به صورت زیر است:

- ۱) اهداف (تمام عملیات نظامی را به سمت اهداف روشن، قطعی و قابل توجه هدایت کنید)؛
- ۲) تهاجم (تصرف، حفظ و بهره‌برداری از اقدامات ابتکاری)؛
- ۳) انباشت نیرو (تمرکز نیروهای رزمی در مکان و زمان مورد نیاز)؛
- ۴) اقتصاد نظامی (تخصیص حداقل نیروی رزمی مورد نیاز)؛
- ۵) مانور (تعیین مکان دشمن در مکان نامساعد از طریق به‌کارگیری منعطف نیروهای رزمی)؛
- ۶) وحدت فرماندهی (برای هر هدفی، از وحدت تلاش‌ها تحت فرماندهی پاسخ‌گو اطمینان حاصل کنید)؛

۷) ایمنی (هیچ‌گاه به دشمنان اجازه ندهید تا به‌مزیتی غیرمنتظره دست یابند)؛

۸) غافلگیری (دشمن را در مکان و یا به‌شیوه‌ای غیرمنتظره غافلگیر کنید)؛

۹) ساده‌سازی (برنامه‌های روشن و ساده‌ای را از طریق درک روشن آماده کنید) (کتون^۱، ۱۹۷۱).
 برخی از استراتژیست‌ها مدعی هستند که توافق پیرامون اصول اساسی موجب پیروزی و موفقیت خواهد بود و این در حالی است که سایرین معتقدند جنگ پدیده‌ای غیرقابل پیش‌بینی بوده و همه چیز باید در فرمول‌بندی یک راهبرد به‌طور منعطف در نظر گرفته شود. از طرف دیگر، برخی از صاحب‌نظران بر این عقیده هستند که جنگ پدیده‌ای است که از قابلیت پیش‌بینی پایینی برخوردار بوده و می‌توان در صورتی که خبرگان نظامی سازمان درک مشخصی از شرایط و ابعاد مسأله داشته باشند، آن را افزایش داد (کستن و آرمسترانگ^۲، ۲۰۱۱).

راهبردها (و تاکتیک‌ها) باید در پاسخ به پیشرفت‌های فناوری به‌طور مداوم متحول شوند؛ چرا که راهبردی موفق که در دوره‌ای خاص مورد توجه بسیار قرار داشته است، حتی در صورتی که پیشرفت‌های جدید در اسلحه‌سازی و تجهیزات باعث منسوخ شدن آن شده باشند، همچنان پرطرفدار باقی می‌ماند. طرف‌های درگیر در جنگ جهانی اول و تا حد زیادی در جنگ داخلی آمریکا، تاکتیک‌های ناپلئونی «حمله به هر قیمت» را در مقابل نیروی دفاعی سنگرها، مسلسل‌ها و سیم‌های خاردار به‌کار گرفتند. فرانسه بنا بر تجربه‌ای که از جنگ جهانی اول اندوخته بود تصمیم گرفت با دکترین نظامی کاملاً دفاعی وارد جنگ جهانی دوم شود. به همین دلیل نیز حصارهای دفاعی به نام خط ماگینوت در طول مرز شرقی خود ایجاد کرد که به گمان دولتمردان این کشور «رسوخ‌ناپذیر» بود. اما این خط دفاعی، حریف حمله‌ی رعدآسای آلمانی‌ها نشد (ویکیپدیا، ۲۰۱۲).

روش پیشنهادی

در این مقاله رویکرد جدیدی بر مبنای مفهوم تصمیم‌گیری چندمعیاره‌ی توسعه‌یافته و برای انتخاب راهبرد پهنه‌ی نظامی ارائه گردیده است. در این بخش قصد داریم رویکرد

1 - Catton

2 - Kesten and Armstrong

جدیدی را توسعه دهیم که می‌تواند دربرگیرنده‌ی معیارها و عوامل کیفی و کمی در فرایند انتخاب راهبرد بهینه بوده و در آن می‌توان با استفاده از نظرات خبرگان، بر خلاف سایر روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره که معیارها را مستقل از یکدیگر فرض می‌کنند، به ارتباط میان معیارها و تأثیر و تاثرات آنها بر روی یکدیگر نیز توجه شده است. باید توجه داشت که مدل ریاضی و ترکیبی DEMATEL و ANP این امکان را به خبرگان می‌دهد تا نظرات خود را در طول فرایند تحقیق پیرامون روابط اعلام و اصلاح نمایند. در ادامه، هر یک از فازهای الگوریتم رویکرد پیشنهادی در این تحقیق تشریح خواهد گردید.

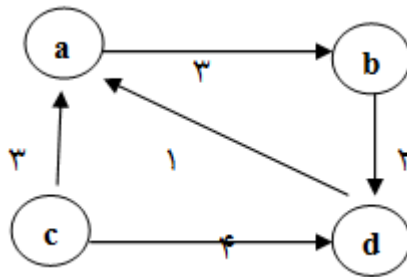
روش DEMATEL

روش DEMATEL برای اولین بار در مرکز تحقیقات ژنو^۱ معرفی گردید. این روش در آن زمان برای حل مسائل پیچیده‌ای نظیر مسائل قحطی، انرژی، حفاظت از محیط زیست و ... مورد استفاده قرار گرفت (فونتلا و گابوس^۲، ۱۹۷۶). روش DEMATEL یکی از ابزارهای تصمیم‌گیری چندمعیاره بر مبنای نظریه‌ی گراف است که ما را قادر می‌سازد تا مسائل را برنامه‌ریزی و حل کنیم؛ به نحوی که ممکن است برای درک بهتر روابط علی نقشه‌ی روابط شبکه‌ای چندین معیار را در گروه علت/معلول ترسیم کنیم. این روش شناسی ممکن است تأییدکننده روابط متقابل میان متغیر/معیارها و یا محدودکننده‌ی روابط در یک روند توسعه‌ای و سیستماتیک باشد (چو و دیگران^۳، ۲۰۰۶؛ هوری و شیمیزو^۴، ۱۹۹۹ و تامورا و دیگران^۵، ۲۰۰۲؛ لی و دیگران^۶، ۲۰۱۱ و دالالا و دیگران^۷، ۲۰۱۱). محصول نهایی فرایند DEMATEL ارائه‌ی تصویری است که پاسخگو بر اساس آن فعالیت‌های خود را سازمان داده و جهت روابط میان معیارها را مشخص می‌نماید (تزننگ و

-
- 1 - Geneva Research Center
 - 2- Fontela and Gabus
 - 3 - Chiu et al.
 - 4 - Hori and Shimizu
 - 5 - Tamura et al
 - 6- Lee et al
 - 7 - Dalalah et al

دیگران^۱، (۲۰۰۷)، وو^۲ (۲۰۰۸) و آقایی (۱۳۹۰) و آقایی و فضلی (۲۰۱۲) چهار گام زیر را برای روش DEMATEL بر اساس روش فوتنلا و گابوس (۱۹۷۶) ارائه کرده‌اند:

گام اول: عناصر تشکیل‌دهنده‌ی سیستم مورد بررسی را با یکی از روش‌های معمول (مانند روش دلفی) مشخص نموده و مقایسات از عناصر به صورت زوجی و قضاوت خبرگان (۱۰ تا ۱۲ نفر) فقط برای ارتباطات مستقیم از عناصر با یکدیگر مورد پرسش واقع می‌شود. باید توجه داشت که جهت روابط میان متغیرها می‌تواند دو سویه (دو طرفه) و شدت روابط نهایی و صورت امتیازدهی (به‌طور نمونه، از ۰ تا ۴، از ۰ تا ۱۰ و یا از صفر تا ۱۰۰) باشد. سپس میانگین (حسابی و یا هندسی) امتیازات را به‌ازای هر دو عنصر A و B محاسبه نموده و به‌صورت یک ماتریس M⁺ نشان داده می‌شود. ورودی هر تقاطع نشان‌دهنده‌ی شدت نفوذ است؛ به این معنی که چنانچه تقاطع C1 در سطر اول و C3 در ستون سوم برابر با ۲ باشد؛ بیانگر آن است که معیار C1 به میزان ۲ واحد بر معیار C3 تأثیرگذار است و جهت تأثیر از سمت معیار C1 به سمت معیار C3 است (اصغر پور، ۱۳۷۷). شکل شماره‌ی ۱ مثالی از چنین نقشه‌ی شبکه‌ی تأثیرات است. هر حرف نشان‌گر یک معیار در سیستم است. هر پیکان از c به d نشانگر تأثیری است که c بر d داشته و میزان تأثیر 4 است. باید توجه داشت که بر اساس فلسفه‌ی این روش و بر خلاف سایر روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره چنانچه معیار A به میزان ۲ واحد بر معیار B تأثیرگذار باشد، معیار B نیز می‌تواند به اندازه‌ی ۲ واحد، بیشتر و یا کمتر، بر معیار A تأثیرگذار باشد.



شکل شماره‌ی ۱- نمونه‌ی نقشه‌ی تأثیر

1 - Tzeng et al

2 - Wu

گام دوم: هر ورودی از ماتریس M را در معکوس بیشترین مجموع ردیفی (α) از آن ماتریس ضرب کنید $M = \alpha \cdot \hat{M}$. این عمل ضرب موجب انحراف از روند حاکم بر پاسخ‌های موجود نمی‌گردد، زیرا آن پاسخ‌ها برای روابط ممکن به صورت مستقیم (بین هر دو عنصر) است و به وضوح آثار غیرمستقیم از عناصر بر یکدیگر کمتر از آثار مستقیم آنها خواهد بود.

$$\alpha = \max \sum_{j=1}^n a_{ij}$$

به طور مثال چنانچه ماتریس M برابر با:

$$\hat{M} = \begin{bmatrix} & C1 & C2 & C3 & C4 \\ C1 & 0 & 3.38 & 3 & 2.8 \\ C2 & 3 & 0 & 2 & 3 \\ C3 & 3 & 2.57 & 0 & 1.75 \\ C4 & 1 & 2.43 & 2.17 & 0 \end{bmatrix}$$

آن‌گاه: مجموع ردیف ۱: $0 + 3.38 + 3 + 2.8 = 9.18$ مجموع ردیف ۲: $3 + 0 + 2 + 3 = 8$

مجموع ردیف ۳: $3 + 2.57 + 0 + 1.75 = 7.32$ مجموع ردیف ۴: $1 + 2.43 + 2.17 + 0 = 5.6$

۱ + ۲.۴۳

$$\alpha = \frac{1}{9.18} = 0.1089 \quad \text{پس:}$$

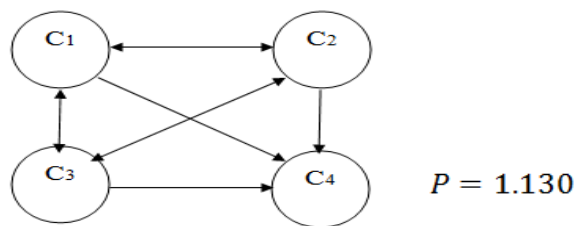
$$M = \alpha \cdot \hat{M} = \begin{bmatrix} & C1 & C2 & C3 & C4 \\ C1 & 0 & 0.368 & 0.327 & 0.305 \\ C2 & 0.327 & 0 & 0.218 & 0.327 \\ C3 & 0.327 & 0.280 & 0 & 0.191 \\ C4 & 0.109 & 0.265 & 0.236 & 0 \end{bmatrix}$$

گام سوم: مجموع دنباله‌ی نامحدود از آثار مستقیم و غیرمستقیم از عناصر بر یکدیگر (توأم با کلیه‌ی بازخورهای ممکن) را به صورت یک تصاعد هندسی، بر اساس قوانین موجود از گراف‌ها محاسبه کنید. محاسبه‌ی این مجموع نیاز به استفاده از $(I-M)^{-1}$ خواهد داشت. آثار غیرمستقیم از عناصر موجود ماتریس معکوس هم‌گرایی دارد، زیرا اثرهای غیرمستقیم در طول

زنجیره‌ها از دیاگرام موجود به صورت پیوسته کاهش خواهد بود. مجموع دنباله‌ی نامحدود از اثرهای مستقیم و غیرمستقیم از عناصر بر یکدیگر به صورت $M(I-M)^{-1}$ است.

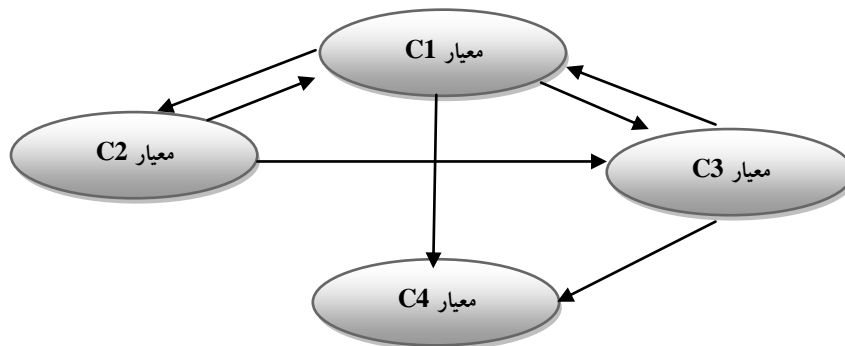
$$T = \begin{bmatrix} & C1 & C2 & C3 & C4 \\ C1 & 1.078 & 1.504 & 1.333 & 1.380 \\ C2 & 1.205 & 1.104 & 1.154 & 1.276 \\ C3 & 1.174 & 1.276 & 0.932 & 1.144 \\ C4 & 0.823 & 1.023 & 0.907 & 0.759 \end{bmatrix}$$

گام چهارم: تعیین ارزش آستانه‌ای و تدوین نقشه‌ی شبکه روابط. به منظور تشریح روابط ساختاری میان معیار و حفظ پیچیدگی سیستم با یک سطح قابل مدیریت در همان زمان، لازم است که ارزش آستانه‌ای ρ برای فیلتر نمودن تأثیرات ناچیز در ماتریس T تدوین شود. تنها برخی از معیارها، که تأثیر آنها در ماتریس T بیشتر از ارزش آستانه‌ای است باید انتخاب شده و در نقشه‌ی روابط شبکه‌ای نمایش داده شوند. پس از تصمیم‌گیری نسبت به ارزش آستانه‌ای، نتایج تأثیر نهایی معیار می‌تواند در نقشه‌ی روابط نشان داده شود. برای بیان رویه‌های روش DEMATEL، نمونه‌ی ساده برای نمایش چگونگی روابط مورد بحث معیارها را می‌توان تعریف نمود. در مثال بالا ارزش آستانه‌ای برابر با میانگین حسابی کلیه‌ی درایه‌های ماتریس T در نظر گرفته شده است. بر این اساس، شکل روابط و تأثیرگذاری متغیرها به صورت زیر خواهد بود.



شکل شماره ۲- تعریف روابط میان متغیرها بر اساس روش DEMATEL

گام پنجم: به واسطه‌ی کشیدن دیاگرام (D+R,D-R) از ماتریس T که در آن D برابر با ستون و R برابر با سطر است و محور افقی D+R و نشان‌دهنده‌ی مجموع شدت یک عنصر (در طول محور طول‌ها) هم از نظر نفوذکننده و هم از نظر تحت نفوذ واقع شدن و محور عمودی D-R به‌طوری‌که نشان‌دهنده‌ی موقعیت یک عنصر (در طول محور عرض‌ها) است و این موقعیت در صورت مثبت بودن (D-R) به‌طور قطع یک نفوذکننده بوده و در صورت منفی بودن آن، به‌طور قطع تحت نفوذ (دریافت‌کننده) خواهد بود.



شکل شماره ۳- نقشه‌ی روابط شبکه سیستم

روش ANP

روش فرایند تحلیل شبکه (ANP)^۱ در سال ۱۹۹۶ توسط ساعتی معرفی، توسعه‌ای از روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)^۲ بوده و حالت کلی آن است. ANP وابستگی در یک معیار (وابستگی دورنی) و بین معیارهای مختلف (وابستگی بیرونی) را مدیریت می‌کند (عطایی، ۱۳۸۹: ۲۴۲). AHP ساختار تصمیم‌گیری را با استفاده از روابط غیرمستقیم سلسله مراتبی میان معیارها، مدل‌سازی می‌کند؛ اما ANP، امکان بررسی روابط داخلی پیچیده‌تر میان معیارها را ایجاد می‌کند. روش ANP را می‌توان به‌صورت زیر تعریف کرد:

1 - Analytical Network Process

2 - Analytical Hierarchy Process



شکل شماره ۴- روند نمای تصمیم‌گیری در روش تحلیل شبکه (عطایی، ۱۳۸۹: ۲۴۳)

در گام اول، ANP معیارها را در کل سیستم برای شکل دهی سوپر ماتریس شکل می‌دهد. این کار از طریق مقایسات دوجه دو با پرسش این سؤال آغاز می‌شود: تا چه میزان این معیار در مقایسه با سایر معیارها با توجه به علایق و ترجیحات اهمیت/ تأثیر دارد؟ ارزش اهمیت نسبی را می‌توان با استفاده از یک مقیاس ۱-۹ با در نظر گرفتن اهمیت معادل به اهمیت فوق‌العاده تعریف نمود (ساعتی، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۶). فرم کلی ماتریس نهایی را می‌توان به صورت زیر تعریف نمود:

$$W = \begin{matrix} & & C_1 & C_2 & \dots & C_n \\ \begin{matrix} C_1 \\ C_2 \\ \vdots \\ C_n \end{matrix} & \begin{matrix} e_{11} \\ e_{12} \\ \vdots \\ e_{1m_1} \\ e_{21} \\ e_{22} \\ \vdots \\ e_{2m_2} \\ \vdots \\ e_{n1} \\ e_{n2} \\ \vdots \\ e_{nm_n} \end{matrix} & \begin{bmatrix} W_{11} & W_{12} & \dots & W_{1n} \\ W_{21} & W_{22} & \dots & W_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ W_{n1} & W_{n2} & \dots & W_{n2} \end{bmatrix} \end{matrix}$$

که در آن C_n بیانگر n امین گروه، enm بیانگر m امین عنصر در n امین گروه است و W_{ij} بردار ویژه اصلی تأثیر عناصر در مقایسه با i امین گروه با j امین گروه است. علاوه بر این، اگر گروه i ام تأثیری بر گروه j ام ندارد، پس $W_{ij}=0$. پس از آن، سوپر ماتریس موزون به وسیله ضرب سوپر ماتریس تأثیر، که مطابق با روش DEMATEL به دست آمده است، حاصل می شود. سوپر ماتریس موزون، با تغییر مجموع تمام ستون ها به ستون واحد ایجاد می شود. این گام بیشتر شبیه مفهوم زنجیره ی مارکوف است که در آن اطمینان حاصل می کنیم که مجموع این احتمالات از همه ی حالات برابر ۱ است. هر چند، می دانیم که تأثیر هر معیار ممکن است مطابق با نتایج روش DEMATEL متفاوت باشد. اگر درجات تأثیر این معیار مساوی در نظر گرفته شود، می توان از روش میانگین برای حصول سوپر ماتریس موزون استفاده نمود. نتایج وزن های ارزیابی شده بالاتر و پایین تر از موقعیت واقعی خواهد بود. به این دلیل، قصد داریم روش DEMATEL را برای غلبه بر محدودیت ها به کار گیریم و فرض می کنیم که سوپر ماتریس تأثیر T_p مطابق با نتایج روش DEMATEL تعیین می شود. به دلیل سطح تأثیر بین معیارها در ماتریس روابط کلی T_p متفاوت هستند، تمام معیارهای ماتریس تأثیر کلی T_p باید نرمال سازی شوند. عناصر نرمال شده ماتریس تأثیر نهایی T_p عبارتند از: $t_{ij}^z = \frac{t_{ij}^p}{\sum_{i=1}^p t_{ij}^p}$ ماتریس تأثیر نهایی T_z به صورت زیر تعریف می شود:

$$T_z = \begin{bmatrix} t_{11}^z & \cdots & t_{1j}^z & \cdots & t_{1n}^z \\ \vdots & & \vdots & & \vdots \\ t_{i1}^z & \cdots & t_{ij}^z & \cdots & t_{in}^z \\ \vdots & & \vdots & & \vdots \\ t_{n1}^z & \cdots & t_{nj}^z & \cdots & t_{nn}^z \end{bmatrix}$$

علاوه بر این، سوپر ماتریس موزون Ww نظیر معادله‌ی ۹ را می‌توان با ضرب ماتریس نهایی غیر موزون W و ماتریس تأثیر کلی Tz نرمال‌سازی کرد. $Ww = Tz \times W$ (9). در نهایت، به ماتریس نهایی موزونی برای محدود نمودن توان‌ها/نظیر معادله‌ی ۱۰ می‌رسیم.

$$\lim_{t \rightarrow \infty} W_w^t$$

علاوه بر این، چنانچه سوپر ماتریس تنها محدودکننده‌ی ماتریس نباشد، می‌توان برای رسیدن به سوپر ماتریس محدودکننده‌ی موزون Wf به صورت زیر عمل نمود:

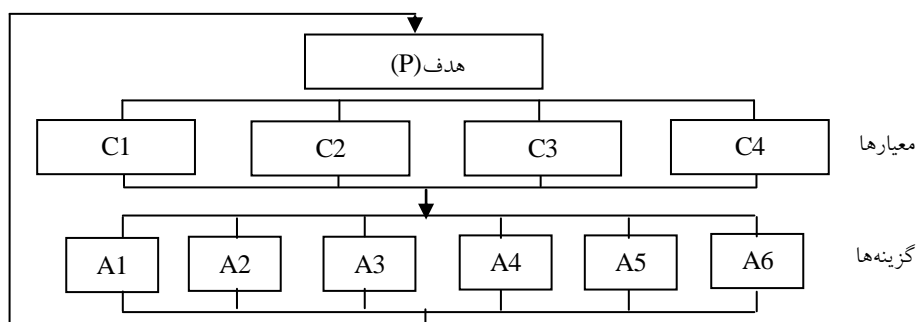
$$\lim_{k \rightarrow \infty} \left(\frac{1}{N} \right) \sum_{j=1}^N W_j^k$$

که در آن W_j ، زامین ماتریس نهایی محدودکننده را مشخص می‌کند.

مثال عددی

به طور مثال، در انتخاب راهبرد بهینه‌ی نظامی در حوزه‌ی به کارگیری رویکرد بهینه‌ی عملیاتی و نظامی برای رزمایش ولایت ۲، از ۱۰ نفر خبرگان (مدیران و فرماندهان) نیروهای زمینی، هوایی و دریایی استفاده شده است. در این راستا، کمیته‌ای روش پیشنهادی را در ۴ فاز تدوین نمود. در فاز اول، هدف (انتخاب راهبرد بهینه‌ی عملیاتی) با عبارت اختصاری (P) تعیین گردید. در فاز دوم، معیارهای مؤثر بر انتخاب راهبرد بهینه با استفاده از روش دلفی در قالب چهار معیار زیر تعیین گردید: (C1)، (C2)، (C3) و (C4). پس از آن گزینه‌ها در قالب ۶ رویکرد عملیاتی به صورت زیر تعیین شد: (A1)، (A2)،

(A3)، (A4)، (A5) و (A6). در فاز سوم، ساختار تصمیم مطابق با شکل شماره ۳ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که مطابق با آن بر اساس روش DEMATEL روابط داخلی نیز مدیریت می گردند. در فاز آخر، برای حصول تأثیرگذاری نسبی میان عناصر، از خبرگان (اعضای کمیته) خواسته می شود تا به مقایسات زوجی طراحی شده پاسخ دهند. به منظور تجمیع ارزیابی ها از روش میانگین هندسی در ANP و DEMATEL می شود. پس از تجمیع نظرات، از طریق روش DEMATEL ماتریس روابط مستقیم (جدول شماره ۱) حاصل و در جدول شماره ۲ ماتریس روابط مستقیم و غیر مستقیم حاصل می شود. برای محاسبات روش DEAMATEL با استفاده از نرم افزار MATLAB و سوپر ماتریس را می توان با استفاده از نرم افزار Super Decisions انجام داد. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات ۵ نفر از خبرگان این حوزه تعیین و نرخ ناسازگاری (پایایی) تصمیمات نیز با استفاده از نرم افزار، ۰.۰۷ محاسبه شده است که با توجه به پایین تر بودن از ۰.۱، قابل قبول است. ساختار تعریف مسأله و انتخاب راهبرد بهینه در شکل زیر ارائه گردیده است:



شکل شماره ۵- ساختار تصمیم برای انتخاب رویکرد مناسب نگهداری و تعمیرات

نتایج حاصل از اجرای گام به گام مدل ترکیبی در این بخش ارائه گردیده است. یافته های حاصل از اجرای گام های DEMATEL به صورت زیر می باشد.

جدول شماره ۱- ماتریس روابط مستقیم

	C1	C2	C3	C4
C1	۰	۰.۳۱۴	۰.۳۵۵	۰.۳۴۴
C2	۰.۱۹۳	۰	۰	۰.۲۹۰
C3	۰.۰۹۷	۰.۳۱۴	۰	۰.۲۱۸
C4	۰.۲۹۰	۰.۳۱۴	۰.۲۴۲	۰

جدول شماره ۲- ماتریس روابط مستقیم و غیرمستقیم (ماتریس T)

	C1	C2	C3	C4
C1	۰.۶۰۱۴	۱.۰۹۸	۰.۸۲۷	۱.۰۶۷
C2	۰.۵۳۶	۰.۴۹۶	۰.۳۵۵	۰.۶۹۸
C3	۰.۴۸۳	۰.۷۹۰	۰.۳۳۹	۰.۶۹۲
C4	۰.۴۷۶	۰.۷۹۰	۰.۶۷۵	۰.۶۹۶

با توجه به مذاکره با خبرگان، ارزش آستانه‌ای در این تحقیق، میانگین کل اعداد حاصل از جدول ماتریس روابط مستقیم و غیرمستقیم در نظر گرفته شد. بدین جهت، ارزش آستانه‌ای در این تحقیق عبارت است از: ۰.۶۸۰ . بر این اساس، C1 بر C2، C3 و C4، C2 بر C3، C4، C3 بر C2، C4، C4 بر C2 و C4، C1 بر C2 و C3 تأثیرگذار است. پس از تعیین روابط میان معیارهای تحقیق، می‌توان با استفاده از رویکرد ANP وزن هر معیار و انتخاب و اولویت‌بندی گزینه‌های تحقیق را انجام داد. نتایج حاصل از محاسبات این بخش در جداول شماره ۳ و ۴ ارائه گردیده است.

$$WC = (C1, C2, C3, C4) = (0.128, 0.104, 0.048, 0.220),$$

$$WA = (A1, A2, A3, A4, A5, A6) = (0.023, 0.153, 0.092, 0.096, 0.058, 0.078).$$

بنابراین، مهم‌ترین معیار C4 با وزن ۰.۲۲۰ است و گزینه‌ی A2 با وزن ۰.۱۵۳ است.

جدول شماره ۳- سوپر ماتریس غیرموزون

SELEC	C4	C3	C2	C1	A6	A5	A4	A3	A2	A1	
A1	۰.۰۰۰۰	۰.۰۳۲۹۳	۰.۰۴۳۴۰	۰.۰۸۷۹۶	۰.۰۳۵۲۴	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
A2	۰.۰۰۰۰	۰.۳۴۳۰۵	۰.۲۹۱۷۸	۰.۲۲۸۲۷	۰.۳۱۳۶۱	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰

۰.۰۰۰۰	۰.۲۳۷۰۷	۰.۱۷۷۷۵	۰.۱۵۳۰۴	۰.۱۲۱۵۴	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	A3
۰.۰۰۰۰	۰.۱۸۰۸۴	۰.۱۸۰۲۶	۰.۱۸۰۵۴	۰.۲۲۶۹۲	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	A4
۰.۰۰۰۰	۰.۰۹۹۶۶	۰.۱۲۹۴۲	۰.۱۴۸۶۷	۰.۱۰۹۰۵	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	A5
۰.۰۰۰۰	۰.۱۰۶۴۵	۰.۱۷۷۳۹	۰.۲۰۱۵۲	۰.۱۹۳۶۵	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	A6
۰.۶۹۲۶۹	۰.۵۸۲۳۴	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	C1
۰.۰۴۵۵۴	۰.۲۷۲۴۰	۰.۳۹۹۷۶	۰.۰۰۰۰	۰.۱۹۴۸۹	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	C2
۰.۱۴۲۳۳	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۳۷۸۶۴	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	C3
۰.۱۱۹۴۴	۰.۱۴۵۲۶	۰.۶۰۰۲۴	۱.۰۰۰۰	۰.۴۲۶۴۷	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	C4
۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	SELEC

جدول شماره ۴- ماتریس نهایی رتبه‌بندی گزینه‌ها

SELEC	C4	C3	C2	C1	A6	A5	A4	A3	A2	A1	
۰.۰۲۳۰۰	۰.۰۲۳۰۰	۰.۰۲۳۰۰	۰.۰۲۳۰۰	۰.۰۲۳۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	A1
۰.۱۵۳۳۳	۰.۱۵۳۳۳	۰.۱۵۳۳۳	۰.۱۵۳۳۳	۰.۱۵۳۳۳	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	A2
۰.۰۹۲۱۴	۰.۰۹۲۱۴	۰.۰۹۲۱۴	۰.۰۹۲۱۴	۰.۰۹۲۱۴	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	A3
۰.۰۹۶۲۵	۰.۰۹۶۲۵	۰.۰۹۶۲۵	۰.۰۹۶۲۵	۰.۰۹۶۲۵	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	A4
۰.۰۵۷۵۷	۰.۰۵۷۵۷	۰.۰۵۷۵۷	۰.۰۵۷۵۷	۰.۰۵۷۵۷	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	A5
۰.۰۷۷۷۱	۰.۰۷۷۷۱	۰.۰۷۷۷۱	۰.۰۷۷۷۱	۰.۰۷۷۷۱	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	A6
۰.۱۲۷۸۸	۰.۱۲۷۸۸	۰.۱۲۷۸۸	۰.۱۲۷۸۸	۰.۱۲۷۸۸	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	C1
۰.۱۰۴۱۰	۰.۱۰۴۱۰	۰.۱۰۴۱۰	۰.۱۰۴۱۰	۰.۱۰۴۱۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	C2
۰.۰۴۸۴۲	۰.۰۴۸۴۲	۰.۰۴۸۴۲	۰.۰۴۸۴۲	۰.۰۴۸۴۲	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	C3
۰.۲۱۹۶۰	۰.۲۱۹۶۰	۰.۲۱۹۶۰	۰.۲۱۹۶۰	۰.۲۱۹۶۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	C4
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	SELEC

همان‌گونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، اولویت‌بندی معیارها به‌ترتیب عبارت است از: معیار C1 در رتبه‌ی اول، و C2، C3 و C4 در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند. علاوه بر این، راهبرد بهینه‌ی A2 بوده و اولویت‌بندی سایر گزینه‌ها به‌ترتیب عبارت است از: A4، A3، A6، A5 و A1.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف اصلی مدیران و فرماندهان فعال در سازمان‌های نظامی این است که راهبردهایی با قابلیت اطمینان بالا داشته باشند تا از این طریق حصول موفقیت در محیط همراه با عدم اطمینان به حداکثر میزان ممکن افزایش یابد. یکی از مشکلات پیش روی آنها آن است که رویکرد مناسبی را در راستای هدف و چشم‌انداز سازمان نداشته و در این راستا با چالش‌های چشمگیری روبه‌رو هستند. از طرف دیگر، امروزه رویکردها و راهبردهای متفاوت نظامی وجود دارد که به‌کارگیری تکنیک و انتخاب یک رویکرد متناسب با شرایط و ساختارهای سازمان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. از این‌رو، هدف از این پژوهش ارائه‌ی مدلی ریاضی با توجه به رویکرد تصمیم‌گیری چندمعیاره در حل مسأله‌ی ارزیابی راهبرد بهینه‌ی نظامی است؛ چرا که در این سازمان‌ها به‌کارگیری تکنیک‌های تصمیم‌گیری به دلیل ماهیت سرنوشت‌ساز عملیاتی و کارکردی سازمان، امری اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد. بنابراین، با توجه به استفاده از چندین عامل به‌عنوان معیار ارزیابی، روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره مناسب به‌نظر می‌رسند. هر یک از این تکنیک‌ها دارای نقاط ضعف و قوتی هستند که با ترکیب صحیح و بهینه این تکنیک‌ها می‌توان ضمن بهره‌گیری از نقاط قوت آنها، نقاط ضعف هر یک را نیز جبران نمود. از طرفی، امروزه روش‌های مختلفی مطرح گردیده است که ضعف عمده‌ی تمامی این روش‌ها در نظر گرفتن فرض استقلال هر یک از عوامل (معیارها) نسبت به عامل (معیار) دیگر است؛ در صورتی که فرض وابستگی و وجود ارتباط میان عوامل در هر شرایطی محتمل است. از این‌رو، به‌منظور در نظر گرفتن نظرات کارشناسان و در نتیجه اتخاذ تصمیمی صحیح‌تر استفاده از فرایند تحلیل شبکه (ANP) مناسب به‌نظر می‌رسد. یکی از نقاط ضعف این تکنیک، محدودیت موجود در تعیین ارتباط میان عوامل است که توسط تکنیک DEMATEL که تعیین‌کننده‌ی جهت رابطه‌ی میان عوامل مؤثر است، قابل حل می‌باشد. هم‌چنین محدودیت تکنیک DEMATEL در عدم دستیابی به وزن معیارها و دستیابی به سازگاری قضاوتی نیز توسط ANP قابل حل است.

بنابراین، در این پژوهش مدل ترکیبی ANP - DEMATEL در ارزیابی و انتخاب راهبرد بهینه برای سازمان‌های نظامی پیشنهاد و از تکنیک DEMATEL برای ارزیابی نحوه‌ی ارتباط میان عوامل مؤثر و تکنیک ANP در اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ارزیابی و انتخاب رویکرد مناسب مورد استفاده گردیده است. در تحقیقات آتی می‌توان از روش پیشنهادی در این تحقیق در عالم واقع و در یکی از سازمان‌های نظامی استفاده کرد. همچنین می‌توان این تحقیق را در حالت فازی به‌کار گرفته و نتایج حاصل از آن را با مقایسه نمود.

منابع

فارسی

- ۱- آقای، اصغر و میلاد، (۱۳۸۹)، «نگهداری و تعمیرات نوین»، چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.
- ۲- آقای، اصغر، (۱۳۸۹)، «طراحی و تبیین الگوی سیستم یکپارچه نت خودرویی ناجا»، پایان‌نامه دکتری مدیریت سیستم، دانشگاه امام حسین^(ع).
- ۳- آقای، میلاد، (۱۳۹۰)، «رویکرد تصمیم‌گیری چند معیاره به ارزیابی استراتژی بهینه نگهداری و تعمیرات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ع).
- ۴- عطایی، محمد، (۱۳۸۹)، «تصمیم‌گیری چند معیاره»، چاپ اول، شاهرود: انتشارات دانشگاه صنعتی شاهرود.
- ۵- مومنی، منصور؛ خدایی، سمیه؛ بشیری، مجتبی، (۱۳۸۸)، «ارزیابی عملکرد سازمان تأمین اجتماعی با استفاده از مدل ترکیبی BSC-FDEA»، فصلنامه مدیریت صنعتی، شماره ۳.
- ۶- نیون، پل.آر، (۱۳۸۶)، «ارزیابی متوازن-گام به گام راهنمای طراحی و پیاده‌سازی»، ترجمه: پرویز بختیاری و دیگران، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.

انگلیسی

- 7- Aghaee. M., Fazli. S(2012), "*An improved MCDM Method for selection of optimized maintenance approach*"(case study of auto industry), Journal of Management, Science Letters, Vol.2, No.1.
- 8- Bashiri. M, Badri. H, Hejazi. T.H (2011), "*Selecting optimum maintenance strategy by FUZZY interactive linear assignment method*", Applied Mathematical Modeling, Vol. 35, pp.152-164.
- 9- Carpenter. S. D (2005), "*Military Leadership in the British Civil Wars*", 1642-1651: The Genius of This Age ,Routledge.
- 10- Catton. B(1971), "*The Civil War, American Heritage Press*", New York. Library of Congress Number: 77-119671.

- 11- Chiu. Y. J, Chen. H. C, Tzeng. G. H and Shyu. J. Z (2006). "**Marketing strategy based on customer behavior for the LCD-TV**", International Journal of Management and Decision Making, Vol.7, No.2.
- 12- Dalalah, D., Hayajneh, M and Batieha, F(2011), "**A fuzzy multi-criteria decision making model for supplier selection**. *Expert Systems with Applications*", No.38.
- 13- Fontela, E and Gabus, A. (1976), "**The DEMATEL observer, DEMATEL 1976 Report**", Switzerland, Geneva: Battelle Geneva Research Center.
- 14- Gartner. S. S (1999), "**Strategic Assessment in War**" ,Yale University Press.
- 15- Hori. S and Shimizu. Y (1999), "**Designing methods of human interface for supervisory control systems**", Control Engineering Practice, Vol. 7, No.11.
- 16- Kesten. C. G and Armstrong. J. S (2011), "**Role thinking: Standing in other people's shoes to forecast decisions in conflicts**", Yale University Press.
- 17- Lee, Y. C., Lee, M. L., Yen, T. M., & Huang, T. H (2011), "**Analysis of fuzzy Decision Making Trial and Evaluation Laboratory on technology acceptance model**", Expert Systems with Applications.
- 18- Matloff. Maurice (1996), "**American Military History: 1775-1902**", volume 1 , Combined Books.
- 19- McPhail, R., Herington, C., Guilding, C (2008), "**Human resource managers' perceptions of the applications and merit of the balanced scorecard in hotels**". International Journal of Hospitality Management 27 (4).
- 20- Saaty, T. L. (1980), "**The analytic hierarchy process**", New York: McGraw-Hill.
- 21- Saaty, T. L. (1996), "**Decision making with dependence and feedback: Analytic network process**". Pittsburgh: RWS Publications.
- 22- Tamura. M, Nagata. H and Akazawa. K (2002), "**Extraction and systems analysis of factors that prevent safety and security by structural models**", In 41st SICE annual conference, Osaka, Japan.
- 23- Tzeng. G. H, Chiang. C. H and Li, C. W (2007), "**Evaluating intertwined effects in e-learning programs: A novel hybrid MCDM model based on factor analysis and DEMATEL**. *Expert Systems with Applications*", Vol. 32, No4.
- 24- Wilden. A (1987), "**Man and Woman, War and Peace: The Strategist's Companion** ", Routledge.
- 25- WWW.Wikipedia.com.
- 26- Wu. Wei-Wen, (2008), "**Choosing knowledge management strategies by using a combined ANP and DEMATEL approach**", Expert Systems with Applications, No.35.

A Mathematical Model Employed to Choose an Optimum Military Strategy

Milad Aghaei

ABSTRACT

In today's' operational environment characterized by the feature of uncertainty, managers and commanders are invariably endeavoring to choose and employ strategies in proportion to different operational conditions, so that those strategies can respond to organizational requirements, and drive the organization in the direction of the outlook that has been delineated for it. Therefore, choosing an optimum strategy is a kind of multi-criteria decision making for obtaining what the organization plans to achieve, which requires addressing lots of factors as multi-criteria of assessment. This study is aimed to develop a mathematical model for choosing an optimum military strategy. This article uses Analytical Network Process (ANP) as a relatively new method of multi-criteria decision making where there exists a systematic interaction to choose an optimal strategy, and uses Decision Making Trial and Evaluation Laboratory method (DEMA TEL) to determine the relationships between criteria. Finally, the method proposed in this article has been examined through a numerical example, which can help managers find the optimum strategy on the basis of the predetermined criteria.

KeyWords: *strategy; military strategy; multi-criteria decision making; Analytical Network Process (ANP); Decision Making Trial and Evaluation Laboratory (DEMA TEL)*

An Explanation of the Priorities in Threats Posed by the U.S Fighter-Bombers in the Future War Based on the Technique for Order-Preference and John Boyd's Theory of Paralysis

Saeid Kafee

ABSTRACT

Studying the modern wars, one can conclude that America's military power is considered as interchangeable with air power. The U.S Air Force has managed to possess the most number of plains than other armies throughout the world. This article tries to explain the philosophy of the development in America's air power on the basis of John Boyd's Theory of Paralysis. It goes on to evaluate that class of plains in the U.S air force which do, or will play the most active role in modern- and possibly in the future- wars in posing America's air threats against its rivals with Delphi technique, and then using the Technique for Order-Preference by Similarity to Ideal Solution, and further to determine the priorities in threats by considering the intended factors. The technique for order-preference by similarity to ideal solution is a technique for determining the relative priorities in the options considered that prioritize the relevant criteria with the minimal interval with the ideal solution and the maximum with the negative solution.

KeyWords: *air power; the threats posed by the U.S Fighter-Bombers; theory of paralysis; the Technique for Order-Preference.*

A Structuralist Analysis of the I.R.I Policy towards the Zionist Regime

Mhammad Nabi Agataghi

ABSTRACT

In developing its intellectual-cultural and ideological foundations, the Islamic Revolution of Iran has been increasingly involved in a reciprocal enmity between the Zionist regime and the Islamic Republic of Iran, one that has lasted three decades in the Revolution's lifetime. In this conflict, the substance of fighting an ideological battle in promoting the objectives held by the Islamic Revolution of Iran has noticeably crystallized. Considering the views held by the Islamic Revolution in its foreign policy against the Zionist regime and vice versa, the author tries to present a scientific argument about the reasons behind such situation by using theory as a device used in international relations. A lot of books and articles have been written on this subject in Persian, Arabic, and Latin. However, less study has been made of the subject from a theoretical viewpoint, where the author, upon an awareness of this fact, has sought to provide a constructivist analysis of the relationship between the Islamic Revolution of Iran and the Zionist regime. In so doing, the article examines the constructivist view, and then evaluates the foreign policy between the Islamic Republic of Iran and the Zionist regime from the perspective of this view. Finally, it sets to analyze the different dimensions of this relationship through assessing it in different approaches.

KeyWords: *constructivism; Islamic Republic of Iran; the Zionist regime; foreign policy; ideology.*

Designing a Model for Developing Iran's Higher Education within the Country's 20-Year Scope with a Focus on the Political-Security Viewpoints

Mohammad Reza Mardani

ABSTRACT

In developing the higher education system and making it efficient on a continuous basis constitutes a most important factor that has effects on the development of the society. The importance of the higher education system is highlighted when involved in guiding and organizing the education, research and technology resources in a way that the interaction between these three areas is boosted and their performance will lead the country towards obtaining the ideal outlook, as it is the expected. A model that can provide for the development of the higher education in every respect is required for obtaining the maximum efficiency and effectiveness of the higher education system.

The present research whose aim is to formulate a development model in higher education has been organized with an emphasis on two dimensions- namely, security and political. Within three areas-namely, education, research, and technology which are three main functions in the above-mentioned system- this research sets out to determine the model, and adopt an optimal orientation, and then to develop and explain the mentioned model and its components and to finally formulate the macro model of the optimal condition by studying the extent of each factor being involved in the structure of the development of the higher education. It should be pointed out that out of the ten factors known to be involved in the development of the higher education, this article is only focused on two factors, namely, political and security.

This research is a fundamental one based on the up-level official documents and the existing sources and references, using the views held by the elites and experts in higher education. Finally, it presents an optimal model for developing the higher education system in two dimensions- namely the political and security- based on the results of the research.

KeyWords: *developing the higher education system; the development model; the 1404 outlook; security; policy.*

A Study of the Role of Military Leadership and Command in the Holy Defense and Future Defense as Viewed by the Supreme War Commanders

Mostafa Khodsyani and Hadi Morad Piri and Esmaeil Khan Ahmadi

ABSTRACT

This research is, on the one hand, touched by the complex role that commanding plays in conducting war in the Holy Defense period and the future war in utilizing the different capacities and opportunities- namely, political, military, economic, social, and cultural- in concluding the war successfully, and on the other, is influenced by the complex conditions, the frequency of the variables, the variety of the threats, different challenges (transregional, regional, and internal) in the way commanders make decisions in two time junctures- namely, the holy defense and the future war. The present writing plans to formulate and explain the role played in the Holy Defense and the future war, and then to provide a convenient model in commanding for conducting the war efforts in the future possible wars, by considering the elevated objectives pursued by the Islamic Revolution, repeated recommendations and directions, the value foundations effective in the victory of the war, the valuable experiences gained during conducting the war in the Holy defense, and future war characteristics. As the result of a research plan, this writing is an applied research in terms of the objective, is analytical-descriptive in terms of the level of analysis, and relies on library and field studies in terms of the approach and classification of methodology. The needed data has been collected through library studies and by using notes and questionnaires. The validity of the measuring device has been based on Cronbach's alpha, which resulted in the reliability coefficient of 0/99 after a statistical analysis of the results.

KeyWords: *future war; the Holy Defense; military command; value foundations.*

The Style of Command in the Alawi Culture

Mohammad Bagher Babaei

ABSTRACT

What style of command do commanders follow in dealing with soft and hard domains? Can a particular style or model be provided? What kind of factors is followed by those involved in the Alawi culture? Which model did Imam Ali (pbuh) pursue in dealing with soft and hard domains? The command is a behavior used by commanders in mobilizing and leading the forces and units so they can gain victory in confronting enemy forces. Considering the way value-based and intellectual parameter is effective in determining how the context and style of behavior is shaped, it can be pointed out that the above-mentioned parameter accounts for the difference in the commanders' styles. In following the insight and the values given by the Koran and the Prophet's Sunna in commanding the soft and hard categories, Imam Ali followed a style which is substantially different from other styles. These include: God-centeredness; duty-orientedness; guiding the humans; having a dualistic view of humans; paying simultaneous attention to material and spiritual objectives; value and instrumental rationality in decision making; rewarding on the basis of perseverance and performance and making a cognitive and intellectual analysis of behaviors.

KeyWords: *Alawi culture; commander; command; the style of command.*

The Discourse of Fighting Terrorism in Nato's Strategy

Ebrahim Mottaghi and Marjan Koochkeyl

ABSTRACT

In the Post-Cold war, a new form of models of security action and interaction has formed between actors. Having rendered the threat from Communism and the Soviet Union inefficient, the United States along with West-European countries invariably try to generate other manifestations of threat in the form of the discourse of fighting terrorism, and to create grounds for countering such threats. A few of the actors who were allied with the United States against the Soviet Union's strategic objectives in the Cold era, have embarked on adopting critical approaches against and strategic objectives.


Such process reveals that in international politics, the threats and interactions have a phasal and changing identity. America's allies who were considered as the freedom fighters in the Cold era, came to be addressed with concepts such as terrorists in the new era. Other threats were taken into account by the United States as well. Nationalist groups, radical groups in the Middle East, and a few of the authoritative counties came to be considered as threats against the United States and Nato through presenting the discourse of terrorism.

In this way, the discourse of fighting terrorism was considered as part of the United States' security strategy, creating an ideological and discursive foundation for performing military operations in various geographical areas. This article examines the process of holding Nato's annual meetings related to generating the discourse of fighting terrorism, and also explains how to employ military power in critical regions on the basis of the discourse of fighting terrorism.

KeyWords: *the discourse pf terrorism; multilateralism; developing democracy; employment of military force; International Security Assistance Force (ISAF); the Prague Summit.*

Table of Contents

The Journal of Defense Policy, Vol. 21, Serial No. 81, Winter 2013

Title	Page
 Articles	
The Discourse of Fighting Terrorism in Nato's Strategy9	
<i>Ebrahim Mottaghi</i> <i>Marjan Koohkeyl</i>	
The Style of Command in the Alawi Culture..... 33	
<i>Mohammad Bagher Babaei</i>	
A Study of the Role of Military Leadership and Command in the Holy Defense and Future Defense as Viewed by the Supreme War Commanders 69	
<i>Mostafa Khodsyani</i> <i>Hadi Morad Piri</i> <i>Esmail Khan Ahmadi</i>	
Designing a Model for Developing Iran's Higher Education within the Country's 20-Year Scope with a Focus on the Political-Security Viewpoints.....109	
<i>Mohammad Reza Mardani</i>	
A Structuralist Analysis of the I.R.I Policy towards the Zionist Regime143	
<i>Mhammad Nabi Agataghi</i>	
An Explanation of the Priorities in Threats Posed by the U.S Fighter-Bombers in the Future War Based on the Technique for Order-Preference and John Boyd's Theory of Paralysis..... 179	
<i>Saeid Kafee</i>	
A Mathematical Model Employed to Choose an Optimum Military Strategy201	
<i>Milad Aghaei</i>	
 English Abstracts	
<i>Seyyed Saadat Hosseini Damabi</i>	

***Editorial, Advisory and Examiner Board of
The Journal of Defense Policy***

Editorial Board

Dr. Ali Akbar Ahmadiyan	Dr. Seyyed Yahya Safavi
Dr. Mohammad Hossein Afshordi	Dr. Jahangir Karami
Dr. Homayoon Elahi	Dr. Manoocher Mohammadi
Dr. Hossein Hosseini	Dr. Seyyed Bagher Mir Abbasi
Dr. Hossein Dehghan	Dr. Seyyed Jalal Dehghani
Dr. Ebrahim Mottaghi	Dr. Hossain Alaei
Dr. Mohammad Ibrahim Sanjaghi	

Examiner Board

Dr. Hossein Ardestani	Dr. Hossein Zarif Manesh
Dr. Seyyed Ali HosseiniTash	Ali Reza Farshchi
Dr. Mohsen Rezaee	Dr. Asghar Gha'edan
Akbar RamezanZade	GholamReza Mehrabi
Dr. Allah Morad Seif	Sayyed Hossein Mohammadi Najm
Dr. Ghadyr Nezami	

Advisory Board

Dr. Hadi Morad Piri	MohammadHossein Ghanbari Jahromi
Seyyed KamaloddinMohammad Rafi'ee	Ahmad MohammadZadeh
Dr. MohammadAli Sobhani	Mahdi NattaghPour
Ahmad GholamPur	

In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

The Journal of Defense Policy

***The Scientific Journal
of Center for Defense Studies and National Security,
affiliated to Imam Hossein (P.B.U.H) University***

Vol. 21, No. 1, Winter 2013, Serial No. 81 (ISSN-1025-5087)

Proprietor: Imam Hossein
Comprehensive University, Defence &
National Security Studies Center

Chairman Manager: Ali Reza Farshchi

Editor: Dr. Seyyed Yahya Safavi

Managing Editor: Ali Ghanbarzadeh

Typesetter and Typographer: mohammad
hossain saadat

Observer of Publication: Andishgah-e
Elmo-San'ate Jahan-e Moaser

Lithograph, Publication and Bookbinding:
Shakib Publications

Address: Defence & National Security
Studies Center; Imam Hossein^(PBUH)
Comprehensive University

Tel: +9821-77105765

Fax: +9821-77105747

P. O. Box: 16765-3459 Tehran, Iran

Book Store: Defence & National Security
Studies Center; Imam Hossein^(PBUH)
Comprehensive University; Shahid
Babaie Exp way, Tehran, Iran.

Tel: +9821-77105741 & 42